

بخشی از
دفاع عما
من

جلد اول



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نام کتاب: بخش‌هایی از دفاعیات من (جلد اول)
نویسنده: محمد علی طاهری
ویرایش و تنظیم: وکلا
ناشر: انتشارات عرفان کیهانی (حلقه)

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است.

All rights reserved. No part of this publication, may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without the prior permission of the copyright holder.

Copyright © MOHAMMADALI TAHERI

Published Interuniversal Press

All Rights Reserved.

ISBN-13: 978-1-943637-06-5

Submitted to U.S. Library of Congress

بخشی از
دفاع‌ها
من

جلد اول

۷	دیباچه
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	حکم برائت از اتهام ارتباط نامشروع سال ۱۳۸۹
۲۱	کیفرخواست سال ۱۳۹۰
۲۳	حکم دادگاه بدوی سال ۱۳۹۰
۵۵	لایحه تجدیدنظرخواهی حکم سال ۱۳۹۰
۶۳	متن دفاعیه وکیل سال ۱۳۹۴
۷۱	متن دفاعیه دادگاه سال ۱۳۹۴
۱۰۷	لایحه وکیل قبل از صدور حکم سال ۱۳۹۴
۱۱۳	حکم دادگاه سال ۱۳۹۴
۱۲۵	لایحه دفاعیه وکیل خطاب به دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۴
۱۶۳	مختصری درباره محمدعلی طاهری
۱۷۳	ضمائم

دیباچه

به نام خدا

اینجانب محمدعلی طاهری، فرزند محمد آقا، متولد ۱ فروردین ۱۳۳۵ در کرمانشاه از ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۹۰ به اتهاماتی واهی از قبیل ارتداد، تهدید علیه امنیت ملی، توهین به مقدسات اسلامی، فساد فی الارض و ... بازداشت شده و بر مبنای حکمی ناعادلانه در حبس به سر می‌برم.

در سال‌های اخیر، حقوق قانونی اینجانب که بنیان‌گذار مکتب عرفان کیهانی (حلقه) و روش‌های طب مکمل ایرانی «فردارمانی» و «سایمنتولوژی» هستم، در موارد متعددی نقض شده است.

اینجانب بنیانگذار و مدیر مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) که به واسطه جذب تعداد بی‌شماری از تحصیل‌کردگان رشته‌های مختلف علوم انسانی، پزشکی و غیره، مورد سوء ظن وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتم و از سال ۱۳۸۷ کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در جلسات محرمانه خود برخورد حذفی با اینجانب و این موسسه را در دستور کار خود قرار داد و در همان سال، اولین اقدام حذفی با تعطیلی کلاس‌های آموزشی شروع شد.

نخستین بار در ۲۹ فروردین ۱۳۸۹ توسط نیروهای اطلاعات سپاه به اتهام تهدید علیه امنیت ملی، در منزل دستگیر شدم و بیش از دو ماه در بازداشت (سلول انفرادی) به سر بردم. بر خلاف قوانین حقوق متهم، رسانه‌ها و وبلاگ‌های متعدد وابسته به اطلاعات بلافاصله به صورت فرآیندمدار و در بازه‌های زمانی کوتاه شروع به تخریب شخصیتی نمودند. این رسانه‌ها اعلام کردند بازداشت محمدعلی طاهری به دلیل راه‌اندازی تشکیلات غیرقانونی، توهین به پیامبر اسلام (ص)، توهین به مقدسات اسلامی، عضویت در گروهک‌های ضد انقلاب و اتهامات بی‌اساس دیگر بوده است. با وجود این اوصاف مرا بیش از دو ماه در سلول انفرادی محبوس و از ارتباط با وکیل و خانواده محروم نمودند. نهایتاً پس از طی مدت مذکور، با قید وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد نمودند؛ در حالی که اتهامات یاد شده هیچ‌گاه قانوناً به من یا وکیل قانونی ام تفهیم نگردیده بود.

پس از آزادی، ادامه تحقیقات در کلیه دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی داخلی توسط وزارت اطلاعات متوقف گردید و نامه‌های محرمانه‌ای مبنی بر عدم همکاری با اینجانب به کلیه مراکز علمی و تحقیقاتی ارسال گردید تا امکان بررسی

نظریاتم غیرممکن گردد.

با وجود این، شیوه‌های طب مکملی که توسط اینجانب پایه‌گذاری شده‌است، توسط شاگردانم در سایر کشورها معرفی شد و نشان‌ها و جوایز بین‌المللی متعددی به من اهدا گردید؛ از جمله دکترای افتخاری از دانشگاه طب سنتی ارمنستان. استقبال خارجی از این نظریات در کنار استقبال گسترده داخلی، منجر به واکنش اطلاعات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی شد و دائما توسط مأموران اطلاعات مورد تهدید واقع شدم تا اینکه مجددا در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ نیروهای امنیت مرا از جلوی درب منزل شخصی‌ام بازداشت کرده، به زندان اوین منتقل کردند. و پس از ۲۴ ساعت بازداشت غیرقانونی، آزادم کردند.

همزمان برخی سایت‌ها اقدام به نشر فتوایی از مراجع تقلید شیعه مبنی بر ارتداد اینجانب نمودند. این فتواها که توسط اطلاعات سپاه و دادسرای امنیت تهران (دادسرای شهید مقدسی اوین) و با استفتائی دروغین و سراسر افترا اخذ شده بود، با هدف حذف فیزیکی اینجانب به صورت حکم دینی لازم الاجرا توسط هر مسلمان متدینی، صورت گرفت.

پس از نشر فتوای مذکور، آزادی‌ام بیش از ۲۲ روز به طول نینجامید و نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ مرا به زندان اوین احضار و برای سومین بار، به اتهام ارتداد بازداشت کردند.

از آن تاریخ تا کنون بیش از ۴۰ ماه است که در بند ۲-الف زندان اوین (تهران) متعلق به اطلاعات سپاه پاسداران به سر می‌برم و در نتیجه فشار شدید بازجوهای پرونده، که مدت زیادی از زمان مذکور را در سلول انفرادی به سر برده‌ام، تا کنون ۴ بار اقدام به خودکشی نمودم که نافر جام بوده است.

روند بازجویی توسط اطلاعات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، با موارد بسیاری از نقض حقوقم همراه بوده است؛ در شرایطی که از هر گونه ملاقات و تماس با خانواده و وکیل محروم بودم، بارها احکامی جعلی مبنی بر حکم اعدام به من نشان داده شده است تا با ایجاد جنگ روانی مرا مجبور به اعتراف علیه خودم کنند. ضمن اینکه به طور مداوم تهدیداتی مبنی بر آسیب‌رساندن به خانواده و نزدیکان و شاگردانم و حتی سوء قصد به آن‌ها در صورت عدم اعتراف مطرح شده است.

۱۰۰ها جلسه بازجویی و تفتیش عقاید همراه با انواع شکنجه اعم از ضرب و شتم، زندان انفرادی، محرومیت از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده و وکیل، ارائه احکام جعلی اعدام به دلیل ارتداد، تهدید به قتل و آسیب‌رسانی به اعضای خانواده و شاگردان و... از جمله بی‌شمار موارد تضييع حقوق اینجانب در سال‌های گذشته است.

در فروردین سال ۹۲، پس از ۲۲ ماه محرومیت از حق مرخصی، سرانجام برای ۶ روز از مرخصی نوروزی برخوردار شدم.

۱۰۰ها جلسه بازجویی و تفتیش عقاید همراه با انواع شکنجه اعم از ضرب و شتم، زندان انفرادی، محرومیت از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده و وکیل، ارائه احکام جعلی اعدام به دلیل ارتداد، تهدید به قتل و آسیب‌رسانی به اعضای خانواده و شاگردان و... از جمله بی‌شمار موارد تضييع حقوق اینجانب در سال‌های گذشته است.

من طی دو سال گذشته بارها در اعتراض به رفتارهای غیرقانونی و غیر انسانی بازجویان اطلاعات سپاه و کارشناسی‌های بازپرس (نماینده دادستان) اقدام به اعتصاب غذا کردم. این اعتصاب غذاهای متعدد در کنار شکنجه‌های روا داشته شده، آسیب‌های جسمی فراوانی به من وارد ساخته است و در حال حاضر که به دلیل گذشت سه سال و نیم (بیشتر از دوسوم) از محکومیت‌م مشمول عفو مقام معظم رهبری شدم، بدلیل مخالفت اطلاعات سپاه از این امکان قانونی محروم مانده‌ام. جالب این است که با اتهامات واهی و اقدامات غیر قانونی مبادرت به افتتاح پرونده‌ای دال بر افساد فی الارض نموده‌اند و با روش غیر قانونی بازداشت موقت‌های دو ماهه و تکرار شونده، نه اجازه بهره‌مندی از عفو رهبری را می‌دهند و نه به بند عمومی اعزام می‌کنند و مرا از هرگونه حقوق شرعی و قانونی‌ام محروم نموده‌اند.

اینجانب بدین وسیله فریاد مظلومیت و دادخواهییم را به گوش‌تان رسانده و استمداد کمک می‌نمایم.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

پیش‌گفتار

عدالتی که فدای اسلام شد

از زمان صدور حکم بدوی «اعدام» به اتهام افساد فی الارض برای محمدعلی طاهری، بنیانگذار مکتب عرفان کیهانی (حلقه) و دو طب مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی یعنی از تاریخ هفتم مرداد ۹۴ تا زمان انتشار این کتاب (بیش از سه ماه)، هنوز این حکم به ایشان ابلاغ نشده است.

این در حالی است که در جریان دادرسی دفاعیات جامع متهم توسط کارشناسان دستگاه امنیتی و قضائی به سرقت رفته و بلکه مستندات ارائه شده از سوی کارشناسان پرونده نیز، به کلی ساختگی و جعلی است و از همین رو، حکم صادره هیچ وجهت قانونی ندارد.

بدیهی است در ارائه دفاعیات هیچ کس حتی وکلانمی‌توانند بسیاری از مطالب را به صراحت خود متهم بیان کنند و سلب فرصت دفاع از متهم به خودی خود نتیجه دادرسی را زیر سوال می‌برد.

از جمله مستندات جعلی ارائه شده در پرونده محمدعلی طاهری می‌توان به فتوای سه تن از مراجع از جمله آیت الله مکارم شیرازی اشاره کرد که بر مبنای استفتاء متقابلانه کارشناسانه پرونده و با ارائه جزواتی جعلی منتسب به متهم صادر شده است که البته از ضمیمه سازی این جزوات به عنوان مبنای فتاوی موجود در میان محتویات پرونده خودداری شده است.

این جعل اسناد و پرونده سازی گسترده که خود مهر تاییدی است بر ناتوانی معاندان و مخالفان محمدعلی طاهری در مباحثه و مناظره و در واقع رویارویی عقلانی با اندیشه ایشان، به جریان دادرسی قضایی محدود نبوده و طی سال‌های گذشته مبنای نگارش مقالات و کتب متعددی شده است؛ کتبی از جمله «افسون حلقه» که به شیوه‌ای آشکار مباحث و متون عرفان حلقه را که در قالب کتب رسمی (با مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) منتشر شده، تحریف کرده است. محمدعلی طاهری در پاسخ به همین کتاب و سایر دروغ‌پردازی‌هایی که مبنای صدور فتوای ارتداد توسط مراجع بوده است، دفاعیاتی را در ۲۵۰ صفحه مکتوب نمود که بلافاصله توسط کارشناسان پرونده (بازجویان اطلاعات قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران جمهوری اسلامی) ضبط شد و باز پس‌گیری آن یکی از مطالبات امروز محمدعلی طاهری است که هفتاد روز در اعتصاب غذای تر به سر برد.

این توطئه آشکار که تداعی‌گر کارشکنی یونانیان باستان علیه سقراط در ۲۵۰۰ سال قبل است، شیوه‌ای قهرآمیز برای مهار یک اندیشه است که مسلماً به حذف بنیانگذار آن ختم نشده، به بهانه مصلحت‌اندیشی و با رویکردی ناروا مبنی بر اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند، سرکوب گسترده‌تر شاگردان و آحاد مردم را با مجازات اعدام و زندان به دنبال خواهد داشت.

با مراجعه به تاریخ و مطالعه ماجرای محاکمه سقراط و اتهامات منتسب به وی مبنی بر فریب و منحرف کردن مردم و جوانان و نیز توهین به خدایان یونان باستان، می‌توان تشابهات بسیار آن را با نحوه برخورد جاهلانه امروز با محمدعلی طاهری مشاهده کرد؛ به گواه تاریخ این بدترین راه ممکن در رویارویی با یک اندیشه است که به خیال خام معاندان، منتهی به پایان کار یک مکتب می‌شود. حال آنکه امروز بشریت شاهد باطل بودن اندیشه و عملکرد مخالفان سقراط است. این روایی تاریخی است که همیشه تکرار شده؛ نه اولین بار است و نه آخرین بار. آن قاضی و کارشناس و بازپرس کوتاه فکر همچنان هستند و سقراط تا ابد سقراط است.

در محاکمه این سقراط معاصر، کارشناسان بی‌کفایت و بی‌سوادی از قبیل مظاهری‌سیف، قاسمی، محرابی، حمزه شریفی دوست و ناصری راد، در لباس روحانیون مذهبی، که از مناظره منطقی و اصولی هراس داشته و در میدان رویارویی فکری قاصر و ناتوان هستند با تحریف آموزه‌های محمدعلی طاهری و جعل مباحث و دروغ پراکنی علیه وی از طرق مختلف از جمله مقالات و کتب و سخنرانی‌های متعدد و جلوگیری از انتشار دفاعیات وی (که به دلیل ترس شدید از روشن شدن ابعاد سیاه این توطئه صورت گرفته است)، به واقع عدالت را فدای مصلحت خود کردند.

در جریان این محاکمه، عدالت فدای اسلام شده است و گویی به جای آن که آیه «یدخلون فی دین الله افواجا» محقق شود، «یخرجون من دین الله افواجا» اتفاق افتاده است. در حالی که عرفان حلقه خود یک زیر مجموعه از عرفان اسلامی است و می‌تواند در دنیا افتخاری برای عرفان اسلامی به وجود آورد و اصلاً نیازی به مقابله با آن نیست و حتی می‌بایست از آن حمایت می‌کردند.

باید دید این عده چگونه پاسخگوی مردمی خواهند بود که خواستار پخش تصاویر محاکمه محمدعلی طاهری هستند؛ یک انسان بی‌گناه چگونه و با چه مدرکی در این دادگاه به اعدام محکوم شده است؟! هیچ.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

رؤیت تکراری بی‌امان تاریخ و تجدید تجربیات و خطاهای گذشته بشری گویی آنقدر بدیهی شده است که به نظر می‌رسد از انسان انتظار دیگری جز مردود شدن در امتحانات تکراری نمی‌رود.

قرن‌هاست که نزاع بین عارف و زاهد و عالم تکرار شده، بالا گرفته و همچنان در اوج باقی مانده است. درحالی که امید می‌رفت در هزاره سوم و در قرن بیست و یکم بشر به حداقل فهم و درکی رسیده باشد که باز هم انسان‌هایی والاگهر را به همان اتهامات واهی تاریخی، به جرم ناکرده به کیفر نرساند.

هیپات و افسوس که اذهان آدمیان فراموشکار و ناآگاه است. برای تاریخ فراموش‌شدنی نیست که سقراط اندیشمند و فرهیخته را به جرم گمراه کردن جوانان و به اتهام سست کردن باور مردم نسبت به خدایان محاکمه و به مرگ محکوم نمودند. در گذشته نیز شیخ اشراق را به اتهامات واهی که مشهورترین آن ادعای ارتباط با روح‌القدس بوده است به شهادت رساندند یا ملاصدرا یا منصور حلاج و... ولی مرور گذشته‌ها گاهی نوید بیداری داده و این امید را شعله‌ور کرده است که بالاخره بشر قرن بیست و یک تا این حد کودن و نادان نیست که چنین خطای فاحشی را تکرار کند.

بهتر است از مبهم‌گویی پرهیز کنم و شفاف و روشن به عرض برسانم که سه دهه از بنیانگذاری مکتبی به نام عرفان حلقه و دو رشته طب مکمل ایرانی، فرادرمانی و سایمنتولوژی، توسط محمدعلی طاهری در ایران می‌گذرد. ایشان در طی این سال‌ها، ضمن انجام تحقیقات گسترده و وسیع در سطوح داخلی و بین‌المللی و کسب نتایج بسیار جالب توجه، در داخل و خارج از کشور مورد استقبال قرار گرفت تا آنجا که از طرفی، سیل گسترده‌ای از اقشار مختلف اجتماع اعم از پزشکان، پرستاران، روان‌شناسان، مدیران ارشد دواپیر، عالمان حوزه دین و دانشگاه، روحانیون، کسبه، تجار، کارمندان، زنان خانه‌دار، افراد عادی و حتی دانش‌آموزان سطوح مختلف از ابتدایی تا متوسطه برای گذراندن دوره‌هایی که ایشان با اخذ مجوزات قانونی دایر کرده بود به مؤسسه فرهنگی - هنری عرفان کیهانی (حلقه) سرازیر شدند و از سوی دیگر، مجامع علمی و دانشگاهی و بیمارستان‌های تحت پوشش مراکز دانشگاهی برای بهره‌مندی از نظریات و دو رشته طب

مکمل بنیانگذاری شده توسط ایشان با وی قراردادهای و توافقات همکاری منعقد نمودند.

بازتاب تلاش‌ها و فعالیت‌های وی منجر به آن شد که در سی و یک کنگره و همایش علمی بین‌المللی خارجی و ده‌ها کنگره بین‌المللی داخلی، نتایج تحقیقات و دستاوردهای علمی ایشان منتشر و مورد بحث و بررسی قرار گیرد و این بازتاب‌های جهانی منتهی به آن شد که مراکز و مجامع بین‌المللی ایشان را شایسته تقدیر و تشکر دانسته و انواع نشان‌ها و مدال‌های افتخار و دکترای افتخاری به وی اعطا نمایند و در نشریات و رسانه‌های صوتی، تصویری، کاغذی و مجازی داخلی منعکس نمایند.

لیکن دشمنان هر حرکت خدامحور و حق‌مدارانه، شامل مافیای قدرت، مافیای مواد مخدر و دارو، مانند همیشه دست به توطئه‌ای کثیف زدند و با تهیه و تدارک مستندات مجعول و نادرست به شکلی تمام‌قد در برابر حق ایستادند.

بدواً درصد تخریب شخص استاد محمدعلی طاهری از طریق منتسب کردن نسبت‌های ناروایی چون ارتباط نامشروع با زنی شوهردار برآمدند و با صرف پول فراوان و لابی‌های قدرتمند در دادگاه مفاسد اخلاقی و منکراتی طرح دعوی و شکایتی نمودند و با استفاده از همان لابی‌ها توانستند زمان تحقیقات و رسیدگی به پرونده را طولانی نمایند به نحوی که بتوانند با سم‌پاشی و ایجاد جو روانی جلوی فعالیت‌های علمی-تحقیقاتی ایشان را در مراکز علمی و معتبر کشور بگیرند. ایشان در این راه بسیار موفق بودند و لیکن به فضل الهی و لطف پروردگار و وجود قاضی‌ای شجاع و خداترس نتوانستند در آن مقطع به مقاصد خود برسند و ایشان از اتهامات منتسب تبرئه شدند. به نظر می‌رسد عدم موفقیتشان در این خصوص باعث شد تا با انجام کاری کارشناسانه و با تهیه مستندات و مدارکی مجعول، این‌بار با دستی پر و تدارک لابی‌های قدرتمند و امنیتی پرونده‌ای برای آقای طاهری تدارک ببینند که هیچ قاضی‌ای جرأت نکند خارج از اراده ایشان اقدامی کند یا حکمی صادر نماید.

در قدم دوم با ساختن مؤسسه‌ای دروغین و غیرواقعی به نام مؤسسه فرهنگی امام رضا (ع) در تبریز و شخصیتی غیر واقعی و موهوم به نام حمید موسوی فرضیاتی نادرست و دروغین را به استاد محمدعلی طاهری منتسب نموده و اعتبار و حیثیت کشوری را نشانه گرفتند و با تهیه استفتائاتی مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی از قبیل اینکه اگر در کلاس‌هایی (کلاس‌های عرفان حلقه) بگویند نماز نخوانید یا به ائمه اطهار علیهم‌السلام توهین کنند و آنان را غیر معصوم بدانند و یا رعایت حجاب نکنند و مختلط باشند یا شیطان را ستایش کنند و بگویند او فقط موحد است، آیا گوینده چنین مطالبی مرتد نیست و حکم شرکت در چنین کلاس‌هایی چیست؟

بدیهی است که مراجع تقلید نیز پاسخی متناسب با سوال می‌دهند بدون اینکه از ذالت و بی‌شرمی طراحان این توطئه باخبر باشند؛ مراجع محترم با اکتفا به توضیحی مختصر و کوتاه تصریح کردند که با کلاس‌های مذکور آشنایی ندارند و با فرض مذکور، حکم چنین است و بدین ترتیب فتوای خود را مطرح نمودند و توطئه‌گران فرض مذکور را کم‌کم بی‌رنگ و بی‌اثر کرده و اصل را بر آن استوار نمودند.

پس از فاز اول که شامل برخورد حذفی و فیزیکی با آقای طاهری است فاز دوم پروژه و برخورد با مجموعه آغاز می‌شود. در این برخورد سازمان‌یافته، مبادرت به دستگیری گسترده شاگردان و مربیان مکتب عرفان حلقه نمودند تا از این طریق به اثبات برسانند که محمدعلی طاهری با راه‌اندازی مجموعه عرفان کیهانی (حلقه) مبادرت به انحراف و

افساد در افکار عمومی نموده، با این امید که بتوانند از خیل دستگیرشدگان شکایتی را برای ایشان دست و پا نمایند و یا به صدور احکام واهی توهین به مقدسات اسلامی به اثبات برسانند که شخص آقای طاهری و مربیان عرفان حلقه، اقدام به تربیت افرادی نموده‌اند که به مقدسات توهین می‌نمایند.

به‌رغم انواع تهدیدها و فشاری که در زمان بازداشت، با بی‌رحمانه‌ترین اشکال و روش‌هایی غیر انسانی به افراد وارد آوردند موفق نشدند تا ایشان را مجاب کنند که از آقای طاهری شکایت کنند و دست آخر ناچار شدند با تدارک مقدماتی نادرست و با فشار به دستگاه قضایی احکامی واهی مبنی بر توهین به مقدسات اسلامی را برای ایشان صادر نمایند.

کتاب پیش‌رو به منظور آگاه‌سازی افکار عمومی، با ارائه اسناد و مدارک معتبری که اهداف شوم دست‌اندرکاران این پرونده‌سازی عظیم را رسوا می‌سازد و بی‌سامانی دستگاه امنیتی و عدم یکپارچگی مدیریت کشور را نشان می‌دهد، تهیه و تدوین شده است.

بی‌اعتمادی متولیان کشور به دستگاه‌های امنیتی و انتظامی منجر به آن شد که اطلاعات سپاه بتواند در این آشفته بازار، مورد وثوق بی‌چون و چرای متولیان کشور قرار گیرد. به نحوی که هر دروغی را کارشناسان بی‌سواد و بی‌تجربه با قدرت اسلحه و زور تحمیل نمودند عین حق و حقیقت جلوه دهند و برای حفظ آبروی خود ناچار شوند بر تمام این دروغ‌ها و سیاه‌نمایی‌ها صحنه گذاشته و آن‌ها را تایید نمایند.

غافل از اینکه دروغ و ارباب عمری طولانی نداشته و روشنای حق و حقیقت صفحه گیتی را خواهد گرفت.

به‌زودی ان‌شاءالله
الیس‌الصبح بقریب

حکم برائت از اتهام ارتباط نامشروع سال ۱۳۸۹

به نام خدا

معاندین مجموعه عرفان کیهانی (حلقه) در قالب مافیای قدرت، مواد مخدرو دارو و به منظور بدنام کردن و فروپاشی مجموعه و خصوصاً شخص آقای طاهری در راستای اعمال و رفتار غیر اخلاقی خود از هیچ عملی فروگذار نکردند.

در همین راستا ابتدا فردی را با ظاهری مشفقانه و دوستانه وارد مجموعه نمودند که هر اقدام انسان دوستانه و بشردوستانه ای اعم از کمک به راه اندازی فرادمانگه و تلاش برای اخذ مجوزات قانونی را انجام می داد. این فرد بهرام روشن منش نام دارد. مشارالیه پس از زمان کوتاهی که معلوم شد نمی تواند به اهداف خود شامل: اخذ اکثریت سهام موسسه عرفان کیهانی (حلقه) به شماره ثبت ۲۰۱۱۵ و احراز سمت تصمیم گیرندگی در مجموعه مذکور برسد، اقدامات تخریبی خود را آغاز نمود.

با توجه به اینکه وی ارتباطات وسیعی با مراکز امنیتی چون اطلاعات سپاه و حراست بیت رهبری داشت، مبادرت به اقدامات ناشایست زیادی نمود، از جمله ارائه گزارشات کتبی و خلاف واقع به مراکز امنیتی فوق الذکر و سپس برای قانونی جلوه دادن ادعاهای خود در دادسرای ارشاد با عنوان روابط نامشروع پرورنده ای برای آقای محمدعلی طاهری طرح و به جریان انداخت. وی به دلیل اینکه از ۱۰ سال قبل با همسر دوم خود مشکلات عدیده ای داشت و مشارالیهها نیز در سال های نزدیک با این مجموعه آشنا شده بود، خواست با یک تیر دو نشان زده و از طریق طرح دعوا بر علیه همسرش از یک سو و آقای طاهری از سوی دیگر، هم همسرش را آزار نماید (زیرا تا پیش از آن، در تمام مراجع قانونی ای که زن و شوهر دعوی بر علیه هم داشتند، محکوم شده بود) و هم در سوی دیگر، ناکامی در بدست آوردن مقام تصمیم گیرنده اصلی در مجموعه عرفان کیهانی را با به تعطیلی کشاندن و بی آبرو نمودن مجموعه جبران نماید.

بهرام روشن منش ویتیرینی بود از تمام ایادی پشت پرده ای که مافیاهای فوق الذکر تا آن مقطع برای بی آبرو کردن و به تعطیلی کشاندن مجموعه عرفان کیهانی به میدان آورده بودند.

ای کاش می شد آحاد مردم نیز امکان دسترسی به پرونده مذکور و سیر رسیدگی و زمان تشکیل و نحوه تحقیقات برایشان ممکن بود و سفارشات و دستورات مضبوط در پرونده به رؤیت عموم می رسید تا آگاه می شدند که چگونه مافیای قدرت، مواد مخدر و دارو برای اثبات ادعایی ناروا با تمام قدرت به میدان آمد و اگر رشادت و آزادگی قاضی

رسیدگی کننده به پرونده نبود، معلوم نبود چه حکمی برای این ادعای پوچ و واهی صادر می شد.
حکم برائت در ادامه آمده است.



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۹۰۹۹۷۳۱۲۴۲۰۰۱۷۵
شماره پرونده: ۸۷۰۹۹۸۲۱۲۳۸۰۰۹۹۰
شماره بایگانی شعبه: ۸۹۰۰۵۱
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۹/۰۳/۱۲
پیوست:

شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران (مجتمع قضایی ارشاد)

دادنامه

تاریخ رسیدگی: ۸۹/۳/۱۱ کلاسسه پرونده: ۸۹۰۰۵۱ شماره دادنامه: ۱۷۵

شاکی: بهرام روشن منش فرزند باقر بنشانی

متهم: (۱) محمدعلی طاهری فرزند محمد با وکالت سمیه رفیعی بصیری و کماندار گوزلی بنشانی

اتهام: ارتکاب فعل حرام بواسطه حضور در جلسات مختلط (ارتباط نامشروع)
گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق پرونده ختم دادرسی را اعلام و بشرح زیر مبادرت بصدور رای مینماید.

«رای دادگاه»

در خصوص اتهام (۱) محمدعلی طاهری فرزند محمد با وکالت سمیه رفیعی بصیری و کماندار گوزلی و مینی بر ارتکاب فعل حرام بواسطه حضور در جلسات مختلط (ارتباط نامشروع) موضوع شکایت بهرام روشن منش (همسر متهمه ردیف دوم) با عنایت به جمیع محتویات پرونده، تحقیقات انجام شده و مفاد کیفرخواست صادره از سوی دادسرای ناحیه ۲۱ تهران و توجه به دفاعیات متهمین در جریان دادرسی که مکرراً منکر ارتکاب بزه موصوف گردیده و مذاقه در دفاعیات وکلاء آنان که عمدتاً علت طرح شکایت کیفری از سوی شاکی وجود اختلافات خانوادگی، رجوع به محاکم خانواده و حتی صدور حکم طلاق متهمه ردیف دوم از محکمه بدوی و همچنین سایر اختلافات خانوادگی عنوان نموده اند همچنین صرفنظر از اظهارات شاکی در جلسه دادگاه که بیان داشته علیه متهم ردیف اول (محمدعلی طاهری) به اتهامات ذکر شده ارتکاب فعل حرام یا ارتباط غیر شرعی شکایت مطرح نموده و در این مورد ادعائی ندارد به جهت فقد ادله اثباتی شرعی و قانونی و عدم حصول علم و یقین بر بزهکاری آنان به اتهام ذکر شده و اینکه محتویات پرونده در مورد متهم ردیف اول دلالت بر بر پائی جلسات و کلاس هائی پیرامون عرفان کیهانی با اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح داشته که تصاویر ارائه شده پیوست پرونده موید رعایت شئون اسلامی و پوشش مناسب در جلسات مذکور می باشد و همچنین صرفنظر از عدم انطباق عنوان مجرمانه متهمین در مفاد قرار مجرمیت صادره از سوی بازپرس محترم شعبه ۸ دادسرای ناحیه ۲۱ تهران و مفاد کیفرخواست صادره بنحویکه در قرار

بیت...



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۹۰۹۹۷۲۱۲۴۲۰۰۱۷۵

شماره پرونده: ۸۷۰۹۹۸۲۱۲۳۸۰۰۹۹۰

شماره بایگانی شعبه: ۸۹۰۰۵۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۸۹/۰۲/۱۲

شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران (مجتمع قضایی ارشاد) پیوست:

دادنامه

مجرمیت عنوان اتهامی متهمین ارتکاب فعل حرام بواسطه حضور در مجالس مختلط و در کیفرخواست صادره ارتباط غیر شرعی با نامحرم درج گردیده به جهت فقد ادله اثباتی بر احراز بزهکاری آنان و عدم حصول علم و یقین به صرف ارائه عکس هائی از میهمانی خصوصی متهم ردیف دوم بنحویکه در بسیاری از عکس های ارائه شده شاکی نیز حضور داشته بزهکاری آنان محرز و مسلم نبوده و به استناد ماده ۱۷۷ از قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۷ از قانون اساسی حکم به برائت آنان از اتهام موصوف صادر و اعلام میگردد. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد. /ک

شهباز صحرائیان

رئیس شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران

کیفرخواست سال ۱۳۹۰

مرجع رسیدگی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

شاکی :

گزارش ضابطین

اتهامات :

۱- افساد فی الارض

۲- توهین به مقدسات

۳- دخالت در امر پزشکی

۴- تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیر مجاز و فعالیت غیر قانونی در این زمینه

۵- ارتکاب فعل حرام و رابطه نامشروع

۶- تحصیل مال نامشروع و کلاهبرداری

۷- استفاده غیر مجاز از عناوین علمی حسب کیفرخواست صادره

حکم دادگاه بدوی سال ۱۳۹۰

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۰/۰۹/۰۸

پرونده کلاسه: ۱۸۵۹۳/۹۰/تد

شماره دادنامه: ۵۰۲/۹۰

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

شاکی: گزارش ضابطین قضائی

متهم: آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا

وکیل: خانم شادی رصدی

اتهامات: ۱- افساد فی الارض ۲- توهین به مقدسات ۳- دخالت در امور پزشکی ۴- تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز و فعالیت غیرقانونی در این زمینه ۵- ارتکاب فعل حرام و روابط نامشروع ۶- تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری ۷- استفاده غیرمجاز از عناوین علمی.

پس از جری تشریفات قانونی، دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی انشاء رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

حسب کیفرخواست صادره در پرونده کلاسه ۱۸۵۹۳/۹۰/تد شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تهران مجتمع شهید مقدس آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا، متولد ۱۳۳۵، شماره شناسنامه ۳۱۱۹۱، صادره از کرمانشاه، ساکن ---، تلفن ---، شیعه، تبعه ایران، محبوس با قرار بازداشت موقت از تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۴ با وکالت خانم شادی رصدی متهم است به: (۱) افساد فی الارض (۲) توهین به مقدسات (۳) دخالت در امور پزشکی (۴) تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز و فعالیت غیرقانونی در این زمینه (۵) ارتکاب فعل حرام و روابط نامشروع (۶) تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری (۷) استفاده غیرمجاز از عناوین علمی.

دادگاه پس از وصول پرونده اتهامی چهار روز تشکیل جلسه داده و هر جلسه که بین آن تنفس نیز وجود داشته است حدود پنج ساعت بوده است. جمعا بیست ساعت اظهارات نماینده دادستان، متهم و وکیل مدافع وی را استماع نمود و به جهت روشن شدن مبانی تصمیم نهایی خود ابتدا کیفر خواست، سپس اظهارات شکات و در پی آن دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی را نقل می‌کند. در پایان هم قضاوت خود را بیان خواهد کرد. در متن کیفرخواست چنین آمده است... همواره در بستر تاریخ هر کجا که آهنگ و نوای کلمه الله طنین انداز گردیده و شرایط برای تشکیل حکومت دینی فراهم و با حکومت دینی محقق شده است، دشمنان خدا و دین به مقابله با آن برخاسته و به طریق مقتضی سعی در جلوگیری از ایجاد حکومت دینی و یا نابودی آن نموده‌اند که از صدر اسلام تا کنون اصل این دشمنی آشکار و بعضاً پنهان شیطان و جنود وی به خوبی مبرهن است و تنها تفاوت موجود، در نحوه‌ی این دشمنی و ابزار مورد استفاده‌ی ایشان است، در دوران معاصر با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و برقراری حکومت دینی و ضد استکباری که استقرار و نهادینه شدن اهداف آن با منافع برخی دولت‌ها در تضاد است؛ دشمنی دولت‌های مستکبر جهان با این انقلاب و اهداف آن به اوج رسید. در این راستا دشمنان با ارزیابی ابعاد حکومت دینی دو اصل مهم ۱- اعتقاد و ایمان مردم و مسئولین به ارزش‌های ناب اسلامی ۲- اتحاد و پشتیبانی مردم از جمهوری اسلامی بر پایه‌ی ولایت فقیه را عوامل اصلی ایجاد و بقاء این انقلاب دانسته و در جهت ایجاد ضربه به انقلاب ترجیحاً نابود کردن آن، کلیه فعالیت و حمایت‌های خود از هر گونه جریانات انحرافی در داخل و خارج کشور را متمرکز بر روی این دو اصل نموده‌اند. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۲۷ در اجتماع بزرگ مردم قم موید این نکته است جایی که می‌فرمایند: «این که شما ملاحظه می‌کنید از سال‌های دهه‌ی ۶۰، از دوران حیات با برکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آن‌ها از داخل مقدسات دینی راه، بیانات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار داده‌اند، این یک چیز تصادفی نبوده است، روی این تکیه داشته‌اند. این مسأله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاده برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند، در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، به خصوص نسل جوان را متزلزل کنند، از اشاعه‌ی بی‌بند و باری و... تا ترویج عرفان‌های کاذب، جنس بدلی عرفان حقیقی، تا ترویج بهائیت، تا دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد، هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کنند.» ایشان در مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۱۱ در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری می‌فرمایند: «البته در اینجا و در این شبهه‌هایی که به طریق مختلف مطرح می‌شود، همه وظیفه دارند که برابر این هنجار شکنی‌های دینی که در این سایت‌ها و در این اظهارات مشاهده می‌شود و این فرقه‌سازی‌هایی که وجود دارد و این هنجارشکنی‌های اخلاقی و جنسی که انسان مشاهده می‌کند و از این قبیل چیزها بایستند.» آنچه مسلم است ترویج عقاید و اندیشه‌های التقاطی و ابداع مذهب و عرفان‌های ساختگی وارداتی از شاخص‌ترین ابزار دشمن در تدارک جنگ نرم علیه نظام اسلامی است. اساساً مردم به لحاظ ذاتی کمال‌جو و معنویت‌طلب هستند و حرکت آن‌ها به سوی جریانات فکری و اندیشه‌ای براساس همین فطرت خداجوی ایشان است که ضعف در چشاندن حلاوت واقعی تفکر اسلامی و عدم پاسخگویی به موقع و صحیح به شبهات و وجود زمینه‌های خرافه‌گری در جامعه همگی بستر و زمینه را برای برخی افراد سودجو فراهم نموده تا با ایجاد نخله‌های کاذب و انحرافی عرفانی و وارداتی، سوء استفاده‌های فراوانی از احساسات پاک مردم صورت پذیرد به نحوی که این مدعیان دروغین با ایجاد دکان برای خود، مشتریان عرفان و معنویت را از صراط مستقیم و حقیقی ربوده و به سوی خود

جذب کرده و به انحراف می‌کشاند. پرونده حاضر واخوانی و بررسی اقدامات مجرمانه‌ی یکی از همین افراد به هويت آقای محمدعلی طاهری می‌باشد. نامبرده که متولد کرمانشاه است، در زمان رژیم شاهنشاهی، مطمع نظر ساواک جهت اعزام به آمریکا و همکاری بوده و حسب بررسی‌ها و کنترل‌های فنی و اطلاعاتی دارای گرایش‌های مارکسیستی و فدایی خلق می‌باشد. ایشان به دنبال کسب مدارک تحصیلی و علمی به کشورهایی از جمله ژاپن و ترکیه سفر نموده لکن عملاً دارای هیچ مدرک تحصیلی و آکادمیک دانشگاهی نبوده کما این که نتوانسته حتی مدرک دیپلم خود را به این مرجع ارائه نماید. نامبرده به نحو ابهام برانگیزی پس از حضور سه ساله در ترکیه که حسب ادعای خویش در یکی از دانشگاه‌های آن کشور تحصیل نموده (هرچند که نام وی در آن دانشگاه ثبت نشده است)، بدون اخذ هرگونه مدرک به ایران بازگشته و خود را مهندس مکانیک معرفی می‌نماید. با شکست تفکرات مارکسیستی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وی نیز دچار سردرگمی فکری شده و شروع به انجام مطالعه برای یافتن فلسفه‌ای جدید برای خود نموده است. حسب ادعای خود متهم که در پرونده مضبوط است نامبرده اظهار می‌دارد: ادر دهه‌ی ۶۰ با دریافتی مواجه شدم که در آن برخی از روابط حاکم بر جهان هستی مکشوف شد از جمله هوشمندی حاکم بر جهان هستی و ارتباط آن با انسان و با خالق خود که نتیجه آن منجر به درمان می‌شد. هضم این موضوع برای خود من بیش از یک دهه طول کشید و چند سال ترمینولوژی و نحوه‌ی بیان آن وقت گرفت زیرا این توصیف مثل طعم سیب است که مشکل است. پس از آن که تعاریف اولیه برای موضوع درمان پیدا شد به تدریج شروع به طرح آزمایشاتی مبنی بر صحت و سقم چگونگی تجربه‌ی علمی آن شدم که خوشبختانه با جواب‌های خوبی مواجه شدم و نتایج حاصله شگفت‌انگیز بود و نظر روان پزشکان و عوام جلب شد... [متهم با چسباندن تکه‌تکه گفته‌های دیگر مکاتب و تعریف اسامی جدید از اصطلاحات رایج در این مکاتب، فرقه‌ای جدید به وجود آورده و این موارد را به دریافت‌های عرفانی حاصل از اتصال با شعور الهی نسبت می‌دهد. همانگونه که پیداست مبنای شکل‌گیری این فرقه اندیشه‌ی انحرافی متهم براساس یک دریافت ماورایی و شخصی و خودساخته می‌باشد. متهم با گذاردن نام عرفان حلقه (کیهانی) و طب فرادرمانی و با تشکیل کلاس‌های کاملاً غیرقانونی به ترویج این عقیده در میان برخی پزشکان و عوام‌الناس پرداخته و با ادعای اتصال به روح‌القدس و ماوراء، به درمان بیماران با درس‌های ساختگی و عجیب و غریب مبادرت می‌ورزد. وی با طرح عقاید التقاطی خویش که به واقع بازگویی و تکرار عرفان‌های شرقی و غربی و نمایش دیگری از آنهاست، کلاس‌های فرادرمانی و عرفان حلقه را به دوره‌های پرورش مستر به گونه‌ای هرمی با اخذ مبالغه به عنوان شهریه تبدیل کرده و پس از پایان هر دوره‌ی شش هفته‌ای، پایان‌نامه‌های مجعول و خودساخته و بی‌اعتبار به عنوان فرادرمانی به هریک از شاگردان اعطا نموده و از این پس این افراد نیز به عنوان فرادرمانگر با دریافت حلقه اتصال به غیب، دارای قدرت درمان بیماری‌ها و ترویج عرفان کیهانی می‌گردند. متهم با شیوه‌ای زیرکانه و برای جذب اعتماد عمومی و تثبیت موقعیت خویش به تألیف چند جلد کتاب حاوی عقاید انحرافی خویش روی آورده و برای امکان تأیید کتاب‌هایش در مراجع ذیربط به سراغ آقای دکتر (منصوری لاریجانی) رفته و ایشان را با فریب، متقاعد به نوشتن مقدمه بر کتاب‌هایش می‌نماید و از این راه درصدد کسب اعتبار برای عقاید خویش در محافل علمی و عقیدتی اجتماعی برآمده است. هر چند دکتر منصور لاریجانی با آگاهی از عمق سوءاستفاده متهم از نام مربی و احراز تفکرات انحرافی وی، با اعلام برائت و شکایت از نامبرده طی نامه‌ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواهان توقیف چاپ کتاب‌ها می‌شود. (صفحه ۴۳۲ الی ۴۳۳) متهم با راه‌اندازی سایت اینترنتی به تدریج کلاس‌های خود را در سراسر کشور گسترش داده و هر روز بر تعداد مسترهایی که پایان‌نامه‌های موهوم از متهم و به امضای وی

دریافت کرده‌اند، افزوده می‌شود و از سوی دیگر با انعقاد قراردادهای غیرقانونی و خارج از چارچوب و ضوابط اداری با دانشگاه علوم پزشکی ایران و دانشگاه تهران، آملی تئاتر این مکان‌های علمی را به پوشش معتبر برای برگزاری دوره‌های فرادرمانی تبدیل کرده است. متهم محمدعلی طاهری در اقدامی قابل تأمل و هدفمند برای فرقه‌ی عرفان حلقه و طب فرادرمانی کمیته‌های مختلفی تعریف نموده است که با گماردن افراد مورد وثوقش در هر یک از کمیته‌ها، پیگیری امور را به ایشان سپرده است. کمیته‌های مذکور عبارتند از: کمیته‌ی پزشکی، کمیته‌ی قرآن پژوهی، کمیته‌ی عرفان پژوهی، کمیته‌ی سایمنتولوژی، کمیته‌ی علمی و کمیته‌ی حقوقی. فعالیت متهم به صورت علنی و گسترده از سال ۱۳۸۳ با تشکیل کلاس‌ها و درمانی‌های وی آغاز و نهایتاً در سال ۱۳۸۹ با تشکیل پرونده‌ی قضایی علیه وی پیرو مراجعات و شکایات مردمی، نامبرده بازداشت شده، پس از تحقیقات اولیه، با اذعان وی به وجود تناقضات آشکار در عقایدش و اقرار به خطای خویش در نشر تفکرات عرفانی کاذب، در پرونده‌ی حاضر کتباً متعهد گردیده که کلیه فعالیت‌های ظاهراً عرفانی و علمی‌اش را متوقف و از برگزاری کلاس‌ها خودداری نماید. لکن پس از آزادی از زندان با انجام سفرهایی به کشور آذربایجان و ارمنستان اقدام به اخذ مدرک دکتری افتخاری نموده تا با طرح در رسانه‌ها، سایت‌ها و مطبوعات داخلی بر اعتبار خویش بیفزاید که البته بی‌اعتباری این مدارک از سوی مراجع ذیربط رسماً و کتباً اعلام شده است. همچنین موضوع «طب مکمل و فرادرمانی» در هیچ مرجع رسمی ثبت و ضبط و تأیید نشده و هیچ دلیل قطعی مبنی بر تأثیر مطلوب این نوع درمان در کنترل و بهبود بیماران به دست نیامده است و نمی‌تواند مورد تأیید مجامع پزشکی باشد. طی استعلام انجام شده از سوی شعبه بازپرسی، مشاور وزیر بهداشت و مدیر کل حراست آن وزارتخانه رسماً اعلام نمودند که در وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی هیچ‌گونه مجوزی به نام موسسه‌ی عرفان کیهانی و طب مکمل صادر نگردیده و این موسسه فاقد وجهات قانونی است. اما متهم علی‌رغم علم به غیرقانونی بودن عملکردش، شخصاً به درمان بیماران مورد ادعایش با روش ابداعی و با صدور پایان‌نامه‌های ساختگی، سایرین را نیز (حسب ادعای خویش) با تفویض تشعشع دفاعی، قادر به فرادمانگری نموده است. متهم در جلسه‌ی بازپرسی در این خصوص اظهار می‌دارد: «مسئول کمیته‌ی حقوقی قاضی لهراسبی تقریباً پس از یک سال آشنایی ایشان در خصوص فرادرمانی متقاعد شدند و پس از آن رویکرد جدیدی را آغاز کردند. با طرح این مساله که این فعالیت فاقد مجوزهای لازم است و ممکن است تحت پیگرد قانونی و مداخله در امور پزشکی و غیره قرار بگیریم و این را به عنوان نظر یک قاضی مطرح نمودند. ضمن این که ایشان واقعیت و حقیقت موضوع را از نزدیک لمس کرده بودند... پس از طرح این اشکالات از سوی ایشان بنده درخواست نمودم با توجه به این که ایشان بنده را از مشکلات قانونی که نمی‌دانستم مطلع نمودند لطف کرده راه‌های کسب مجوزهای قانونی و راهنمایی‌های لازم را مبذول کرده و در صورت لزوم برای بررسی جدی، کمیته‌ای را تشکیل دهند که مورد موافقت قرار گرفت و به دنبال راهنمایی‌های ایشان در جهت کسب هویت قانونی در قالب یک تیم پزشکی به وزارت بهداشت مراجعه و راه مذاکره با این وزارتخانه را باز نموده و به نهاد ریاست جمهوری مراجعه و همچنین وزارت کشور و ثبت مؤسسه و اقدام نمودیم تا نظر مراجع به تدریج جلب شود و لیکن متأسفانه تا همین چند ماه قبل نیز که با وزارت بهداشت در مذاکره و جلسه و طرح پروپزال علمی آسم به نتیجه مثبتی نتوانستیم برسیم.»

افساد فی الارض (از طریق ایجاد فرقه‌ی عرفان کیهانی و تشکیل کلاس و بسط تفکرات انحرافی ضد دین و خلاف شرع و ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم و اعتقادات مذهبی ایشان به صورت گسترده و فعال در سطح داخلی و خارجی): اساسی‌ترین و اصلی‌ترین اتهام متهم افساد فی الارض است که به شرح این اتهام و دلایل انتساب آن به متهم

می پردازیم. در تعریف فساد آمده است فساد ضد صلاح، به معنی تباہ، نابودی و متلاشی شدن می باشد و در معنی خروج چیزی از حالت اعتدال نیز به کار می رود. در قرآن کریم حدود ۵۰ مورد کلمه فساد و مشتقات آن بکار رفته است که با بررسی آیات مرتبط با موضوع می توان فساد را به طور کلی به معنای تغییر و به هم ریختن نظم و اعتدال دانست. برخی معتقدند فساد فی الارض تمامی گناہانی را که دارای مفسده عمومی هستند در برمی گیرد. با عنایت به گستردگی حجم فعالیت های غیرقانونی متهم در سطح کشور به خوبی آشکار است که با توسل وی به برخی روش های فریبکارانه برای موجه جلوه دادن اقدامات خویش، بسترهای لازم را برای فعالیت بدون دغدغه از هرگونه برخورد قانونی و قضایی احتمالی ایجاد نموده، در طول چند سال اخیر به فعالیت خود ادامه داده است. شیوه جذب و عضوگیری در فرقه ی مزبور دقیقاً به مانند شرکت های گلد کوئیستی با روش هرمی بوده به گونه ای که هر عضو می باید حداقل ۳۵ نفر وارد حلقه نماید تا آن ها نام خود را در ارتباط ویژه وارد کنند مضافاً این که اساس تربیت شاگردان و اعطای پایان نامه ی فرادمانی به هر شاگرد و تبدیل او به مقام (مستر) به واقع تجویز امکان تدریس و تبلیغ و تربیت شاگردان بعدی در کلاس های تشکیل شده توسط هر مستر و به همین نحو الی آخر می باشد و همین شیوه باعث عضوگیری روزافزون فرقه در سراسر کشور شده است. طبق آمار موجود چندین هزار نفر مربی در تهران و دیگر استان ها به عنوان مسترهای اصلی در حال فعالیت می باشند و تنها در شهر تهران حدود ۷۰۰ کلاس عرفان کیهانی برگزار می شده است، این در حالی است که تعداد ۱۵ نفر مستر نیز در خارج از کشور فعالیت دارند. طبق آمار منتشر شده در سایت رسمی فرقه، شامل لیست اسامی و آدرس ایمیل هر یک از افراد تا تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۶ تعداد ۶۹۷۳ نفر ثبت نام نموده اند. لکن طبق اسناد به دست آمده تعداد این اعضا اعم از فعال و غیر فعال بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر می باشد. یقیناً صرف گستردگی اقدامات یک فرد یا گروه نمی تواند دلیلی بر وقوع فساد باشد. مگر این که این اقدامات در دراز مدت اهداف تخریبی داشته و موجبات فساد عقیده ی عامه را فراهم نماید. در این خصوص که با بررسی برخی از انحرافات عقیدتی و ادعایی متهم که به نشر آنها در کلاس های خویش نیز می پرداخته است پرده از وقوع فساد متهم در کشور برداشته خواهد شد. در ادامه به برخی از این انحرافات اشاره می شود:

الف- افکار انحرافی متهم:

الف- (۱) انحراف در خداشناسی: یکی از فلسفه های انحرافی اعتقاد به همه خدایی است. متهم در جلسه ی نهم کمیته عرفان می گوید: «گفتیم که راجع به تقدس هیچ ذره ای نمی توانیم بگوییم این ذره از آن ذره مقدس تر است یا این ذره این مقدار بار تقدس دارد و خدا آن مقدار» نامبرده در مقاله ای تحت عنوان «آزمایش آخر» که در سایت ها و مطبوعات نیز منتشر شده است از قول قرآن خداوند می گوید: «به زودی یقین حاصل می کنیم که شما خدا هستید. این بار همه ی قدرت خود را در اختیار شما بگذارم. وقتی که همه قدرت خود را به شما ببخشم فقط در آنجاست که مفهوم بخشندگی مهربان را خواهید فهمید. حال من هستم و شما آیا با داشتن همه قدرت من و احساس بی نیازی باز هم طالب من خواهید بود؟ آن زمان که شما خدا شدید، می خواهید بدانید که با من چه خواهید کرد؟» در جلسه یازدهم کمیته ی عرفان می گوید: «این ماجراها در رضوان تمام می شود. خدائیت مطرح می شود یعنی پی بردن به این که خودمان یک مربی هستیم ولی یک تضاد کوچک هنوز باقی است که در آخرین مرحله سئوالی هست که حال که خدا شدی با او

هستی یا برای خودت می‌خواهی خدایی کنی؟» وی در جلسه‌های سوم و سیزدهم کمیته‌های عرفان در بیانی مشرکانه همه‌ی ذرات عالم را عین ذات خداوند دانسته و ضمن قائل شدن جزء برای ذات اقدس الهی، بیان می‌دارد: «هر جا که رو کنیم وجه‌الله است. هر وجهی نامی دارد. پس هر نام، نام اوست و چیزی جز نام او نیست. او که نام ندارد.» وی با این توجیه غلط که هر گونه اسم یا صفت ایجاد محدودیت برای خداوند است، خداوند را بی‌نام و بی‌صفت تعریف می‌کند. در حالی که خداوند در جای جای قرآن کریم خود را با نام‌های متعدد معرفی کرده و می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا...» وی در کتاب «عرفان کیهانی» نوشته است: «او انسان نمی‌تواند عاشق خدا شود زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به درک او نیست...» در حالی که در قرآن کریم (مانده ۵۴) صراحتاً درباره‌ی مؤمنین آمده است: «قوم یحبهم و یحبونه: کسانی که خداوند دوستشان دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند.» پس ملاحظه می‌شود که دیدگاه فرقه‌ی عرفان کیهانی و در رأس آن متهم محمدعلی طاهری این چنین است که: (۱) همه انسان‌ها جزئی از خداوند هستند. (۲) انسان در این دنیا «الله» است و در آخرت «رب» می‌شود. (۳) سپس خداوند همه‌ی قدرت خود را در اختیار انسان می‌گذارد. (۴) آنگاه اگر انسان بخواهد با خداوند «خدای در وحدت» می‌شود و اگر نه «خدا در کثرت» (۵) خداوند نام و نشان و صفت ندارد و نمی‌شود او را شناخت و دوست داشت.

الف- (۲) انحراف در پیامبرشناسی: متهم در جلسه‌ی شورای عرفانی کیهانی (کمیته‌ی قرآن پژوهی) مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۶ با ادعای این که پیامبر نمی‌دانسته که چی نوشته می‌گوید: «در واقع اون که این ماجرا رو نوشته دیگه! نمی‌دونه که چی نوشته!... شما خودت درک می‌کنی شما خودت هم می‌نویسی منم می‌نویسم. یه کلیتی میاد حالا می‌خوای پیاده‌اش کنی. نوشته که و خدا گفت و این حرفا، او کیست اومده و حالا واژه‌ها در اختیار شماست که اون کیست رو بیان کنید.» ملاحظه می‌گردد متهم قرآن را حاصل از دریافت‌های عرفانی پیامبر اکرم اسلام (ص) نامیده و دست نوشته می‌داند، این در حالی است که اولاً پیامبر گرامی اسلام (ص) اساساً فردی فاقد هر گونه سواد نوشتن بوده است و ثانیاً این ادعای متهم اساس وحی و نزول جبرئیل را غیرواقعی دانسته که این دقیقاً مقابل نص صریح قرآن کریم است که در آیات شریفه‌ی سوره شعرا می‌فرماید: «این قرآن کتابی است که از ناحیه پروردگار جهان نازل شده (۱۹۲) و آن را روح‌الامین نازل کرده (۱۹۳)»

الف- (۳) انحراف در امامشناسی: متهم با زیر سوال بردن معصوم بودن ائمه علیهم‌السلام، این امر را مورد تأیید آن بزرگواران ندانسته و عنوانی می‌داند که شیعیان به آن حضرات نسبت داده‌اند. وی در جلسه‌ی ۱۳۸۸/۱۰/۲۱ می‌گوید: «الان همه‌ی مذاهب با قایم شدن پشت سر یک عده افراد خاص و با مطرح کردن ادعاهایی که اصلاً آن‌ها نداشتند مثلاً نمی‌دونم حتی تو روایات داریم که امامی فرموده باشد من معصومم؟... آنها هرگز خودشان چنین ادعایی نداشته‌اند گفته‌اند خدایا ما را ببخش، بنابراین تحت لوای این انحصار، تاریخ بازیچه‌ی دست افراد شده که با قایم شدن پشت این مسائل اهداف خودشان را پیش برده‌اند.» متهم در باب زیارت قبور ائمه می‌گوید: «الهمکم التکاثر. حتی زرتهم المقابر. یعنی کثرت طلبی بر شماست حتی می‌روید زیارت مقابر. یکی این که می‌رویم از اونها کمک بخواهیم، از مرده‌هامون کمک بخواهیم. این مصداق شرک نیست؟» متهم در جلسه‌ی سیزدهم کمیته‌ی عرفان با انجام مقایسه و ارزش‌گذاری بین امام حسین (ع) و یزید اظهار می‌دارد: «در دیدی کل‌نگر اگر یزید نبود امام حسین (ع) ارزش نداشت و یا اگر یزید نبود عظمت امام حسین (ع) مشخص نمی‌شد... وقتی لعن و نفرین باشد، تشعشع منفی است و افراد را درگیر می‌کند...»

نفی مهدویت: متهم در جلسه‌ی کمیته‌ی قرآن پژوهی می‌گوید: «زمین مگر چه امتیازی دارد که حالا بعد از هزاران سال به نفر مثل زرتشت یا مسیح یا هر کسی! دوباره زنده بشه و بیاد حالا چه گلی می‌خواهند بزنند به سرش، چه فایده‌ای دارد اینجا؟ جایی که هستند از اینجا متکامل تره...».

تمسخر، اهانت به ظهور و رجعت ائمه علیهم‌السلام: متهم در جلسه‌ی کمیته‌ی قرآن پژوهی می‌گوید: «حالا مثلاً فرض کن ائمه می‌خواهند یک بار دیگه بیایند و بنشینند و لباس به تن کنند و غذا بخورند و دوباره بخوانند از دواج کنند و... (خنده حضار) بعد می‌خواهند بروند و ببینند و آن موقع اسب بوده سوار می‌شدند و این چیزها که نیست و باید بروند و رانندگی یاد بگیرند (خنده حضار)» وی در کمیته‌ی تخصصی فرقه، روایات درباره‌ی ظهور امام زمان (عج) را به تمسخر گرفته و می‌گوید: «... حالا فکر نمی‌کنند وقتی امام زمان (عج) بیاد بارندگی می‌شد و ایران همه اش مثل شمال می‌شد (خنده حضار)».

الف-۴) انحراف در معادشناسی: آقای طاهری در مقاله «آزمایش آخر» درباره‌ی جهنم می‌گوید: «... این حلقه (حلقه عرفان) تشکیل شده تا ما در این چرخه دوره‌ی تضاد و دوقطبی را بگذرانیم یعنی در آخر و عاقبت در آن بهشت و جنات و رضوان وقتی می‌رسیم، رضوان به دروسی که در این دوره تضاد داده شده تسلط پیدا کرده‌ایم و شده‌ایم خدای این حلقه، شده‌ایم مستر این حلقه‌ی جهان دوقطبی...»

الف-۵) انحراف در قرآن‌شناسی: متهم در جلسه ۱۳۸۸/۱/۲۶ می‌گوید: «یکی از مشکل‌ترین موضوعاتی که در قرآن به نظر من مطرح است، تناقض در خود قرآن به وجود میاره‌ها، که کارها، ربطی به ما ندارد مساله همینیه که یک جا میگه می‌رید اونجا، یه جا می‌گه همه می‌رید، یکجا می‌گه اولش، سلسله مراتب پیدا می‌شه» و همچنین ادامه می‌دهد: «این خیلی از مشکلات را در قرآن حل می‌کند چون در واقع قرآن خودش با خودش مشکل دارد، یک جا می‌گه این جور می‌شه، یک جا می‌گه اون جور می‌شه...» وی در جلسه نهم کمیته عرفان می‌گوید: «... کشتی نوح از نظر علمی نمی‌تواند اتفاق افتاده باشد، نمی‌تواند از نظر علمی همه انواع حیوانات را در یک کشتی جمع کرد.»

الف-۶) انحراف در شیطان‌شناسی: متهم بر خلاف نظر صریح قرآن کریم که شیطان را از جنیان می‌داند (ان کان من الجن) او را از ملائک و مأموران الهی می‌داند. ایشان در جلسه‌ی سوم کمیته عرفان می‌گوید: «شیطان فی نفسه برای خودش شر نیست، فی نفسه ملک است. ملک یعنی رکن هستی. ملک یعنی جاری کننده‌ی قوانین، قانون تضاد را این ملک (شیطان) جاری کرده است. به بقیه گفته‌اند به تسخیر دربیایند الا شیطان تو شیطان و ملک جاذبه‌ی زمان و... همه تسخیر در می‌آیند. اما این یکی به تسخیر در نمی‌آید.» نامبرده در جلسه هشتم کمیته عرفان می‌گوید: «شیطان تنها موحد در گاه الهی است که جز بر او بر کسی سجده نکرده، وقتی به درک اضداد می‌رسیم که همه چیز اوست به نقش سازنده پی می‌بریم.» نامبرده ضمن آن که شیطان را اولین معلم ما می‌داند، در همان جلسه‌ی هشتم اظهار می‌دارد: «هدف از خلقت که این حلقه‌ی جهان دو قطبی بود و این مأموریت به یک عنصری به نام شیطان داده می‌شود و ابلیس جزء احسن الخالقین بوده که به بهترین وجه این جهان دو قطبی را سرو سامان داده و دیگر از این بهتر و قشنگ تر نمی‌شده.» و همچنین اظهار می‌دارد: «شیطان نمی‌توانست شیطان نشه... اگر سجده می‌کرد، اولاً ما این تضاد رو نداشتیم، ثانیاً بر خلاف دستور او (خدا) عمل کرده بود.» «از نعمت وجود شیطانیه که ما الیه راجعون را بهشت

تحقق می‌بخشیم...» ایشان در جلسه نهم کمیته عرفان می‌گوید: «روح‌القدس عامل ایجاد کننده‌ی ماده و انرژی و حرکت است و ابلیس از او بالاتر است چون ابلیس خالق کل حلقه است.» وی در پاسخ به این سؤال که چرا آن چه به نفع ماست شیطان می‌گوید و آن چه به نفع ما نیست خدا می‌گوید؟ اظهار می‌دارد: «شیطان می‌خواسته ما را به جهان خودش ببرد و خالق می‌خواسته ما را در جهان خودش نگه دارد! یک رقابت وسط هست... شبکه مثبت و منفی در این حلقه است و خالقش شیطان...»

ب: ادعای انحرافی:

متهم دارای برخی ادعاهای انحرافی است که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

ب-۱) ادعای اتصال به روح‌القدس و خداوند: متهم خودش را دارای «دریافتی» از جانب روح‌القدس می‌داند و مدعی است که این دریافت را می‌تواند در قالب کلاس‌هایش به دیگران تفویض نماید. وی در «کتاب عرفان کیهانی» می‌گوید: «فیض حلقه‌ی وحدت از برکت نزدیکی و وحدت حداقل دو نفر ایجاد می‌شود و هر کجا دو نفر در حلقه‌ای جمع باشند، عضو سوم روح‌القدس (شبکه شعور کیهانی) و عضو چهارم آن خداوند است» (ص ۸۴) متهم در کتابش این امر را در قالب نمودارهایی ترسیم کرده که پیوسته است.

ب-۲) ادعای تفویض: متهم مدعی است از سوی خداوند دارای قدرتی است که می‌تواند لایه‌ی محافظی پیرامون خود و دیگر افراد ایجاد نموده تا جلوی اذیت و آزار و حلول شیاطین را بگیرد و همچنین مدعی است می‌تواند این لایه را تفویض نماید. وی در کتاب انسان از منظری دیگر آورده است: «اتصال به دو دسته کاربران و مربیان ارائه می‌شود که تفویضی بوده و در قبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوط به آنان تفویض می‌شود، تفویض‌ها توسط مرکزیت که کنترل و هدایت کننده‌ی جریان حلقه است، انجام می‌گیرد.» (نمودار)

ب-۳) ادعای ابطال طلسم: متهم در طول آموزش و کلاس‌هایش ادعا می‌کند با اتصال‌هایی که تعریف می‌کند، طلسم باطل می‌شود که نمونه آن به پیوست است.

ب-۴) ادعای فرادرمانی: متهم در صفحه ۱۷ کتاب «انسان از منظری دیگر» آورده است: «فرادرمانی که یکی از شاخه‌های عرفان کیهانی و حلقه می‌باشد، از حلقه‌هایی است که در محدوده رحمانیت عام الهی، تسهیلاتی را در اختیار ما قرار می‌دهد و تنها شرط تحقق آن، آمادگی برای ایجاد وحدت است...» در صفحه ۷۵ توضیح می‌دهد: «درمان توسط درمانگر انجام نشده، بلکه از طریق اتصال به شبکه‌ی شعور کیهانی صورت می‌گیرد و درمانگر تنها نقش یک رابط را بازی می‌کند!» متهم، فرادرمانی را به عنوان طب مکمل و کل نگر ایرانی معرفی کرده و با جمع کردن عده‌ای از پزشکان عمومی که از معتقدین به عرفان ابداعی وی هستند، مدعی شده درمانگری که پس از گذراندن دوره‌های مربوطه و پرداخت شهریه‌ی مورد نظر، موفق به اخذ پایان‌نامه فرادرمانی و تفویض تشعشع دفاعی از وی شده، قادر می‌شود با قرار دادن فرادرمانگر در حلقه‌ی اتصال به روح‌القدس، هرگونه بیماری صعب‌العلاج را با یک نظر الهی شفا دهد.

ب-۵) ادعای احضار و خروج ارواح از بدن انسان: متهم با طرح نظر حلول ارواح سرگردان در کالبد جسمی افراد، آن را یکی از مشکلات جسمی و روحی آنان دانسته و مدعی است با کمک شعور کیهانی می‌توان آن‌ها را از دنیا خلاص و

به عالم بعدی سوق داد. حسب بررسی‌های اطلاعاتی متهم با فردی جن‌گیر به نام (معمارزاده) در ارتباط بوده و چندین جن نیز در تسخیر دارد کما این که در کشفیات حاصل از محل کار و سکونتش که رؤیت باز پرس محترم شعبه پنجم نیز رسیده است، ابزار و آلات طلسم، رمالی و جن‌گیری به وفور مشاهده شده است. در جزوه تحلیلی ضمیمه و نیز در سی‌دی‌های منضم به پرونده تصاویر متهم در حال خارج کردن ارواح سرگردان (موجودات غیر رگانیک) از بدن شاگردان که به همراه لمس بدن نامحرم می‌باشد موجود است که دادگاه محترم قطعاً ملاحظه خواهند فرمود. قابل ذکر است که خارج کردن ارواح سرگردان از کالبد انسان‌ها «اکسورسیزم» نام داشته و یکی از ادعاهای انحرافی کلیسای صهیونیست مسیحی می‌باشد.

ب-۶) ادعای هم‌فازی با لوح محفوظ: متهم که فاقد هرگونه تبحر و تخصص در زمینه دین‌پژوهی و مطالعات قرآنی است، مدعی است که علی‌رغم این که هیچ‌گونه مطالعات قرآنی نداشته به محض شنیدن آیات قرآنی مفاهیم اصلی آن‌ها را از طریق هم‌فازی با لوح محفوظ در می‌یابد. وی در جلسه اول کمیته‌ی عرفانی می‌گوید: «شما می‌دانید که هنوز یک دوره قرآن را نخوانده‌ام یک دفعه تا یک چیزی پیش می‌آید برای من آشناست. این هم‌فازی با لوح محفوظ است در آن موارد دیگر شک نمی‌کنم، می‌بینم این که آشناست.»

ب-۷) ادعای معجزه: متهم در یکی از مقاله‌های خود تحت عنوان «اسب تروا» با تحلیل موضوع برگردان صدا آن را به خود نسبت داده و آن را در حد یک معجزه می‌داند و حال آن که موضوع برگردان «صدای افراد» تنها یک تکنیک و نوعی تردستی مربوط به دهه ۱۹۶۰ و دارای قدمتی ۵۰ ساله در آمریکا بوده و back masking نامیده می‌شود. وی می‌گوید: «از آنجا که ما با میل آن ترانه را گوش می‌دهیم، اطلاعات نابجای پشت آن مانند اسب تروا وارد قلعه‌ی وجودی ما شده و در فرصت مناسب اثر خود را به جای خواهد گذاشت. جالب این جاست که معکوس شعری که شنیده می‌شود هیچ ارتباطی به خود شعر ندارد که اگر شعر را معکوس بنویسیم به آن دسترسی پیدا کنیم نکته دیگر این که انجام این کار به کمک تکنیک امکان پذیر نیست و این کار در حد یک اعجاز می‌باشد.»

ب-۸) ادعای دین‌کل یا عرفان فرادینی: این ادعا عمق انحراف فکری و بدعت‌گذاری این فرقه را آشکار می‌سازد. متهم در جایی می‌گوید: «عرفان کیهانی (حلقه) نوعی سیر و سلوک عرفانی است که مباحث عرفانی را مورد بررسی نظری و عملی قرار می‌دهد و از آن جا که انسان شمول است همه‌ی انسان‌ها صرف نظر از نژاد، ملیت، دین، مذهب و عقاید شخصی می‌توانند جنبه‌ی نظری آن را پذیرفته و جنبه‌ی علمی آن را مورد تجربه و استفاده قرار دهند. (عرفان کیهانی ص ۵۷) وی احکام شریعت را در ذهن مخاطب به سخره گرفته و تنزل می‌دهد تا اتصال به حلقه عرفانی مورد نظرش را برترین نحوه‌ی ارتباط با خدا قلمداد نماید که تصاویری از جزوه دوره دوم کلاس‌هایش در ضمیمه تحلیلی قابل مشاهده است. که در صفحه ۱۵ این جزوه آمده است: «در هم‌فازی کیهانی هدف درک تن واحده و کاستن از تضاد است و تغییر نگاه به جهان هستی، تضاد مساوی با سم، این تضاد می‌تواند با خود، دیگران و با خدا باشد. در این خصوص به خصوص به برخی از اظهارات و اقاریر متهم که در شعبه بازپرسی بیان نموده است اشاره می‌شود. متهم اظهار داشته: «در حدود سی سال قبل بود که با دریافتی ماورایی مواجه شدم که در آن برخی از روابط حاکم بر جهان هستی بر من مکشوف شد که از جمله فهم هوشمندی حاکم بر جهان هستی مادی و ارتباط آن با انسان و با خالق خود که نتیجه‌ی آن منجر به درمان می‌شد، هضم این موضوع برای خود من بیش از یک دهه طول کشید و چند سال نیز ترمینولوژی و

نحوه‌ی بیان آن وقت گرفت...» همچنین متهم اظهار داشته: «تشنه‌ی دفاعی روشی است برای پاک‌سازی موجودات غیرارگانیک که نحوه‌ی تفویض آن بر طبق تجربه‌ی حاصله و توکل و استعانت طلبیدن مستقیم در یک لحظه (نظر) از خداوند متعال می‌باشد. کلاً تفویض تشنه‌ی دفاعی از طریق «نظر» صورت می‌گیرد و از کسی که به این دیدگاه مجهز است به کسی که نیست قابل انجام است. در واقع کسی که صاحب این نظر است در یک لحظه آن را بر روی کسی که فاقد آن است اعمال کرده و او نیز دارا می‌شود و به همین نحو می‌تواند بر روی دیگران اجرا نماید.» یا در جای دیگر اظهار داشته است: «منظور از این که می‌گوییم کالبد ذهنی شخص مرده‌ای در ذهن شخص زنده‌ای به عنوان درمان شونده وجود دارد آن است که از منظر فرادرمانی و سایمنتولوژی انسان از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و دارای کالبدهای مختلف روانی، اختری و کالبدذهنی و... می‌باشد. در فرادرمانی نشان داده شده است آنچه که پس از مرگ از مجموعه کالبدها باقی می‌ماند کالبدذهنی است و سایر کالبدها مانند کالبدجسم، کالبدروانی، کالبد اختری، از بین می‌روند، نفس و روح کماکان وجود دارند... طبق تحقیقات بسیار گسترده عرفان کیهانی نشان داده است که این کالبد ذهنی فرد متوفی به علت تعلقات، وابستگی‌ها و علایق و... به تسخیر کالبدهای ذهنی انسان زنده می‌پردازد تا مجدداً بتواند به این وابستگی‌ها و تعلقات و... جواب داشته، جویای ارضای آن‌ها باشد. یک انسان می‌تواند طبق تجارب مورد تسخیر کالبدهای ذهنی متعدد قرار گیرد و همان گونه که تجربه‌ی عیسی مسیح (ع) نیز نشان داده که ایشان همواره مبادرت به خروج این به اصطلاح ارواح شریر می‌نموده است. یعنی نظریه‌ی وجود کالبدذهنی به معنی آن است که ما ممکن است با ارواح و کالبدهای ذهنی افراد متوفی دیگری زندگی کنیم.»

ج) التقاط فکری

اندیشه عرفان حلقه و فرادرمانی در واقع اندیشه‌ای التقاطی با برخی مکاتب دیگر است که حاوی ادبیاتی تازه برای فریب مردم طراحی شده است، در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

ج-۱) التقاط با مکاتب شرقی: شعور کیهانی ترجمه‌ای از «ری کی» ژاپنی می‌باشد. در تعریف ری کی آورده‌اند: «کلمه‌ی ری به معنای کل است، به معنای خرد است که از سوی خداوند یا ضمیر برتر می‌آید و گاهی الهی است که همه چیز را می‌داند. این آگاهی الهی انسان‌ها را کاملاً می‌شناسد، دلیل تمام مسائل و مشکلات را دانسته و می‌داند چگونه تمام آن‌ها را شفا دهد.

ج-۲) التقاط با مسیحیت انحرافی (روح‌القدس پدر آسمانی): متهم اظهار می‌دارد: «در واقع پدر آسمانی همه‌ی ما روح‌القدس است!» دیدگاه‌ها و اظهارات متهم بی‌شباهت به اظهارات و ادعاهای رضا صفا (مسلمان مرتد شده‌ی کلیسای خانه‌ی ماهیگیران و مدعی شفاهندگی) در لوس آنجلس و دارنده‌ی شبکه‌ی ماهواره‌ای نجات TV می‌باشد. وی در برنامه تلویزیونی خود می‌گوید: «خدایا تو به ما فرمان دادی که اورشلیم را ترک نکنیم که روح‌القدس بر ما نازل شود.» وی مدعی است روح‌القدس وارد قلب انسان می‌شود. خدا دو دست خود را رو به دوربین گرفته و خطاب به بیننده‌ها می‌گوید دست خود را روی صفحه تلویزیون بگذارید تا اتصال برقرار شود. متهم طاهری در جایی اسرائیل را مترادف با حزب‌ا... می‌داند.

ج-۳) التقاط با ماتریالیسم: متهم در جلسه کمیته عرفان اظهار می‌دارد: «ملاتک با دو بال و سه بال و چهار بال

و... اتم‌هایی با دو اوربیتال، سه اوربیتال، و... هستند، در آن زمان که نمی‌توانستند مثل امروز بگویند، اتم و... همه را با نام کلی ملائکه نام برده‌اند که در اصل این‌ها همه کارگزارند و همه ایشان هم به تسخیر ما درمی‌آیند.» وی در ادامه می‌گوید: «عزرائیل که وجود خارجی ندارد، قانون تولد و مرگ است، چیزی که جاری می‌شود و حاکم است... روی تمام اجزاء هستی قانون تولد و مرگ را گذاشته‌اند به طوری که هیچ چیزی ثابت و برجا نماند همه چیز در تغییر و سیر باشد و اسم این تغییر عزرائیل است.»

ج-۴) التقاط با هندوئیسم: متهم در جلسه اول کمیته عرفان می‌گوید: «مثل آن گاوپرست هست، نه این گاو سمبل طبیعت است و آن‌ها در چند هزار سال پیش یاد گرفته‌اند که به مظاهر طبیعت احترام بگذارند، حالا یک عده‌ای هم افراط و تفریط دارند، فلسفه در اصل فلسفه خوبی است و حالا... بشر امروز دارد می‌رود آن‌ها را بفهمد.»

ج-۵) التقاط با بهائیت: (اعتقاد به لازمان و لامکان و عدم اعتقاد به معاد جسمانی) بهائیان معتقدند که روح انسان پس از صعود به عالم بالا، مجرد از زمان و مکان به ترقیات کمالی و نه مکانی خود ادامه می‌دهد و بهشت در آن عالم، رضای خداوند از انسان است. متهم طاهری در جلسه نهم عرفان می‌گوید: «زندگی بعدی، در لامکانی است ولی زمان بر ما حاکم است و از آن زندگی هم که بگذریم می‌رسیم به عالم لازمان و لامکان. وقتی که صور را بزنند با حذف زمان همه بر هم منطبق می‌شوند و مفهوم شجره مشخص می‌شود و تن واحد شکل می‌گیرد.»

اقدام متهم در تشکیل فرقه عرفان کیهانی (فرادرمانی) و بسط و گسترش عقاید و تفکرات انحرافی و خلاف شرع به شرح مبسوط فوق از طریق ایجاد کلاس و آموزش آن به افراد مختلف طی یک دوره شش هفته‌ای تربیت مربیان و مسترهای فراوان و در ادامه، تشکیل کلاس توسط ایشان و به همین ترتیب سلسله‌وار تشکیل کلاس، تربیت شاگردان و مربیان و مسترها در داخل و خارج از کشور، پرده از حجم بالا، گسترده و وسیع فعالیت متهم در این راستا برمی‌دارد. آنچه که مسلم است منابع قانونی و فقهی ما با ارائه‌ی تعریفی عام و گسترده از افساد فی الارض به قصد مرتکب، دایر بر مقابله با حکومت دینی و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه‌زدن به این حکومت توجه داشته‌اند که تضعیف باورهای دینی در غالب ایجاد نحله‌های فکری انحرافی از جمله مواردی است که باعث ضربه زدن به حکومت اسلامی می‌گردد. اساساً فقها و مراجع تقلید ما نیز بر همین نکته تأکید کرده‌اند که از جمله فتاوی معتبر موجود در این خصوص می‌توان به نظر حضرت آیت ... مکارم شیرازی اشاره نمود که ایشان فرموده‌اند: «مفسد فی الارض کسی که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود هرچند بدون توسل به اسلحه باشد مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند...». ریاست محترم دادگاه: یقیناً فساد گسترده می‌تواند اعم از فساد اخلاقی، اعتقادی، ایدئولوژیک و... باشد که احراز و تشخیص این مهم با دادگاه محترم خواهد بود. در این راستا، شعبه پنجم بازپرسی در جهت واکاوی اندیشه‌ها و عمق عقاید انحرافی متهم که در قالب عرفان کیهانی در مقالات، کتب و سخنرانی‌هایش نشر می‌داده ضمن تشریح موضوع به همراه ارسال کتب تألیفی و سی‌دی حاوی سخنرانی‌ها و تصاویر شغابخشی بیماران، چگونگی اندیشه‌های وی از محضر برخی از مراجع عظام تقلید مورد سؤال (استفتاء) قرار داده که پس از مدتی حاصل این استفتائات، با موشکافی دقیق و کارشناسانه مراجع معظم، باطل بودن عقاید متهم و کفرآمیز بودن آن‌ها نیز حرمت برگزاری کلاس‌ها و ضاله بودن کتاب‌ها و افساد فی الارض از سوی خودش می‌باشد. حضرت آیت‌... صافی گلپایگانی مرقوم فرمودند: «آن چه در این اوراق نقل شده، خلاف شریعت مقدسه‌ی اسلام و انحرافی و انکار ضروریات دین و کفر

و ارتداد و نشر آن حرام است؛ چه به صورت سخنرانی یا کتاب یا غیر آن؛ و کتاب آن از نوع کتب ضاله و مضله است که از بین بردن آن واجب می‌باشد و شرکت در جلسات مذکوره حرام است و مسئولین نظام باید او را دستگیر و با رسیدگی قضایی شرعی مجازات نمایند.» (۱۲ ربیع الثانی ۱۴۳۲). حضرت آیت‌الله علوی گرگانی مرقوم فرمودند: «کسانی که دارای افکار فوق می‌باشند، از مسیر درست و صحیح اسلامی فاصله گرفته‌اند و دچار وسواس شیطانی شده‌اند و کتبی هم که در این زمینه و با تفکرات نوشته می‌شود گمراه کننده و جزء کتب ضاله است و مطالعه و نشر و انتشار آن‌ها جایز نیست و خرید و فروش آن هم حرام است و برخی از این افکار در صورتی که به انکار خداوند و دین و اهل بیت علیه‌السلام منجر شود و از روی اعتقاد باشد باعث ارتداد است و در صوت احراز ارتداد حکم آن مشخص است و علی‌ای حال بر مسلمین لازم که از این گونه افراد و این گونه تفکرات دوری شود.» همچنین حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی فرموده‌اند: «کسی که به مطالب فوق که در این نامه و در جزوه‌ی پیوست تحت عنوان (بخشی از اظهارات رهبر فرقه‌ی عرفان کیهانی (حلقه)) آمده است معتقد باشد منکر مسلمات و ضروریات اسلام می‌باشد و مرتد است و اگر این عقاید را در سطح وسیعی نشر دهد مصداق مفسد فی‌الارض خواهد بود. کتبی که این مطالب را در بردارد نیز کتب ضاله است و شرکت در جلسات او حرام و قابل تعریض است و چنین شخصی با عقاید مشمول حد مفسد و مرتد می‌باشد. ۱۳۸۹/۱۲/۱۱» (به شرح پیوست در پرونده) لازم به ذکر است برخی از گروه‌های خودجوش نیز خارج از پرونده به طرح استفتاء در خصوص این فرقه از محضر برخی از مراجع عظام تقلید نموده‌اند که نتایج آن مؤید موضوع فوق بوده و حتی در اینترنت نیز منتشر شده است.

۲) توهین به مقدسات اسلامی: متهم در غالب نشر و آموزش عقاید و تفکرات انحرافی خویش آن چنان که آورده شده مقدسات اسلامی را مورد خدشه قرار داده و با توهین صریح و ضمنی به آن‌ها مرتکب گناه نابخشودنی شده است از جمله توهین به قرآن کریم، توهین به اصل رجعت ائمه علیهم‌السلام، توهین و تمسخر ظهور و نفی مهدویت، توهین به ائمه علیهم‌السلام با ارزش‌گذاری بر یزید و حسین علیه‌السلام و... وی در خصوص انجام عبادت در کلاس ترم یک می‌گوید: «هوشمندی میاد ترمزدستی رو می‌کشد، که چه کار می‌کنی؟ می‌گه دست نگهدار؛ به چه منظور این کارو انجام می‌دهی؟ می‌خوانی؟... اونایی که میگن به جا بود، دستشون رو بلند کنند!» و همچنین او می‌گوید: نماز قبلاً می‌گفتند بخوان/ حالا می‌گویند متصل شو» همچنین ترویج بی‌حجابی و اختلاط در کلاس‌های این فرقه از جمله موارد توهین به مقدسات قابل ذکر است که تصاویر آن به پیوست کیفرخواست می‌باشد.

۳) مداخله غیرقانونی و غیرمجاز در امور پزشکی و درمان بیماران: از آن‌جا که فعالیت در امور پزشکی و درمان موضوعی کاملاً فنی و اختصاصی می‌باشد و مداخله در این مورد می‌باید در قبال اخذ مجوزهای علمی و قانونی از مراجع ذیصلاح باشد اما ملاحظه می‌گردد متهم بدون داشتن هرگونه تخصص علمی و نیز بدون هرگونه مجوز قانونی از مراجع رسمی ذیصلاح با پایه‌گذاری طب مکمل و فرادمانی، علیرغم علم وی به غیرقانونی بودن عملکردش که در شعبه‌ی بازپرسی نیز به آن اقرار و اذعان نموده است، شخصاً به درمان بیماران مورد ادعایش پرداخته و با صدور پایان‌نامه‌های ساختگی، سایرین را نیز به قول خودش با تفویض تشعشع دفاعی، قادر به فرادمانگری می‌نموده است. متهم در این خصوص در شعبه‌ی پنجم بازپرسی اظهار نموده است: «برای آن که اثبات کنم که فرادمانی هیچگونه منافاتی با اسلام ندارد و جریان شیطان‌پرستی نیست از حدود شش سال قبل، توضیحات و مطالب در این خصوص را با نام عرفان

کیهانی (حلقه) عرضه نمودم و شروع به طرح مباحث اعتقادی کردم...» وی همچنین اظهار داشته است: «بنده قبول دارم که بدون هرگونه مجوزی، دخالت در امور پزشکی نموده‌ام و با توجه به این که پزشک نبوده‌ام در نتیجه، آزمایش و پژوهش و اعمال فرادرمانی، غیرمجاز و غیرقانونی بوده‌است.» و نیز قبول دارم که ورود من در حوزه‌ی مسائل دینی و عقیدتی و کلامی بدون داشتن تحصیلات دانشگاهی مربوط یا تحصیلات حوزوی خاص بوده‌است...». «قبول دارم که بدون رعایت ضوابط و موازین قانونی و اداری از مراجع رسمی ذیربط، اقدام به تدریس و انتشار و اشاعه‌ی تئوری ابداعی خود نموده‌ام.» وی همچنین اظهار داشته است: «لازم بود که در عمل کارایی فرادرمانی را به اثبات می‌رساندم از این رو بیماری‌های آسم، میگرن، ام‌اس، برونشکتازی، کمردرد، نارسایی کلیه، افسردگی، اضطراب، توهّم و... را بدون مداخله در امر داروی آن‌ها مورد آزمایش جهت بررسی نتیجه قرار داده و به عبارت دیگر روی این بیماران فرادرمانی را شخصاً مورد اعمال قرار دادم و نتیجه‌ی آن ثبت و ضبط گردیده‌است.»

۵- نمودار M-CA1: با فرم کلی نمودار M-A1 ولی با فرم نامنظم. ۶- نمودار M-CA2: با فرم کلی M-A2 ولی با فرم نامنظم. ۷- نمودار M-CB1: با فرم کلی نمودار M-B1 ولی با فرم نامنظم. ۸- نمودار M-CB2: ولی با فرم نامنظم.

نمودار درمان بیماران «جسمی» و «روانی» به صورت‌های زیر است: الف- بدون بیرون‌ریزی ب- با بیرون‌ریزی (شکل نمودار)

اسکن فرادرمانی شامل آشکارسازی ترس‌های دوران کودکی نیز می‌شود که در ضمیر ناخودآگاه فرد ثبت و ضبط می‌باشد. در این مورد با دو دسته گزارش روبرو خواهیم شد. دسته اول افرادی هستند که قبلاً هیچ‌گونه سابقه و گزارشی از وجود ترس نداشته‌اند، پس از اسکن فرادرمانی با ترس‌های مبهم و ناشناخته‌ای روبرو شوند که خود از چگونگی آن هیچ‌گونه اطلاعی ندارند. در خیلی از موارد این ترس و یا ترس‌ها در ابتدا رو به افزایش می‌گذارد و پس از یک دوره بیرون‌ریزی کاهش پیدا کرده و خاتمه پیدا می‌کند. این بیرون‌ریزی ممکن است در خواب و به صورت کابوس هم اتفاق بیفتد. دسته دوم در مورد افرادی می‌باشد که سابقه و گزارش وجود ترس‌هایی را از قبل دارند و جزء مورد شکایت آن‌ها می‌باشد. در این افراد پس از اسکن فرادرمانی ممکن است در ابتدا ترس آن‌ها رو به افزایش بگذارد و پس از آن کاهش پیدا کرده و در انتها خاتمه یابد. (نمودار) اصل: دردها و بیماری‌های فعلی و همچنین پرونده بیماری‌های گذشته فرادرمانگیر، که یا درمان نشده و یا در گذشته به طور ناقص درمان شده‌اند، مجدداً بازخوانی شده و علائم آن آشکار و مطابق الگوهای زیر، روند درمان آغاز می‌گردند. (نمودار) در خیلی از موارد علائم در دو بیماری به اوج خود رسیده، سپس تا مرحله‌ی درمان شروع به کاهش می‌نماید و به دنبال آن درمان رخ می‌دهد. منظور از اوج بیماری، بازسازی علائم بیماری است، که حافظه‌ی سلولی آن علائم را از خود نشان داده، تا مورد پیگیری‌های لازم قرار گرفته و شعور سلولی سالم جایگزین آن شود. برای مثال، اگر غده‌ای در بدن وجود داشته باشد، پس از اسکن فرادرمانی، علائم آشکار کننده‌ی آن، فعال می‌شود ولی به هیچ عنوان غده بزرگتر نخواهد شد، بلکه درد و آثار آن ظاهر شده و به دنبال آن روند درمان و بهبود رخ می‌دهد و یا در یک بیمار مبتلا به آلرژی آغاز شده و ممکن است به اوج خود برسد اما پس از آن، با کاهش علائم ظاهر می‌شود و تا مرحله اوج خود پیش رفته و پس از آن با کاهش علائم فوق، روند بهبود نمایان می‌شود. (نمودار) درمان بیماری‌های روان‌تنی (سایکو سوماتیک) مطابق نمودارهای زیر است (نمودار)

۴) تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری به صورت غیرمجاز و فعالیت غیرقانونی در این زمینه: متهم به صورت غیرمجاز و غیرقانونی، سخنرانی خود را در دفتر موسسه‌اش تکثیر نموده و به صورت سی‌دی درآورده و در سطح وسیعی از طریق مسترهایش به توزیع و فروش آن‌ها میان مردم مبادرت ورزیده است که تصویری از محل دفتر مذکور به پیوست کیفرخواست می‌باشد.

۵) ارتکاب فعل حرام و رابطه‌ی نامشروع از طریق لمس نامحرم: متهم در کلاس‌هایی تحت عنوان تشعشع دفاعی، دست به بدن نامحرم می‌زند ولی همه جا اعلام می‌کند در فرادرمانی هیچ فعل حرامی انجام نمی‌شود. تصاویری از این موارد به پیوست کیفرخواست می‌باشد.

۶) تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری (به میزان پانصد و ده میلیون تومان) برابر مستندات موجود متهم برای هر دوره ۶ جلسه ای ۵۰/۰۰۰ تومان و برای کلاس‌های خاص ۱۵۰/۰۰۰ تومان دریافت نموده‌است. متهم اقرار می‌دارد که در طول فعالیت‌های خود در قالب برگزاری کلاس‌های حلقه و فرادرمانی و از حاصل پرداخت شهریه‌های شاگردان و دو درصد حقی که هر مستر می‌بایست به وی بپردازد، جمعاً مبلغ پانصد و ده میلیون تومان مستقیماً به وی پرداخت شده است که مدعی است این پول‌ها را صرف هزینه‌های جاری پژوهش‌ها و درمان‌هایش کرده است. برای این مرجع بدیهی است که این قرار حتی جزئی اندک از درآمد نامشروع متهم نیز نیست کما اینکه در دفتر موسسه‌اش در سطح گسترده‌ای اقدام به نشر آثار مکتوب و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری خویش نموده و هر توزیع‌کننده درصدهای مقرر را به متهم پرداخت کرده که مبالغ هنگفتی خواهد شد که متأسفانه امکان محاسبه‌های آن‌ها وجود ندارد. حجم بالای کشفیات از محل دفترش مؤید این واقعیت می‌باشد. متهم در جلسه شعبه پنجم بازپرسی اذعان و اقرار داشته: «در طی چند سال گذشته تعدادی از کسانی که دوره‌های فرادرمانی را دیده‌اند، به کشورهای مختلف دنیا مسافرت نموده که آمار دقیقی از آنها در دست نیست. این تعداد بین پنج تا ده هزار نفر متغیر می‌باشد. وی می‌گوید: «از دوره‌های فرادرمانی برگزار شده حدود ۲ درصد جهت کمک به مجموعه به رغبت افراد پرداخته می‌شده است.» همچنین نامبرده اظهار نموده: «فرادرمانی یک دوره‌ی شش هفته‌ای است، هر جلسه‌ی آن چهار ساعت بوده و هر فرد پنجاه هزار تومان شهریه پرداخت می‌نماید و درقبال آن موفق به اجرای فرادرمانی شده در پایان دوره هم پایان‌نامه‌ی مربوطه را دریافت می‌کنند.» در جزوه آموزشی «آشنایی با شبکه‌ی شعور کیهانی و فرادرمانی» که توسط متهم تهیه گردیده است ذیل صفحه ۵ در قسمت دلایل پرداخت شهریه آمده است: «خواهشمند است با پرداخت شهریه به هنگام ثبت‌نام ضمن اثبات اشتیاق خود، ما را در ارائه خدمات آموزشی و توسعه آتی (ایجاد مجتمع آموزش عرفان کیهانی) که با مازاد درآمد حاصله در دست بررسی و اقدام می‌باشد، در این راه یاری کنید «در صورت تمایل با کمک‌های خود می‌توانید در این امر خیر! به گونه موثری مشارکت نمایید.»

۷) استفاده غیرمجاز از عناوین علمی (مهندس، دکتر): متهم بدون اخذ مدرک مهندسی و نیز بدون کسب مدرک دکتری از سوی اطرافیان به عنوان دکتر تلقی و در جایی نیز وی را به این اسم می‌شناختند و از ناحیه‌ی ایشان هیچگونه تکذیبی در این خصوص اعلام نشده است. نشریات اقتصاد کلان، مردم سالاری، خبرگزاری آنا، خبرگزاری ایلنا، آفتاب و اقتصاد پویا از جمله نشریات و سایت‌هایی هستند که تصویر نمونه‌ای از آن‌ها به پیوست است. متهم در شعبه‌ی بازپرسی اظهار می‌دارد: «مدرک فارغ التحصیلی این جانب در دانشگاه خاورمیانه آنکارا به دلیل برخورد سیاسی یکی از اساتید

نیمه‌کاره ماند و من فاقد مدرک فارغ‌التحصیلی مهندسی هستم ولیکن در هیچ رسانه‌ای خود را به عنوان مهندس معرفی نکرده‌ام بلکه به علت انجام کارهای فنی از جمله طراحی اسلحه در صنایع جنگ افزاری در بین دوستان به عنوان مهندس نامیده می‌شوم. عناوین دکترای افتخاری و مدال‌های طلا و کاپ‌ها نیز نظر به این که در مسابقات بین‌المللی و محافل آکادمیک به این جانب اهدا گردیده به عنوان افتخاری برای ایران از نظر من تلقی شدند.» لازم به ذکر است که مدارک دکترای متهم از سوی مراجع قانونی کشور تأیید نگردیده و به رسمیت شناخته نشده‌اند.

استعلامات صورت گرفته از مراجع رسمی کشور: در ادامه متذکر می‌شود با انجام استعلاماتی از مراجع ذیصلاح نتایج ذیل حاصل گردیده است: ۱- مدیر کل دفتر مرکزی حراست و مشاور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: صدور مجوز با آرم دانشگاهی از سوی موسسه عرفان حلقه به سرپرستی محمدعلی طاهری و با امضای مسئولین آموزشی دانشگاه فاقد وجهت است... (صفحه‌ی ۲۰۷) ۲- مدیر حراست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بهداشتی ایران: دکتر شهرام توفیقی مسئول وقت دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی علوم پزشکی بقیه‌ها... (عج) با سوءاستفاده از موقعیت، بدون اخذ مجوز، اقدام به عقد قرارداد با محمدعلی طاهری جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی فرادرمانی نموده که تخلف ایشان در این دانشگاه در دست بررسی می‌باشد. (صفحه ۲۷۲) ۳- معاونت حفاظت پرسنلی دفتر مرکزی حراست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: دکتر شهرام توفیقی به علت انعقاد قرارداد با محمدعلی طاهری جهت برگزاری دوره‌های فرادرمانی در محیط دانشگاه و صدور گواهی‌های پایان دوره که همگی غیرمجاز و غیرقانونی بوده است، از مسئولیت دانشکده برکنار شده است. (صفحه ۲۷۳) ۴- سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران: گواهی‌های صادره از طریق دانشکده مدیریت این دانشگاه در خصوص فرادرمانی و سایمنتولوژی فاقد مجوزهای لازم از معاونت‌های آموزشی و تحقیقات فناوری دانشگاه می‌باشد. (صفحه ۲۷۴) ۵- مدیر کل دفتر مرکزی حراست سازمان ملی جوانان: کانون عرفان کیهانی بدون اخذ مجوز، اقدام به راه‌اندازی شعبه در بعضی استان‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزشی عرفان کیهانی نموده است و این مسئله خلاف اساسنامه‌ی آن می‌باشد. اعتبارنامه‌ی کانون عرفان کیهانی پس از مدت یک‌سال از تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۱ تمدید نگردیده است. (صفحه ۴۵۳) ۶- مشاور وزیر و مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: هیچ‌گونه سابقه‌ای از ارزشیابی مدرک تحصیلی خارجی دکترای آقای محمدعلی طاهری در وزارت علوم وجود ندارد و نیز مدرک تحصیلی دکترای افتخاری وی فاقد ارزش تحصیلی بوده و قابل ارزشیابی به جهت استفاده از امتیازات آن نمی‌باشد. این وزارت مجوز جهت برگزاری دوره‌های عرفان کیهانی (حلقه) صادر نکرده است. (صفحه ۵۵۵) ۷- سرپرست اداره پزشکی قانونی تهران: فرادرمانی، مدعی استفاده از نیروهای ماوراء طبیعی برای بسیاری بیماری‌هاست ولی تاکنون دلایل قطعی مبنی بر تأثیر مطلوب این نوع درمان در کنترل و بهبود بیمارها به دست نیآورده است. هرگونه دخالت در درمان بیماران اصولاً باید تحت نظر پزشک و یا مجوز نهادهای مسئول و ذیصلاح صورت گیرد. (صفحه ۵۵۴) ۸- سرپرست اداره کل امور کتاب‌وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی: چاپ مجدد و پخش کتاب «انسان از منظری دیگر» ممنوع است. (صفحه ۶۸۴) ۹- سرگروه روان‌شناسی و عرفان اداره کل کتاب معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: کشفیات حاصله از متهم اعم از کتب، ویژه‌نامه‌ها، سی‌دی‌ها و... از طریق مرجع انتظامی در اختیار کارشناسان وزارت ارشاد قرار گرفت تا در خصوص آن‌ها نظریه‌اش را اعلام دارد. حال به برخی از نکات آمده در گزارش گروه روان‌شناسی و عرفان، اداره کل کتاب معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اشاره می‌شود. الف: عرفان کیهانی

امامت‌ستیز و ولایت‌ستیز است. ب: عرفان کیهانی، لااقل تعالیم آن، آدمی را از نماز دور می‌سازد. برداشت‌های انحرافی که از عرفان مورد نظر ایشان با ایجاد شبکه‌های خاص شده است انحرافی بیش نیست، که بعدها دامنه‌ی آن گسترش خواهد یافت. بدعت این فرقه در خصوص نماز عجیب است، این فرقه نسبت به نماز می‌گوید: همان که چشمانت را ببندی و به خیالات بروی یعنی «دائم الصلاة» هستی. ج: برداشت‌های مغالطه‌آمیز و التقاطی ایشان از قرآن و برخی روایات بسیار زیاد است. د: آقای طاهری چندی پیش در ماه مبارک رمضان مقاله‌ای به سایت‌ها و برخی روزنامه‌ها داده که در آنجا انسان را به ۴ گونه و دسته تقسیم کرده است. ۱- خدامحور ۲- خدامحور خودمحور ۳- خودمحور ۴- خودمحور خودمحور و به صورت شفاهی خود را خدا محور خدامحور خوانده است. ه: مواردی نظیر طفره رفتن از پاسخ‌گویی صریح به سؤالات و شبهات، مخالفت با ایمان و عمل صالح، نفی آزمون انسان در مزرعه دنیا، عدم اعتقاد به ملائک الهی، شناخت ممکن نیست، عشق به خدا ممکن نیست، عبادت خدا ممکن نیست، عضویت خدا در حلقه، حق تفویض، صراط مستقیم همگانی، شعور الهی تنها واسطه و شبکه‌ی منفی و اطلاعات محرمانه از مواردی است که جداً جای بررسی اساسی دارد. ز: اعلام ارتباط ویژه برای تمام دنیا: یکی از اطلاعیه‌های فرقه عرفان حلقه که در بهمن‌ماه ۱۳۸۶ در میان شاگردان این فرقه پخش شده به شرح زیر است: «طبق نظر و اعلام استاد (طاهری) حلقه‌ی ارتباطی ویژه از ساعت ۲۲ مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۸۶ به طور ۲۴ ساعته در تمام دنیا اعلام شد. در تمام دنیا جهت بهره‌گیری از درمان، رسیدن به آرامش، کاهش اضطراب و نگرانی و... می‌توانند در این ارتباط به طور نامحدود بهره‌مند شوند. خ: ری‌کی یا انرژی کیهان هم پدر و مادر عرفان کیهانی است و انحرافی بودن ری‌کی مسلم است. ط: وابسته نبودن به هیچ مذهب و اعتقادی: معنویتی فرادین ارائه کردن. ک: با ملاحظه‌ی متن کتاب عرفان کیهانی: این کتاب را پر از مبهم‌گویی و در بسیاری موارد خلاف تصریحات قرآنی می‌یابیم. این ابهامات ممکن است این مکتب را برای افراد غیرمتخصص در زمینه‌ی معارف دینی، بزرگ جلوه داده و آنان را گمراه نماید اما از نگاه کسانی که با اصطلاحات دینی آشنایی دارند، یا نویسنده از روی غرض‌ورزی مطالب خود را چنین بیان کرده یا ناآشنا با معارف دینی است. اگر چنین کاری از روی غرض‌ورزی باشد که قضاوت آن با خود نویسنده است و اگر از روی ناآشنایی باشد این سوال جدی مطرح می‌شود که چرا کسی که نسبت به معارف اسلامی آشنایی کامل ندارد دست به تأسیس یک مکتب عرفانی بزند! در انحراف این عرفان شکی نیست، کتاب‌ها اجازه‌ی انتشار ندارند و معلوم نیست چرا ویژه‌نامه‌ها به این عرفان انحرافی دامن زده‌اند؟ جای بررسی دارد «سرگروه روان‌شناسی و عرفان ۱۳۹۰/۴/۸» (صفحه ۶۸۲ الی ۶۹۰) مطلب حائز اهمیتی که تشکیلاتی بودن عملکرد این فرقه‌ی انحرافی را نمایان می‌سازد وقوع دو ترور نافرجام فرقه‌ای است که به اختصار به هر یک اشاره می‌گردد: در مورد اول: فردی به نام اسدا... ابراهیم تبار فرزند اسماعیل که از همفکران و مسترهای اولیه و اصلی متهم محمدعلی طاهری بوده و در تاسیس و راه اندازی مؤسسه عرفان کیهانی نیز نقش داشته، پس از نگارش یک مقاله از سوی متهم راجع به قیام عاشورا و عزاداری و... به لحاظ احساس وظیفه‌ای که در دفاع از ساحت امام حسین(ع) و عزاداری حسینی می‌نماید، شروع به انتقاد از این مقاله نموده و رفته رفته در اساس عرفان حلقه و فرادمانی تشکیک نموده تا جایی که به صورت علنی زبان به نقد عملکرد متهم گشوده و با وی به مناظره می‌پردازد که سی‌دی آن هم موجود است و در نهایت با اختلاف شدید از متهم جدا شده و خودش به تدریس برخی شاگردان در حوزه‌ی عرفان اسلامی ادامه می‌نماید و بی‌سواد و سوءاستفاده متهم را تشریح می‌نماید. بالاخره با خشمگین شدن متهم و دیگر اعضای افراطی این فرقه از این موضوع، آقای اسدا... ابراهیم تبار در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۹ به ضرب گلوله‌ی ۹ میلی متری

مورد اصابت و ترور قرار گرفته که علیرغم برخورد با صورتش به شکل معجزه آسایی جان سالم به در می‌برد. در مورد دوم: یکی از شاگردان قدیمی متهم به نام بهرام روشن‌منش که همسرش از معتقدین افراطی متهم بوده و حتی به طلاق بین ایشان هم منجر می‌شود در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۴ و به هنگام سوار شدن به خودرواش مورد حمله‌ی مسلحانه واقع که به دلیل کمانه کردن گلوله نجات می‌یابد. قابل ذکر است که شکایت مصدومین مذکور و تحقیقات فنی و اطلاعاتی در این خصوص در پرونده‌ی جداگانه‌ای در همین شعبه به همراه مستندات مربوطه مفتوح به رسیدگی و در دست تحقیق و پیگیری می‌باشد: نکته‌ی دیگری که در مورد فرقه عرفان حلقه جای تأمل دارد شیوه‌ی عضوگیری و تبلیغات این فرقه‌ی انحرافی است به گونه‌ای که اولاً ده‌ها سایت و وبلاگ اینترنتی به صورت مستقیم از سوی فرقه و هواداران اصلی و مسترهای اولیه راه‌اندازی شده و مسئولیت اطلاع‌رسانی آخرین نظریات رئیس فرقه و مقالات وی و نیز تبلیغات وسیع افکار عرفان حلقه را بر عهده داشته‌اند که تصاویر آن به پیوست و در جزوه‌ی تحلیلی ضمیمه می‌باشد. ثانیاً شیوه‌ی جذب و عضوگیری در فرقه‌ی مزبور دقیقاً مثل شرکت‌های گلدکوئیستی با روش هرمی بوده به گونه‌ای که هر عضو خودش می‌بایست حداقل ۳۵ نفر را وارد حلقه نماید تا آن‌ها نام خود را در ارتباط ویژه وارد کنند مضافاً این که اساس تربیت شاگردان و اعطای پایان‌نامه فرادرمانی به هر شاگرد و تبدیل او به مقام (مستر) به واقع تجویز امکان تدریس و تبلیغ و تربیت شاگردان بعدی در کلاس‌های تشکیل شده توسط هر مستر و به همین نحوالی آخر می‌باشد و همین شیوه باعث عضوگیری روزافزون فرقه در سراسر کشور شده‌است. هرچند شاگردان متهم بسیار زیاد بوده و در سراسر کشور پراکنده‌اند و حتی در خارج از کشور نیز حضور دارند لکن به لحاظ القاء رعب و وحشت ناشی از قرارگرفتن در شبکه‌ی منفی و قطع لایه محافظ و هجوم موجودات غیرارگانیک و تشعشعات آن‌ها و علیرغم وصول اخبار فراوان و مراجعات حضور عده‌ی عدیدی از مردم جهت برخورد با متهم، از اعلام شکایت صریح خودداری نموده‌اند. قابل ذکر است که مسترهای اصلی متهم در شهر تهران که به واقع رؤسای کمیته‌های پزشکی و دین‌پژوهی و روان‌شناسی و... بوده‌اند در پرونده‌ی مجزایی دستگیر شده و پس از مواجه شدن با عمق شکاف عقیدتی متهم و انحراف و کذب‌گویی‌های وی، همگی با مکتوب نمودن تعهدنامه‌های قضایی برائت خود را از وی اعلام نموده و دست از حمایت برداشته و حتی فریب‌خوردگی خویش را اذعان و مصاحبه نموده‌اند که مستندات آن در پرونده‌ی مربوطه مفتوح در شعبه پنجم بازپرسی موجود می‌باشد. البته همگی فعلاً با سپردن ضامن معتبر آزاد شده‌اند. وزارت اطلاعات نیز به لحاظ اهمیت و گستردگی موضوع فرقه‌ی انحرافی عرفان حلقه، همچون آگاهی‌نار... سپاه، بارائه‌گردشکارهای نوبه‌ای، خطیر بودن موضوع و عمق فاجعه‌ی ارتكابی متهم و نقش خود و مسترهای اصلیش را یادآور شده است و این اتفاق نظر نیروهای امنیتی و حتی انتظامی حاکی از ضرورت توجه ویژه به آن می‌باشد. متهم که فردی زیرک و تیزبین است پس از دستگیری درصدد توجیه گفته‌ها و نوشته‌هایش برآمده و همه را در راستای دین و تشیع تغییر می‌نماید و از آن روی که می‌داند معنای گفته‌ها و نوشته‌ها و آموزش‌هایش چیزی جز بدعت نیست و متوجه جرایم ارتكابی و مجازات آنهاست با اصرار فراوان جهت آزادیش، مدعی است می‌تواند در فرصت کوتاهی، کلیه‌ی کلاس‌ها را تعطیل کرده و با انجام مصاحبه، عدم اعتقاد به عملکرد گذشته‌اش را به همگان اعلام نماید که این خود جای تأمل فراوان دارد. متهم با سفرهای خارجی متعدد و مشکوک و اصرار بر تثبیت نظریه‌های التقاطی خویش در کشورهایی همچون آمریکا، ارمنستان و آذربایجان و... سعی داشته به چهره‌ای بین‌المللی تبدیل شود تا مراجع قانونی داخلی، دیگر نتوانند وی را زیر سوال ببرند. کما این که بلافاصله پس از دستگیری‌اش، شبکه ماهواره‌ای معاند همچون VOA و BBC فارسی با اعلام اخبار مربوط به وی و بزرگنمایی

عملکردش به حمایت از متهم پرداخته و خواهان آزادی وی شده اند! همانطور که در مطالب فوق‌الذکر مشاهده می‌شود و مستندات پرونده و کشفیات حاصله نیز نشان می‌دهد، متهم با شگرد همه‌ی مدعیان دروغین و با شیوه‌ای منحصر به فرد، ضمن التقاط میان مباحث فلسفی - عقیدتی از یک سو و مباحث پزشکی و درمان و روان‌شناختی از سوی دیگر و با بهره‌گیری از قدرت کلام خویش و تاثیرپذیری افراد جاهل و نیز گردآوردن عده‌ای فرصت‌طلبان سودجو در اطراف خویش، در کمال ناباوری خویش را دارای «دریافتی ماورائی» دانسته که آن را با اتیان سوگند و گذراندن یک دوره‌ی شش هفته‌ای و پرداخت مبلغ پنجاه هزار تومان، به هر کسی که بخواهد چه مذهبی، چه بی‌دین، چه باسواد، چه عامی تفویض می‌نماید و برای قابلیت این دریافت ماورائی، پایان‌نامه نیز صادر کرده و قدرت درمان بیماری‌ها را با قرار گرفتن در حلقه‌ی اتصال شعور کیهانی، به همه انتقال می‌دهد!!! این سوءاستفاده از عواطف و احساسات فطری پاک مردم منجر به یک جریان فکری در کشور و برانگیختن حمایت رسانه‌های بیگانه شده و نابجا نیست اگر بگوییم قصه‌ی عرفان حلقه و فرادرمانی، عملاً به یک معضل ملی و امنیتی تبدیل شده که بهترین دلیل بر این مدعا، اتفاق نظر وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و مسئولین عالی قضایی به این موضوع می‌باشد همانگونه که استفتائات متعدد توسط امت حزب... و توسط شعبه‌ی بازپرسی از مراجع عظام تقلید نیز مؤید همین مطلب می‌باشد. حالیه با عنایت به مراتب فوق، نظر به شرح مبسوط و توجهاً به تحقیقات و دلایل محصله توسط بازپرس محترم شعبه‌ی پنجم این دادسرا مذکور در قرار مجرمیت و به شرح ضمائم و مندرجات پرونده که عباتند از:

۱- شکایت شاکیان خصوصی، ۱-۱) آقای بهرام روشن‌منش که اظهار داشته‌اند: «از آقای محمدعلی طاهری به خاطر تدریس غیرمجاز عرفان و فرادرمانی بدون مجوز که باعث وقوع شکاف در زندگی اینجانب شده و ۲ سال است همسرم زندگی خودش را ترک کرده و از او مطلع نیستم و همچنین از آنجا که توسط ایادی وی تهدید به قتل شدم و مورد سوءقصد مسلحانه قرار گرفته‌ام شکایت دارم» (ص ۱۰۵ و ۱۰۶) ۱-۲) خانم میترا ربیعی که اظهار داشته‌اند: «کلاس‌ها را با مسترهای ایشان در منزل شروع کردیم. ترم اول را با خانم فریده عباسی و ترم دوم تشعشع دفاعی را با خانم زهرا جلیلی دنبال کردیم و هیچ نتیجه‌ای در جهت مشکلم نگرفتم حتی مشکلم روز به روز حادث‌تر شد و حتی سرکلاس‌ها حالم بد می‌شد و شهریه‌ی ۱۵۰/۰۰۰ تومان پرداخت و...» (۱۰۸). ۱-۳) آقای سید احمد مدنی که اظهار داشته‌اند: «آنچه را می‌توانم در مورد آقای محمدعلی طاهری عنوان نمایم و به نظر بنده مهم‌تر از همه‌ی مسائل درمانی و فرادرمانی و غیره می‌باشد، این است که ایشان در پشت مسائل به ظاهر درمانی بسیار زیرکانه و غیرمحسوس و در پی تضعیف اعتقادات عمومی مذهبی مردم با ذکر این نکته که خواندن قرآن را تا هنگامی که نمی‌فهمید نباید انجام دهید یا تفاسیر متفاوت از آیه‌های قرآن و همچنین ایجاد شک و تردید در مورد مراسم مذهبی نظیر عاشورا و تبلیغ برای بهائیت در لافافه و... می‌باشد. (صفحه ی ۱۱۱) ۱-۴) آقای اسدا... ابراهیم تبار که اظهار داشته‌اند: «اینجانب به عنوان یک عزادار امام حسین (ع) نسبت به جزوه‌ی آئینه‌ی عاشورا که ظاهراً سال ۱۳۸۲ یا ۱۳۸۳ توسط طاهری نوشته شده و در آن صراحتاً عزاداران امام حسین (ع) که این جمله لایق خودشان می‌باشد آنها را حیوان خطاب نموده شکایت دارم...» (صفحه ی ۱۱۲) ۱-۵) آقای سید حمید صابی انای که اظهار داشته‌اند: «من در کلاس‌های آقای طاهری شرکت کردم که گفته می‌شد لایه محافظ داده می‌شود و اگر تخلفی صورت گیرد باطل می‌شود. در این کلاس‌ها هیچ چیزی دریافت نکردم و هر ترم ۵۰ هزار تومان بابت شهریه پرداخت کردم و آقای طاهری جهت پولدار شدن از کم سوادی مردم سوء استفاده می‌کند و...»

(صفحه ی ۲۱۳) ۱-۶) خانم وفا صمدی که اظهار داشته‌اند: «اینجانب از محمدعلی طاهری به دلیل نفوذ و فکر خوانی و ایجاد بهم ریختگی روحی و روانی و برهم زدن نظم زندگی ما همچنین به دلیل تباری و همکاری با یک عده به منظور صدمه زدن به روح و روان و فکر و جسم دیگران و در اختیار گرفتن روح و روان و فکر دیگران... شکایت دارم.» (صفحه ی ۲۳۳)

۲- گزارش جامع و کامل و گردش کار نهایی معاونت اطلاعات قرارگاه ثارا... سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جزوه ی تحلیلی تهیه شده از سوی این معاونت که مضبوط در پرونده می باشد.

۳- فتاوی معتبر از جمله فتاوی حضرات آیات: علوی گرگانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی به شرح مندرج در پرونده.

۴- اتفاق نظر مرجع انتظامی، وزارت و سپاه پاسداران در خصوص لزوم برخورد قضایی و قانونی لازم با نامبرده و حل معضل امنیتی ایجاد شده از ناحیه ی وی.

۵- استعلامات انجام شده از سه وزارتخانه ی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فن آوری و نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر این که فعالیت‌های وی فاقد وجاهت قانونی بوده است.

۶- نظر رسمی پزشکی قانونی در خصوص عدم اثبات تأثیر فرادرمانی در درمان بیماران.

۷- اظهارات و اقرار صریح و بی‌شائبه ی متهم در جلسه ی بازپرسی و تحقیقات مقدماتی و نیز دفاعیات بلاوجه نامبرده.

۸- اظهارات دکتر صدر، صاحب امتیاز مسؤول فصل نامه ی دانش پزشکی مبنی بر این که انتشار ویژه نامه های تخصصی فرادرمانی شماره ی ۱ الی ۶ در این فصل نامه که به موضوع فرادرمانی پرداخته است بدون اطلاع وی و هماهنگی های لازم بوده است.

۹- جزوات تحلیلی، سی دی های سخنرانی متهم و سایر مدارک و مستندات و ضمائم پیوست.

۱۰- سایر قرائن و امارات موجود در پرونده و جمیع محتویات آن مجرمیت متهم از نظر این دادسرا به اثبات رسیده است. لذا به استناد مواد ۵۱۳، ۱۹۱، ۱۹۰ از قانون مجازات اسلامی و ماده ی ۵۵۶ از همان قانون موضوع ماده واحده ۲ قانون استفاده ی غیرمجاز از عناوین علمی مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۶، مواد ۱ و ۳ از قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی و مواد ۱ و ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و همچنین فتاوی معتبر حضرات آیات عظام علوی گرگانی، صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی تعیین مجازات و محکومیت متهم مورد تقاضاست. تاریخ وقوع جرم از سال ۱۳۸۳ تاکنون به صورت مستمر و محل آن تهران است. شایان ذکر است پرونده ی متهم در خصوص اتهامات ترور فرقه ای، شروع به قتل و تهدید به آن و اجتماع و تباری به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریک های فدایی و جعل و استفاده از سند مجهول و کلاهبرداری با استفاده از مدارک فاقد اعتبار و پرونده ی مسترهای اصلی متهم به

اتهام مشارکت با وی در شعبه‌ی بازپرسی با حفظ بدل مفتوح به رسیدگی و تحقیق می‌باشد. ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروهک چریک‌های فدایی و جعل و استفاده از سند معجول و کلاهبرداری با استفاده از مدارک فاقد اعتبار و پرونده‌ی مسترهای اصلی متهم و نیز آقای پدرام سعیدی به اتهام مشارکت با وی در توهین به مقدسات اسلامی و مداخله در امور پزشکی و ارتکاب فعل حرام، با حفظ بدل در این شعبه مفتوح به رسیدگی و تحقیق می‌باشد. یکی از شاکیان شکایت خود را چنین مطرح می‌نماید: با سلام خدمت دادگاه گرامی، شکایت اینجانب سید محمد صابری. من ۹ ترم در کلاس‌های ایشان شرکت کردم و به اتفاق همسرم که برای هر نفر ۵۰ هزار تومان شهریه گرفته‌اند و کلاً مسائل واهی و بی‌اساس گفته می‌شود از جمله ترمزدستی کشیدن در نماز، بی‌قبلگی، بی‌مهر بودن، دیدن جهنم من رسالت دارم. از من پرسیدن که این مطالب را برای چه می‌خواهی می‌گفتند برای همه می‌خواهم نه فقط برای خودم معراج را فقط حضرت رسول (ص) دیدن که ایشان چنین ادعایی دارند در ضمن با توجه به تیر زدن ۲ نفر که آقای تبار در جلسه دادگاه هم گفتند من می‌ترسم که این بلا سر من هم بیاید در خانواده باعث لطمه شدم با آبرویم بازی شد. آقای طاهری در فرادمانی گفت مریض را درمان می‌کنم که هم دروغ بود از خرابات به نوعی صحبت می‌کردند که باید همه چیز خراب و دوباره ساخته شود ولی به این گونه که ایشان می‌گویند اگر ۷ میلیارد انسانی که در کره زمین است به جهنم بروند پس خوب و بدی نماز و روزه، تقوا، درستی چه می‌شود؟ طاهری همه چیز را با حرف‌های خود فریب و از این راه به درآمد کلان رسید که ۲ نفر دفتر در تهران سعادت آباد و بلوار فردوس از کجا می‌آورد همه‌ی اینها را؟ یکی دیگر از شکات، شکایت خود را اینگونه بیان می‌دارد: با عرض سلام. اینجانب محمد کنعان روفوسنی فرزند مرتضی با خانم نوروزی زرمهدی در سال ۱۳۸۷ ازدواج کردم که متأسفانه متوجه شدم که همسرم در کلاس‌های آقای طاهری شرکت و به درجه استادی رسیده‌اند از آن تاریخ تا به امروز بنده با تحقیقات و مشاوره‌های حضوری و غیرحضوری با استادان دانشگاه و حوزه متوجه انحرافی بودن این کلاس‌ها و تفکرات شدم لذا وظیفه خود دانستم که مطالب تحقیقی خودم را به گوش شاگردان این کلاس‌ها برسانم و جلوی ورود شاگردان جدید را بگیرم. علت شکایت ۱- جنبه شخصی که رابطه با همسرم به علت تفکرات این شبکه که باعث جدایی شده، چرا که استادشان (طاهری) در مورد ازدواج گفته‌اند که ازدواج تمرین وحدت است و حتماً لازم نیست که همفکر یا تفاهم داشت و یا همدیگر را درک کنیم فقط و فقط وحدت می‌باشد. آیا با این تفکر در این کشور جمهوری اسلامی می‌توان زندگی کرد و در رابطه با زناشویی هم ایشان می‌گفتند که ما با هم نزدیکی نمی‌توانیم بکنیم چرا که تفکر ماورایی می‌کند و تو دارای موجودات غیر اورگانیک می‌باشی و طلسم شدی و در مورد بچه‌دار شدن هم می‌گفتند که باید در این کلاس‌ها شرکت کنی تا به درک واقعی و کمال برسی و بعد بچه‌دار بشیم. که متأسفانه امروز به مرحله طلاق رسیده‌ایم. ۲- جنبه‌ی عمومی. مطالب کلی را مکتوب داده و تحقیقات خودم را به آن مقام محترم قضایی ارائه خواهیم کرد. فقط چند نمونه از رندی این شخص که فیلمبرداری شده بود. ۱- در منزل خانم مهری سلیمانی واقع در نیاوران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۵ گفته‌های (طاهری) الف: سال ۲۰۱۲ پیش‌گویی کرده و گفته‌اند که سال دگرگونی خواهد بود. ب: مخالفان بنده ۲ گروه می‌باشند یکی مافیای دارو و دیگری کسانی که دکان مؤذنه آنها کساد شده. ج: بنده شانسی شانسی مسلمان شدم و شیعه این‌ها ملاک نیست ولی در کتاب‌های خودشان دم از شریعت می‌زنند و در این دفتر که توسط خانم مهری سلیمانی اداره می‌شد برای کمک به استاد شماره حساب خانم سلیمانی را داد. اصلی‌ترین شگرد ایشان این است که نکته برداری از قرآن و شریعت و مقدسات می‌کنند و در جایی که بخواهند استفاده می‌کنند. مثلاً از صلح امام حسن (ع) برای وحدت جهانی

و از قیام آقا امام حسین (ع) جهت جنگ با دشمن و عدم وحدت استفاده می‌شود. سوال خیلی مهم این است که ایشان در مورد نماز، روزه، حج و... مقاله نوشته‌اند که درست ولی نوشتن برای خوش آمدن نظام و فرار از طرح شکایت بوده ولی نظر خودش و عمل کردن به آن مقاله‌ها چه گفته، ایشان فقط تعریف کرده ولی توجیه عمل ندارند و عمل را با اتصال جایگزین کرده‌اند... آقای بهرام روشن‌منش از دیگر شکات اظهار می‌دارد: بسمه‌تعالی. اینجانب بهرام روشن‌منش فرزند باقر به شماره شناسنامه ۶۳۶۵۲ صادره از تهران متولد ۱۳۳۱ به شرح ذیل شکایت خود را از آقای محمدعلی طاهری بیان می‌دارد. ۱- حسب محتویات پرونده شکایت خود را در محضر مرجع تحقیق مطرح نمودم که مؤید حضور قاضی محترم دادگاه می‌باشد. (۱-۱) در سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۴ همسر اینجانب را وارد تشکیلات غیرقانونی خود نموده به تبع آن یک طبقه از منزل مسکونی اینجانب در شهرک غرب را به عنوان درمانگاه (فرا درمانی) تشکیل دادند. البته شایان توجه مقام محترم دادگاه اینجانب به ناچار به خاطر همسر و سه فرزند ایشان و... به لحاظ عدم وجود فرصت برای خودم در جهت اطلاع از مسیر جریانات ناچار به قبول شدم که بخشی از این تشکیلات در حیطة اوست و روزمره خودم در جریان قرار داشته باشم زیرا به لحاظ شغلی و... قادر به رفتن به مکان‌های این شخص که همسر هم دستیار اول ایشان بود نبودم. ایشان در مسیر کارهای غیرقانونی و خلاف عرف و شرع از نظر اجتماعی باعث ایجاد انحراف در زندگی زناشویی و خیلی از خانواده‌ها شد که هم‌اکنون از سال ۱۳۸۷ همسر اینجانب از منزل خارج و در تشکیلات ایشان فعالیت دارد که هیچ اطلاعی هم از محل ایشان ندارم. در مدت یکسال فرا درمانی شهرک غرب از همان ابتدا انحرافات را متوجه شدم و با همسر به مخالفت ایستادم و... «۲-۱» متهم در مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۷ فردی به نام فریدون عباس‌نژاد را که از عواملش بود به نزد من فرستاد که دست از اقدامات قانونی‌ام بردارم که نوار قسمت عمده‌ای از مکالمات موجود است که به مرجع تحقیق ارائه گردیده است. در این پیام اینجانب تهدید به ترور می‌شوم و چند ماه بعد این مسئله به شرح موجود در پرونده توسط عوامل ایشان به انجام می‌رسد و در مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۴ شب ساعت ۱/۱۵ جلوی درب منزل مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرم که مشروح آن مضبوط در پرونده‌ام است و متأسفانه هنوز اقدامی صورت نپذیرفته است. لذا موارد اصلی شکایت به شرح ذیل را فریب همسر و زن‌های خانواده متعدد و خروج از زندگی زناشویی به لحاظ آموزه‌های غیراخلاقی فرا درمانی، ۲- بروز موارد الحادی در جامعه و در جامعه و ایجاد مفاسد اخلاقی و اجتماعی در اثر ارائه مطالب خلاف شرع و اصولاً مبارزه با دین و اعتقادات در جامعه و انحراف عقیده در خانواده‌ها در امور اعتقاد و باورهای دینی. ۳- شروع به قتل با دستور ترور توسط عوامل اجیر شده ایشان. ۴- کلاهبرداری و دریافت وجه در قبال آنچه که خدا مفهوم و وجود خارجی ندارد به نام ارتباط و اتصال و اخذ الهام از بالا (خداوند) ۵- رد ائمه و معصومین و مقابله با پیامبر و تفسیر آیات قرآن و ایجاد این آموزه‌ها در جامعه و خانواده‌ها که باعث تزلزل کامل ارکان خانواده می‌گردد که گریبان خانواده اینجانب را پس از ۱۳ سال زندگی گرم گرفت. ۶- نسبت به ردیف ۴ به استحضار می‌رساند بابت همسر و سه فرزند و خودم به لحاظ حضور در بعضی کلاس‌ها و اطلاع از کم و کیف مسائل مبالغه‌هنگفتی را در قبال آنچه که وجود نداشته و فریب بوده پرداخت نمودم که نص صریح کلاهبرداری در قانون است. ۷- ایجاد اماکن فساد غیرقانونی خانگی در سطح مملکت به نام فرا درمانی که خود باعث ایجاد مفاسد اجتماعی گردیده است. باتشکر از مقام منبع دادگاه تقاضای رسیدگی و مجازات نامبرده را دارم. اظهاراتم را امضا می‌نمایم. متهم در دفاع از شکایت شکات چنین اظهار می‌نماید: در خصوص شکایت آقای صابری لازم است توضیح دهم که نامبرده و همسر ایشان را نمی‌شناسم و به احتمال ۹۹٪ اصلاً شاگرد اینجانب نبوده‌اند. فقط ایشان را اسماً از آنجا به خاطر دارم که در پرونده شکایت آقای بهرام روشن

منش شهادت دروغ داده‌اند مبنی بر این که همسر نامبرده بعد از اینکه به کلاس اینجانب وارد شدند تغییر رویه داده و از نامبرده تقاضای طلاق نمودند در صورتیکه در قرار دادگاه ثابت شد که همسر آقای روشن‌منش از سال ۱۳۷۸ درگیر طلاق و زد و خورد و دادگاه بوده‌اند که در نتیجه اینجانب تبرئه شدم. لازم به یادآوری است کلیه کسانی که به کلاس اینجانب آمده‌اند عکس و فتوکپی شناسنامه ارائه داده و فرم ثبت‌نام و رضایت‌نامه را به دلیل خود امضاء نموده‌اند که ایشان هیچ مدرکی (کارت صادره از طرف مؤسسه و غیره) را برای اثبات این که در کلاس شرکت نموده‌اند نداشته و طبق دادگاه قبلی که شهادت دروغ داده‌اند در دادگاه نیز به بنده اتهام کلاهبرداری وارد نموده که کاملاً دروغ محض بوده و سایر موارد نیز شنیده‌های ایشان است که بطور ناقص و تحریف شده ارائه می‌شود. برای مثال هیچگاه بنده ادعای دیدن جهنم و بهشت را نداشته و اینکه مهر نماز اجباری نیست و... سایر موارد. برای اثبات حقانیت خود به مقاله‌های اینجانب در خصوص صلوه، حجاب، رمضان، حج، غدیر، خانواده، اخلاق، عاشورا و غیره مراجعه شود گویای این مطلب است که بنده به تمام موارد عبادت ظاهری اعتقاد دارم، اما در خصوص اخذ مبلغ ۱۰/۰۰۰ تومان که ایشان شنیده‌اند مربوط به شرکت در مراسم افطاری ماه رمضان سه سال قبل است که شرکت‌کنندگان خود ده هزار تومان پرداخت نموده و پنج هزار تومان نیز از جانب شرکت‌کنندگان بود که ایشان قطعاً حضور نداشته و فقط شنیده‌اند زیاد در جواب سؤال اینجانب که کجا و به چه مناسبتی بوده جواب نداشته. اینجانب همواره سعی خود را در ارتقای کیفیت عبادات داشته‌ام که گواه آن و شهود فراوانی وجود داشته و فیلم نیز می‌تواند بیانگر این موضوع باشد. همچنین صدای هیچگونه صحبت خصوصی با نامبرده نداشته و ایشان را در این دادگاه برای اولین بار است ملاقات کرده‌ام. در خصوص ادعای آقای کنعان روفوسنی نیز که ایشان و همچنین همسر نامبرده را مطلقاً نمی‌شناسم درست مانند مورد قبلی صرفاً انتقال و نقل قول صحبت‌هایی است که ایشان شنیده و به طور ناقص بازگو می‌کند و صحبت‌ها و مقاله‌های اینجانب در خصوص خانواده مبتنی بر تحکیم و وحدت رابطه بوده و امکان ندارد که کسی در رابطه با اینجانب دچار مشکلات خانوادگی شده باشد و در این خصوص قطعاً مشکلات جانبی که باعث بروز مشکلات خانوادگی شده است به هر دلیلی به حساب این موضوع گذاشته است که صحت و سقم آن برای خود اینجانب نیز مجهول و تعجب‌آور است و تهمت‌هایی که در خصوص عبادات ظاهری مطرح می‌شود، با مراجعه به حدود چهل مقاله چاپ شده اینجانب در روزنامه‌های مختلف کاملاً پوچ و بی‌اساس خواهد بود. خصوصاً در مورد حج که ایشان ادعا می‌کنند که فردی با آشنایی با موضوع این کلاس از انجام آن منصرف شده است که مقاله اینجانب خلاف آن را ثابت می‌کند. بنده توضیح داده‌ام که علی‌رغم این که شیعه‌زاده بوده‌ام، خود شخصاً در حال حاضر با آگاهی امروز خود شیعه شده‌ام و شیعه هستم و ابراز اینکه بنده از زندان با بیرون تله پاتی برقرار کرده و زندگی ایشان را کنترل کرده‌ام توهم ایشان را صرفاً می‌رساند. به هر حال هیچگونه آشنایی از ایشان و همسرشان را نداشته و ادعاهای نامبرده را کاملاً واهی می‌دانم. در خصوص شکایت آقای تبار که منجر به رضایت ایشان در این محکمه گردید باید اذعان کنم که بنده مقاله آیینة عاشورا را در مورد امام حسین(ع) در نهایت عشق کامل و نهایت توجه و علاقه به ایشان نوشته‌ام و در بسیاری از روزنامه‌های کشور در این چند سال اخیر به چاپ رسیدند و هیچ کس به جز ایشان چنین برداشتی مبنی بر توهین به امام حسین(ع) را نداشته‌اند. متهم در ادامه دفاع بیان می‌دارد: بسم‌الله الرحمن الرحیم. بدینوسیله اینجانب محمدعلی طاهری با توجه به این که مسلمان، شیعه و معتقد به نبوت پیامبر اکرم(ص)، ائمه علیهم‌السلام و خاتمیت امام عصر(عج) و اصل ولایت فقیه می‌باشم، از این رو کلیه اتهامات وارده مبنی بر فساد فی‌الارض و توهین به مقدسات را مردود دانسته و در جهت اثبات اعتقادات خود کتب، مقالات و صدای اذان

خود را که چندین سال است پخش می‌شود ارائه می‌کنم در ضمن کلیه مدارک ارائه شده علیه اینجانب در خصوص افساد فی الارض و توهین به مقدسات، صرفاً چند قطعه کوتاه صوتی است که سال گذشته از طریق سایت (اظهار ظهور) پخش گردیده (حدود شش قطعه یک دقیقه‌ای) که به هیچ عنوان فایل صوتی مود قبول اینجانب نیست زیرا با محتویات و مطالب کتب و مقالات بنده مغایرت دارند. در ضمن اینجانب هیچگاه ادعای نعوذ بالله خدایی، وحی و نبوت، واسطه فیض الهی بودن، عدم معصومیت ائمه (ع) نداشته و از منتظران ظهور حضرت قائم (عج) هستم (مراجعه به پنج مقاله چاپ شده در جراید کشور) و همچنین هرگز ادعای انجام معجزه نداشته و چنین اتهاماتی دروغ محض است. کلیه فعالیت‌های اینجانب در قالب مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی صورت گرفته و کاملاً علنی بوده و از کلیه کسانی که در این موسسه ثبت‌نام نموده‌اند، عکس، فتوکپی شناسنامه و فرم ثبت‌نام، رضایت‌نامه و شهریه اخذ گردیده که طبیعتاً، به چنین فعالیت اجتماعی نام فرقه را نمی‌توان اطلاق نمود، هر چند که افراد نیز پس از گذرانیدن دوره دو و سه خود بتوانند به دیگران آموزش بدهند. خصوصاً اینکه اینجانب و موسسه تابعه و افراد ثبت‌نام شده هیچگونه هدف و فعالیت سیاسی نداشته و هرگز در امور امنیتی کشور مداخله‌ای بعمل نیاورده‌اند. در ضمن کلیه موضوعات مطرح شده در کلاس‌ها نیز در قالب کتب و مقالات به چاپ رسیده و سه کتاب اولیه اینجانب دارای مجوز از وزارت ارشاد بوده و هریک در چندین نوبت در تیراژ بالا تجدید چاپ شده و به زبان‌های انگلیسی، عربی و... نیز در کشورهای دیگر انتشار داشته است و با توجه به این که از فیلتر کارشناسی وزارت ارشاد عبور کرده‌اند، نمی‌توانند اشکال اساسی داشته باشند و طرح اشکال بر آنها در حال حاضر موجه نیست در صورت موجه بودن نیز صرفاً بیانگر و متوجه وزارت ارشاد است نه شخص بنده. بنابراین این گونه اشکال وارد بر کتب چاپ شده اینجانب مردود است و تاکنون نیز ابلاغیه رسمی بعضی بر ممنوعیت چاپ هیچ یک از کتب به اینجانب داده نشده است و فقط به صورت شفاهی از صدور مجوز چاپ کتاب‌ها خودداری شده است. از آنجا که فعالیت هر مؤسسه‌ای تأمین مخارج اجاره محل کلاس، دفتر، هزینه‌های پرسنلی، آب، برق، تلفن، گاز و غیره مستلزم اخذ شهریه می‌باشد. بنابراین امری شرعی بوده در ضمن نیت اینجانب انجام فعالیت تحقیقاتی فرهنگی بوده که در چارچوب طرح تئوری‌های مختلف و در پیگیری جهت اثبات آنها اقدامات لازم صورت گرفته است. در این راستا نیت مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی با مجوز وزارت ارشاد و تشکل‌های مردم‌نهاد کانون عرفان کیهانی از سازمان ملی جوانان نهاد ریاست جمهوری و انجمن حمایت از سلامت ایرانیان و «انجمن معرفت» از وزارت کشور و همچنین همکاری نزدیک با «خیریه بهشت یاس پنهان» برای تحقق بخشی به فعالیت‌های فوق در زمینه‌ای خاص صورت گرفته است که همگی اثبات کننده این است که اینجانب تمایل به انجام فعالیت قانونمند داشته و با دانشگاه‌ها، برخی بیمارستان‌ها و نیز محافل مختلف، تبادل اطلاعات مستمر بعمل آمده است. در خصوص استفاده از عنوان لازم به یادآوری است که اینجانب صرفاً مدارج علمی اخذ شده در مسابقات بین‌المللی و همچنین مدال‌های طلا و کاپ‌های این گونه مسابقات را که افتخاری برای کشور محسوب می‌شده به اطلاع رسانیده و هیچگونه استفاده رسمی از آنها نداشته‌ام و به شرحی که در پرونده موجود است، افتخارات کسب شده در مسابقات بین‌المللی شامل شش دکترای افتخاری و شش مدال طلا و چهار کاپ و لوح ویژه و... را افتخاری برای میهن اسلامی تلقی می‌کردم و تصور نمی‌کردم که اعلام خبر آن از کنترل اینجانب خارج بوده و هیچگونه استفاده خاصی از آنها به عمل نیامده است در خصوص مداخله در امر پزشکی نیز اینجانب نظریه پرداز فرادرمانی و سایمنتولوژی بوده ولی از ابتدا ضمن اینکه کلیه فعالیت‌ها زیر نظر پزشکان، روان‌پزشکان بوده است از انجام هرگونه معاینه، تجویز دارو، مداخله در مصرف دارو و غیره به علت اینکه نیازی

به این امر نبوده خودداری و دریافت هرگونه وجه به غیر، صورت نگرفته است و بر طبق اصول فرادرمانی، فرادرمانگیر به کسی اطلاق می‌گردد که از کلیه روش‌های رایج درمانی نتیجه نگرفته باشد. بنابراین باتوجه به موارد فوق در امر پزشکی رایج مداخله‌ای صورت نگرفته است. در ضمن موضوع فوق در یکی از دادگاه‌های شیراز مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به برائت گردیده است (بشرح مندرج در پرونده). در خاتمه به اختصار یادآوری می‌کنم که اینجانب به عنوان یک محقق و نه یک مجرم که در سال‌های ۵۶ و ۵۵ در مسابقات سراسری ایران اول شده و با شروع جنگ در صنایع جنگ‌افزاسازی در طراحی و ساخت سلاح نظامی اقدام کرده و در چند سال اخیر نیز در مسابقات بین‌المللی موفق به اخذ شش کاپ بین‌المللی ادیسون، نوبل و کاپ آسیایی نوبل و کاپ مسکو و کاپ رومانی و... گردیده امیدوارم فعالیت‌های اینجانب به عنوان بخشی از کارهای تحقیقاتی تلقی شده که هیچگونه قصد سوء و مخرب در آنها وجود نداشته است، بنابراین بار در کلیه اتهامات وارده تقاضا دارم نسبت به صدور حکم مبنی بر برائت اینجانب مبذول فرمائید.

بدنبال دفاع متهم و کیل مدافع وی طی لایحه‌ای بیان می‌دارد، با احترام اینجانب به و کالت از آقای محمدعلی طاهری و در پاسخ به اظهارات شکات به استحضار عالی می‌رسانم اولاً آقای کنعان روفوسنی مدارک خود را مبنی بر شرکت همسرشان در کلاس آقای طاهری ارائه نمایند و همینطور آقای صابری نیز مدارک خود را که دال بر شرکت ایشان در کلاسهای موکل می‌باشد و نیز مدارک همسرشان را مدعی هستند بابت نامبرده نیز وجوهی پرداخت شده ارائه نمایند تا صحت گفتار ایشان مشخص گردد. لکن به منظور توضیح قضیه می‌بایستی عرض شود که اتهامات اعتقادی وارده توسط نامبردگان به موکل بدون هرگونه مستند و دلیل موجه می‌باشد که جهت روشن شدن عقاید موکل مطالب موجود در مقالات نامبرده به حضور معرفی می‌گردد. از دیگر شکات پرونده خانم وفا صمدی می‌باشد که ایشان به شرح صورتجلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰ در دفتر بنده و حضور شهود شکایت خود را مسترد نموده‌اند که فتوکپی صورتجلسه موصوف به حضور تقدیم است. در خصوص ادعاهای آقای بهرام روشن منش نیز فتوکپی نامه احراز شهود که اظهاراتش مورد استناد قرار گرفته به نام فریدون عباسی‌نژاد به حضور تقدیم می‌گردد که کذب بودن ادعاهای آقای روشن منش که در جلسه نیز حاضر نگردیده‌اند روشن می‌شود. در همین راستا نسبت به اتهام ارتکاب فعل حرام، رابطه نامشروع با لمس نامحرم که عکس‌های کلاس موکل مورد استناد قرار گرفته بایستی عرض شود همین اتهام پیش‌تر با شکایت بهرام روشن منش در دادسرای ارشاد مطرح گردید و منجر به دادنامه شماره ۱۷۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۱ شعبه ۱۰۸۸ مجتمع قضایی ارشاد گردیده و در این پرونده به مجوز موکل و نیز رعایت شئون اسلامی و پوشش مناسب اشاره شده و عکس‌هایی که در پرونده استناد شده حاکی از تلاش موکل برای جلوگیری از آسیب بیمار ذهنی به خود و دیگران است و قصد ایشان کمک به وی بوده و قصد تلذذ در آن نبوده است. در خصوص اتهام استفاده غیرمجاز از عناوین علمی دکترا و مهندس وفق ماده واحده و تبصره آن می‌بایستی این عناوین در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو تلویزیون، روزنامه، مجله (سایت) یا نطق در مجامع و یا انتشار اوراق خطی یا چاپی توسط متهم این عناوین مورد استفاده قرار گیرد درحالی که موکل در هیچ یک از موارد مذکور در این ماده شخصاً از این عناوین استفاده ننموده است و در صورت وجود مدارک دال بر اثبات خلاف این امر تقاضای ارائه آن را دارم. در خصوص مداخله غیرقانونی و غیرمجاز در امور پزشکی طبق تعاریف موجود از طب نوین چنانکه پیش‌تر اشاره شد معالجه در پزشکی نوین با دخالت در دارو و تغذیه یا ماساژ و لمس یا عملیات فیزیکی بر روی بیمار است که در فرادرمانی هیچیک

از موارد مذکور صورت نمی‌گیرد وانگهی برای معالجه بیمار و کمک به درمان وی توسط غیر پزشک هیچ وجهی دریافت نمی‌شود و با بیمار با ادامه معالجات خود توسط پزشک می‌تواند رایگان از افراد فرادمانی نیز بهره‌مند گردد. در خصوص افساد فی الارض از طریق ایجاد فرقه کیهانی و تشکیل کلاس و بسط تفکرات انحرافی ضد دین و خلاف شرع و ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم و اعتقادات مذهبی ایشان به صورت گسترده فعال در سطح داخلی و خارجی نیز می‌بایستی عرض شود اولاً اتهام ایجاد فرقه توسط موکل به شدت مورد تکذیب است. ایشان مدعی پایه‌گذاری یک رشته طب مکمل به نام فرادمانی بوده‌اند و برای اثبات این امر از متخصصین علوم پزشکی کمک گرفته‌اند. بدین واسطه عده‌ای پزشکان گرد ایشان آمده‌اند و بعد از تأیید برخی از آنها با مطابقت با موازین شرعی و دینی جهت استفاده عموم در مؤسسه تدریس گردیده لکن بیمارانی که بدون تمایل به شرکت در کلاس قصد معالجه از این روش را داشتند بدون دریافت وجه و لمس و رعایت موازین شرعی عمدتاً توسط پزشکان درمان شده‌اند این ادعا برخلاف نص کیفرخواست واهی بوده و وفق نامه استعلام از رئیس پزشکی قانونی تهران به شرح صفحه --- پرونده می‌بایستی توسط کارشناسان مورد بررسی و تحقق قرار گیرد تا صحت یا عدم صحت این ادعا روشن شود. این موضوع تنها در عرصه پزشکی مورد استفاده و آزمایش قرار نگرفته بلکه به شرح شماره ۰۱۰۳/۲۹۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۲ دانشکده پلی‌تکنیک تهران دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز مورد آزمایش قرار گرفته تا این تاریخ تأثیر مثبت آن نشان داده شده است. بنابراین قید ادعای واهی تا حدی به دلیل عدم اثبات، قابل طرح آن هم با قطع و یقین در کیفرخواست نمی‌باشد چنانچه تمامی عقاید شرعی و دینی موکل بیشتر مورد تأیید روحانی آقای سید مرتضی حجت نجفی قرار گرفته بود وفق نامه تقدیمی ایشان همچنان بر مطابقت دیدگاه‌های موکل با دین مبین اسلام و مذهب تشیع اذعان دارند از طرفی به شرح فتاوی تقدیمی، موکل پیش از شروع به فعالیت نظر علما را نیز جویا شدند و در ضمن بنده نیز پس از صدور فتاوی ارتداد موکل توسط آیت الله گرامی، با توضیح کتبی موضوع نظر اصلاحی ایشان را اخذ نمودم که کپی تقدیم می‌گردد. ضمناً همچنان فایل‌های صوتی مورد استناد مورد انکار از طرف موکل می‌باشد که تقاضا دارم نماینده محترم دادستان فایل‌های صوتی مزبور را جهت استماع خودداری می‌نمایم. در حاشیه معروض است در خصوص اشاره قاطعانه به سوابق گروهک چریک منافقین به شرح صفحات ۲۰۳ و انکار موکل مضبوط در صفحات ۵۸ تا ۶۱ و ۶۶ پرونده و نیز تقاضای مکرر متصدیان این زمینه موجود بود می‌بایستی تا کنون ارائه شود در خصوص شکایت آقای بهرام روشن منش و اظهار انتساب کارهای غیرقانونی و خلاف عفت و شرع که دادنامه قطعی آن تقدیم گردیده و برائت موکل صادر شده تقاضا دارم پرونده مذکور را از شعبه درخواست فرمائید تا مشخص گردد عکس‌های موجود در پرونده که هر دو باهم مطابقت دارند بیشتر مورد رسیدگی قرار گرفته عکس‌های مذکور به اذعان آقای روشن منش در منزل ایشان گرفته شده و موکل در عکس‌های فوق نمی‌باشد. بنابراین عکس‌ها به موکل ارتباطی ندارد و در خصوص پرونده ترور که پرونده مفتوح در دادسرا وجود دارد بنابراین از ورود به آن خودداری می‌نمایم اظهارات فریدون عباس‌نژاد نیز به شرح نامه تقدیمی موجود است نامبرده با بهرام روشن منش ارتباط کاری داشته و شرکت عباس‌نژاد به نام بهروان پارت به نشانی محل سکونت روشن منش موجود است که قابل استعلام از اداره ثبت شرکت‌ها می‌باشد. خود ایشان نیز در پرونده و در جلسه‌ی رسیدگی اظهار نمودند که به عباس‌نژاد دو خط تلفن و اتاق برای فعالیت کاری داده بوده. در خصوص ایجاد اماکن فساد غیرقانونی خانگی تقاضا دارم نشانی چند خانه را فرموده شما اعلام نمائید. ایشان با میل و اراده منزل خود را به درمانگاه تبدیل نموده و نیز کلاس‌های فرادمانی نیز در آن مکان تشکیل می‌شده که تابلوهای موجود در عکس‌های مورد اشاره گویای صحت این امر است اگر

چه خود نیز این امر را قبول دارد. تقاضا دارم پرونده وزارت ارشاد و استعلام ثبت شرکت‌ها و نیز دعوت فریدون عباس نژاد به دادگاه صورت گیرد. و نیز خانم عادلہ رزم‌آور نیز دعوت گردد.

سپس وکیل مدافع وی لایحه دیگری اذعان می‌دارد بسم‌الله الرحمن الرحیم. ریاست محترم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با احترام در خصوص پرونده کلاسه ۱۸۵۹۳/۹۰/تد مطروحه در آن شعبه محترم، در پاسخ به اتهامات وارده به موکل و رد این اتهامات معروض است پیش از ورود به بحث ذکر این نکته لازم است که کلیه مدارک و مستندات پرونده از دفاتر موکل به دست آمده و مسلماً اگر شخصی علم و اطلاع و قصد عمل مجرمانه‌ای چون لمس نامحرم، توهین به مقدسات و ترویج عقاید انحرافی و... را داشته باشد، مسلماً مدارک آن را از بین می‌برد. این در حالی است که موکل برای اثبات حسن نیت خود و روشنی نحوه عملکرد برای قانون، اقدام به ثبت و ضبط کلیه افعال و گفتار خود نموده است. اتهام اول افساد فی الارض از طریق ایجاد فرقه کیهانی و تشکیل کلاس و بسط تفکرات انحرافی ضد دین و خلاف شرع و ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم و اعتقادات مذهبی ایشان به صورت گسترده و فعال در سطح داخلی و خارجی در رد این اتهام شایان ذکر است که اولاً: قصد موکل از گردآوری افراد در واقع تحقیق و اثبات نظریه خود (پیوند شعوری اجزاء) و به تبع آن طب مکمل فرادرمانی بوده که با مطالعه چندتن از پزشکان این امر محقق گردیده و با توجه به این که هیچ نوع مداخله‌ای در دارو و تغذیه و لمس و عملیات فیزیکی به بیمار ندارد و نیز در قبال درمان هم پولی دریافت نمی‌شود؛ بنابراین با تأیید پزشکان فعال در این زمینه، امکان تدریس آن به دیگران جهت انتقاء کیفیت سلامت افراد محقق گردید. علی‌هذا هیچگونه قصد و سوءنیتی بر گردآوری افراد به منظور ایجاد فرقه وجود نداشته و ندارد و عنصر معنوی بزه در این مورد مفقود است. این طبیعی است که هر فردی که ادعای مطالبی را بنماید به سراغ اهل فن به منظور اثبات مدعای خود برود. از طرفی کل این نظریه بر مبنای (پیوند شعوری اجزاء) بنا شد، که در علوم مختلف کارائی دارد. کما اینکه نتایج آزمایش مذکور در متن نیز مثبت بوده و مدارک آنان نیز مثبت بوده و مدارک آن نیز تقدیم گردیده لکن به منظور جلوگیری از هرگونه شائبه موکل به اظهار عقاید مذهبی و نگرش دینی خود نیز به عنوان یک مسلمان شیعه اثنی عشری پرداختند و با ورود آقای منصوری لاریجانی به این عرصه قضیه به سمت عرفان کیهانی (بنا به پیشنهاد ایشان)، تغییر جهت داد لکن مطالب موکل همانی است که در مقالات وی منتشر گردیده است. همچنین در رد این اتهام باید افزود افساد فی الارض در قوانین ما به غیر از مواد ۱۸۳ الی ۱۸۸ که قابل تطبیق با عملکرد موکل می‌باشد و صرفاً در موارد زیر آمده: گران فروشی، کم فروشی یا عرضه نامرغوب و خودداری از عرضه کالا به قصد مقابله با حکومت، عبور دادن افراد از مرز در صورتی که این عمل مخل امنیت عمومی باشد، ارتکاب ارتشاء، اختلاس یا کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره خرید و فروش یا نگهداری، حمل یا قاچاق مواد در سطح گسترده و یا باعث اعتیاد افراد در بیش از یک مورد شدن، جعل و توزیع یا وارد کردن اسکناس رایج داخلی به قصد مبارزه با نظم یا توسط عضوی از یک شبکه مجرمانه اخلال در نظام تولید، توزیع، صادرات با پولی از طریق کارهایی مثل قاچاق ارز، احتکار و گران فروشی و ارتشاء، خارج کردن میراث فرهنگی از کشور، حیف و میل کلان اموال مردم با تالیس شرکت‌های مضاربه‌ای و مانند آن، تقلب در پیمان ارزی و... قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ در مورد محاربه اینچنین آورده: برنامهریزی یا تشکیل جمعیت به منظور براندازی جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۷ اقدام برای جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال از تکالیف نظامی، انعقاد قرارداد با

دشمن، ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات، خودداری از رفتن به مأموریت، ترک محل نگهداری، وارد کردن صدمه بدنی به خود برای فرار از کار، غیبت یا فرار، فروش، حیف و میل یا سرقت وسایل نظامی، سوءاستفاده، جعل و تزویر گزارش خلاف واقع. لازم به ذکر است که موارد ذکر شده تنها بخشی از جرایمی هستند که به موجب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مشمول مجازات محاربه و افساد فی الارض می گردند. در موارد بسیار زیاد دیگری هم مشاهده می شود که به موجب آن عمل ترکیب اعمال مجازات محاربه و مفسد فی الارض می گردد. با این وجود از این قوانین می توان دریافت که قانونگذار که به نوع اسلحه توجه می کند به قصد مجرمانه و آثار اعمال وی توجه داشته است. افساد و اخلال در نظام، شکست جبهه اسلام، اسارت یا تسلیم نیروهای خودی، تسلط دشمن بر اراضی، مواضع یا افراد خودی با وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی و ورود ضربه موثر به نیروهای مسلح، تقویت دشمن و نظایر اینها و بدین ترتیب هرگاه رفتار مرتکب در عمل موجب بروز یکی از نتایج سوء فوق می گردد و عمل وی از یک جرم ساده به جرم محاربه و افساد فی الارض تغییر ماهیت خواهد داد. یا از سوی دیگر با قصد طرف در ایجاد اختلال و بر هم زدن امنیت عمومی یا براندازی نظام، و... داشته محارب و مفسد فی الارض محسوب گردیده است. گاهی وجود هریک به تنهایی ضابطه کافی دانسته شده است. همانطور که مشاهده می فرمایید عناوین مندرجه برای افساد فی الارض در قوانین ما مشخص بوده و در همه آنها سوءنیت برای ضربه به نظام و یا عامه مردم شرط اساسی می باشد. این در حالیست که موکل هیچ گونه قصدی برضربه به نظام یا به افراد نداشته و صرفاً به منظور اثبات مدعای خود اقدام به فعالیت آن هم در قالب یک مؤسسه نموده و همواره نیز سعی بر این داشته که فعالیت های علمی خود را توسعه دهد. ثانیاً؛ به فرض پذیرش افساد فی الارض برای اشاعه این تفکرات که در کیفرخواست عنوان شده می بایست یادآور شد که فایل های صوتی مورد استناد به هیچ عنوان مورد تأیید موکل نیست و ایشان چنین مباحثی را قویاً انکار می نمایند. ثالثاً؛ حال به فرض اثبات انتساب این مطالب به موکل می بایستی خاطر نشان کرد که مطالبی که موکل به عنوان عقاید خود سعی در اثبات و ترویج آن داشته صرفاً مطالبی است که در کلاس ها مطرح گردیده و تماماً به صورت مقاله و کتاب درآمده و هیچ گاه چنین مطالبی از ناحیه ایشان منتشر نگردیده یا برای بسط و نشر چنین موضوعاتی از ناحیه وی مردود است که در نتیجه عنصر مادی جرم فرضی در این مورد مفقود است. به علاوه هیچ یک از اتهامات عقیدتی یا تشکیل شرکت های هرمی و قائل شدن جزء برای ذات اقدس باری تعالی و عدم امکان درک خدا و شناخت و حب او به جزئی از خدا بودن و نفی وحی پیامبر و عدم معصومیت ائمه و یا تمسخر مهدویت و تقدیس شیطان و ادعای معجزه و وحی و غیره از عقاید موکل نبوده و نیست و مطالبی که از وی منتشر گردیده به روشی گویای اعتقاد موکل به وحدانیت خدا و خاتم الانبیا حضرت محمد(ص) و نیز پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت و انتظار ظهور حضرت قائم(عج) می باشد. بنابراین اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) و نیز اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و اصل تفسیر به نفع متهم و نیز قاعده تداعی بالمشبهات، ایجاب می کند در این مورد جرم انگاری صورت نگیرد. اتهام توهین به مقدسات اسلامی. تکرار این نکته لازم به نظر می رسد که اولاً فایل های صوتی مورد استناد به موکل منتسب می باشد و موکل در هیچ جمعی به ذات باری تعالی و قرآن مجید و ائمه اطهار و حرم مکه و مزار ائمه که زیارتگاه مسلمین می باشد و غیره اهانتی ننموده و هیچگاه در صحبت ها با چنین قصدی بیانی را ادا ننموده بلکه همواره نسبت به مقدسات اسلامی و شرعی با نگاه تأیید و احترام نگریسته چنانچه در سایت خود اذان با صدای خود منتشر نموده و همواره به مسلمان بودن و شعیه بودن خود اذعان داشته و این امر را از موهبت های الهی دانسته است. دخالت در امر پزشکی. در خصوص مداخله

غیرقانونی و غیرمجاز در امر پزشکی و درمان بیماران بایستی خاطر نشان نمود در صورتی که فرد یا افرادی بدون دخالت در نظرات و تجویز پزشکان و بدون دخالت، لمس و هرگونه اعمال فیزیکی بر روی بیمار به بهبودی بیماری با سعی در کمک به بیماران نمایند در زمره اعمالی که در طب عرف پزشکی، درمان و طب تلقی گردد، محسوب نمی‌شود. برای مثال اکنون طب‌های مکملی چون رنگ‌درمانی و هاله‌درمانی و خنده‌درمانی و موسیقی درمانی و... وجود دارد که بیمار در صورت تمایل می‌تواند از آنها بهره‌گیرد حال آنکه هیچ نیازی به اخذ مجوز وجود ندارد چه این که دخالتی در امر دارو و تغذیه و لمس و اعمال فیزیکی بر روی بیمار ندارد. پس از زمره درمان پزشکی نوین خارج می‌شوند. علم پزشکی به هیچ عنوان پذیرای این امر نیست که درمان‌های سنتی را در زمره علم پزشکی به حساب آورد و امکان اخذ مجوز برای این قبیل امور ممکن نیست. اتهام تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز و فعالیت غیرقانونی: در این زمینه باید گفت که اولاً کتاب موکل به نام "انسان از منظری دیگر" تا یک سال پیش دارای مجوز از وزارت ارشاد بود لکن بعد از اولین برخورد قضایی با ایشان، وزارت ارشاد از تمدید مجوز خودداری نمود و از آن پس نیز این کتاب تجدید چاپ نشده است و کتابها و سی‌دی‌هایی که در موسسه وجود دارد به منظور حفظ مطالب کلاس‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده از مطالب و برای مصرف داخلی موسسه موکل بوده است و در هیچ یک از مراکز عرضه عمومی توزیع و منتشر نشده است. در ضمن در موضوع مؤسسه موکل، مؤسسه فرهنگی هنری عرفان حلقه راه‌اندازی نشریه داخلی و حتی روزنامه دیواری و تبلیغات مکتوب آمده است. بنابراین تکثیر نشریات آموزش موکل خالی از اشکال می‌باشد. این لازمه‌ی هر مؤسسه‌ای است که سی‌دی‌های کلاس‌های خود را در اختیار علاقمندان و شرکت‌کنندگان قرار دهد. ارتکاب فعل حرام از طریق رابطه نامشروع با لمس نامحرم به شرح تصاویر کیفرخواست بایستی توضیح داد که عکس مذکور دارای یک سابقه‌ای است که متأسفانه ارائه شده. این عکس از روی فیلم یکی از کلاس‌های موکل برداشته شده که فرد مزبور دچار یک بیماری ذهنی بوده و در کلاس دچار حمله‌هایی گردیده و به دلیل شدت تکان‌ها بیم آسیب به خود و دیگران دور از انتظار نبوده و بنابراین موکل ناگزیر برای کمک به وی سعی در کنترل او داشت که در عکس اینگونه وانمود می‌شود گویی دست ایشان را گرفته است. اما با کمی تحقیق متوجه حالت غیرعادی خانم موجود در عکس و قصد کمک موکل و عدم قصد تلذذ وی می‌شویم. چنانکه از ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز بر می‌آید صرف ارتکاب فعل حرام با سوءنیت خاص در انظار و اماکن عمومی کافی برای تحقق بزه است. (نظریه ۱۳۰۷/۵۵۵۷/۱۳۷۲/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه) بنابراین مشخص است که سوء نیت خاص به ارتکاب فعل حرام می‌بایستی تحقق یابد تا عمل مشمول این ماده گردد. در حالی که در مانحن فیه عنصر معنوی جرم یا سوءنیت خاص (قصد ارتکاب فعل حرام) مفقود است و فعل مذکور در مقام کمک بوده است نه به قصد ارتکاب فعل حرام. تحصیل مال از طریق نامشروع: در موضوع مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه تشکیل گروه‌های درسی عرفان و فلسفه و فعالیت آموزشی شامل قرآن و علوم اسلامی و ایجاد مدرسه عرفان ذکر شده است و بنابراین این موسسه امکان برگزاری کلاس را داشته و از سوی دیگر هنگام ثبت شرکت و موسسه، در اداره ثبت شرکت‌ها کارشناسان با تطبیق موضوع یا مواردی که نیاز به مجوز خاص دارند از ثبت این امور ممانعت می‌نمایند، تشکیل کلاس و اخذ شهریه در قبال آن قانوناً برای موکل مجاز بوده و بنابراین درآمد حاصله نامشروع نمی‌باشد. از طرف دیگر هیچ یک از افراد شرکت‌کننده در کلاس‌ها نیز ادعای مطالبه‌ی وجه خود را ندارند و آقای صابری احد از شکات پرونده نیز که این امر را در جلسه دادگاه عنوان نمودند، چنان که مضبوط است قادر به ارائه هیچ مدرکی دال بر شرکت در کلاس‌های موکل و پرداخت شهریه نبود و این حاکی است که اگر وی در کلاس‌ها شرکت

داشته است وجهی پرداخت ننموده است. بنابراین موکل طبق قانون و موضوع مؤسسه امکان تدریس را داشته و مسلماً تدریس در قبال اخذ شهریه می‌باشد و شهریه‌های مأخوذه قانونی بوده است. استفاده غیرمجاز از عناوین علمی دکتر و مهندس وفق قانون استفاده غیرمجاز عناوین علمی: این استفاده می‌بایست در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه و مجله تارنما یا نطق در مجامع و یا انتشار اوراق خطی یا چاپی باشد در حالی که موکل در هیچ یک از موارد فوق خود را دکتر یا مهندس معرفی ننموده است. در مستندات پرونده نیز مدرکی دال بر این که ایشان در گفته‌ها یا نوشته‌های خود از عناوین علمی استفاده ننماید وجود ندارد و به یاد داشته باشیم که امروز انتساب عنوان مهندس به همه افراد از سوی دیگران یک امر عادی است و افراد به راحتی و بدون اطلاع از وضعیت تحصیلی دیگران آن‌ها را مهندس می‌نامند. در پاسخ به شکایات شکات خصوصی: بایستی خاطر نشان نمود اولاً هیچ دلیلی بر شرکت آقای کنعان روفومنی با همسرش و نیز آقای صابری و همسرش در کلاس‌های موکل وجود ندارد و چنان که ملاحظه فرمودید با اینکه نسبت به سوگندنامه و مبالغ پرداختی و غیره اعتراض داشتند لکن هیچ مدرکی دال بر پرداخت وجهی به موکل یا شرکت در کلاس‌ها ارائه ننمودند. از طرف دیگر همسر هر یک از آنها در صورتی که شکایتی داشته باشند می‌بایستی مجزا اقامه نمایند. ادعاهای نامبردگان تا حدی دور از ذهن بود که نیازی به پاسخگویی به آنها نمی‌باشد و همین بس که وضعیت کسی که ادعا دارد، زمانی که موکل در زندان بوده از طریق تلیپاتی مطالبی در مورد زندگی خانوادگی آنها عنوان نموده برای هر کسی روشن است. در خصوص آقای بهرام روشن‌منش و ادعای این سه نفر مبنی بر تزلزل زندگی خانوادگی در همه شهرهای بزرگ دنیا از معضلات جامعه امروز بوده و آمار دادگاه‌های خانواده‌ی تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست. لکن هیچ رابطه علیتی بین شرکت در کلاس موکل (که اصل آن هم محل ایراد است) و تمایل به طلاق همسران این سه فرد وجود ندارد و از طرف دیگر این موضوع اساساً جرم تلقی نمی‌شود حتی اگر فردی دیگری را تشویق به طلاق نماید مطابق قانون این امر جرم نیست. در خصوص ادعای آقای روشن‌منش مبنی بر دایر کردن مرکز فساد در خانه‌ها توسط موکل، ایشان می‌بایستی دلائلی ارائه نمایند که صحت گفتارشان را اثبات نماید چنانکه فرمودید عکس‌های موجود در پرونده تماماً در منزل این شخص بوده و مهمتر اینکه موکل در این عکس‌ها حضور ندارد. بنابراین فردی که منزل خود را درمانگاه و کلاس و مرکز مهمانی‌هایی به شرح عکس‌های موجود می‌نماید به سختی می‌تواند دیگران را متهم به فساد نماید. به هر حال سوابق خانوادگی ایشان از جمله ازدواج دوم وی با زنی که از همسر قبلی خود سه فرزند دارد و زندگی با سه فرزند وی در یک منزل و وجود همسر اول و فرزندش در منزلی دیگر، گرچه شرعاً مجاز است لکن تفاوت زندگی خانوادگی وی با هنجارهای جامعه بهترین دلیل برای امکان بروز اختلاف فی‌مابین آنان است. رد تفکرات مارکسیستی موکل: در کیفرخواست مطالبی به عنوان یک پیش فرض از موکل ثبت شده که بنا به مدارک موجود مستند قانونی ندارد. در کیفرخواست به تفکرات مارکسیستی موکل و در پرونده به سوابق گروهکی و عضویت وی در گروهک تروریستی منافقین خلق اشاره شده که اوراق پرونده خلاف این را اثبات می‌نمایند. علی‌رغم استعلام بازپرس شعبه ۳ دادرسی انقلاب و نیز سازمان اطلاعات، پلیس امنیت مدارکی دال بر عضویت موکل در این گروهک ارائه ننموده و در صفحه ی ۲۴ به عدم وجود مدارک و مستندات قابل استناد، اشاره نموده، لکن این موضوع بعداً در کیفرخواست به عنوان یک امر اثبات شده عنوان شده است. ایراد به سؤال استفتاء: در مورد فتاوی‌ی مأخوذه بایستی ذکر شود سؤال مذکور تا حدی القایی و با پیش‌فرض‌هایی طرح شده که هیچ راهی برای پاسخی غیر از این وجود ندارد. موکل هیچ‌گاه ادعای خدایی یا واسطه فیض بودن یا نفی وحی یا تناقض در قرآن

و معجزه را نداشته و ندارد. بنابراین این پاسخ براساس فرض سؤال ارائه شده و به دلیل عدم صحت متن سؤال می‌بایستی با روشنگری در این خصوص اصلاح گردد. در پایان برای روشن شدن عقاید موکل، به غیر از مقالات و کتاب‌ها که تقدیم گردیده، چند مورد از مواردی که به دلیل انتقال ناقص مطلب موجب سوءتفاهم شده، به صورت لایحه‌ای مجزا و جهت تطبیق با نظرات عرفانی اسلامی تقدیم می‌گردد تا اصل مطالب روشن گردد. با عنایت به مطالب معروضه و دفاعیات مکتوب که در جلسات به حضور تقدیم شد تقاضای رسیدگی و صدور حکم برائت موکل از اتهامات وارده مورد استدعا است.

دادگاه با ملاحظه محتویات پرونده بدین نتیجه رسیده است که تحقیقات مقدماتی در خصوص موضوع و اتهام افساد فی الارض ناقص می‌باشد و برای اتخاذ تصمیم در این خصوص لازم است. (۱) مجموع فعالیت‌های آقای محمدعلی طاهری بررسی شود تا معلوم شود شعاع کار و فعالیت وی چه مقدار بوده است. هم از نظر جمعیت هدف وی و هم جغرافیای حیطه فعالیت و تأثیرات تربیتی برجای گذاشته در شاگردان به صورت میدانی مورد بررسی قرار گیرد و حداقل یکصد تن از شاگردان وی در قبل و بعد از شرکت در کلاس‌ها مورد بررسی تربیتی و روان‌شناختی قرار گیرد تا معلوم شود آیا آموزش‌های انحرافی توسط متهم اثر مخرب داشته یا خیر؟ به چه میزان؟ (۲) از طریق مقتضی گردش ده ساله مالی متهم به صورت دقیق تر تهیه و ضم پرونده شود. (۳) بررسی شود آیا سیستم‌های امنیتی بیگانه در پورسانت و حمایت از متهم دخیل بوده‌اند یا خیر؟ به چه دلیل؟ به چه میزان؟ (۴) بررسی شود آیا آقای طاهری به صورت لایه‌ای کار می‌کرده است یا خیر؟ ادله و شواهد آن تهیه، تنظیم و ضم پرونده شود. پس از نقایص مذکور پرونده به دادگاه اعاده گردد بنابراین پرونده برای رسیدگی به این اتهام مفتوح است. در خصوص اتهام به مقدمات با توجه به جملات موجود از وی در سی‌دی‌های استنادی و گفتار وی در خصوص خدائشناسی، پیامبران و پیشوایان معصوم علیه السلام و پیروان آنها و نماز و سایر مسائل که متهم هیچگونه تخصصی برای ورود در این مباحث نداشته و با ادعای واهی تلقی یا الهام یا دریافت بی‌مورد وارد مسائل تخصصی دینی شده بدون این که مطلب بر کارشناسان مورد اعتماد عرضه کند و صحت و سقم آن را دریابد و با انگیزه‌های غیر صحیح اقدام به اختلاط حق و باطل کند و علاوه بر به وجود آوردن فتنه در گمراهی عده‌ای از مرتطبین مرتکب توهین و بی‌محتوا نمودن مقدمات دینی نیز گردیده است. و از آنجا که متهم با حقوقدانانی نیز مرتبط بوده است گرچه تمام سعی خود را به کار گرفته تا ردپایی به جا گذارد اما در عین حال موارد متعددی از توهین به مقدمات از وی در پرونده منعکس است و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی در توجیه این توهینات دفاع خارج از موضوع تشخیص داده شده ضم وارد دانستن اتهام و تشخیص غیر سبب‌النسب بودن آن با استناد به ذیل ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی متهم را به تحمل پنج سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص اتهام مداخله غیرقانونی در امور پزشکی و درمان بیماران با توجه به اسناد و مدارک موجود و نوشته‌های متهم و وجود اشخاصی که تحت درمان توسط متهم قرار گرفته‌اند که بارزترین مصداق وکیل مدافع وی می‌باشد!! و با توجه به این که هیچ نظریه‌پردازی اجازه ندارد بدو نظریه خود را بر روی انسان آزمایش کند و اجازه ندارد بدون کسب مجوز درمان از نهادهای دولتی پاسخگو اقدام به این عمل نماید و در صورت عمل بدون کسب مجوز، عمل وی جرم تعریف شده است و متهم هیچگونه مجوزی برای این امر مرتکب شده ارائه نداده است و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی بی‌اساس و غیرموجه تشخیص داده شده لذا با استناد به ماده ۳ اصلاحی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ قانون مربوط به

مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون داشتن پروانه رسمی به امور پزشکی و داروسازی، دندان پزشکی، آزمایشگاهی، فیزیوتراپی، مامایی و سایر رشته‌هایی که به تشخیص وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی جزو حرف پزشکی و پروانه دار محسوب می‌شود اشتغال ورزد یا بدون اخذ پروانه از وزارت مذکور اقدام به تاسیس یکی از موسسات پزشکی مصرح در ماده یک نماید یا پروانه خود را به دیگری واگذار نماید یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد بلافاصله محل کار او توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعطیل و به پرداخت جریمه نقدی از پنج تا پنجاه میلیون ریال محکوم و در صورت تکرار به جریمه تا صد میلیون ریال محکوم خواهد شد.» ضمن ابطال پروانه فعالیت مؤسسه عرفان کیهانی حکم بر محکومیت متهم به پرداخت پنجاه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص ارتکاب فعل حرام و رابطه نامشروع با لمس نامحرم با توجه به فیلم و تصاویر ضم پرونده ارتکاب فعل حرام محرز است زیرا متهم نه اجازه طبابت داشته است و نه هیچ مجوز دیگری برای لمس دست زن نامحرم و نه هیچگونه علقه‌ی سببیتی بین آنها بوده است و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی مبنی بر این که شخص دچار حمله بیماری شده و آقای طاهری برای آرام کردن وی دستش را گرفته است غیرموجه تشخیص داده می‌شود زیرا فیلم موجود حکایت از چنین امری دارد بلکه نوعی تغاثر تفاهم شده بین آقای طاهری و خانم مذکور برای به نمایش گذاشتن موضوع تخلیه از نیروهای غیرارگانیک بوده است. لذا ضمن وارد دانستن اتهام متهم را با استناد به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید در خصوص رابطه نامشروع باتوجه به نبود شاکی خصوصی و این که رابطه نامشروع نیاز به طرف دیگری دارد و در پرونده چنین شخصی وجود ندارد اتهام غیروارد تشخیص با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی حکم بر براءت متهم از این اتهام صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص اتهام تهیه و توزیع آثار سمعی و بصری و فعالیت های غیرمجاز در این زمینه با توجه به آثار موجود از متهم که تعدادی از سی دی‌های آن ضم پرونده می‌باشد اتهام محرز است با استناد به ماده ۲ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت دارند متهم را به پرداخت ده میلیون تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید. در خصوص اتهام تحصیل مال نامشروع دادگاه با توجه به این که فعالیت های آموزشی وی بدون هیچگونه مجوزی بوده است و با توجه به اقرار متهم در بازپرسی مبنی بر این که «اینجانب کلاً پنج کلاس با میانگین سی نفر و هershش جلسه یک دوره که در سال حدود هفت دوره برگزار شده که جمعاً حدود دویست نفر بوده و در سال دوم که در همان محل بوده است این تعداد به سیصد نفر افزایش یافته است سال سوم تعداد پانصد نفر و در محل ستارخان و نیز سال چهارم نیز در همین محل به تعداد تقریبی ۴۰۰ نفر و نیم‌سال دوم سال چهارم در خیابان گاندی به تعداد تقریبی ۷۰۰ نفر و در سال پنجم نیز در همین محل به تعداد تقریبی ۱۰۰۰ نفر برگزار گردیده است که این تعداد نفر بر کلاس می‌باشد به این که سال سوم و چهارم و پنجم دوره‌های دیگری غیر از فرادمانی به تدریج افزوده شد که برای مثال حدود ۷ دوره دو و شش دوره، سه و پنج دوره، چهار و سه دوره، شش و دو دوره، هفت و فقط یک دوره، هشت برگزار شده به طور میانگین افراد در سال های سوم و چهارم و پنجم هر یک سه دوره را طی کرده باشد. بنابراین هشت‌هزار و چهارصد نفر بر دوره شهریه دریافت شده که با احتساب سال های اول و دوم جمعاً هشت هزار و نهصد نفر می‌باشد که جمعاً چهارصد و چهل و پنج میلیون تومان می‌شود که از این مبلغ به غیر از اجاره و پذیرایی و چاپ جزوات و هزینه‌های پرسنلی در جهت انجام تحقیقات علمی مجموعه نیز بهره‌برداری شده است نحوه پرداخت نیز به صورت عمده به حساب بانکی بنده و نقدی بوده است و تعدادی نیز از دانشجویان مجانی و نیم‌بها و برخی نیز انصرافی

بوده‌اند.» دادگاه با توجه به اقرار صریح متهم و به عنوان حداقل قدر متیقن همین اقرار را مبنای احراز بزه دانسته است گرچه در پرونده منعکس است که متهم به صورت هرمی از مسترهای خود و شاگردان آن نیز وجوهی دریافت کرده است ولیکن به جهت نبود آمار دقیق شاگردان مسترهای وی که بالغ بر بیست و نه هزار نفر تخمین زده می‌شود و البته کارشناس پرونده مدعی است که آمار دقیق آن را دارد ولیکن در پرونده منعکس نمی‌باشد به هر صورت دادگاه با تکیه بر اقرار متهم و غیرقانونی بودن فعالیت‌های آموزشی وی بزه تحصیل مال از طریق نامشروع را احراز کرده و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی را در این زمینه فاقد وجهت می‌داند لذا با استناد به ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبردای مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام که در آن آمده است: ...به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب می‌شود و علاوه بر رد مال به مجازات... و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.» متهم را محکوم به پرداخت مبلغ هشتصد و نود میلیون تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید و در خصوص اتهام استفاده غیرمجاز از عناوین علمی (دکتر و مهندس) دادگاه با توجه به ادعاهای واهی متهم که خود را متخصص و صاحب نظر در امور مختلفه فنی و مهندسی و پزشکی می‌داند و با توجه به کلاس‌های تشکیل داده شده توسط متهم که به طور معمول دانشجویان با القابی گوینده را مخاطب قرار می‌دهند و با توجه به اظهارات شکات و همچنین با توجه به مدارک تحصیل شده توسط متهم بزه انتسابی را محرز دانسته با استناد به ماده واحده قانونی مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی و ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی به شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد و با توجه به این که مال تحصیل شده از بیت المال نبوده است و شاکی خصوصی نیز ندارد موضوع رد مال منتفی می‌باشد. ضمناً با استناد به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ضمن جلوگیری از چاپ مجدد آثار مکتوب و جلوگیری از تکثیر سی-دی‌های فراهم شده از متهم، دادگاه حکم بر امحاء کتب و آثار مکتوب متهم صادر و اعلام می‌نماید. زیرا موارد مذکور با توجه به استفتای به عمل آمده از مراجع عظام از موارد ضاله و مضله می‌باشد. این رای حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. دفتر دادگاه موظف است بدل مفیدی از پرونده تهیه و به دادرسی اعاده تا موضوع رفع نقص از اتهام افساد فی الارض را انجام و مجدداً به دادگاه اعاده نماید.

رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی

و دادرسی علی‌البدل محاکم عمومی تهران

یحیی پیرعباسی

لایحه تجدیدنظر خواهی

حکم سال ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران :

با احترام در خصوص پرونده کلاسه.....شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران که به موجب دادنامه شماره مورخ..... که در مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ ابلاغ و منجر به محکومیت موکل، آقای محمدعلی طاهری گردیده، با تقدیم و کالتنامه از جانب متهم موصوف و در دفاع از نامبرده در مقام تجدیدنظر خواه مطالب ذیل را در رد اتهامات وارده به موکل به استحضار عالی رسانیده و استدعای بذل توجه دارد:

رد پیش فرضهای مندرج در کیفرخواست

پیش از ورود به بحث در خصوص دفاع، مطالبی جهت تنویر اذهان قضات محترم به استحضار می‌رسد:

در کیفرخواست صادره برای آقای محمدعلی طاهری مطالبی با مضامین تلاش دشمنان خدا و اسلام به مقابله با حکومت اسلامی و تلاش موکل با همین هدف و از طریق تشکیل فرقه‌ای ضاله، گرایشات مارکسیستی موکل، فعالیت هرمی موسسه و الزام هر فرد به وارد نمودن ۳۵ نفر دیگر، ذکر مطالبی که دلالت بر اثبات عدم تاثیر تئوری درمان موکل، به تفصیل آمده است .

مکرراً قید شده که موکل بدون داشتن مجوز قانونی اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی نموده است، که این امر خلاف واقع بوده و با درخواست مدارک موسسه فرهنگی و هنری عرفان کیهانی ثبت شده تحت شماره ۲۰۱۱۵ از اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی مجوز موکل و حیطه فعالیت وی آشکار می‌شود.

ایشان مجوز برگزاری دوره‌های آموزشی عرفان را وفق اساسنامه و مجوز ارائه شده به اداره ثبت شرکت‌ها داشته‌اند و هر گونه فعالیت ایشان در چهارچوب قانون و موضوعات مطروحه در اساسنامه موسسه بوده است.

استدعا دارم قضات محترم به این نکته توجه فرمایند که هیچ‌یک از مطالب فوق تا کنون به اثبات نرسیده و ادعای بی‌اساس گرایشات مارکسیستی موکل با جوابیه‌های سازمان امنیت و وزارت اطلاعات مبنی بر عدم وجود چنین سابقه‌ای از ایشان مردود است (ازجمله صفحه ۲۳ پرونده).

همچنین تئوری ایشان نیز مستندا به نامه ریاست پزشکی قانونی تهران مضبوط در پرونده هنوز مورد آزمایش توسط ارگان‌های ذیصلاح قرار نگرفته بنابراین حکم بر بی‌اثر بودن آن لغو است. حتی به فرض بی‌اثر بودن هم ارائه تئوری به هیچ عنوان جرم یا تخلف نیست.

رد اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع

استناد دادگاه محترم بدوی بر این استوار است که «با توجه به اینکه فعالیت‌های آموزشی وی بدون هر گونه مجوزی بوده».

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، موکل وفق اساسنامه موسسه عرفان کیهانی مجاز به تدریس بوده و مجوز لازم را نیز از وزارت ارشاد کسب نموده است و مدارک مورد استنادی در پرونده مثبتی موسسه در اداره ثبت شرکتها و مالکیت‌های صنعتی مضبوط است.

جرم تحصیل مال از طریق نامشروع به شرحی که در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری آمده با رجوع به فلسفه قانونگذاری آن تفسیر می‌گردد و در صورت شک در مصادیق، مراجعه به اصول کلی حقوق کیفری از جمله اصل برائت و تفسیر مضیق قوانین جزائی به نفع متهم و اصل اباحه جاری و ساری می‌گردد.

در تفسیر ماده فوق مراجعه به اصل ۴۹ قانون اساسی لازم و ضروری می‌باشد. ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مقرر می‌دارد "دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیّت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود".

و نیز اصل ۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: (مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند).

بدینسان، نامشروع بودن مال تحصیل شده بدو، می‌بایستی از طریق احراز تحصیل مال از طریق ارتکاب جرم اثبات شود. مصادیق مال نامشروع را نیز می‌بایست قانون معین نماید و با تفسیر موسع مفاهیم و جرم‌انگاری امور، نمی‌توان به حقوق اساسی افراد لطمه وارد نمود.

تنها قانونی که در مقام توصیف مصادیق مال نامشروع بر آمده، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی می‌باشد که مشخص می‌نماید مال نامشروع یا مال ناشی از جرم است و یا اموال مرتبطین حکومت سابق و لا غیر. این امر با اصول حقوقی نیز مطابقت دارد و مسلماً مال تحصیل شده ناشی از جرائم در هیچ جامعه‌ای مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

لکن اموال تحصیل شده موکل به واسطه تدریس از طریق یک موسسه آموزشی که وفق قانون ثبت شده و در حیطه اساسنامه آن مجوز لازم برای تدریس نیز اخذ شده به هیچ صورتی نمی‌تواند از مصادیق اموالی باشد که بتوان افراد اجتماع را از آن محروم نمود.

بنابراین فعالیت موکل قانونی بوده و انتظار از قانون این است که اموال وی می‌بایست مورد حمایت قرار گیرد.

حال فرض کنیم شکی ایجاد شد که آیا مالی که از این موسسه به دست آمده مشروع است یا نامشروع؟ به استناد ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ و اصل ۴۷ قانون اساسی، نیز اصول کلی حقوق کیفری از جمله اصل برائت و صحت و تفسیر مضیق قوانین جزائی به نفع متهم حکم به مشروعیت اموال می‌شود.

از طرفی دریافت شهریه بابت کلاس در یک موسسه آموزشی که مجوز تدریس دارد مادامیکه موسسه برقرار است و مجوز لغو نگردیده نه جرم است و نه حتی تخلف.

حال فرض کنیم که موکل برای تشکیل کلاس فاقد مجوز بوده است (که البته چنین نیست) با این وجود کلاس بدون مجوز هم جرم نبوده و مال ناشی از مصادیق تحصیل مال نامشروع نمی‌باشد.

به شرح دادنامه اقرار موکل بر تشکیل کلاس و اخذ شهریه و صرف وجوه حاصله برای اجاره محل موسسه و پذیرائی و چاپ جزوه و هزینه پرسنلی و انجام تحقیقات علمی مجموعه بوده است بنابر این عنصر مادی و معنوی جرم در ما نحن فیه مفقود است چه اینکه:

- موسسه ای قانونا تشکل گردیده و مجوز تدریس رانیز اخذ نموده است و
- در آمد حاصل را جهت امورات جاریه موسسه و تحقیق علمی صرف نموده و
- هیچ شاکه خصوصی وجود ندارد و هیچ مالی نیز از بیت المال کسر نگردیده.

جرم انگاری در این مورد بر خلاف اصول حاکم بر حقوق کیفری از جمله اصل برائت است که مقرر می‌دارد ذمه هیچ کس از نظر جزایی مشغول نیست، و اصل اباحه به این مفهوم که هیچ عملی ممنوعیت ندارد، و اصل عدم؛ و اصول ۴۷ و ۳۶ قانون اساسی (قانونی بودن جرم و مجازات) و نادیده انگاشتن این اصول منجر به سلب حقوق و آزادی‌های طبیعی و اساسی مردم است.

رد اتهام توهین به مقدسات

چنانکه در کیفرخواست ادعا شده است، مطالب مورد استناد در کیفرخواست فایل های صوتی مربوط به جلسات خصوصی آقای طاهری با جلسه عرفان پژوهی بوده است که با حضور تنی چند از اعضاء شورا که کمتر از ۱۰ نفر می‌باشند تشکیل شده.

فایل های مورد استناد در دادگاه در حقیقت با جدا کردن کلمات از جملات و جملات از سیاق آن برداشت شده، در نتیجه هم مفهوم و هم موضوع تغییر می‌کند بنابراین مضامین مشتبه به دلیل سوء تعبیر به دلائل فوق غیر قابل انتساب به موکل می‌باشد.

گذشته از اینکه مضامین برداشت شده از فایل های صوتی به شدت مورد انکار موکل می‌باشد و ایشان هیچگاه در مقام اداء چنین مضامینی نبوده‌اند، در دادنامه اشاره شده است به «به وجود آوردن فتنه در گمراهی عده‌ای از مرتبطين

و سعی موکل در به جا نگذاشتن رد پا از خود».

ذکر این نکته خالی از فایده نیست اصولاً فایل‌های صوتی و تصویری، توسط خود موکل برای ثبت و ضبط و ممانعت از سوء تعبیر تهیه و نگهداری شده و پس از دستگیری از محل کار ایشان برده شده است بنابراین سعی در محور رد پا در مورد ایشان صادق نمی‌باشد.

برای تحقق جرم مذکور، **قصد خاص** اهانت به مقدسات مذهبی لازم است. بنابر این حتی بی‌توجهی و اظهار نظر مبتنی بر اشتباه، مشمول جرم توهین به مقدسات نمی‌شود و چه رسد به استناد به بریده بریده‌های صحبت‌هایی که به این دلیل برای متهمین نیز ناشناخته است و قویاً مورد انکار متهم.

دفاعیات موکل نیز بر این مطلب استوار است که مضامین برداشت شده از این فایل‌ها را قبول نداشته و تمامی عقاید و دیدگاه‌هایش در مقالات و کتب منتشره از وی مندرج و در اختیار همگان قرار دارد. پس با وجود کتب و جزوه‌های موکل افکاری که در دادنامه به آن اشاره شده مورد انتشار و ترویج و تدریس قرار نگرفته است.

مصادیق مشمول ماده مورد استناد (۵۱۳ قانون مجازات اسلامی) می‌بایست صریح و آشکار باشد چنانکه در استفساریه مجلس شورای اسلامی مقرر شده: «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات موضوع استفسار: آیا منظور از عبارت (اهانت، توهین و یا هتک حرمت) مندرج در مقررات جزائی، از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت، آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟

نظر مجلس:

ماده واحده - از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

شرح شرحه نمودن مطالب افراد در حالی که اصل مطالب مورد انکار گوینده باشد و هیچ دلیل شرعی و قانونی بر انتساب مطالب، به متهم موجود نباشد، نمی‌تواند مستند حکمی چنین سنگین و با محکومیت به حد اکثر مجازات مقرر بر مسلمان شیعه اثنی عشری قرار گیرد. عمل مسلمان حمل بر صحت است.

مکرراً، ضمن رد انتساب مطالب و مضامین مستفاد از فایل‌های صوتی که اصل آن مورد انکار موکل می‌باشد، لازم به ذکر است برخلاف استناد دادگاه محترم، مطالب تدریس شده در کلاس‌ها، به کارشناسان مورد اعتماد عرضه شده

و مقدمه کتاب موکل که توسط آقای منصوری لاریجانی نوشته شده و نظر مکتوب حجت الاسلام سیدمرتضی حجت نجفی مبنی بر تطبیق مطالب با شرع مقدس اسلام به حضور تقدیم است و حتی رجوع نامبردگان نیز از نظر سابق خود از حق مکتسب موکل نمی‌کاهد و مسئولیت این تطبیق بر ذمه نامبردگان باقی است. موکل بارها عنوان نموده که تخصصی در زمینه علوم دینی و اسلامی و عرفانی ندارد لکن ممکن است افرادی که خود را متخصص علوم دینی و یا عرفانی معرفی می‌نمایند و تحصیلات مکفی در این حوزه‌ها کسب نموده‌اند و در جامعه به این عنوان اشتها دارند تا این حد دچار اشتباه و خطا باشند که، مدت‌های مدید، این همه انحراف در نظرشان موجه باشد و آیا رجوع ایشان بعد از مدت مدیدی از نظر قبلی، عقلاً قابل پذیرش است؟ همچنین فتاوی متعددی از فقها اخذ گردیده که در پرونده مضبوط است و مجدداً به حضور تقدیم می‌گردد.

رد اتهام مداخله غیر قانونی در امور پزشکی

ادعای دادگاه مبنی بر درمان اشخاص از جمله و کیل!!! توسط موکل، به شدت مورد انکار است و ایشان تئوری خود را بر عده‌ای از پزشکان و محققین علوم دیگر عرضه نمودند و آنها در حیطة قانونی حرفه‌ای خود اقدام به تحقیق بر صحت و سقم اثر بخشی تئوری موکل نمودند، بنابراین، این تئوری بدواً توسط ایشان، بر روی انسان آزمایش نشده و آزمایش آن هم توسط پزشکان در امور درمانی و محققین علوم دیگر، در سایر زمینه‌ها بوده است.

استناد دادگاه محترم بدوی ماده ۳ قانون مربوط به امور پزشکی و داروئی و خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحیه‌های بعدی آن می‌باشد که مقرر می‌دارد:

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «هرکس بدون داشتن پروانه رسمی بر امور پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، آزمایشگاهی، فیزیوتراپی، مامائی و سایر رشته‌هایی که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جزو حرف پزشکی و پروانه دار محسوب می‌شوند، اشتغال ورزد، یا بدون اخذ پروانه از وزارت مذکور اقدام به تأسیس یکی از مؤسسات پزشکی مطرح در ماده (۱) نماید، یا پروانه خود را به دیگری واگذار نماید، یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد، بلافاصله محل کار او توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعطیل و به پرداخت جریمه نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد و در صورت تکرار به جریمه تا صد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا دو برابر قیمت داروهای مکشوفه (هر کدام که بیشتر باشد) محکوم خواهد شد.

نظر و تأیید پزشکان و تعریف درمان و پزشکی در علم پزشکی تصدیق می‌کند که در صورتی که عملیاتی دخالت در دارو و تغذیه و نیز متضمن عملیات فیزیکی، از جمله لمس و غیره نباشد و نیز دخالتی هم در درمان‌های رایج پزشکی مدرن صورت نگیرد، عنوان طب نوین و یا طب سنتی بر آن دلالت ندارد. این امر به راحتی قابل استعلام از مراجع دیصلاح و متخصص در امور پزشکی می‌باشد.

فتاوی فقها نیز موید این امر است که با توجه به اینکه نه تماس و لمسی صورت می‌گیرد و نه دخالتی در دارو و درمان‌های رایج بیمار، بنابراین بلا مانع است. (به شرح ضمیمه).

ضمنا به فرض صدق عنوان طب بر این مطلب، آیا عملیات فردی برای اثبات تئوری خود بر محققین علوم مختلف، مشمول عنوان مجرمانه است؟ اگر چنین بود هیچ تحولی در علوم بشری صورت نمی‌گرفت.

ایراد به ابطال پروانه موسسه

موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی یک موسسه آموزشی بوده و طبق اساسنامه دارای موضوعات غیر از درمان و پزشکی می‌باشد. به فرض موکل شخصا اقدام به درمان بیماران نموده باشد (که به شدت مورد انکار است) این امر ارتباطی به موسسه‌ای که موضوع آن غیر از مطالب مرتبط با پزشکی و امر درمان است، ندارد و بنابراین ابطال پروانه موسسه عرفان کیهانی، فاقد وجهت قانونی می‌باشد و گذشته از این، ابطال پروانه موسسه، اولاً می‌بایستی مورد درخواست باشد و در ثانی دادگاه انقلاب اسلامی، در این خصوص صلاحیت رسیدگی نداشته است.

رد اتهام ارتکاب فعل حرام

تصاویر مورد استناد دادگاه دارای پیشینه‌ای است که لحاظ نگردیده. مکرراً یادآوری میشود که در جلسه‌ای خانمی مبتلا به بیماری ذهنی، دچار حمله‌ای شدند که موکل برای کنترل ایشان و ممانعت از آسیب وی به خود و اطرافیان مچ دست وی را نگه داشتند.

این عمل نه به قصد تلذذ بوده و نه این اصطکاک به منظور درمان صورت گرفته و استناد به نوعی تئاتر تفاهم شده بین موکل و خانم مذکور، ادعائی است که می‌بایست اثبات شود.

این ماده دلالت دارد بر تظاهر به فعل حرام، علناً و در انتظار و اماکن عمومی و معابر در ما نحن فیه عنصر مادی و معنوی جرم مفقود است.

سوء نیت خاص برای ارتکاب فعل حرام در ما نحن فیه مفقود است و موکل در مقام کمک ناگزیر به اصطکاک با فرد مزبور گردیده و هیچگاه قصد انجام فعل حرام را نداشته است.

رد اتهام استفاده غیر مجاز از عناوین علمی دکتر و مهندس

مستندا به ماده واحده قانون مجازات استفاده از عناوین علمی مصوب ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، که تبصره آن در مقام بیان نحوه استفاده بر آمده، مقرر داشته: «استفاده غیرمجاز از عناوین فوق شامل استفاده در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، تارنما (سایت) یا نطق در مجامع و یا انتشار اوراق چاپی یا خطی خواهد بود».

از ماده واحده موصوف و تبصره ذیل آن چنین برمی‌آید که عنصر مادی جرم استفاده غیر مجاز از عناوین علمی، دلالت بر عملیات مادی مثبت توسط متهم دارد و نیز مباشرت متهم به استفاده از عناوین علمی برای خود شرط است.

صرف سکوت (ترک فعل) در برابر ذکر عناوین علمی توسط برخی از افراد که تازه مشخص نیست این افراد مورد استناد دادنامه، موکل را با چه عنوانی مورد خطاب قرار داده اند، عنصر مادی جرم را شامل نمی‌شود به طریق اولی عنصر معنوی جرم نیز در ما نحن فیه مفقود است.

استناد دادگاه محترم بدوی به مدارک تحصیل شده توسط موکل به عنوان دلیل بر بزه، نیز محل تامل است. آیا تلاش افراد جهت اخذ هرگونه مدرک علمی از دانشگاه می‌تواند جرم تلقی شود؟

ذکر این نکته نیز لازم و ضروری است که موکل هیچ‌گونه تلاشی برای اخذ مدرک از دانشگاه‌های مختلف ننموده است و اعطای دکتری افتخاری توسط یک دانشگاه یا مدال و درجات علمی توسط مجامع مختلف با تلاش برای اخذ این امور حاصل نمی‌شود، بلکه به تشخیص موسسه یا دانشگاه و... است که به فردی درجه ای اعطا نماید یا خیر. به فرض تلاش هم جرمی صورت نمی‌گیرد. بشر همواره طالب علم بوده و خواهد بود.

موکل هیچ‌گاه خود را متخصص و صاحب نظر در علوم مختلف معرفی ننموده و تنها تئوری ارائه نموده که برخی محققان علوم متعدد برصحت و سقم آن تحقیق نموده اند. اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌نماید نه ارائه تئوری جرم باشد و نه اظهار نظر در مسائل مختلف علمی.

نقد مسائل علمی نیازمند ابزارهایی از جنس علم می‌باشد. اگر فردی با هر درجه تحصیلی مطالبی را در زمینه علمی بیان نماید، مسلماً اهالی آن علم در صورت غیرعقلانی بودن آن، به نظریات ابرازی وقعی نمی‌نهند. در ما نحن فیه می‌بایستی تامل شود که چرا محققان علوم مختلف از جمله پزشکان و پیراپزشکان و متخصصین علوم دینی و عرفانی برای اثبات این تئوری تا این حد اهتمام ورزیده اند. پس تئوری به نظر ایشان دور از عقل نبوده و در صورت عدم امکان اثبات نیز، بار جزائی برای صاحب فکر ندارد. چرا که تفکر و بیان دیدگاه‌ها ممنوعیتی ندارد.

به هر حال هیچ مدرکی دال بر اینکه موکل به شرح تبصره این ماده واحده عنوان علمی برای خود در مکاتبات و رسانه‌ها و نسخ خطی و چاپی استفاده نموده باشد ارائه نشده و احراز مکنونات قلبی افراد، از جمله تمایل به داشتن عنوان، نمی‌تواند جایگزین عنصر مادی و معنوی این جرم گردد.

اعتراض به امحاء آثار مکتوب و... موکل

در خصوص امحاء کتب و آثار مکتوب موکل به استناد استفتای مراجع عظام لازم به ذکر است که سوال استفتاء ارسالی برای مراجع هیچ پاسخی جز این نمی‌توانست داشته‌باشد. با مطالعه سوال ارسالی در می‌یابیم که این سوال تلقینی راه‌گریزی برای کسی باقی نمی‌گذارد. بنابراین می‌بایست در خصوص موضوع بدوا روشن‌گری صورت گیرد و کتب موکل بدون سوالات مذکور برای علما ارسال گردد.

دلیل مثبت این امراینکه، کتاب انسان از منظر دیگر تا ۸ دوره با مجوز وزارت ارشاد تجدید چاپ شده و از زمان شروع پرونده موکل با ادامه چاپ آن مخالفت شده است بنابراین توجیه قانونی برای امحاء آثار موکل وجود ندارد و

فتاویٰ ماخوذه نیز با فرض صحت سوال صادر شده حال آنکه این امور به شدت مورد انکار بوده و عملکرد موکل موید این ادعاست.

بدین سان مجدداً ضمن تردید جدی نسبت به اتهامات وارده، استدعای رسیدگی مجدد به پرونده و نقض دادنامه صادره و صدور حکم مقتضی مبنی بر برائت آقای محمدعلی طاهری مورد استدعاست.

و من الله توفیق

وکیل آقای محمدعلی طاهری

متن دفاعیه وکیل سال ۱۳۹۴

دادگاه غیر علنی محمدعلی طاهری: وقت اول

نام متهم: محمدعلی طاهری

اتهام: فساد فی الارض

قاضی به نام بی‌نام چیست؟

متهم لا اسم له و لا رسم له و یا غیب الغیوب این مرتبه یا عالم هاهوت خداوند متعال فاقد هر گونه اسم و صفت غیره می‌باشد و مرتبه پایین‌تر، مرتبه تجلی ذات بر ذات و مرتبه پایین‌تر، مرتبه ظهور اسماء و صفات می‌باشد (خطبه اول نهج البلاغه).

قاضی اتهام تشکیل فرقه انحرافی عرفان کیهانی را قبول دارید؟

متهم اتهامات را قبول ندارم؛ هیچ‌گونه فرقه‌ای تشکیل نشده است. اینجانب با عنایت به قانون اساسی و تبلیغات گسترده آزاد اندیشی و کرسی‌های نظریه پردازی اقدام به چاپ کتب با مجوز قانونی از وزارت ارشاد و اقدام به تاسیس قانونی موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) با مجوز وزارت ارشاد و مجوز از ریاست جمهوری بنام کانون عرفان کیهانی کرده‌ام. تفکرات برپایه قبول اصول دین و فروع دین "خاتمیت پیامبر اسلام" است.

گزارش باز پرس شعبه سوم:

افساد فی الارض، توهین به مقدسات، مداخله در امور پزشکی، تهیه آثار سمعی بصری غیر مجاز، رابطه نامشروع لمس نامحرم، تحصیل مال نامشروع و کلاهبرداری، استفاده از عناوین علمی در رابطه اتهام ردیف دوم، به پنج سال حبس، ردیف سوم، ابطال پروانه موسسه عرفان کیهانی و پنجاه میلیون ریال جزای نقدی، ردیف چهارم ده میلیون ریال پنج‌م ۷۴ ضربه شلاق رابطه نامشروع برائت، ردیف ششم ۸۹۰ میلیون تومان جزای نقدی، ردیف هفتم ۶ میلیون ریال امحاء کتب و آثار مکتوب ردیف ۱ اعاده و تحریر می‌دارد.

الف) شعاع کار و فعالیت متهم چقدر بوده و از لحاظ جمعیت و جغرافیا و حیطة فعالیت و تاثیرات توهینی: (رفع بعضی از تناقض‌های اعلامی اگر محال نباشد در حد خارق عادت است. مثلاً بررسی حالات روانی ۱۰ نفر از شاگردان محمدعلی طاهری قبل و بعد از تعلیمات وی امکان وقوعی ندارد. میزان شعاع فعالیت تا پایان سال ۸۹ در سطح کشور تا کنون ۵۰ هزار نفر دوره‌های فرقه گذرانیده‌اند و به عنوان مستر مشغول فعالیت هستند).

ب) گردش مالی ده ساله متهم (گردش مالی ۲۴ میلیارد ریال)

ج) امکان حمایت سرویس‌های بیگانه

د) آیا متهم لایه‌ای کار می‌کرده یا نه؟

دادگاه غیر علنی محمدعلی طاهری: وقت دوم

نام: محمدعلی طاهری

اتهام: فساد فی الارض

(شروع دادگاه به صورت رسمی و غیر علنی با حضور دو نفر از اعضای خانواده متهم و نماینده دادستان و وکلای متهم و کارشناس پرونده پنج نفر و سه نفر از حفاظت قوه قضائیه و ...)

دفاع اول

متهم بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها الذين آمنوا كونوا قوا... وکلای من اطلاعی از پرونده من ندارند. من دو تا نیم ساعت با وکلا ملاقات داشتم. بار دوم فقط حتی کمتر از نیم ساعت، به مدت بیست دقیقه اجازه داده بودند با وکیل ملاقات داشته باشم، آن هم در شرایطی که قلم و کاغذ در اختیار نداشتند. هر چیزی که در اختیار وکیل قرار گرفته شامل مدارک و مستندات است که با فشار و زور و شکنجه روی من و دیگران تهیه شد. قرار شد در خصوص نحوه رفتار و بازجویی ۱۲ بار اعتصاب غذا ۴ بار هم خودکشی و ... هم مطلع باشند.

قاضی وکیل پرونده را ملاحظه کرده است.

متهم وکیل از کجا می‌داند؟ داخل پرونده یک سری استشهادات از قول افرادی است که جلوی من سر آن افراد داد زدند که تا آنچه من می‌گوئیم ننویسی از اینجا بیرون نمی‌روی.

یکی از کارشناسان قاضی بر مبنای آنچه ما می‌گوئیم رای می‌دهد.

باز پرس فکر می‌کنی قاضی بر اساس آنچه ما می‌گوئیم رأی می‌دهد نه آنچه شما بگوئید.

متهم به من اتهام وارد کردید که فرقه تشکیل داده ام! این فرقه کجا تشکیل شده؟ من یک موسسه فرهنگی هنری با مجوز قانونی ثبت قانونی کردم که با فعالیت آشکار و علنی با همکاری دانشگاه

تهران، علوم پزشکی ایران به کار خود ادامه داد. تمام افراد به‌طور قانونی در این موسسه ثبت نام رسیده‌اند و به‌طور قانونی در این موسسه آموزش دیده‌اند. آیا یک موسسه قانونی فرقه است؟! تمام مدارک مرا از انبارها دفاتر و منازل ما برده‌اند. تمام آنچه از من برده‌اند باید اینجا موجود باشد. شما به عنوان قاضی آیا موسسه مرا به عنوان یک موسسه قانونی قبول دارید یا نه؟ گفتند هیچ موردی از شما وجود ندارد این حرف کارشناس هاست؛ به من گفتند حکم اعدام تو را ۱۵ نفر مراجع تأیید کردند؛ یا بگو با آمریکا ارتباط دارم، یا همسرت را می‌کشیم این بود که من خودکشی کردم. مدارک و اموال و کلکسیون انگشتر مرا بردند ولی برنگردانده‌اند و رسید هم نداده‌اند می‌گویند جادو بوده دور ریخته ایم آیا آنچه از متهم ضبط شده نباید به من برگردانند؟ نه می‌خواهم ببینم آیا مدارک مربوط به موسسه من اینجا هست؟

قاضی دادسرا مجاز به تعیین تکلیف اموال نیست وقتی متهم می‌آید دادگاه ۲۱۴ و ۲۱۵ تعیین تکلیف می‌کند.

متهم من فرقه نداشته‌ام من یک موسسه فرهنگی هنری با مجوز داشته‌ام قبول دارید یا نه؟ من باید پرونده را ببینم.

قاضی قانون می‌گوید متهم جایگاهی برای مطالعه پرونده ندارد.

متهم باز پرس سوال را نمی‌نوشت می‌گفت جواب را بنویس.

نماینده دادستان این رویه فقط وقت تلف کردن است، این روند هیچ اثری به اصل رسیدگی ندارد و اگر دفاعیات است خودشان مکتوب کنند والا ما به اصل دادرسی بپردازیم.

متهم جناب نماینده دادستان! در جریان بازجویی تا مطلبی پیش می‌آید می‌زنند تو سر افراد. هر اتفاقی می‌افتد می‌گویند برو دادگاه به قاضی بگو. لغو اعدامت را می‌خواهی برو به قاضی بگو. حالا آمده‌ایم پیش قاضی این مسایل پشت صحنه بالاخره به کی مربوط می‌شود؟

نماینده دادستان به این دادگاه مربوط نمی‌شود. ما فقط به آنچه در چارچوب کیفرخواست اتفاق افتاده رسیدگی می‌کنیم

قاضی کلیه مطالعات خود را در بحث عرفان اعلام کنید.

وکیل متهم اینکه متهم نمی‌تواند پرونده خود را بخواند مبنایی ندارد.

قاضی طبق ماده ۱۹۳ قانون دادرسی کیفری، متهم می‌تواند از محتوای پرونده اطلاع پیدا کند.

متهم ظلم و ستمی که به من شده کی باید رسیدگی شود؟ جواب کلیه متون دینی و عرفانی و مطالعه بخش عمده داشته‌های عرفان را از طریق کشف و شهود برای اینجانب حاصل شده است.

قاضی کتاب‌هایی که در این خصوص مطالعه کرده‌اید، در مورد بحث عرفان چه کتاب‌هایی بوده است؟

متهم به دنبال دعا و درخواست از خداوند برای باز شدن اسرار الهی، از طریق دعا، برایم گشایش حاصل

شد، سپس تاریخ فلسفه اسلام و کتاب‌های دیگر را مطالعه کردم به صحت یافته‌های خود یقین پیدا کردم.

قاضی یکی از فرمایشات شما اتصال می‌باشد. یعنی اتصال چیست؟ از کجا آمده؟
 متهم ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ. بدون اتصال عرفان نیست؛ اگر صحبت از تسلیم نباشد عرفان نیست؛ عرفان زمانی اتفاقی می‌افتد که بدون ابزار بتوانی کاری را انجام بدهی.

متهم ابداع نیت عرفان متکی بر کشف و شهود است. علمای دینی خطشان جداست. کسانی که شما با اینجانب مقایسه می‌کنید مراجع هستند؛ آنها تخصصشان چیز دیگری است. اما من آنچه که گفته‌ام در عمل ارائه داده‌ام. من هزاران برگ استشهاد دادم که افراد چه تأثیرات مثبتی از نتایج عملی این عرفان داشته‌اند، که البته همه این مستندات را از دفتر من برده‌اند. شما با آمار و ارقامی که در نتایج تجربی وجود دارد قضاوت کنید.

قاضی یک مجتهد ۶۰ سال می‌نشیند مطالعه می‌کند چنین اطلاعاتی ندارد. آن وقت شما چطور ادعا می‌کنید؟

متهم علی من یشا من عبادہ؛ ممکن است ده قرن به کسی چیزی ندهد ولی به یک نفر بدهد. یک عالم نمیتواند کشف و شهود کند. یک مولانا داریم که عالم بود، عارف شد. آن هم پس از ملاقات با شمس. عرفان ساختگی نیست. عرفان حلقه در جمیع مطالب مطلب دارد. درد نهفته به ز طیبیان مدعی (حافظ)/اتصال بی تکلف بی قیاس/هست رب الناس را با جان ناس/اتصالی که ننگجد در کلام/گفتنش تکلیف باشد والسلام (مولوی). در حوزه عمل است که بحث اتصال مطرح می‌شود. تجربه مرگ، سیر آفاق و انفس، موجودات غیرارگانیک و این دست مفاهیم، این‌ها قابل درک و قابل تجربه است. در طول تاریخ فلسفه و علم آنها که برای اولین بار حرفی زده‌اند سرشان را بر باد داده‌اند مثل منصور حلاج یا نیوتن. ویلیام هاربل گردش خون را مطرح کرد و حاکم زمان او را زنده زنده سوزاند. زبان علم آمار است. آمار می‌گوید می‌شود. در مسایل اجتماعی از جمعیت آمار می‌گیرند. من از روی آمار صحبت میکنم. من اعتقاداتم را جلسه قبل هم گفتم. من شیعه اثنی عشری هستم. بحث شیطان پرستی و افساد فی الارض افتراست.

قاضی حقیقت اتصال چیست و تشعشع دادن را توضیح دهید؟

متهم عرفان باطن دین است. فرادرمانی قرار گرفتن در تحت مشیت الهی است.

قاضی اجنه چیست؟

متهم موجود غیرارگانیک یا اجنه موجب بیماری‌هایی می‌شوند که می‌توان با روش فرادرمانی آن‌ها را مداوا کرد. بحث تشعشع دفاعی هم به این موضع می‌پردازد. نمی‌دانم مبحث وجود جن را قبول دارید یا نه؟ تمام ادیان بدون استثنا این مطلب را اذعان دارند. و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون. وقتی در حوزه ارگانیک این کار انجام شد همه به آنها خندیدند در حالی که نتیجه این

روش معرفی حوزه فعالیت جن و اثبات تاثیر جن در حوزه سلامت انسان بوده است. من ثابت کردم بیماری‌های ذهنی‌ای مثل دو قطبی یا اسکیزوفرنی را جن یا ویروس غیرارگانیک ایجاد کرده است. اولین کسی که طبق این تز ویروس غیرارگانیک را معرفی کرده من هستم. این را در حضور روانپزشکان و روانشناسان ثابت کردم و نتایج عقلانی و عملی را برای مراکز علمی دنیا فرستاده‌ام. این افرادی که در کلاس‌ها هستند کسانی هستند که در بیمارستان و تیمارستان بستری بوده‌اند. این نوع افراد را در بیمارستان‌های دولتی به تخت می‌بندند. اگر من دست یکی را گرفته‌ام این رابطه نامشروع نیست. اگر چه فیلم‌ها و نمونه تحقیقات را از من گرفتید اما این تز به نام من ثبت است. در هیچ کجای دنیا در این مباحث وارد جزئیات ریز و کار عملی نشده‌اند. اولین کسی که درمان بیماری‌های روانی را با روش فرادرمانی شروع کرده من هستم. این اولین در طول تاریخ است که درمان بیماری‌های روانی با این روش انجام شده و نتایج آن به ثبت رسیده. پدیده‌ای به نام جن‌گیری نداریم. ما همه جا بحث دفع ویروس غیرارگانیک را داشته ایم.

قاضی فرد از کجا می‌داند جن دفع شده؟

متهم ما حاصل نتیجه برایمان مهم است، فرد درمان شده. آن هم فردی که در حوزه پزشکی - روانپزشکی درمان نشده است. روانپزشکان می‌گویند شما چه کار کردید که این فرد درمان شده؟! ۲۰ شماره مجله طب مکمل را بخوانید. دکتر شهاب الدین صدر رییس وقت سازمان نظام پزشکی مجوز صدور آن را داده است. حقیقت تشعشع دفاعی این است که روانشناسان و روانپزشکان زیادی جذب این روش درمانی شده‌اند. هنوز هم دارند کار می‌کنند. بحث جن‌گیری وجود ندارد. وقتی جن را قبول دارید باید دفع جن را قبول داشته باشید. یک مدرک ارائه بدهید که چنین حرفی گفته شده باشد. حضور من در آن فیلم هم در جریان بحث درمان بوده نه بحث ارتباط نامشروع. قاضی حاج آقا قاسمی سوالاتی دارند و مباحثی در مورد عرفان و اتصال صحبت کنید آقای طاهری جواب بدهند.

قاسمی (کارشناس مسایل دینی): به عنوان کارشناس مسایل دینی، بحث اتصال و مباحث چند نکته هست. در یک بررسی میدانی بر روی ۱۵۰ نفر آسیب دیده نکاتی وجود دارد که گفتید هیچ جای دنیا سابقه نداشته. اما بحث‌هایی چون برون ریزی، بحث اتصال، بحث مسترها، بیمار، شعور کیهانی، روح بزرگ [احتمالاً منظور ایشان بحث روح جمعی بوده است] و سایمنتولوژی، در مکاتب دیگری هم مطرح شده. بین این روش با انرژی درمانی ژاپنی شباهت هست. همچنین شباهت با یک فرقه‌ای در فرانسه وجود داشته که در این کشور محکوم می‌شود و فرار می‌کند و نیز در یوگا هم شباهت‌های بنیادی با این روش وجود دارد. این مفاهیم در فرهنگ‌های مختلف اسمی دارد. شما در مباحث اتصال بحث تفویض را دارید که این قدرت اتصال به مسترها تفویض می‌شود، این بحث شفاف نیست. چرا از طریق شما انجام می‌شود؟ چرا هر کسی نمی‌تواند با خدا مرتبط باشد؟ چرا اتصال یکطرفه است؟ اگر تفویض می‌کنید چرا نمی‌توانید پس بگیرید؟ اگر کار شما اندیشه است

خوب بود در کرسی‌های آزاد اندیشی مطرح می‌شد - إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ - این اتصال رحمانی است یا غیر رحمانی. باید مباحث بنیادینش حل می‌شد. بحث تسلیم را مطرح می‌کنند که هیچ‌گونه مقاومتی نکنند و باید شاهد باشند. ثمره کارمیدانی آسیب‌ها را دیدیم. شما فرمودید افراد شفا پیدا کرده‌اند. بفرموده یک استاد عزیز در حوزه، شفای الهی یک خاصیت دارد. مثلاً شفا یافتگان امام رضا. افراد تأثیراتی از عرفان حلقه می‌یابند افراد تسکینی پیدا می‌کنند ولی بعد از مدتی بیماری عود پیدا می‌کند. این برگشت‌ها را تعبیر به برون ریزی می‌کنند خانم الف می‌گوید بعد از ۱۵ سال هنوز برون ریزی دارد. شفای الهی به جامعیت انجام می‌گیرد. ولی شعار شما اینجور نیست منصوره لاریجانی که می‌گفت سرطان درمان شده خانم فراهانی همسرشان تعهد می‌پردازند. ایشان گفتند به مسترها توصیه می‌کند اتصال به روح بزرگ را بدون اجازه انجام ندهند پس تقلید از همان است. همان خانم می‌گوید بیماری سرطان خوب شده ولی بیماری دیگری برقرار کرده است. جای پیاده کردن فرضیه کف جامعه نیست، مراکز آکادمیک، حوزه‌ها و دانشگاه‌هاست. در این نحوه درمان، شخص ضربه می‌خورد و دچار بیماری دیگری می‌شود. من خدمت پروفیسور مصطفی قانعی سپردم ایشان از شما دعوت کردند اما نیامدند که متدلوزی را ارائه بدهند.

ما رفتیم پروژه‌ای را شروع کردیم. صرف نظر از نمونه‌هایی که شما آورده اید روی پانصد هزار نفر متهم تجربه شده، جمعیت آماری شما ناقص است. شما حاضرید دست روی قرآن بگذارید و سوگند بخورید اگر دادگاه مرا محکوم کرد مسولیت وجدانی آن را قبول کنید؟ اگر مرا اعدام کنند شما احساس عذاب وجدان نمی‌کنید؟ شهادت شما باید بر اساس عدالت باشد.

حاج آقا می‌فرمایند شما باید در محیط علمی پاسخ مسایل آقای قاسمی را بدهید. قاضی

خیلی از مسایل مشیت الهی است، کتاب‌های زیادی ارائه داده شد بدون اینکه آنها در اختیار من قرار گیرد و فرصت پاسخگویی داشته باشیم. مثلاً کتاب «عرفان حلقه - حلقه اسارت». خیلی از مربی‌های من قبلاً ری‌کی بوده‌اند بعد عرفان حلقه کار کرده‌اند. کسی که کتاب را آورده بود با من مرتبط بود. ری‌کی به هیچ‌عنوان فرادرمانی نیست. ری‌کی در حوزه درمان جسمی آن هم محدود از طریق چاکراهاست، اما فرادرمانی شاخه‌ای از عرفان حلقه است که شاخه‌های مختلفی را شامل می‌شود. خود مربی‌های ری‌کی آمده‌اند پیش ما آموزش دیده‌اند، خود کسانی که صاحب کتاب بوده‌اند آمده‌اند پیش ما و چنین ادعایی ندارند. یک پزشک درمان می‌کند مگر خطا ندارد؟ ولی این حوزه چون وابستگی به شعور انسانی ندارد، شاید افکت ندارد. این مساله تکنیکال است بنابراین اثر جانبی ندارد، اشکالی که پیش آمده این است که تشعشع دفاعی را جای عرفان حلقه قالب کرده‌اند. فرادرمانی در حوزه جسم و روان مطرح می‌شود ما فرادرمانی را به دنیا اعلام کردیم مسایل ذهنی مثل اسکیزوفرنی دو قطبی و سواس درمان ندارد. تنها شاخه‌ای که در دنیا روی بیماری‌های روانپزشکی ذهنی کار کرده اینجاست. امثال آقای حجت السلام نجفی و خانم دکتر پیرزاده هزاران

سوال و ابهام داشتند که پاسخ گرفتند. ما هیچ‌گونه تبلیغات نداشتیم. پایین برگه ثبت نام نوشته من با تحقیق شخصی آمده‌ام اینجا.

قاضی از مسترهای شما خیلی‌ها طلاق گرفته‌اند. چه توضیحی برای این دارید؟

متهم نگاهی به آمار طلاق، فساد، فحشا، اعتیاد بیندازید و سیر رشدش را ببینید. می‌توانید رشدش را به گردن ما بگذارید؟ در جمعیت آماری ما هم طلاق هست اما اجازه بدهید من آماری هم بدهم از زوج‌هایی که به صلح و سازش رسیده‌اند. من اگر عرفان را توضیح بدهم شما می‌توانید ببینید چقدر از اختلاف‌ها را حل کرده‌ام. ممکن است عرفان کیهانی وجه اشتراکی با سایر عرفان‌ها داشته باشد. بله اینجا راجع به عشق و معرفت وجود و وحدت وجود صحبت می‌شود، اما اگر ما گفتیم وحدت آیا از فلان مکتب گرفته ایم؟ به فرض این عرفان را از دیگر عرفان‌ها گرفته باشم چه مشکلی ایجاد می‌کند؟ ولی واقعیت غیر از این است.

کارشناس شخصی از دوستان ما بود که هر که هر مشکلی داشت می‌آمد پیشش دعا می‌نوشت و مشکلات مردم را حل می‌کرد، کارهای شما که انجام داده اید آیا کار یک عالم بزرگ بوده است؟

متهم ما اسم هر کی را آوردیم او را گرفتند تحت فشار قرار دادند. نمونه منسوری لاریجانی، تصمیم حوزه‌ها هم همین است. با ما برخورد امنیتی کردند.

قاضی اکثر این مواردی که من مثال آورده‌ام خانه دار هستند.

متهم حدود ۴۰ هزار نفر پایان نامه داریم این‌ها را ببینید.

قاضی موجود غیرارگانیک آیا در اسلام وجود دارد یا نه؟ در آموزه‌های دینی آیا مطرح شده یا خیر؟

متهم این نام‌های علمی انتخاب شده برای جن می‌باشد و من تاثیر عملی این موجودات بر زندگی انسان را به طور آکادمیک ثابت کردم. با حضور روانکاو و روانپزشکان، بیمارهای اسکیزوفرنی و دو قطبی را معالجه کرده‌ام همانطور که کخ و پاستور، میکروارگانیزم‌ها را کشف کردند، من وجود موجودات غیرارگانیک را کشف و به ثبت جهانی رسانده‌ام.

قاضی چطور یک روح سرگردان را وارد کالبد دیگری می‌کنید؟

نماینده دادستان یک سری موارد وجود دارد که اینجا در جلسات مطرح شده و نشانه ترویج عقاید انحرافی و انحرافات مصداقی آن، انحراف در خداشناسی است. مثلاً مطرح شده: همه انسان‌ها جزو خداوند هستند، انسان اولیا الله است و در آخرت رب می‌شود.

متهم اینها همگی ساختگی است، خانم شهناز نیرومنش که آمریکاست، رفته اند، همه چیز را برده‌اند و گفته‌اند مطالبی روی سایت بوده، اسمش را گذاشته‌اند جلسه عرفان. ما اصلاً جلسه‌ای به نام جلسه عرفان نداشتیم. مطالب من در کتاب و مقالاتم هست، چیزی که از من گرفته شده چارچوبی ندارد، به آن‌ها استناد نکنید چون همگی اینها ساختگی و جعلی است.

نماینده دادستان بعضی از اجزاء عمل مادی متن نوشته‌ها و کلاس‌ها و کتاب‌های عرفان کیهانی این هاست: انسان

نمی‌تواند عاشق خدا شود... در قرآن کریم بقوم یحییهم و یحیونه. یا مطرح شده: اتصال به خداوند در عرفان کیهانی به این صورت است که فیض حلقه وحدت از برکت نزدیکی حداقل دو نفر حاصل می‌شود که عضو سوم روح القدس و عضو چهارم خداوند است. افکار انحرافی متهم، انحراف در خداشناسی در امام شناسی، پیامبر شناسی، معاد شناسی، قرآن شناسی و شیطان شناسی است. ادعاهای انحرافی مثل ادعای اتصال به روح القدس، ادعای تفویض، ادعای ابطال طلسم، ادعای فرادمانی، ادعای خروج ارواح، ادعای معجزه؛ ادعای فرادینی. همچنین اعتقاد به مسیحیت و به ماتریالیسم و هندویسم و بهائیت و اعتقاد به لازمان و لامکان و عدم اعتقاد به معاد جسمانی. متهم ایاک نعبد و ایاک نستعین، فاستقیم الیه. من هرگز مدعی ارتباط با روح القدس نشدم.

متن دفاعیه دادگاه سال ۱۳۹۴

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی

جناب آقای احمدزاده

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، ضمن مردود دانستن و تکذیب کلیه اتهامات وارده (افساد فی الارض، توهین به مقدسات و ...) و موارد مطروحه در کیفرخواست، به استحضار می‌رساند اینجانب شیعه اثنی عشری هستم، با اعتقاد کامل و راسخ به دین مبین اسلام (اصول و فروع دین)، کلام وحیانی قرآن، نبوت پیامبر اکرم (ص) به عنوان خاتم الانبیاء، ولایت ائمه معصومین (علیه السلام) و منجی عالم بشریت و بدین وسیله شهادتین خود را بر زبان جاری و در دل گواهی می‌دهم. از این رو با توجه به آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا...» ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در راه خدا گام بر می‌دارید پس به درستی تحقیق کنید و به کسی که اظهار اسلام می‌کند، نگویید مومن نیستی که بخواهید بهره ناپایدار زندگی دنیا را بدست آورید و قبلاً این طور بودید و خداوند بر شما منت گذارد (که متحول شوید) پس بدرستی تحقیق کنید»، همچنین با عنایت به فتوای مرجع محترم تقلید آیت الله العظمی سیستانی در بهمن ماه ۹۳، در خصوص قطعیت ارزش شهادتین در اثبات مسلمانی (علیرغم وجود هر گونه انحراف احتمالی)، انتظار دارم که در مسلمانی و شیعه بودن و ایمان من شک نشود و بدین وسیله خود را از همه افتراها و برچسب‌های دروغین انتساب به یهودیت، مسیحیت، بهائیت، وهابیت، بودیسم، کمونیسم، هندوئیسم، شیطان پرستی و ... توهین به قرآن و ائمه علیهم السلام و ... قبول نداشتن ائمه (علیهم السلام)، زیارت اماکن متبرکه، معاد جسمانی، منع عبادات ظاهری، حجاب و ... اتصال به روح القدس و لوح محفوظ و ... عضویت در سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، دموکرات، کومله و ... همچنین صدها تهمت ناروای دیگر مبرا می‌دانم (با استناد به کتب، مقالات، فیلم‌های کلاس‌های

موسسه، دانشگاه ها، سمینارها و ... همچنین وجود دهها هزار نفر از شاگردانم به عنوان شاهد مبنی بر پوچ و کذب بودن این تهمت‌ها و ... و به طور قطع با گذشت زمان حقیقت آشکار خواهد شد. اما اگر هم قصوری پیش آمده باشد، به طور حتم ندانسته و ناخواسته بوده است نه از روی غرض! با این وجود، اگر هر گونه شبهه‌ای برای قاضی محترم وجود داشته باشد، در مرحله اول آماده پاسخگویی، شفاف‌سازی و رفع ابهام از آن را به هر نحو ممکن هستم و در مرحله بعد اگر در حقیقت اعتقاد این جانب نسبت به اسلام و شیعه کماکان شکی وجود داشته باشد، در پیشگاه خداوند متعال نسبت به هر گونه خطا و قصوری، توبه نموده و از درگاه او طلب استغفار می‌نمایم چراکه: «... لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...» و از آنجایی که اینجانب دیگر هرگز تمایلی به ادامه فعالیت در زمینه عرفان حلقه نداشته و حاضر به فدا کردن مصالح خانوادگی خود نیستم و از طرف دیگر، خواهان بروز مشکلات برای شاگردان و هواداران عرفان حلقه و خانواده‌های آنها (که منجر به دستگیری و حبس تعدادی از افراد به علت انجام تجمعات مسالمت آمیز در دفاع از حقوق تزییع شده اینجانب و رودررویی کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه و مامورین امنیتی و انتظامی با آنها) نیز نمی‌باشم؛ آمادگی خود را در جهت کمک به تعطیلی و توقف فعالیت در زمینه عرفان حلقه به هر نحو ممکن اعلام می‌کنم.

از این رو، با توجه به اینکه هرگز فرقه‌ای تشکیل نشده، افسادی رخ نداده، اختلالی پیش نیامده، خسارت مالی و جانی به بار نیامده و ... عرفان حلقه به عنوان زیر مجموعه‌ای از عرفان اسلامی، فعالیتی کوتاه مدت انجام داده و طب‌های مکمل ایرانی فرادمانی و سایمنتولوژی زیرمجموعه‌های عرفان حلقه زیر نظر پزشکان و روانپزشکان روانشناسان، تحقیقات خود را به نتیجه رسانیده و هیچ‌گونه اختلال و مداخله‌ای در امر دارو و درمان به وجود نیامده و هیچ‌گونه شکایتی نیز وجود ندارد، اینجانب نیز حاضر به پس گرفتن همه گفته‌ها، نظریه‌ها و تعالیم خود هستم و ... بنابراین، خواهشمند است با صدور حکم برائت، ضمن کمک به بازگشت اینجانب به کانون خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن بیشتر آن، زمینه حل و فصل مشکلات پیش آمده را که صرفاً ناشی از سوء تفاهم و سوء برداشت است فراهم و ضمن انجام کاری خداپسندانه، از وارد شدن صدمات و لطمات مادی و معنوی به افراد و خانواده‌های زیادی، جلوگیری به عمل آوری.

در ادامه به اطلاع حضرت عالی می‌رساند کلیه فعالیت‌های اینجانب در زمینه عرفان کیهانی حلقه، با توجه به قانون اساسی و قوانین جاری مملکت و در چارچوب قانونی موسسه فرهنگی - هنری عرفان کیهانی حلقه (دارای مجوزهای رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد با موضوع فعالیت «کلاس عرفان» و سازمان جوانان ریاست جمهوری)، ثبت در تشکل مردم نهاد (NGO) در وزارت کشور، اخذ ایزوهای آموزشی بین‌المللی از کشورهای آلمان، سوئیس، انگلستان و ... اقدام به برگزاری کلاس‌های علنی در محل سالن موسسه نموده (همه کلاس‌ها فیلم‌برداری شده است) و همچنین با انعقاد تفاهم‌نامه بین موسسه آموزش‌های آزاد دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، و دانشگاه طب سنتی ارمنستان، کلاس‌هایی را در زمینه طب‌های مکمل ایرانی فرادمانی و سایمنتولوژی برگزار و گواهی‌نامه‌های قانونی دانشگاه‌های فوق نیز برای شرکت کنندگان صادر شده است. حدود ۸۰ درصد از افراد شرکت کننده در کلاس‌های موسسه، دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و تعداد زیادی از آنها در زمره پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان، پیراپزشکان، پرستاران و کادر درمانی، اساتید دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف محققین و علاقمندان با رشته‌های تحصیلی مختلف می‌باشند و بقیه افراد نیز به طور عمده، کسانی بوده‌اند که به نحوی با دین پژوهی، عرفان و معرفت‌آشنایی داشته‌اند. همه متقاضیان به صورت کاملاً قانونی با پر کردن فرم، دادن عکس، فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و پرداخت شهریه

در کلاس‌های موسسه شرکت کرده‌اند و طبق گزارش‌های پایان دوره که می‌بایستی به موسسه ارائه می‌دادند، تقریباً صد در صد گزارش آنها حاکی از رضایت و ارتقای وضعیت اعتقادی و علاقمندی بیشتر آنها نسبت به دین، بهبود وضع روحی و جسمی و رفتار با دیگران بوده است (لازم به ذکر است که در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ همزمان با دستگیری من، حدود پنجاه هزار پایان نامه در دفتر موسسه موجود و تعداد زیادی نیز در شهرستانها موجود بوده همین تعداد گزارش‌های پایان دوره بوده که همگی در بازرسی از موسسه و انبارهای آن ضبط شده است). این تحولات مثبت نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا توسط مربی‌های عرفان حلقه بوقوع پیوسته و آنچه که مسلم می‌باشد، تاثیرات مثبت همه جانبه‌ای است که افراد به سهولت به آن دست یافته‌اند. این تعالیم عملی در چارچوب دین مبین اسلام اتفاق افتاده و عرفان حلقه به عنوان شاخه‌ای از عرفان اسلامی توانسته در مدت کوتاهی از استقبال عمومی چه در ایران و چه سایر نقاط دنیا برخوردار شود و علت چنین موفقیتی، فقط در ارائه خدمات آموزشی موثر و مفید در زمینه عرفان نظری و عملی اسلامی بوده است.

• لازم به ذکر است که عرفان حلقه، شعور و هوشمندی حاکم بر جهان هستی را به طور نظری و عملی ثابت نموده، از این طریق، وجود صاحب این هوشمندی یعنی خداوند را به اثبات می‌رساند و در واقع این عرفان منجر به «خداشناسی عملی» می‌گردد (اصل ۱۲ عرفان حلقه). در این عرفان، اعتقادات افراد به دو بخش زیربنا (اصول دین) و روبنا (فروع دین) تقسیم و روبنا را که شامل دستورالعمل‌های ادیان و مذاهب و تعاریف و راه‌های مختلف رسیدن انسان به تعالی می‌باشد فقط در مورد مذهب شیعه اثنی عشری مورد توجه قرار داده و با روبنای سایر ادیان الهی مداخله‌ای ندارد و پیروان سایر آیین‌ها را نیز دعوت به خداشناسی نظری و عملی می‌نماید (حدود هفتاد مقاله چاپ شده اینجانب در روزنامه‌ها در مورد نماز، روز، حج، عاشورا، امام عصر (عج)، قدر و قدیر و ... در رابطه با مذهب تشیع می‌باشد) و این فرصتی در حاشیه و به طور غیرمستقیم برای آنها فراهم می‌کند تا با دین مبین اسلام و مذهب تشیع آشنا شوند. به همین منظور در اصل ۴ عرفان حلقه برای دعوت همگان به خداشناسی عملی آورده شده که: «همه انسانها می‌توانند در هوشمندی و شعور حاکم بر جهان هستی به توافق و اشتراک نظر رسیده، پس از آزمایش و اثبات آن، به صاحب این هوشمندی که خداوند می‌باشد، برسند تا این موضوع، نقطه مشترک فکری بین انسانها شده و قدرت و تحکیم پیدا نماید. بنابراین، عامل مشترک فکری بین همه انسانها و یا به عبارت دیگر، زیربنای فکری همه انسانها، شعور حاکم بر جهان هستی و یا شعور الهی است. در این تفکر و بینش، این عامل مشترک، «شبکه شعور حاکم بر جهان هستی» نامیده می‌شود.»

• عرفان حلقه، ارتقای کیفی اجرای فرامین و حیانی را که در ارتباط با خدا حاصل می‌شود، سرلوحه قرار می‌دهد تا بتواند کلام نورانی قرآن را که می‌فرماید: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ... - نیکی فقط آن نیست که روی به جانب مشرق و مغرب (قبله) کنید بلکه ایمان به خدا (قلبی و باطنی) و ... بوده و دادن مالی از روی دوستی با او به... می‌باشد» و یا سخنان حکمت آمیز ائمه (علیهم السلام) را تحقق بخشد. برای مثال، کلام امام هادی (ع) را که فرموده‌اند: «لَبِستِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَآمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ» که به این موضوع بسیار مهم اشاره دارد که عبادت، زیادی برپایی نماز و روزه نیست و در اصل، عبادت زیادی تفکر در امر خداست و همچنین ساعتی تفکر بالاتر از هفتاد سال عبادت است و... در این رابطه عرفان حلقه، نگاه تاکیدی ویژه‌ای به این امر مهم دارد تا در طی مراحل مختلف این ارتقای کیفی حاصل شود (به همین

منظور یک ترم را به ارتقای انگیزه عبادات و یک ترم کامل هم در خصوص فلسفه و معرفت نماز اختصاص داشته است که البته در سم پاشی‌های به عمل آمده این موضوع کاملاً وارونه معرفی شده است) و انگیزه عبادات از بردگی و مزدوری به عبادتی عاشقانه و آزاد منشانه تبدیل شود (حضرت علی (ع) - نهج البلاغه) و خداوند را نه از روی ترس و بیم و عذاب و... و نه به طمع مزد و پاداش در دنیا و آخرت و... بلکه بدون هیچ‌گونه توقع و چشم‌داشتی و فقط به خاطر نزدیکی به او عبادت کنند (اصل ۶۶ عرفان حلقه) یا به قول حافظ: فراق و وصل چه باشد رضای دوست طلب / که حیف باشد از او، غیر از او تمنایی.

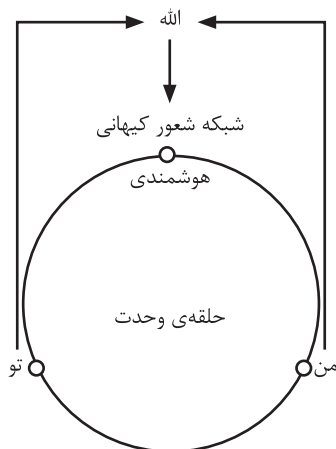
نکته مهم دیگری در این رابطه، اشاره اکید و توجه دادن عرفان حلقه به بی‌نیازی خداوند نسبت به عبادت، هدایت، تزکیه و... انسان است که در قرآن به کرات به آن اشاره شده که: «...وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ... فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ - إِنَّ أَحْسَنَ نَسْتُمْ أَحْسَنَ لِنَفْسِكُمْ - وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ - وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ - مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ - و...» همگی به نحوی نشان می‌دهند که خداوند غنی و حمید بوده و نیازمند عبادات و اعمال صالح انسان نمی‌باشد و عبادات صرفاً برای خودسازی و خودشناسی انسان، از طرف خداوند متعال تکلیف شده است: «وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ» پس عبادت صرفاً برای تعالی و رشد معنوی خود انسان است و هر فردی از طریق عبادات (نماز، روزه، حج، دعا و مناجات و...) در خدمت به خود به عنوان یک تجلی الهی و در وهله بعد در خدمت به دیگران (از طریق جهاد، خمس و زکات، انفاق، صدقه، طلب خیر و...) و محیط زیست و... به عنوان سایر تجلیات الهی که همگی مظهر جلال، جمال، کمال، اسماء و صفات الهی هستند می‌باشیم. به این ترتیب رو به سمت خداوند (فاستقیما الیه) با انجام عبادات به نیت قرب الی الله و عمل نیک معطوف به تجلیات الهی شامل خود من، دیگران و جهان (محیط زیست و...) شده تا بتوانیم از این رهگذر، عالم را محضر خدا ببینیم و اسماء و صفات الهی در ما متجلی شود، به عبارتی دیگر، نظر به اینکه عالم، تجلی اسماء و صفات الهی بوده و محضر خدا می‌باشد، برای آشکار شدن این تجلی در انسان باید به عالم هستی توجه و در خدمت آن بود.

• عرفان حلقه، به دین‌نگاهی عمیق و ریشه‌ای دارد و از پایه به آن توجه می‌کند و برای هر مرحله در جهت رشد و شکوفایی آن، برنامه نظری و عملی ارائه می‌گردد. این نگاه از دین فطری انسان آغاز می‌شود که خداوند در فطرت همه انسان‌ها به ودیعه نهاده است و با یک برنامه نرم افزاری که به او امکان انتخاب بین خیر و شر را می‌دهد و همه انسان‌ها این برنامه‌ها را در نهاد خود دارند (فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا). عرفان حلقه در این مرتبه، افراد را در عمل معطوف به فطرت و توجه به فلسفه خلقت و گنج درون انسان می‌نماید (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي - وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا - و اینکه ذات انسان قائم به ذات خداوند است به طوری که می‌توان او را به بیت الله تشبیه نمود و...) و افراد در سیر و سلوک خود به این حقیقت بزرگ نائل می‌شوند.

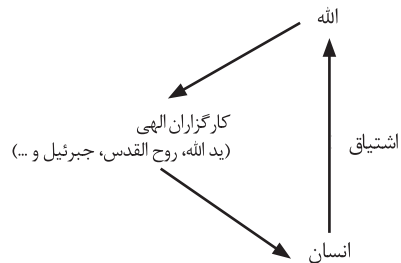
• بعد از مرور برنامه نرم افزاری انتخاب خیر و شر، نوبت به دین فطری می‌رسد (فَطَرَهُ اللَّهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) که بالقوه بوده و شامل تمایل به خالق، کمال، اخلاق و... است که به همه انسانها از جمله عدالت طلبی و ظلم ستیزی و... را القاء می‌کند و لازم است که از بالقوه به بالفعل تبدیل شود و بستگی به نوع زندگی انسانها و طرز تفکر آنها، ممکن است یکی یا چند تا یا همه این برنامه‌ها، فعال شوند و انسان به اختیار خود آنها را بکار بگیرد. در صورت بالفعل شدن دین فطری در انسان، دین حنیف شکل می‌گیرد که تمایل به راستی، درستی، اخلاق نیکو، عدالت و... به طور فطری

می‌باشد و دین همه انبیاء و اولیاء از جمله پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت حضرت ابراهیم (ع) بوده است (مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا...) و در قرآن به روی آوردن به سوی دین حنیف توصیه شده است «وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا...» زیرا دربرگیرنده نیازهای عمده بشر می‌باشد (اصل تسلیم در برابر خدا، اخلاق و ...). برای درک این مرحله نیز عرفان حلقه با پیش آوردن امکان عملی درک تن واحده (مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنُفُسٍ وَاحِدَةً - هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ - وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً... و یا: بنی آدم اعضای یک پیکرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند) و رسیدن به ادراک وحدت کیهانی و ... در مسیر سیر و سلوک عملی خود برای افراد و رسیدن به اینکه انسان برای کشف گنج درون خود در راستای طی مسیر کمال الهی روی زمین زندگی می‌کند و در واقع همه انسان‌ها تشکیل یک پیکر و یک امت را می‌دهند و دیگران مانند پاره تن برای تن واحده هستند، در آن صورت هیچ کس حاضر نخواهد بود که دانسته و به عمد به پاره تن خود آسیب رسانیده و یا ظلم کند و اگر در حال حاضر این چنین است به دلیل عدم درک و ناآگاهی انسان از این موضوع و فلسفه خلقت و بی‌اطلاعی از گنج درونی خود می‌باشد. عرفان حلقه، از این طریق، توجه انسان‌ها را به سوی دین حنیف جلب کرده و اخلاق عملی را تحقق می‌بخشد تا افراد ضمن عبادت پروردگار، خود را در خدمت تجلیات الهی که مظهر اسماء و صفات اوست قرار داده (که خودشان هم جزء این تجلیات الهی هستند) و به درک اینکه عالم محضر خداوند است برسند.

در دین حنیف، تسلیم در برابر خداوند به بهترین وجهی نمود پیدا می‌کند و فلسفه دین الهی را مبنی بر تسلیم در برابر خدا عرضه می‌کند (وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا... - وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى - و...) و محور اصلی همه ادیان الهی است. در عرفان حلقه، تسلیم در برابر خداوند متعال نقشی اساسی و کلیدی دارد تا آنجا که در اصل - ۳۳ عرفان حلقه آمده است: «تسلیم در حلقه، تنها شرط تحقق موضوع حلقه مورد نظر است، در غیر این صورت باید از توان‌های فردی استفاده شود که آن نیز محدودیت خواهد داشت (یعنی در واقع به جایی نرسد کس به توانایی خویش / الا تو چراغ رحمتش داری پیش» با توجه به اشکال زیر در کتاب انسان از منظری دیگر:



(ب)



(الف)

- با دقت به جهت فلش‌ها در اشکال الف و ب و توضیحات کتاب و اصول مربوطه نتایج زیر حاصل می‌شود:
۱. انسان سالک همواره رو به سوی خداوند یکتا بوده (فستقیموا الیه) و عمل کننده به پیمان (ایاک نعبد و ایاک نستعین) می‌باشد.
 ۲. در رویکرد رو به خدا بودن، لازم است همراه با تسلیم در برابر او باشد که در عرفان حلقه نقش اساسی دارد (اصل ۳۳)
 ۳. هنگامی که انسان از خداوند درخواستی داشته باشد مستقیماً از او درخواست می‌کند (اصل فاستقیموا الیه) ولی جواب درخواست او را خداوند از طریق شبکه شعور کیهانی یا کارگزاران الهی (بدالله، روح القدس، جبرئیل و ...) پاسخ می‌دهد (اصل ۲۳ عرفان حلقه) کما اینکه طبق آیه شریفه «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ» و یا «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...».
 ۴. جهت فلش‌ها در اشکال الف و ب نشان می‌دهد که کارگزاران الهی (بدالله، روح القدس، جبرئیل و ... طبق اصل ۲۳) به فرمان خداوند متعال هستند و به فرمان او بر هر کس بخواهد نازل می‌شوند و امری را اجرا می‌کنند و هرگز به فرمان انسان نیست تا کسی بتواند ادعا کند که با روح القدس ارتباط و یا اتصال دارد و اشکال و اصول مربوطه فوق‌الذکر ثابت می‌کنند که در عرفان حلقه هرگز اتصال به روح القدس یا لوح محفوظ و یا هیچ کارگزار الهی ادعا نشده و اینجانب نیز هرگز چنین ادعایی نکرده‌ام و این افتزایی بسیار آشکار است و اسناد و مدارک بسیار زیادی خلاف این تهمت کذب را ثابت می‌کند.
- عرفان حلقه با احیای دین حنیف در وجود فرد و بالا بردن درجه تسلیم در برابر خداوند، در واقع زمینه را برای قبول اسلام با خلوص بیشتر از قبل (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا) فراهم می‌کند و سرانجام عرفان حلقه در جهت معرفت جویی و باطن پژوهی در دین مبین اسلام و خدانشناسی عملی (اصل - ۱۲ عرفان حلقه) و اعتلای عرفان ایران و ارج نهادن به عرفای این مرز و بوم (ظهور اسلام در ایران و متعاقب آن عرفان اسلامی در این سرزمین، سرچشمه‌های نورانی برای عرفای این مرز و بوم گردید و آنها با پیمودن راه خدا و معرفت جویی اسلامی، گنجینه ارزشمندی از ادبیات عرفان اسلامی را به بشریت تقدیم کردند) و معرفی آنها به جهانیان.
- لازم به ذکر است که هر دینی از دو بخش تشکیل شده؛ اول: بخش «مذهب» که ظاهر دین را عرضه می‌کند و نحوه رهروی را که شامل اصول و فروع دین می‌باشد. بنابراین: «مذهب» همواره ثابت و بدون تغییر است. دوم: بخش «عرفان» که باطن دین را مورد تحقیق قرار داده و در آن اقدام به کشف و شهود می‌کند تا بتواند هم حقیقت آنچه که در مذهب مطرح می‌شود را کشف نموده و هم باعث ارتقای کیفی درک افراد از معرفت اصول و فروع دین شود و به علت اینکه حقیقت باطن دین، بی‌نهایت و تمام شدنی نیست؛ از این رو «عرفان» متغیر بوده و هرگز خاتمه پیدا نمی‌کند (برای مثال، برای باطن نماز میلیاردها نوع یعنی در واقع به تعداد نفوس انسان‌ها، معرفت باطنی کشف شود) زیرا درک باطن «مسیر الی الله» به تعداد نفوس انسانهاست (طرق الی الله به تعداد نفوس) و هر کسی از راه مخصوص به خودش آن را درک می‌کند. ضمن اینکه ظاهر این معرفت جویی (مذهب) یکی است (برای مثال: همه نماز می‌خوانند ولی سیر هر کس در

نماز با دیگری متفاوت است). بنابراین، هر روز لازم است منتظر کشف و شهود جدیدی در دنیای عرفان باشیم تا شاهد کشف گوشه‌های دیگر از باطن دین که حقیقت آن هیچگاه تمام نمی‌شود، گردیم. با پیش آمدن هر کشف و شهودی در این حوزه، کشف و شهودهای قبلی تکمیل و یک گام به حقیقت و باطن دین نزدیکتر می‌شویم و یافته‌های قبلی هرگز منسوخ و یا نقض نمی‌شوند. بنابراین، مذهب و عرفان لازم و ملزوم یکدیگرند و باید ظاهر دین وجود داشته باشد که پیدا کردن باطن معنا داشته باشد. از این نظر «دین» مانند پرنده‌ای با دو بال است که یکی بال «مذهب» و دیگری بال «عرفان» می‌باشد و همانطوری که یک پرنده با یک بال نمی‌تواند پرواز کند و فقط به دور خود خواهد چرخید، بنابر این برای پویایی یک دین، هم «مذهب» و هم «عرفان» در آن باید فعال باشند. از این رو کشف جدید در حوزه عرفان، اصلاً به معنی تاسیس دینی جدید نیست. زیرا، طبق تعریف بالا، دین جدید نیازمند مذهب جدید است و یک عرفان نمی‌تواند مذهب جدید عرضه کند زیرا، دچار تناقض می‌گردد، به دلیل اینکه باطن آنچه را که کشف نموده، خود آن را نقض می‌کند. عرفان به دین رونق می‌بخشد و به آن روح تازگی می‌دمد. گفته می‌شود زمانی که امام عصر (عج) ظهور می‌فرماید، عده‌ای تصور می‌کنند، دین جدیدی ایجاد شده، در حالی که آن حضرت فقط اسلام با منتها درجه کیفیت و کشف رمز از باطن دین را به مردم عرضه خواهند کرد. بنابراین هر کسی باطن دین را بستگی به نوع شهود خود که از جانب خداوند تعیین می‌گردد، ادراک خواهد کرد و کشف و شهود به اراده و اختیار فرد نیست بلکه باید مشمول توفیق الهی شود (لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ - اللَّهُ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ - يُنَزِّلُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ - ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ - يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ - وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ / و ...) و خداوند است که تعیین می‌کند که به چه کسی، در چه سطحی و به چه نحوی کشف و شهودی داده شود و کسی نمی‌تواند تعیین کند که از فیض و فضل خداوند چه نصیبی داشته باشد. از این رو، در حوزه «عرفان» بخصوص «عرفان عملی» کسی نمی‌تواند موضوعات را به هم ببافد و با التقاط چیزی را سر هم کند، زیرا باید در عمل آن را ثابت کند. برای مثال وقتی در عرفان حلقه ادعا می‌شود نماز مجموعه‌ای از ارتباطات و اتصالات معنوی است که نماز گزار می‌تواند آن را احساس کند، باید آن را برای مخاطبین خود به اثبات برساند و یا وقتی از درمان‌های عرفانی جسمی، روانی و ذهنی صحبت می‌کند باید بتواند آن را با ارائه مدارک مستند پزشکی به اثبات برساند و به صرف ادعا و التقاط مطالب، اتفاقی نمی‌افتد و فقط تمسخر مردم را به همراه خواهد داشت. اما متأسفانه همین که لطف و فضل خداوند مشمول کسی شد و خداوند او را در انظار مردم عزیز کرد (وَتَعَزُّ مَن تَشَاءُ) و بین مردم محبوب القلوب شد، عده‌ای که به نحوی منافع اجتماعی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و ... خود را به هر علتی، درست یا غلط، در خطر می‌بینند، دچار حسادت، تنگ نظری، بخل، انحصارطلبی و دغدغه خاطر شده و در وهله اول اقدام به ترور شخصیتی و بدنام کردن فرد از طریق انتشار مطالب کذب و دروغین و هتک آبرو و حیثیت و ... نموده در حالی که قرآن می‌فرماید: (أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ - آیا مردم به آنچه که خدا از فضلش به ایشان داده حسادت می‌کنند؟) و در وهله بعد در صدد حذف فیزیکی (قانونی و یا غیرقانونی) آن فرد بر می‌آیند. این موضوع باعث شده تا عرفان ادیان پیشرفت چندانی نداشته باشند.

• عرفان حلقه اعتقاد دارد که پس از تظاهر دین فطری در انسان که با حضرت آدم (ع) آغاز شد و با بالفعل شدن آن و به بهترین وجه خود در قالب دین حنیف در انبیا و اولیا آشکار گردید و خداوند متعال انبیا الهی را برای هدایت بشر فرستادند که بعد از حضرت نوح (ع) آغاز شد (زیرا قبل از او بر اساس آیه شریفه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ

رسانیده و او را مشمول عشق خود کند. یکی از فاکتورهای مهم که خداوند بر اساس آن انسان‌ها را برای هدایت، تزکیه، فضل، رحمت و ... انتخاب می‌کند، نگاه او به اشتیاق انسان‌ها برای کسب این مواهب الهی است. دعا و مناجات، عبادت و ... می‌تواند از اشتیاق انسان سرچشمه بگیرند و نشان دهنده شوق فرد برای برخورداری از توفیق الهی باشد. بسیاری از انگیزه‌های متعالی از اشتیاق انسان به کمال الهی نشأت می‌گیرند. همچنین سعی و کوشش نیز جلوه‌ای از اشتیاق انسان است که می‌تواند در مسیری متعالی به کار گرفته شود.

عرفان حلقه یک تهاجم فرهنگی نبوده است زیرا تهاجم فرهنگی عبارت است از اقدام به تغییر فرهنگ با توسل به زور که ممکن است از دیدگاه‌های مختلف خوب و یا بد باشد. برای مثال: رضا شاه با توسل به زور اقدام به کشف حجاب نمود که نمونه‌ای از تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود. گفته می‌شود عرضه مدها، لباس‌ها و ... تهاجم فرهنگی هستند در حالی که این قبیل عرضه‌ها، «عرضه فرهنگی» هستند و همه چیز در آن مانند ویتروینی قرار دارند و آنها نمی‌توانند با توسل به زور به داخل منازل مردم بیایند و تا با استقبال فرهنگی مواجه نشوند، مخاطبی نخواهند داشت. عرفان حلقه اعتقاد به فرهنگ سازی و ارتقای معرفت جامعه دارد تا انسان‌ها بتوانند به ارزش و اهمیت خود به عنوان «بیت الله» پی برده و گنج درون خود را مورد شناسایی قرار بدهند تا انتخاب آنها متناسب با شأن وجودی انسان باشد. آموزه‌های عملی عرفان حلقه در این زمینه گام‌های موثری برداشته است تا بتواند از ارزش‌های حقیقی انسان رونمایی کند. خداوند متعال، اعمال زور به منظور قبولاندن و پیاده کردن اعتقاد و فکر (حتی اسلام) را منع نموده و خطاب به نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ - واگر پروردگار تو می‌خواست قطعاً همه کسانی که در زمین اند، ایمان می‌آوردند، حال آیا تو مردم را مجبور می‌کنی که مومن شوند؟» و یا «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ / و...» و همچنین باز هم خطاب به ایشان که معصوم و انسان کامل است و در یک دست معجزه قرآن را دارد و در دست دیگرش معجزه شق القمر را می‌فرماید: «... وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بَوَكِيلٍ / و تو نگهبان و وکیل مردم نیستی» و خداوند برای شعور و انتخاب انسان ارزش قابل است و حق انتخاب داده است (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْأَلْبَابُ) و عرفان حلقه با عرضه‌ای کاملاً قانونی، علنی و صادقانه، چاپ کتب، مجلات و... قانونی و... با اثبات حقانیت خود مورد انتخاب ده‌ها هزار نفر قرار گرفته است و نه با زور و تهاجم فرهنگی.

• افراد شرکت کننده در کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران و دانشگاه طب سنتی ارمنستان به‌صورت کاملاً قانونی ثبت نام نموده و در کلاس‌های علنی مراکز آموزشی فوق شرکت کرده‌اند و هرگز تصور نمی‌کردند که با حضور در این کلاس‌ها، برچسب فرقه، شیطان پرستی، و... بر آنها خورده و مورد تعدی قرار بگیرند. تنها جرمی! که این عده مرتکب شده‌اند، این است که در مقابل تبلیغات کذب، افتراها و تهمت‌های ناروا مبنی بر فرقه بودن این جماعت، شیطان پرستی و... موضع گیری نموده و اجازه اهانت به شعور جمعی خود را نداده‌اند و با همه وجود نسبت به این سم پاشی‌ها، توطئه و دسیسه‌ها که از چشم کسی پنهان نمی‌ماند، واکنش نشان داده‌اند و به‌صورت مسالمت آمیز در آگاه کردن مسئولین محترم قوه قضائیه نسبت به این اعمال تجمعاتی داشته‌اند. البته این تجمعات علت مهم دیگری نیز داشته که مربوط است به حکم دادگاه بدوی سال ۹۰ که در حکم قید شده برای اثبات اتهام افساد فی الارض اینجانب می‌بایست حداقل صد نفر شهادت می‌دادند که گمراه شده‌اند، از این‌رو،

کارشناسان برای تحقق بخشیدن به این شرط، اقدام به دستگیری شاگردان موسسه نموده و برای اقرارنامه مبنی بر گمراه شدن و اعلام برائت و... متوسل به زور و اعمال فشار و شکنجه‌های روحی و تهدید به دستگیری اعضای خانواده و اینکه تا آنچه را که می‌گویند، آنها ننویسند، آزاد نخواهند شد (اینجانب چندین نفر را شخصا شاهد بوده‌ام و در یک مورد که کارشناس بر سر خانمی فریاد می‌زد تا آنچه را که می‌گوییم، ننویسی، از اینجا بیرون نمی‌روی، همزمان لگد محکمی را به سمت راست ران من که به روی صندلی رو به دیوار نشسته بودم زد به طوری که با صندلی بسمت دیوار سمت چپ خود پرتاب شدم و ناخن شست پای چپم به دیوار اصابت و بلند شد که بعدا در بیمارستان بقیه الله مجبور به کشیدن آن شدیم). تعداد دستگیر شدگان آن‌طور که شنیده‌ام حدود یکصد و پنجاه نفر بوده‌اند که این عده پس از آزاد شدن در مورد برخورد غیر انسانی کارشناسان و اینکه چه توطئه‌ای در کار است و برای اثبات اتهامات کذب وارده به من، چگونه می‌خواسته‌اند از آنها اعترافات و اقراریر دیکته شده دریافت کنند، افشا می‌شود که باعث تجمع افراد در جهت جلوگیری از این سوء قصد می‌شود. با توجه به موضوع فوق، کلیه اعترافات احتمالی افراد و... از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

• در مورد این که ادعا می‌شود باعث گمراهی دیگران شده‌ام (که همان اتهام تاریخی سقراط می‌باشد)، ادعایی پوچ، موهوم و پاپوش است. زیرا همه شرکت کنندگان در کلاس‌های موسسه و... همگی بالغ و عاقل بوده و با میل و رغبت خود در کلاس حضور پیدا کرده و خود آنها چنین ادعایی را ندارند و رضایت نامه پایان دوره را نیز به موسسه تحویل داده‌اند. اما آیا مگر گمراه کننده‌ای بالاتر از شیطان وجود دارد؟ او در پاسخ اینکه چرا ما را گمراه کرده‌ای می‌گوید: «مَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا مَوْلَا أَنفُسِكُمْ - من بر شما تسلطی نداشتم، غیر از آنکه فقط شما را دعوت کردم، پس شما مرا اجابت کردید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. پس چگونه اتهام گمراه کردن دیگران بر من وارد است درحالی که من حتی یک نفر را هم به موسسه خود دعوت نکرده‌ام.

• در رابطه با مطالب فوق الذکر، در اردیبهشت ماه ۹۰ در برگه‌های بازپرسی، مکتوب کرده‌ام که هرگونه فعالیت دیگران در مورد عرفان حلقه به هر نحو، از این به بعد، هیچ‌گونه ارتباطی به اینجانب ندارد، زیرا دیگر در این زمینه فعالیت نخواهم داشت (همچنین در مصاحبه تیر ماه ۹۰ و اعلام کتبی به دفعات برای کارشناسان).

لازم به ذکر است کلاس‌های موسسه از دو سال قبل از دستگیری ام (۸۹/۰۱/۲۹) به علت مشکل شلوغی، ازدحام و نبود محل پارک و شکایت همسایگان از این بابت، جهت رفع مزاحمت برای همسایگان، توسط خودم تعطیل شد و بعدا نیز موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه با صدور حکم دادگاه به صورت قانونی منحل گردید. بنابراین از تاریخ حبس، طبیعتا هیچ‌گونه فعالیتی به من ارتباطی نداشته و از این بابت مسئولیتی متوجه من نخواهد بود و همانطوری که توضیح دادم، هیچ‌گونه تمایلی نیز برای ادامه فعالیت در این زمینه را هرگز ندارم.

• لازم به ذکر است که چندین بار از جمله در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۴ با آقای حمید نمازی (کارشناس شماره ۱ که مرحوم شد) و با حضور آقای رحیمی (کارشناس)، توافق نامه‌ای به امضاء طرفین رسید که به موجب آن، اینجانب از آزادی مشروط برخوردار شده و ضمن انجام مصاحبه با مطبوعات و رسانه‌ها با همکاری شاگردان کلیه فعالیت‌ها در زمینه عرفان حلقه را جمع آوری و تعطیل کنیم، اما در همه موارد آقای رحیمی خلف وعده نموده و مانع اجرای توافقتنامه شدند از جمله توافق ۹۲/۸/۶. در تیر ماه ۹۰ نیز بازپرس شعبه پنجم شهید مقدس (آقای اسدی) نیز بعد از ماجراهای بسیار

گفتند که مایلند کمک کرده تا این پرونده جمع شود و پیشنهاد دادند که اگر مصاحبه‌ای انجام بدهم که برایشان ثابت شود که دیگر قصد فعالیت ندارم، قسم یاد کردند که ظرف ۴ الی ۷ روز مرا آزاد خواهند کرد و من که مایل به حل و فصل مسالمت آمیز این جریان بودم (علیرغم برخوردهای غیر قانونی بازپرس و کارشناسان) پذیرفتم و مصاحبه نموده و در آن اقرار فرمایشی و دیکته شده را که بازپرس نوشته و مقابل من می‌گرفت خوانده، اقرار نموده و می‌پذیرفتم، اما بعد از گرفتن مصاحبه، نه تنها بوعده خود عمل نکردند بلکه بعدا فهمیدم که با پخش آن از رسانه‌های مختلف، ضمن معرفی من به‌عنوان شیاد و کلاهبردار به دنبال جذب و فراخوان شاکي خصوصی بوده و در کيفرخواست به این مصاحبه و اقراریر آن نیز به عنوان اعتراف علیه خود مورد استناد قرار گرفت و با پذیرفتن و اعتراف کذب به غیر قانونی بودن موسسه، همچنین مورد اتهام کسب درآمد نامشروع نیز قرار گرفتم و... بازپرس آقای اسدی در جریان روند بازپرسی مرتکب تخلفات و جرایم به شرح زیر شدند (که از حدود سه سال و نیم قبل از ایشان و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه شکایت نموده‌ام که تا کنون علیرغم بارها اعتصاب غذا، مکاتبه و مطرح کردن در دادگاه بدوی سال ۹۰ و ۹۴ مورد رسیدگی قرار نگرفته است): اعمال شکنجه روحی از طریق ارائه مدارک جعلی مبنی بر صدور پانزده حکم اعدام از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید، با این ادعا که کتب، مجلات، مقالات و فیلم‌های کلاس هایم را برای مراجع محترم ارسال نموده و آنها پس از مطالعه و بررسی‌های لازم، اتهامات (توهین به مقدسات، ارتداد، افساد فی الارض، محارب با خدا و رسول خدا و سب النبی) را تعیین و همگی آنها برای حکم اعدام صادر کرده‌اند که بدون نیاز به تشریفات قانونی باید فوراً اجرا شود و بازجوها (کارشناسان) نیز مدام می‌گفتند که برای اعدام آماده باشم و... تا سرانجام پس از ۹ ماه بازداشت موقت (به دنبال چند بار اعتصاب غذا در اعتراض به صدور احکام بدون محاکمه و تقاضای رسیدگی به اتهامات وارده در دادگاه ذیصلاح و معلوم شدن علت و منطق صدور چنین احکامی از سوی مراجع محترم تقلید) به دادگاه اعزام و در آنجا از طریق وکیل (که فقط در دادگاه ملاقات داشتیم)، متوجه شدم که حکم اعدامی از سوی هیچ مرجعی صادر نشده و فقط بازپرس با طرح شش فرض نامربوط و کذب (واستناد به مطالب ساختگی و دروغین که هیچ‌گونه ارتباطی با من ندارند) در چارچوب یک استفتای تلقینی از مراجع محترم استفتا نموده و پیشاپیش مرا نزد خود محاکمه و محکوم نموده و با مضمون کلی اینکه من، پیامبرگرمی (ص) رانسبت به وحی جاهل می‌داند و مردم را از عبادت ظاهری منع کرده و... حکم در مورد نامبرده چیست؟ و آنها نیز پاسخ داده‌اند که در صورت صحت، حکم ارتداد و... می‌باشد. درحالی‌که هیچ یک از موارد فرض در موارد من صادق نبوده و افترای محض بوده و در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده (تا این تاریخ) و لیکن ایشان با طرح چنین استفتای متقلبانه‌ای مبادرت به بازداشت موقت من نموده و سپس با اختفای آنها و ارائه احکام جعلی اعدام با همدستی کارشناسان و صحنه سازیه‌ها و مانورهای متقلبانه، مرا به مدت چندین ماه تحت شکنجه روحی قرار تا بتوانند در وهله اول مجبور به قبول و اعتراف به اتهامات فوق الذکر نمایند و می‌گفتند در صورت قبول و اعتراف، می‌توانم توبه نموده و مورد عفو و بخشش قرار بگیرم (در وهله دوم ارائه پیشنهاد قبول و اعتراف کذب به داشتن ارتباط با امریکا در قبال رهایی از اعدام و جایگزینی آن با ۸ سال حبس به‌عنوان مجازات ارتباط با امریکا) و پس از آن استفاده از عفو و... و در وهله بعد پس از پیاده شدن این موارد توسط کارشناسان، تهدید مبنی بر صدمه رسانیدن به همسر در صورت عدم همکاری و بی‌سرپرست شدن فرزندانم که بر اثر فشار روانی وارده ناشی از این تهدید و صدور احکام جعلی اعدام (که با صحنه سازی‌های کارشناسان آن را باور کرده بودم) از یک طرف و عدم تمایل به ارائه اعترافات کذب گفته شده از طرف دیگر، باعث شد تا چهار بار اقدام به خودکشی کنم تا بلکه با این کار، هم خانواده‌ام

در امان بمانند هم اینکه اعتراف کذبى نکرده باشم) و همانطوری که قبلا مطرح شد، باز پرس با اغوا و فریبکاری و با دادن وعده آزادی و جمع کردن پرونده از یکطرف و اعمال فشار روانی توسط کارشناسان که می گفتند برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام و جمع کردن پرونده، باید اعتمادسازی کنم و به این منظور باید یک مصاحبه انجام دهم تا برای آنها این موضوع ثابت شود که آماده همکاری بوده و دیگر فعالیتی نخواهم داشت و این مصاحبه برای پخش از رسانه‌ها نیست. ولیکن بعدا ضمن خلف وعده ایشان در مورد آزادی، از رسانه‌ها پخش و مرا شیاد و کلاهبردار نامیده و فراخوان شاکى خصوصى دادند (که البته موفق نشدند چون شاکى وجود نداشت و متوسل به چهار شاکى قلابی و تحت الحمایه شدند) و همچنین فیلم این مصاحبه به عنوان اعتراف علیه خود در کیفرخواست مورد استناد قرار گرفت. لذا بدین وسیله طبق توضیحات شفاهی جلسه اول دادگاه مورخ ۹۳/۱۲/۶ که قاضی محترم قبول نمودید در اینمورد سوال کتبا مطرح بفرمایید و من جواب داده تا فیلم مورد بحث را صورت جلسه نموده و از اعتبار قانونی ساقط نمایید و در جلسه دوم به علت کمبود وقت فرصتی برای انجام آن باقی نماند و در پایان جلسه دوم (آخرین جلسه) فرمودید که موضوع (از اعتبار قانونی ساقط بودن فیلم) را در لایحه آخرین دفاع خود قید کنم، اعلام می کنم فیلم مصاحبه فوق الذکر که در کیفرخواست به عنوان اعتراف علیه خود به آن استناد شده بدلیل اعمال فشار و شکنجه روحی، اغوا و فریب و... هیچ گونه ارزش و اعتبار قانونی ندارد.

• مدرک دیگری که در کیفرخواست و گرفتن استفتا از مراجع محترم تقلید مورد استناد قرار گرفته فایل نوشتاری است که ادعا می شود از کامپیوتر یکی از شاگردانم به نام خانم نیرومنش بدست آمده به این شکل که درست همزمان با دستگیری من (۸۹/۱/۲۹) به محل کار و زندگی نامبرده رفته و در غیاب ایشان درها را شکسته و وارد شده و کلیه اسناد و مدارک تحصیلی، ملکی و... اموال متفرقه (کامپیوتر و...) را ضبط نموده اند. این فایل نوشتاری را کارشناسان به نام‌های جلسه عرفان، کمیته عرفان و شورای عرفان تا کنون از آن نام برده‌اند ولی نکته مهم اینجاست که اولاً: من هرگز جلسه، کمیته یا شورای عرفان در هیچ کجا نداشتم و این نام‌ها جعلی است. ثانیاً: در سال ۸۹ مدتی را که در زندان بودم (۶۷ روز)، اصلاً راجع به وجود چنین فایل و موضوعات آن سوالی مطرح نشده و تا دو سه ماه به زندان آمدن مجدد من هم همینطور. اما بمحض اینکه این خانم در این موقع به نزد پسر دانشجوی خود به ترکیه و از آنجا به امریکا مهاجرت کردند و کارشناسان متوجه شدند که دیگر برنخواهد گشت هر مطلب دروغی را که خواسته‌اند به این فایل نوشتاری جعلی نسبت می دهند که هر کسی می تواند به آن مطلب اضافه و یا از آن کم کند و این سوال مطرح می شود چرا تا آن زمان که این خانم در ایران بود و در اختیار کارشناسان قرار داشت کم و کیف آن را مشخص نکردند و این مطالب را بعد از رفتن ایشان مطرح و به آن استناد می کنند، از این رو، بدین وسیله اعلام می کنم این فایل متعلق به اینجانب نبوده و با اعتراف کارشناسان از شخص دیگری ضبط شده، بنابراین هیچ گونه مسئولیتی در قبال آن ندارم و آن را جعلی و ساختگی می دانم. ثالثاً: موضوع فعالیت اینجانب و اندیشه هایم و موضوع عرفان حلقه دارای هویت ثابت، مشخص و مستقل بوده و در چارچوب اصیلی قرار دارد. هیچ متفکر و اندیشمندی، اصالت خود را با چندگانه حرف زدن به خطر نمی اندازد. بنابراین، چنین مدارک و مطالب متفرقه و بی هویتی بدون شک جعلی و ساختگی است (یاد آور می شود بعد از آزادی من از زندان در تیر ماه ۸۹ متوجه شدم خانم شهناز نیرومنش بدنبال باز پس گرفتن اسناد و مدارک تحصیلی و ملکی خود هستند و هر چقدر تلاش کردند موفق به استرداد اسناد و مدارک نشده اند، حتی یک بار هم من وساطت

کردم و به اتفاق به یکی از ساختمان‌های کارشناسان واقع در روبروی درب شمالی دانشگاه تهران رفتیم، اما وساطت من نیز فایده‌ای نداشت و ایشان کماکان تا مدتهای مدید پیگیر این موضوع بودند تا سرانجام قید همه اسناد و مدارک را زده به امریکا مهاجرت می‌کنند و گویا اکنون در حال تلافی جویی اذیت و آزارهایی که از سوی کارشناسان متحمل شده‌اند، می‌باشند!

• با توجه به مطالب فوق الذکر، منابع معتبر و قابل استناد که اینجانب آنها را قبول دارم عبارتند از: کتب منتشر شده قانونی اینجانب (انسان از منظری دیگر، عرفان کیهانی (حلقه)، بینش انسان) - حدود هفتاد مقاله چاپ شده در روزنامه‌ها - بیست شماره مجلات طب مکمل و دانش پزشکی - چندین شماره ویژه نامه عرفان حلقه - فیلم‌های کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان، سمینارها بشرطی که بریده و ناقص نباشند. بنابراین سایر منابع اعم از جزوه (خانم نیرومنش به ادعای کارشناسان) و یا هر نوع جزوه دیگری، فایل‌های صوتی و... معتبر نبوده و قابل استناد نمی‌باشند. در ضمن با هماهنگی با آقای رحیمی (کارشناس)، جوابیه کتاب «افسون حلقه» را (که در نقد و بررسی عرفان حلقه نوشته شده) به نام «حلقه افسون و افسانه نیست» در دویست صفحه A4 ریز نویسی به اضافه استنادات از قرآن، نهج البلاغه، ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و... در حدود پنجاه صفحه در زندان نوشته و به ایشان تحویل دادم (اواسط سال نود و یک) تا به و کیلم ارائه نموده که جزو مستندات پرونده مورد مطالعه قاضی محترم پرونده قرار گرفته و ایشان به عمق دروغ پردازی‌ها و افتراهای مطروحه در کیفرخواست بر علیه اینجانب پی ببرند، ولیکن متاسفانه کارشناس جوابیه را بعد از مطالعه توقیف و آن را به و کیلم تحویل ندادند (در جهت پوشاندن حقیقت) و بعد از آن نیز کلیه کاغذها و نوشته‌هایم را (با اجازه ایشان کاغذ و قلم در اختیارم قرار گرفته بود ولیکن قرآن، نهج البلاغه و مفاتیح و سایر کتب مذهبی اصلاً از ابتدا در اختیارم نبود) گرفته و ضبط نمودند.

• لازم به ذکر است کلیه اسناد و مدارک مربوط به سوابق تحصیلی - کاری (از جمله چهار سال فعالیت در صنایع جنگ افزار سازی)، نظام وظیفه (دیپلمه‌های متولد سی و پنج معاف از خدمت بعد از انقلاب) پاسپورت‌ها، موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه و مجوزهای آن، ایزوهای آموزشی بین‌المللی موسسه از کشورهای آلمان، سوئیس و انگلستان، مجوزهای چاپ کتب، دو NGO ثبت شده در وزارت کشور، قراردادهای، تفاهم‌نامه‌ها با دانشگاه‌ها، ناشرها، اجاره‌نامه‌ها، وکالت‌نامه‌ها و... مدارک و عکس‌های مربوط به کسب رتبه اول، اولین و دومین مسابقات سراسری جوانان کشور در سال‌های ۵۵ و ۵۶ و حواله‌های بورس تحصیلی مربوطه اهدا شده توسط نخست وزیران وقت، هویدا و آموزگار در کاخ نخست وزیری، عکس‌های تیربارهای دستی طرح و ساخته شده توسط اینجانب (که در وزارت دفاع، صنایع جنگ افزار سازی به تأیید کلیه نیروهای مسلح رسانیدم)، فایل‌ها و آلبوم عکس‌های خانوادگی، مدارک مربوط به کسب دو دکترا با ارائه تز و هفت مدرک دکترای افتخاری با کسب رتبه اول در مسابقات بین‌المللی و همچنین شناسنامه و مدارک مربوط به کسب چهار مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی آفیسر اتحادیه اروپا برای ایران، یک مدال نقره، دو مدال برنز و لوح‌ها و کاپ‌های ویژه و... به علاوه برخی از اموال از جمله کلکسیون انگشتر و گردن آویز و... با سنگ‌های حکاکی شده بسیار قدیمی ارزشمند و کمیاب (به تعداد بیش از هزار حلقه و...) و... بدون دادن هرگونه رسید در قبال ضبط موارد فوق که از تاریخ ۸۹/۱/۲۹ از منزل، دفاتر موسسه، انبارهای موسسه (با شکستن قفل درها)

به دفعات مکرر و همچنین منزل مادرم و... در جریان بازرسی توسط کارشناسان ضبط گردیده که تا کنون علیرغم بارها درخواست شفاهی، کتبی، شکایت و... حاضر به استرداد آنها و یا ارائه رسید در قبال ضبط اسناد، مدارک و اموال نشده‌اند. (درضمن دفتر مرکزی موسسه که بمدت دو سال توسط کارشناسان پلمپ بوده، به هنگام فک پلمپ جهت تحویل به مالک مشخص می‌شود که در خلال این مدت مورد سرقت قرار گرفته و کلیه تجهیزات گران قیمت موسسه مانند رایانه‌ها، مانیتورهای LCD، سیستم‌های فیلم برداری، ویدئو پروجکشن‌ها، تلویزیون LCD و... بسرقت رفته و در چهار گاوصندوق موسسه شکسته شده و محتویات آنها خالی شده است و...). اما نکته مهم اینجاست که کارشناسان از ابتدا ادعا کرده‌اند که طبق استعلام‌های بعمل آمده از حراست‌های آموزش و پرورش، ثبت موسسات، وزارت دفاع، وزارت ارشاد، نظام وظیفه و... هیچ مدرکی در مورد سوابق من، موسسه، کتاب هایم و... وجود ندارد (ولی بعدا به حکم دادگاه موسسه‌ام را به‌صورت قانونی به حکم دادگاه منحل کردند) و من، خانواده‌ام و وکلایم نیز هیچ مدرکی برای اثبات قانونی بودن فعالیت موسسه، چاپ کتب و... در جهت اثبات فرقه نبودن و سایر سوابق کاری و تحصیلی و... در اختیار نداریم و به ما گفته می‌شود خودتان می‌توانید استعلام بگیرید. حال با اطمینانی که اینجانب نسبت به اسناد و مدارک خود دارم، بخوبی مشخص می‌شود که کلیه مدارک مربوط به من از کلیه مراکز فوق‌الذکر جمع‌آوری گردیده تا کسی نتواند در جهت اثبات حقانیت من از جایی استعلامی دریافت کند و همچنین استعلام‌های دریافتی از حراست‌های مراکز فوق نیز سفارشی می‌باشند که به مرور زمان اثبات خواهد شد (پیدا شدن اسناد و مدارک مستقیم و یا غیرمستقیم از جاهایی که اصلا به ذهن خطور نمی‌کند مانند ذکر نام من در کتاب خاطرات آقای هاشمی رفسنجانی در خصوص ساخت اسلحه، پیدا شدن مصاحبه با روزنامه مهر سال ۵۶ در مورد ساخت اولین هواپیمای یکنفره ساخته شده توسط اینجانب، عکس‌های اهدای جایزه حواله‌های بورس تحصیلی توسط نخست وزیران وقت هویدا و آموزگار و...) و قطعا هدف از این کار گرفتن حکم محکومیت من از دادگاه و جلوگیری از اثبات حقانیت من باشد (البته باز پرس و کارشناس مدعی بودند که قاضی با دفاعیات متهم کاری ندارد و فقط با توجه به گزارشات و استعلام‌های آنها رای صادر می‌کند و دادگاه تجدید نظر نیز هرگز رای قاضی دادگاه انقلاب را نخواهد شکست). لذا قاضی محترم در مورد کسری یا نبود هرگونه مدرکی لازم است اینجانب یا وکیل‌م را در جریان بگذارند و همچنین لیست اسناد، مدارک و اموال ضبط شده مشخص و رسید داده شود. اما ممکن است گفته شود، مگر ممکن است که باز پرس و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه، اقدام به درست کردن پاپوش امنیتی-سیاسی نموده و مبادرت به تهیه جزوه و مطالب جعلی و... برای دستگیری متهم و محکوم کردن او و... کنند؟ در جواب در پیشگاه خداوند با قاطعیت عرض می‌کنم عده‌ای را که از تاریخ ۸۹/۱/۲۹ با آنها برخورد داشته‌ام و کیفرخواست مرا صادر کرده‌اند، هیچ نشانی از اسلام و عدالت در آنها وجود ندارد (رجوع به شکایاتم). در اینجا لازم است فرق بین بازجو و کارشناس را نیز ذکر کنم. وظیفه بازجو کشف حقیقت است و او از متهم می‌خواهد که راستش را بگوید (یا با اعمال رفتار انسانی یا غیر انسانی)، اما هدف کارشناس تکمیل سناریوی از قبل تعیین شده است. از این‌رو کارشناس به متهم می‌گوید: «آنچه را که من می‌گویم بگو و بنویس و مصاحبه کن!» (در این صورت رفتار او به طور قطع باید غیر انسانی باشد و متوسل به زور و تهدید متهم، خانواده متهم، وکیل و... شود، زیرا بدون اعمال رفتار غیر قانونی و مذموم، گرفتن اعتراف دیکته شده دروغین غیر ممکن است و نهایتا در اعتراض متهم نسبت به این عمل، می‌گویند «تو بنویس و مصاحبه کن و وقتی به نزد قاضی رفتی، آنجا می‌توانی انکار کنی». ولی همانطوری که جنابعالی قاضی محترم ملاحظه فرمودید به محض اشاره به این موضوع در دادگاه، اعتراض معاون محترم دادستان و تهدید او مبنی بر خاتمه بخشیدن به

جلسه دادگاه، متهم را بر سر دوراهی قرار می‌دهد که در یک سو خاتمه پیدا کردن دادگاه و عدم ارائه دفاعیه و از طرف دیگر وجود اعترافات کذب دیکته شده (هم برای من، هم برای همسر و همچنین برای دیگران). از این رو مجدداً اعلام می‌کنم مصاحبه دیکته شده تیرماه نود اینجانب و اعترافات کذب اخذ شده از همسر من مبنی بر دریافت پول از شاگردانم (که اساساً جرم نیست) که با اعمال فشار و زدن ضربه به سر ایشان به نام ماموران وزارت اطلاعات و همچنین در بند ۲ الف توسط کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه همراه با دستگیری و حبس ایشان در سلول انفرادی به مدت دو هفته، از درجه اعتبار ساقط و وجهت قانونی ندارد (از موضوعات شکایات اینجانب). البته این توطئه از آنجا کارشناسی شده که چون من در اردیبهشت نود در برگه‌های بازپرسی اعلام نمودم که از تاریخ زندانی شدنم هیچ‌گونه فعالیتی به نام موسسه و عرفان حلقه از این به بعد به من ارتباطی نخواهد داشت و برای همیشه از فعالیت در زمینه عرفان حلقه کناره‌گیری نمودم (همچنین در مصاحبه تیر ماه نود و چندین بار طی جلسات مختلف به صورت کتبی و تصویری و...) موسسه خود را منحل می‌کنم (که با حکم دادگاه منحل شد) و... بنابراین با گرفتن اعترافات دیکته شده از همسر و چند تن دیگر از خانم‌ها (همراه با دستگیری و اعمال فشار و تهدید خانواده و... که انعکاس نامناسبی داشته و...) که مبلغ دو میلیون تومان! به همسرم پرداخت کرده‌اند تا از این طریق به دادگاه بقبولانند که چون همسر من از شاگردانم مبلغی دریافت نموده، پس من هنوز با شاگردانم در ارتباط و فعالیت‌های آنها به من مربوط شود، در حالی که چندین سال است در شرایط قرنطینه و ایزوله در حبس هستم و در جریان هیچ‌گونه فعالیتی نبوده و هیچ‌گونه فعالیتی نیز به این جانب و همسر من مربوط نیست. و مجدداً اعلام می‌کنم که برای همیشه با موضوع عرفان حلقه وداع گفته و دیگر هرگز قصد ورود به آن را ندارم. در ضمن کلیه استشهادات احتمالی که بر علیه اینجانب از افراد اخذ شده باشد و من از آن بی‌خبر باشم و با افراد مدعی روبرو نشده باشم، به‌طور قطع به شیوه فوق‌الذکر و به زور گرفته شده و ارزش قانونی ندارد.

• در ضمن کتاب‌ها و مقالات کذب بسیار زیادی بر علیه من و عرفان حلقه نوشته شده و همچنین برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیونی با سم‌پاشی‌های گسترده که همگی به عنوان تحقیقات مستند و نقد و بررسی کارشناسانه به دادگاه ارائه گردیده است که محتوای همه آنها جز دروغ‌گویی، افترا و نشر اکاذیب نبوده است. بدنبال اعتراض به این روند بعد از دادگاه بدوی ۹۰، آقای رحیمی (کارشناس) اجازه داد برای یکی از کتابها به نام «افسون حلقه» جوابیه بنویسم و به وکیلیم تحویل دهم و همانطور که قبلاً توضیح دادم متأسفانه جوابیه را به نام «حلقه افسون» افسانه نیست» در دوپست صفحه A4 و مستندات قرآنی، نهج البلاغه، ادعیه و... در پنجاه صفحه به وکیلیم تحویل ندادند و باید هم‌اکنون ضمیمه پرونده باشد. لذا جهت رعایت عدالت، همه این کتب، مقالات، فیلم‌ها و... جهت پاسخگویی در اختیارم قرار داده شود و بدون پاسخگویی و رویت من ترتیب اثر دادن و توجه به این مدارک عملی ناعادلانه است.

• احدیت، یعنی خداوند یک حقیقی یا یک فراگیر است و عدد دیگری بدنبال آن نمی‌تواند قرار بگیرد یا یکی است که دو نمی‌شود و بدون اجزاء و ترکیب می‌باشد و واحدیت، یعنی که خداوند متعال شریک، همتا، ضد، شبیه و... ندارد. فردانیت، خداوند ضمن اینکه یگانه است با همه وجود با همه مخلوقات بوده و هیچ چیز بدون او نیست (هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) و با فردانیت خود با همه مخلوقات هست (زیرا وجود او قابل تجزیه نیست - وحدت در کثرت).

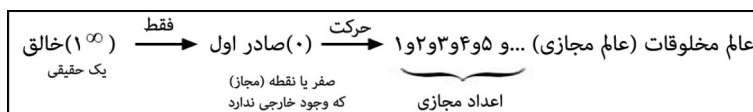
وجوه تمایز کلی خالق و مخلوق	
مخلوق	خالق
مجاز	حقیقت
نسبی	مطلق
عدم قطعیت	قطعیت
ناپایدار و متغیر	پایدار
فانی	باقی
قابل شناخت نسبی	غیر قابل شناخت
قائم به ذات غیر خدا	قائم به ذات خود
...	...

• از آنجا که «یک حقیقی» اجزاء ندارد و قابل تقسیم شدن نیز نمی‌باشد بنابراین فقط یک واحد می‌تواند صادر کند که این اگر بخواهد یک «واحد حقیقی» باشد، غیر ممکن است زیرا در این صورت «دو واحد» حقیقی خواهیم داشت که خلاف احدیت است و به دوئیت و شرک می‌رسیم. بنابراین، صادر از خداوند نمی‌تواند حقیقی باشد و لازم است که حتما مجازی باشد (مانند تصویر در آینه و یا تخیل انسان که در خیال خود می‌تواند دنیاها را بسازد بدون آنکه چیزی وجود خارجی داشته باشد و به دارایی او چیزی اضافه و یا کم شده باشد).

نتیجه (۱): مخلوق باید مجازی باشد و نمی‌تواند حقیقت باشد (برای اجتناب از دوئیت و شرک).

• یک حقیقی باید از قطعیت برخوردار باشد (زیرا در غیر این صورت نمی‌تواند فراگیر باشد و امکان دارد جایش اشغال شود) اما صادر از یک حقیقی باید مشمول «اصل عدم قطعیت باشد (زیرا هم هست و هم نیست مانند نقطه که طبق تعریف از نظر اینکه آن را فرض می‌کنیم وجود دارد، ولی از نظر اینکه یک نقطه فاقد ابعاد است، وجود ندارد و یا مانند تصویر در آینه و...)».

نتیجه (۲) مخلوق مشمول اصل عدم قطعیت است. یعنی در واقع:



• خداوند متعال در قرآن «اصل عدم قطعیت» را با عبارت «لا ما شاء الله» بر عالم مخلوقات اعمال و اعلام نموده و ضمن اینکه همه چیز را نسبت به عالم مجاز از قطعیت و حقیقت نسبی برخوردار می‌داند اما نهایتا اصل عدم قطعیت را بر آن وارد می‌کند (که این از معجزات کلام و حیانی قرآن است و اگر «لا ما شاء الله» در قرآن ذکر نمی‌شد، اصل عدم

قطعیّت خدشه دار می‌شد و دوئیت و شرک پیش می‌آمد) برای مثال «...خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ - قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...»

• «یک حقیقی» باید مطلق باشد زیرا طبق تعریف مطلق عبارت است از: به دور از نقص، محدودیت، قید و بند، استشنا بودن - کامل، مستقل، خالص و بدون اضافات و ملحقات و «یک حقیقی» واجد این تعریف بوده و مطلق است. بنابراین مخلوق و صادر از یک حقیقی نمی‌تواند مطلق باشد زیرا باز هم به دو واحد مطلق (خالق و مخلوق) می‌رسیم که دوئیت و شرک می‌باشد. در نتیجه مخلوق باید نسبی باشد.

نتیجه (۳) خالق، مطلق و مخلوق، مشمول نسبیت است. از جمله مخلوقات که نسبی می‌باشد، شیطان است که نمی‌تواند بد مطلق باشد زیرا در این صورت لازم است خوب مطلق، خدا باشد (در حالی که خداوند خالق خوبی و بدی است نه خود خوبی و بدی مثل اینکه بگوییم، نجار میز است، در حالی که می‌دانیم نجار سازنده میز است نه خود میز) و در این صورت به دو واحد خوب مطلق و بد مطلق می‌رسیم که دوئیت و شرک خواهد بود. به هر حال غیر از خداوند هیچ مطلق دیگری نمی‌توانیم داشته باشیم.

نتیجه (۴): شیطان بد نسبی است نه مطلق (مولانا می‌گوید: پس بد مطلق نباشد در جهان / بد به نسبت باشد، این را هم بدان) و برای اینکه شیطان بد مطلق نباشد که گرفتار شرک شویم لازم است که حداقل یک حُسن برای خلقت شیطان قابل شویم تا از بد مطلق خارج شده و بد نسبی باشد. در این رابطه عین القضاة همدانی، اینکه ابلیس هرگز بر غیر خدا سجده نکرده (هرچند نافرمانی بوده) را پیشنهاد می‌دهد ولی اینجانب در تعریف قانون نسبیت (در کتاب بینش انسان) آورده‌ام که اگر شیطان نبود کمال و آزمایش، دیگر معنا نداشت (وَنَبَلُوكُم بِاللَّسْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً). اما مغرضین با تحریف مطالب کتاب و سوء برداشت عمدی، این موضوع را که به توحید ذاتی خداوند مربوط است را با تبلیغات سوء و سم پاشی‌های گسترده از طریق رسانه‌های مختلف بدون ذکر توضیحات لازم به عنوان شیطان پرستی معرفی و به کیفرخواست اضافه کرده‌اند (که در طولانی مدت فقط مشرک بودن خودشان را به اثبات می‌رساند). در حالی که یکی از اصول مهم در عرفان حلقه، اجتناب از شبکه منفی (شیطان) و تمایل به شبکه مثبت می‌باشد و شبکه منفی را نیروی مقاوم در سر راه حرکت به سوی کمال معرفی می‌کند. اینجانب تمایل به شیطان و شیطان پرستی را قویا تکذیب و عرفان حلقه را نمونه بارزی از میل به توحید ناب و خالص می‌دانم که هیچ خدش‌های از این بابت به آن قابل وارد کردن نیست.

• «یک حقیقی» باید جاوید و غیر فانی باشد و... نتیجه (۵): مخلوق، فانی است (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ - مَنْ عَلَيَّهَا فَاَنْ)

• «یک حقیقی» استوار و دستخوش هیچ پدیده‌ای نیست و... نتیجه (۶): مخلوق، دستخوش «تغییر» است (هیچ چیزی ثابت و برجای نیست - جمله در تغیر و سیر و سرمدی است)

«یک حقیقی» غیر قابل تعریف، توصیف و شناخت است. (... وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفَى الصِّفَاتِ عَنْهُ، کمال اخلاص در توحید، نفی صفات اوست - خطبه ۱ نهج البلاغه

كَيْفَ يَصِفُ إِلَهَهُ مَنْ يَعْبُرُ عَنْ صِفِهِ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ؟ - خ- ۱۱۱ واحد لا بعدد خ ۲۲۷ - لا يَحْسَبُ بَعْدَ خ ۲۲۸ - الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ: دعای سیفی صغیر - امام صادق (ع) من زعم انه يعرف الله بتوهم القلوب فهو مشرك - مَا تَصَوَّرَ فِي الْأَوْهَامِ فَهُوَ خِلَافُهُ لَيْسَ بِرَبِّ -

• «یک حقیقی»، قائم به ذات خود است زیرا غیر از خودش چیز دیگری نیست که قائم به ذات آن باشد. نتیجه (۷): خالق قائم به ذات خود و مخلوق قائم به ذات غیر (یعنی خداوند) است.

• از آنجا که لازم است مخلوق قائم به ذات غیر باشد (یعنی خداوند)، از این رو بین خالق و مخلوق، ذات مشترک و یکی است که به آن وحدت وجود گفته می‌شود (فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ).

• وحدت وجود: اشتراک ذات بین وجود قائم به ذات خود (خالق) و وجود قائم به ذات غیر (مخلوق). ولی ممکن است «وحدت وجود» و «وحدت» به‌طور کلی با یکی شدن مخلوق با خالق و بالعکس اشتباه برداشت شود. به دلایل زیادی امکان یکی شدن خالق و مخلوق وجود ندارد. یکی از این دلایل عدم سنخیت بین این دو می‌باشد زیرا خالق «حقیقت» است و مخلوق «مجاز» می‌باشد و همانطوری که یک شی با تصویر خود در آینه نمی‌تواند جمع شده و یکی شود و به محض اینکه شی و تصویر آن به یکدیگر بچسبند، تصویر محو می‌شود (چون اصلاً مجازی بوده و وجود حقیقی نداشته است) به همین گونه امکان جمع و یکی شدن بین مخلوق که مجازی است با خالق خود که حقیقی نمی‌باشد، وجود ندارد.

• وحدت با خدا: در عرفان حلقه منظور از وحدت با خدا رسیدن به بی‌تضادی و صلح و رضا با خداوند است که به نوعی در تعریف مقام «صالح» به آن اشاره شده است که شامل صلح با خدا، صلح با هستی، صلح با خود و صلح با دیگران می‌شود، همانگونه که در قرآن هم به آن اشاره شده است (ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً بسوی پروردگار خود بازگرد به‌طوری که تو از او راضی باشی و او از تو راضی باشد) و یا (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ / خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنود).

• وحدت هستی: چون خلق جهان هدفمند است و طرح و نقشه الهی را دنبال می‌کند، بنابراین، سرانجام باید نتیجه‌ای در شأن خلاقیت خدا را عرضه نماید، پس خلق جهان هستی، نمی‌تواند پوچ و بی‌اساس باشد و می‌توان نتیجه گرفت که باید نهایتاً خیر و صلاح و حکمتی در کار باشد که برای حصول چنین نتیجه‌ای، عالم هستی، یکپارچه و در وحدت بسوی این هدف متعالی در حرکت است به‌طوری که می‌توان آن را یک تن واحده محسوب کرد.

• وحدت انسانی فردی: رسیدن به وحدت وجودی فردی با جداشدن از فردیت (منیت، تشمت، سرگردانی و ...) و از آنجا که فردیت از هویت نفس بوده که از جهل و ناآگاهی می‌باشد، بنابراین وحدت فردی یعنی جدا شدن از جهل و ناآگاهی و پیوستن به مراتب بالاتر وحدت در جهت تسهیل دستیابی به گنج درونی الهی.

• وحدت انسانی جمعی: رسیدن به درک تن واحده بودن (بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند) و تحقق بخشیدن به وحدت جمعی و اجتناب از کثرت در جهت پیمودن جمعی راه کمال.

• وحدت الهی: رسیدن به جایی که اراده انسان در راستای اراده الهی قرار گرفته و بتواند امور خود را به خدا واگذارد

کرده (أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ) و خداوند نیز در مسیر طرح و نقشه عظیم خود بر اساس حکمت و صلاحیت برای او بهترین‌ها را انجام دهد (مَا زَمَيْتَ إِذْ زَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى).

• انا الحق: با توجه به تعریف «وحدت وجود»، ذات هر موجودی همان ذات خداوند است که با لباس هویت پنهان گشته و پوشیده شده به طوری که اگر ذات را به اقیانوسی تشبیه کنیم، هویت مانند کف روی آن است. نگاه انسان به هستی و به خود به گونه‌ای است که فقط می‌تواند هویت را ببیند و از پی بردن به ذات خود عاجز می‌باشد (به علت اشتغال ذهن در عالم کثرت)، درست مانند کسی که از نگاه به اقیانوس، فقط کف روی آن را ببیند. اما از آنجا که ذات الهی در وجود انسان، اصل وجود اوست و هویت نسبت به آن، به حساب نمی‌آید و قابل اغماض است. بنابراین، کسی که بتواند هویت فردی خود را کنار بزند می‌تواند اصل وجود خود را که همان ذات خداوند است و حق است را نظاره کرده و به عظمت وجودی خود پی ببرد و اعتراف کند که من حقم (البته نه با هویتم) و یا به عبارتی دیگر (انا الحق لا بالهویتی). رسیدن به این حقیقت شگرف به هیچ وجه به معنای ادعای خدایی کردن نیست و در طول تاریخ هیچ کس با این منظور که خالق آسمانها و زمین و خود و والدینش می‌باشد چنین ادعایی نکرده است حتی فرعون که گفت «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» معتقد به خدایی هامان بود و منظور او از گفتن این گفته، اشاره به همان مقام ظل الهی بوده که همه سلاطین و شاهان در طول تاریخ برای خود قایل بوده‌اند. در قرآن به صراحت آمده: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرِّحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ۚ ۳۶ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ كَاذِبًا و ... ۳۷ که ای هامان برای من بنایی بساز، شاید من به آن راه‌ها دست یابم ۳۶ راه‌های آسمانها تا از خدای موسی اطلاعی کسب کنم و همانا من او را خیلی دروغگو می‌پندارم و ... ۳۷ غافر» و همچنین (قصص / ۳۸)، حکایت از آن دارد که فرعون که خدایی هامان را قبول داشته و خدای موسی را نیز به طور قطع رد نکرده و برای تحقیق در این مورد از «هامان» برای رفتن به آسمانها کمک نمی‌خواست و در آیه دیگر که می‌فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَدْرُكَ آلِهَتَكَ ... (اعراف / ۱۲۷) سران قوم فرعون (به او) گفتند آیا موسی و قومش را می‌گذاری که در زمین فساد کنند و تو خدایان را واگذارند؟ اثبات می‌کند که سران قوم فرعون نیز می‌دانستند که او به خدا یا خدایان اعتقاد دارد و خود را خالق هستی نمی‌داند. همچنین با مراجعه به آیات (یوسف / ۵۰ و ۴۲ و ۲۳)، «...مَعَادَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي ...»، «... اذْكَرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ ...»، «...قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ...» معلوم می‌شود که در مصر باستان به سران حکومتی، «رب» گفته می‌شده، همانگونه که در عصر پهلوی به خان و ملاکین «ارباب» می‌گفتند.

• «بیت الله» اشاره به اینکه از یک طرف ذات انسان همان ذات خداوند است و اجازه داده تا ماهیت انسان که مجازی می‌باشد، به صورتی فرضی وجود را مانند لباس بیوشاند (در حالی که خداوند حقیقت است و بر مجاز احاطه دارد) و از طرف دیگر از روح خود در انسان دمیده (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) و او را مخزن اسماء قرار داده (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ...) و ... می‌توان انسان را به بیت الله تشبیه کرد و این فقط به منزله یادآوری به انسان است که از گنج درونی و منزلت خود غافل نشود.

• مقام بی‌قبلگی: رسیدن به آنجا که انسان عالم را محضر خدا ببیند (فَأَيُّنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ) و هر سو برای او مانند قبله، تقدس و احترام پیدا کند و همچنین به درک حضور او نائل شود تا از این طریق ضمن اجتناب از گناه، احترام خدا و هستی (تجلی خدا) تواما داشته باشد و وجود خود را در خدمت به خدا و تجلیاتش قرار دهد.

• تجلیات الهی: چون خداوند یکتا، آفریننده علت خلق جهان است. پس این جهان تجلی این علت می باشد، بنابراین، عالم هستی تجلی الهی محسوب می شود (اللهم انی اسئلك باياتک کلها) و لازم است به دیده احترام نگریسته شود.

• شبکه شعور کیهانی: مجموعه کارگزاران الهی شامل بی نهایت ملائکه (المدبرات امرا / یدالله، روح القدس، جبرئیل و ...) هستند که امورات عالم را اداره می کنند و به آن شعور و هوشمندی حاکم بر جهان هستی، شعور الهی، هوشمندی الهی هم گفته می شود. اما در عرفان حلقه طبق قرارداد «شبکه شعور کیهانی» نامگذاری شده است و صاحب این شبکه را نیز «خدا» می نامیم (اصل ۵ عرفان حلقه). در ضمن این شبکه به عنوان تنها عامل و واسطه برای پیاده کردن امر الهی در عالم و پیاده کردن حکمت و مشیت خداوند را بر عهده دارد و به صورت های مختلف نقش یداللهی خود را ایفا می کند (یدالله به مجموعه ای از ملائک گفته می شود که کار یدی و بالفعل برای خداوند انجام می دهند (اصل ۵۳ عرفان حلقه).

• نفی تهمت و افترای واسطه گری انحصاری روح القدس: همانگونه که از توضیحات بالا به وضوح آشکار می شود، کارگزاران الهی و یا یدالله، هر یک اشاره به مجموعه ای متشکل از بی نهایت ملائکه هستند و طبق (اصل ۵ و ۵۳ عرفان حلقه)، روح القدس به عنوان تنها واسطه بین خدا و انسان معرفی نشده و فقط یکی از ملائک می باشد و اینجانب نیز هرگز چنین مطلب غلطی را نه گفته و نه نوشته ام و غیر از کتاب هایم، فیلم های کلاس هایم نیز در تایید وجود دارند.

• رد تهمت و افترای اتصال به لوح محفوظ: یکی از مواردی که برای اولین بار در دادگاه بدوی ۹۴ می شنیدم، تهمت کذب ادعای اینجانب به لوح محفوظ بود که در آخرین لحظات تمام دادگاه بدوی، معاون محترم دادستان به تعدادی مورد از کیفرخواست اشاره کردند که قبلا هیچ کدام را نشنیده بودم از جمله این یک مورد که آن را قویا تکذیب می کنم. در رد این تهمت توضیح اینکه، عرفان حلقه، به طور کلی عرفان را به دودسته عرفان کمال و عرفان قدرت تقسیم می کند (اصل های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ عرفان حلقه) و آنچه را که ناقض کمال، ستار العیوبی خداوند، بر هم زنده حریم شخصی افراد و ... باشد را در زمره عرفان قدرت تقسیم بندی نموده و استدلال شده که ممکن است بعضی از این اطلاعات توسط شبکه منفی (شیطان) از طریق دسترسی به لوح محفوظ ارائه شود و موضع گیری عرفان حلقه (اصل - ۲۷) انتخاب عرفان کمال بوده تا افرادی که به دنبال آینده بینی، فکر خوانی و ... هستند به موسسه عرفان حلقه مراجعه نکنند و رسماً اعلام شده که عرفان حلقه به دنبال تحقیق در حوزه کمال الهی است. (در مورد بعضی از قابلیت های ائمه علیهم السلام باید گفت بواسطه معصوم بودن آنها، امکان سوء استفاده از اطلاعات وجود نداشته و آنها در بارگاه الهی محرم بوده اند).

• رد و نفی تهمت عدم قبول معاد جسمانی: اینجانب نه تنها معاد جسمانی را قبول داشته بلکه در اثبات آن نظریه هایی را نیز ارائه داده ام، از جمله اینکه در زندگی بعدی (برزخ)، که روح فاقد جسمیت و مکان است، از این رو، برزخ در لامکانی جریان دارد و پس از آن با دمیده شدن در صور (و نَفِخَ فِی الصُّورِ ...) اسرافیل، با مرگ همه، زمان نیز به یک باره حذف می شود، در نتیجه همه انسانها که در ادوار مختلف زیسته اند و مرگ را چشمپوش کرده اند و زمان، آنها را دچار تقدم و تاخر کرده بود، با کنار رفتن زمان، پرده بین آنها (که عامل زمان آن را ایجاد کرده بود) برداشته می شود و همه در کنار یکدیگر قرار می گیرند و تقدم و تاخر از بین می رود و به این ترتیب قیامت شکل می گیرد و چون زمان وجود ندارد هر کس می تواند در هر مقطع از زندگی خود با جسم مربوط به آن دوره قرار گرفته و شاهد اعمال خود به صورت زنده باشند (درست مانند اینکه سوار بر ماشین زمان شویم) بنابراین تهمت کذب فوق را قویا تکذیب می کنم.

• انسان نمی تواند عاشق خدا بشود (اصل - ۵۹ عرفان حلقه): انسان با دو پدیده عاطفی «دوست داشتن» و «عشق» دست به گریبان است. پدیده دوست داشتن، امری عقلانی است که فرد از طریق تعقل، میل و اراده به آن می رسد، مانند دوست داشتن، گردش و تفریح، غذا و خوراکی، خدا، اشخاص و ... برای دوست داشتن حتمالاً وجود دارد و هر کسی می تواند دلایل دوست داشتن خود را در مورد هر چیزی بخوبی بیان کند و کاملاً متکی به اراده و اختیار فرد بوده و هر زمان می تواند آن را قطع کند. اما پدیده «عشق» چه «عشق زمینی» و چه «عشق الهی» (عاشق خدا شدن)، به اراده و اختیار انسان نبوده و به عقل و تفکر انسان ارتباطی نداشته و فقط بر اساس اراده و حکمت خداوند متعال اتفاق می افتد و قطع کردن آن نیز به اختیار انسان نبوده و از نحوه و چگونگی رخ دادن آن بی خبر است و در یک لحظه اتفاق می افتد. در مورد عشق زمینی گفته شده که (حکمت حق در قضا و در قدر / کرد ما را عاشقان یکدگر) و در مورد علت عشق (علت عاشق ز علتها جداست / عشق اسطرلاب اسرار خداست)، این در حالی است که در عشق زمینی، معشوق، مشخص و معین و در پیش چشم است و در عشق الهی، معشوق نه دیده می شود، نه قابل توصیف است و نه قابل شناخت: «لایدرک بوهیم و لا یقدر بفهم» (خطبه ۱۸۱) / ما تُصَوِّرُ فِي الْاَوْهَامِ فَهَوَ خِلَافَهُ، لَيْسَ بِرَبِّ وَ مَنْ زَعَمَ اَنْ يَخْرَفَ اللّٰهَ بِتَوْهَمِ الْقُلُوبِ، فَهَوَ مُشْرِكٌ (امام صادق ع) / لم تجعل للخلق طريقاً الى معرفتك الا بـلعجز عن معرفتك (مناجات خمسه عشره، العارفين) و ... بنابراین، شناخت خداوند غیر ممکن است و فقط از طریق تجلیات او می توان او را استدلال کرد به عبارت «يصنع الله يستدل عليه و بالعقول تعتقد معرفته و بالفطره ثبت حُجَّتُهُ و باياته احتج على خلقه / از آنچه که خداوند آفریده، می توان او را استدلال کرد و به وسیله خرد به این شناخت معتقد شد و حجت وی با اندیشه ثابت گردد». بنابراین، انسان فقط می تواند از طریق توجه به خلقت و تعقل و اندیشه، به خدا معتقد شود (که منجر به دوست داشتن خداوند که امری عقلانی است، بشود) و با معطوف شدن به تجلیات او، به آن مهر ورزیده و در خدمت آن باشیم (من، دیگران و همه هستی) تا خداوند ما را مورد توفیق و عنایت خود قرار داده و ما را مشمول عشق خود (که اصلاً به اراده و اختیار انسان نیست) کند و آیه « یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینہ فسوف یأتی اللہ بقوم یحبهم و یحبونہ » اشاره به این دارد که (ابتدا) خداوند به آنها عشق بورزد و سپس آنها نیز به خدا. لازم به ذکر است که «فروع دین» در خدمت تجلیات الهی بودن محسوب میشود (نماز، روزه، حج و ... در خدمت خود و خودسازی به عنوان تجلی الهی بودن و خمس و زکات و جهاد و ... در خدمت دیگران بودن به عنوان تجلیات الهی و ...) و لازم است که عاشقانه باشد (اصل ۶۶ عرفان حلقه). «عاشقانه» در نحوه تفکر، رفتار و عمل عاشق دیده می شود، حال که نمی توانیم به میل و اختیار خود عاشق شویم، سعی می کنیم رفتار و پندار عاشقانه را به صورت تصنعی هم که شده تقلید کنیم تا انگیزه انجام عبادت ارتقای کیفی پیدا کند. در این رابطه عبادات خود را به گونه ای دنبال کنیم که به طمع مزد و پاداش (بهشت و حوری و ... ترس از مرگ، قبر، عذاب، بیماری، غضب الهی و ... رفع تکلیف و ... نباشد و فقط به خاطر خود خداوند باشد (ما ز دوست غیر از دوست مقصدی نمی خواهیم / حور و جنت ای زاهد بر تو باد ارزانی)

• اجتناب از حزن و ترس: کسی که احساس کند، خدا با اوست و عالم را محضر خدا بداند و همانطوری که در بالا توضیح داده شد، پندار و رفتار عاشقانه در رابطه با خدا و عبادت در او نهادینه شده باشد، هرگز احساس غم و اندوه و بیم و ترس به او راه پیدا نمی کند، زیرا کسی که خدا را دارد، چیزی کم نداشته و از چیزی نیز نمی هراسد (بلی من اسلم و جهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و هم لا یحزنون / الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون / ان

الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا أَفَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ - و... امام موسی کاظم (ع) لشکریان عقل و جهل را دسته‌بندی و فرموده که خداوند به هر یک ۷۵ لشکر داده (إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ ... ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا... ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاجِ ظِلْمَانِي ... فَقَالَ الْجَهْلُ يَا رَبُّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي خَلَقْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَقَوَّيْتَهُ وَأَنَا ضِدُّهُ وَلَا قُوَّةَ لِي بِهِ أَعْطَانِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أَعْطَيْتَهُ؟ ... فَأَعْطَاهُ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ الْجُنْدِ الْخَيْرُ وَهُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَجَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرُّ وَهُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ) و حزن و ترس را در ادامه از جنود و لشکریان شیطان معرفی می‌کند و شادی و دلیری را که در مقابل حزن و ترس هستند، از لشکریان عقل .

• کشف و شهود، اتصال، نظر و تفویض و ... همانطوری که قبلاً توضیح داده شد، «مذهب»، ظاهر دین و شامل اصول رهروی (اصول و فروع دین) می‌باشد که همواره ثابت و بدون تغییر است و «عرفان» باطن دین بوده و آن را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد و به علت اینکه آشکار و معلوم نیست (در غیر این صورت به آن باطن گفته نمی‌شد)، باید چگونگی آن کشف شود و چون این کشف در حوزه فیزیک و محسوسات نیست که با مشاهده، آزمایشات، آزمون و خطا، تفکر و تعقل، استدلال و ... حاصل شود و مربوط به ماوراء الطبیعه (متافیزیک) می‌باشد، از این رو نیاز به رویت باطنی دارد یعنی باید با چشم باطن (چشم دل، چشم سر و ..) مشاهده شود که در دنیای عرفان به آن «شهود» گفته می‌شود، تا با شهود باطن، اسراری از آن کشف شود. پس آنچه که در دنیای عرفان وجود دارد محصول «کشف» از راه «شهود» افراد بوده که به این افراد «عارف» گفته می‌شود. این کشف که منجر به دسترسی به اطلاعات نظری و عملی در زمینه باطن دین (اسرار خلقت و آفرینش و ...) می‌شود که این اطلاعات را باید از منبعی دریافت کند و آن منبع با ایجاد اتصال، اطلاعاتی را در اختیار بگذارد تا بتواند آنها را دریافت کند. بنابراین، اتصالی نادیدنی و فهمی غیر قابل تعریف بایستی بین آن منبع و فرد ایجاد شود تا اتفاقی بیفتد. بقول مولانا: اتصالی بی تکلف بی قیاس / هست رب را با جان ناس / اتصالی که نکتجدر بیان / گفتنش تکلیف باشد والسلام) و چون این منبع در اختیار انسان نیست، لازم است که صاحب این منبع که خداوند است (اصل ۴) اجازه چنین دسترسی را به آن منبع بدهد تا متعاقباً آن منبع نیز اتصال را برقرار و شخص از اطلاعات ماورائی برخوردار و موفق به کشف و شهود گردد. پس برقراری ارتباط و اتصال از اراده و اختیار انسان خارج است و به رحمت و فضل و حکمت خداوند وابسته است (وَإِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ - وَهُمَا نَا فَضْلَ بَدَسْتِ خَدَاَسْتِ، آن را به هر که می‌خواهد، می‌دهد). (وَاللَّهُ يُخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ - وَبِالْفَضْلِ يُصِيبُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ).

• مسیری را که فرد برای نشان دادن تمایل و اشتیاق خود به پیشگاه «حقیقت» جهت رسیدن به «کشف و شهود» طی می‌کند، «سیر و سلوک» و به فرد جوینده معرفت «سالک» گفته می‌شود. در واقع سیر و سلوک اعلام مراتب اشتیاق و نیازمندی سالک است به درگاه خداوند متعال تا مورد توفیق، لطف و عنایت او قرار بگیرد. پس از رسیدن به مرحله کشف و شهود، نوبت به عرضه یافته‌ها و نتیجه سیر و سلوک به دیگران می‌رسد که سالک اسلامی، سفر چهارم (سیر مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْخَلْقِ از اسفار اربعه ملاصدرا) خود را آغاز و به میان مردم رفته و آنچه را که از «سیر إِلَى اللَّهِ» (سفر اول از اسفار اربعه) بدست آورده، در اختیار آنان می‌گذارد، تا موجب رشد و تعالی دیگران نیز بشود (اصل - ۳۰ عرفان حلقه). در غیر این صورت، هدف از سیر و سلوک سالک فقط برای تعالی و نجات خودش تلقی می‌شود که به نوعی ضد کمال محسوب می‌شود.

زیرا یکی از دستاوردهای کشف و شهود، رسیدن به درک تن واحده بودن انسان است (بنی آدم اعضای یک پیکرند ...)

بنابراین عارف فقط به فکر نجات و تعالی خود نیست و مهمترین مرحله در مسیر او سفر چهارم از اسفار اربعه است که به سوی خلق حرکت کند و آماده باشد تا به خاطر دیگران از جان خود نیز بگذرد زیرا به طور قطع مورد آزمایش‌های سخت قرار گرفته (عدوا شیطاین الإنس والجن... من المجرمین...) و مورد دشمنی انحصار طلبان، حسودان، بخیلان و... قرار می‌گیرد، کما اینکه عده‌ای زیادی از عرفا به همین دلیل به شهادت رسیده‌اند (بقول حافظ، آن یار کزو گشت سر دار بلند / جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد). حال اگر عارف بخواهد یافته‌های خود را تعریف و توصیف کند، به این توضیحات «عرفان نظری» گفته می‌شود و اگر بخواهد دیگران را به ادراکی که خود تجربه کرده، برساند، به این انتقال تجربه، «عرفان عملی» می‌گویند (انتقال تجربه و ادراک مانند کسی که سیبی را گاز زده و مزه آن را چشیده و می‌خواهد مزه سیب را به دیگران هم بچشاند، در این صورت هیچ چاره‌ای ندارد مگر اینکه به آنها نیز سیب بدهد تا با گاز زدن آن، مزه سیب را بفهمند و هرگز با تعریف و توصیف، کسی مزه سیب را نمی‌چشد حتی اگر صدها کتاب در مورد سیب بخواند. به همین دلیل عرفان عملی با کتاب و توضیح، قابل ادراک نیست). آنچه را که در «سیر و سلوک» به‌عنوان «کشف و شهود» از طرف خداوند به سالک عطا می‌شود، روزی آسمانی او محسوب شده و او می‌تواند از آن به دیگران انفاق کند (و مما رزقناهم ینفقون...) و همانطوری که گفته شد سالک واقعی، حتما سفر چهارم خود را بسوی خلق رفته تا از روزی آسمانی خود به آنها انفاق کند تا این مرحله مهم از سیر و سلوک خود را تکمیل کند. اما انفاق از روزی آسمانی با فن، روش، نوشته، و... امکان ندارد (غیر از تعریف و توصیف) بلکه از طریق ترفندی غیر معمول که در دنیای عرفان به آن «نظر، تفویض، رخصت، اذن و...» گفته می‌شود، انجام می‌گیرد و بدین ترتیب سالک می‌تواند از روزی آسمانی خود با یک «نظر» به دیگران انفاق کند. بقول شاه نعمت‌الله ولی: (ما خاک را به نظر کیمیا کنیم / صد درد را به گوشه چشیمی دوا کنیم) و حافظ می‌گوید: (آنکه خاک را به نظر کیمیا کنند / آیا بود که گوشه چشیمی به ما کنند).

• همانطور که ملاحظه می‌شود، دنیای عرفان، فرهنگ اصطلاحات و ترمینولوژی مخصوص به خود را دارد که تقریباً در همه عرفان‌های دنیا مشترک است. در عرفان ایران اصطلاحات سیر و سلوک و سالک، کشف و شهود، وصل و اتصال، نظر یا تفویض، اذن، رخصت و...، کمال، عشق، وحدت، سیر آفاق، سیر انفس، عوالم و جهان‌ها، لامکان، لازمان، لاتضاد، روح و جن، و... به کرات به کار رفته که معادل آنها نیز در عرفان‌های دیگر وجود دارد. درست مانند اینکه همه وسایل نقلیه دارای چرخ، نیروی محرکه، اتاق و... می‌باشند. از گاری‌های عهد باستان تا تریلرها و خودروهای مدرن امروز بدون آنکه درست مثل یکدیگر باشند. در آخرین لحظات دادگاه بدوی ۹۴، نماینده محترم دادستان که به‌صورتی گذرا از روی کیفرخواست قرائت می‌کردند که چون در عرفان حلقه من از «لازمان» صحبت کرده‌ام، بنابراین بهائی هستم، چون از «خدمت» گفته‌ام، پس مسیحی هستم، چون از رنج ناشی از کثرت گفته‌ام، پس بودائی هستم و چون... پس وهابی و... هستم، اظهار نظری کاملاً غلط و غیر تخصصی و از اساس باطل می‌باشد. این اصطلاحات اشتراکاتی می‌باشد که در همه ادیان، مذاهب، عرفان‌ها و همه جریان‌های معرفت‌پژوه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و متعلق به یک جریان خاص نمی‌باشند.

• لازم به ذکر است که «کشف و شهود» و به‌طور کلی «عرفان» هرگز منجر به تاسیس مذهب جدید نمی‌گردد و خود نیز مذهب جدید محسوب نمی‌شود؛ زیرا، اولاً: حوزه عرفان فقط نقش کشف باطن را برای دین ایفا می‌کند و بدون وجود ظاهر یعنی مذهب، باطن یعنی عرفان نیز وجود نخواهد داشت. از این‌رو عرفان و مذهب لازم و ملزوم

یکدیگر هستند. ثانیاً: مذهب برای یک عرفان هویت آن محسوب می‌شود، «عرفان اسلامی»، «عرفان یهودی»، «عرفان مسیحیت و ... عرفان به خودی خود و بدون وابستگی به یک مذهب، بی‌هویت می‌باشد.

• «نظر» و «تفویض» در عرفان حلقه: با عنایت به مطالب فوق الذکر، عرفان حلقه از طریق کتاب قابل فراگیری نیست. زیرا، همانطوری که توضیح داده شد، موضوعات «عرفان عملی» را نمی‌توان از طریق کتاب، نوشته و کلام به دیگران انتقال داد. بلکه باید از طریق مربیان به شاگردان تفویض شود (اصل - ۱۸ عرفان حلقه) و طبق تعریفی که ارائه شد، «تفویض» همان انتقال از طریق «نظر» است که پایه و اساس همه عرفان‌های عملی است و بدون آن عرفان عملی جمع‌ی نمی‌تواند وجود داشته باشد. زیرا، انتقال از مربی به شاگرد وجود نخواهد داشت. در «عرفان حلقه» شاگرد با مکتوب کردن سوگندنامه مبنی بر استفاده مثبت و انسانی از «نظر» مربی برخوردار می‌شود (اصل / ۴۴ عرفان حلقه) و پس از آن می‌تواند موضوعات عملی این عرفان را مورد آزمایش و بهره برداری قرار بدهد. اما لزوم مکتوب نمودن سوگندنامه به این منزله نیست که فرد می‌تواند از یافته‌های خود استفاده غیر انسانی بکند، بلکه فقط به منظور تجهیز و تربیت ذهن اوست که به‌طور کلی نیات خود را همواره معطوف به اهداف مثبت و متعالی نماید و گرنه، اصولاً حوزه عملکرد عرفان حلقه مشخص، معین و تربیت شده است و فقط در چارچوب عرفان کمال مورد استفاده دارد و در آن از عرفان قدرت نیز خبری نیست که کسی بتواند از آن استفاده قدرتی بنماید. درست مانند اینکه به کسی بایند زده و او را به زمین میخ کوب کرده باشند و به او بگویند که مبدا ببری. عرفان حلقه هیچ خطری، از هیچ بابی برای کسی ندارد و اخذ سوگندنامه فقط برای جلب توجه بیشتر شاگرد به آنچه که در اختیار می‌گیرد، می‌باشد. خداوند متعال در قرآن مجید خطاب به رسول اکرم (ص) طی آیات بسیاری به منظور جلب توجه ایشان، یاد آوری‌ها و تذکراتی می‌دهند که خطاب به انسان کامل و گل سرسید بشریت، بسیار بعید است. از جمله: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ... پس مبدا (ابلاغ) برخی آیات را که به تو وحی می‌شود، (به‌خاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی و دلتنگ شوی که می‌گویند: چرا بر او گنجی فرستاده نشده یا فرشته‌ای همراه او نیامده ... (هود / ۱۲)» و یا «يَأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ... ای پیامبر، آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای .. (مائده - ۶۷)» و «وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... مبدا تو را از (تبلیغ) آیات خدا بعد از آنکه بر تو نازل شده است، باز دارند و به سوی پروردگارت دعوت کن و زنهار از مشرکان مباش (قصص / ۸۷)» و همچنین «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يُحْكَمَ اللَّهُ... و از آنچه بر تو وحی می‌شود، پیروی کن و صبور باش تا خدا داوری کند و ... (یونس - ۱۰۹)» و ... بنابراین سوگندنامه فقط جنبه یادآوری و تذکر دارد که به وسیله آن، مربی ذهن شاگرد را آماده سازد و بدیهی است که شاگرد باید زیر نظر مربی خود باشد. به مجموعه مربیان، «مرکزیت» گفته می‌شود که آموزش نظری و عملی عرفان حلقه را در ایران و سایر کشورها به‌عهده دارند و شاگردان نیز پس از اتمام دوره‌ها، خود نیز مربی شده و به آن می‌پیوندند. دو تشکل مردم نهاد NGO نیز برای فعالیت‌های معرفت پژوهی و ارتقای سلامت مربیان مرکزیت در نظر گرفته شده بود که به علت دستگیری ام فعال نشدند.

• عقل و عشق: انسان همواره با دو پله عقل و عشق در ارتباط است (اصل - ۱۳ عرفان حلقه). پله عقل جهت تفکر، تعقل، اندیشه و ... بوده و پله عشق برای ادراک قلبی و باطنی و جایی که نمی‌شود در آن نفوذ کرد. زیرا اگر عقل ارزش

مطلق داشته باشد، ایمان به «غیب» (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...) معنی نخواهد داشت، زیرا «غیب» باید ورای دلایل عقلی باشد. در غیر این صورت، مفهوم غیب بودن خود را از دست خواهد داد. در حالی که، «غیب» همانطوری که قبلاً توضیح داده شده، غیر قابل شناخت و تعریف است زیرا: (تُعَرَّفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهِ...) اشیاء با وجود ضد برای آنها شناخته می‌شوند و «غیب» فاقد ضد است (اگر ضد داشته باشد، شرک است) به قول شبستری: (ظهور جمله اشیاء به ضد است - ولی حق را نه مانند و نه ضد است / چو ذات حق را باشد ضد و همتا / ندانم تا چگونه داند او را). پس عقل به شناخت غیب راه ندارد و ایمان به غیب نمی‌تواند از راه تعقل، تفکر و اندیشه حاصل شود و باید از سر باطن و دل (در قرآن به قلب، صدر و فؤاد اشاره شده است) به آن رسید که آن نیز فقط پس از مشمول توفیق الهی شدن اتفاق می‌افتد (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ - آنانکه خداوند ایمان را بر قلبشان نوشته ...) و (فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا...) و (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...) و... (اصل - ۱۴ عرفان حلقه).

• در اینجا لازم به ذکر است، داشتن افکار ماتریالیستی یکی از تهمت‌های ناروا بوده که در آخرین لحظات دادگاه به آن اشاره شد که تصور می‌کنم این اتهام کذب به‌خاطر اشاره به تضاد در دروس عرفان حلقه می‌باشد (ماده، ضد ماده - انرژی، ضد انرژی / شعور، ضد شعور). در حالی که بحث در موضوع ضد مختص ماتریالیست‌ها نبوده و به قدمت تاریخ سابقه دارد و همانطوری که در سطور قبل اشاره شد در فلسفه اسلامی آمده که «تعریف الاشیاء اضدادها / ظهور جمله اشیاء به ضد است و ...» و این‌طور نیست که هر کس از تضاد صحبت کند، ماتریالیست است و یا اگر لازم بگوید بهائی است و ... خصوصاً اینکه موضوعاتی مانند ماده / ضد ماده در زمره مباحث اثبات شده فیزیک مدرن است و موضوع انرژی / ضد انرژی نیز که برای اولین بار در دنیای فیزیک توسط اینجانب نظریه پردازی شده، هم اکنون در محافل علمی در دست تحقیق و بررسی می‌باشد. در قرآن آمده: وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ که اشاره به همین موضوع علمی دارد، که از هر چیزی زوج آفریدیم (حتی ذره را) که حاکی از ساخت عالم مادی از عوامل تضاد است و با توجه به آیات «و جعل الظلمات الی نور»، و «وَتَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً و ... نتیجه گرفته می‌شود که عالم ناسوت، دو قطبی و عالم تضاد می‌باشد و این موضوع هیچ ارتباطی به تفکرات ماتریالیستی ندارد.

• جهان‌های طولی، مجاور، موازی و ...: خداوند متعال خالق بی‌نهایت جهان است. زیرا، تجلی جلال، جمال، کمال و ... او در بی‌نهایت عوالم مختلف پدیدار گشته که در طول یکدیگر (مانند عوالم ناسوت، ملکوت و ...) و همچنین در مجاورت و یا به موازات یکدیگر قرار دارند (مانند عالم روح، جن و ...)، بدون اینکه مابین آنها خلائی وجود داشته باشد و... (همانگونه که: وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا). بی‌نهایت عوالم مختلف با یکدیگر در وحدت و هماهنگی (در جهت تحقق طرح و نقشه خداوند متعال و یکتا) بوده ولی از نظر مادیات با یکدیگر متفاوت و از یکدیگر جدا هستند ضمن اینکه ارتباطی پنهانی آنها را در یک مسیر الهی قرار داده است. (اصل / ۹ عرفان حلقه)

• راه همه اولیاء و انبیا، طریقت بوده، طریقتی مبتنی بر دین فطری و هیچ‌یک از آنان با شریعت خاصی آغاز نکرده است (مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) و یا (قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...) بلکه در مسیر حرکت خود (طریقت) به دین نظری و دین حقیقت تجهیز بوده‌اند که انسان شمول است (قبلاً توضیح داده شده است) و شامل ظاهر و باطن دین الهی است. در این مسیر که وجدان هر انسان از درون

به یکتائی خداوند، کمال، اخلاق و ... گواهی می‌دهد و نحوه زندگی، تمایلات، خواسته‌ها، شوق‌ها، کنجکاوی‌ها و ... او را به نیازش در جهت فهم و درک فلسفه خلقت و آفرینش و اینکه از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و ... واقف نموده و لزوم پی بردن به شریعت و حقیقت را در او زنده کرده و به انگیزه او تعالی می‌بخشد و از اینجاست که او مشتاقانه به دنبال شریعت و به جستجوی حقیقت می‌پردازد. هیچ مرزی بین طریقت، شریعت و حقیقت نیست و کسی نمی‌تواند بگوید، الان شریعت را یا طریقت را تمام کرده و وارد حقیقت شده‌ام و هر لحظه به توفیق و فضل و رحمت خداوند متعال ممکن است کسی به درک شریعت و یا حقیقت نائل شود، چرا که هدایت و فضل و رحمت فقط به دست خداوند است کما اینکه خطاب پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ... تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری، هدایت کنی و لکن خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند...»؛ درحالی که ممکن است افرادی در مسیر طریقت زندگی خود (دین نظری و حقیقت) هرگز توجه آنها نه به شریعت و نه به حقیقت جلب نشود و هیچ نیازی در خود نسبت به آنها احساس نکنند. انسان باید به تشنگی نسبت به شریعت و حقیقت برسد (آب کم جو، تشنگی آور به دست) و وقتی انسان در مسیر طریقت زندگی، دین نظری و حنیف را در خود زنده کرد (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...)، با اشتیاق و میل فراوان به دنبال شریعت و طریقت خواهد بود. به این نحو هر کس در هر مرحله از شریعت که قرار دارد، امید دسترسی به حقیقت در آن مرحله خود را دارد درحالی که در نظریه قبل، مراحل به صورت طولی قرار گرفته‌اند یعنی ابتدا باید شریعت تمام شود بعد طریقت تا سرانجام به حقیقت دست یافت، درحالی که هیچ کدام از این مراتب، مرز مشخصی ندارند و مبهم بوده، در عمل هم نمود مشخصی که قابل بررسی و چشم‌گیر باشد، حاصل نشده است.

• در مورد اصل ۳۱ عرفان حلقه (اصل اللهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) که در آن آمده: اسرار حق، اطلاعات محرمانه‌ای است که افشای آنها نقض کننده عدالت و ستار العیوب بودن اوست که افراد، اجازه وارد شدن به حریم آن را ندارند و ورود به آن، فقط با کمک شبکه منفی (شیطان) امکان پذیر است و شبکه مثبت، این اطلاعات را در اختیار کسی قرار نمی‌دهد. همانطور که از نام قرآنی این اصل فهمیده می‌شود، فقط خداوند از ذات قلب‌ها آگاه است و هیچ کس از آن مطلع نیست. اما آیاتی در قرآن مجید ظاهراً خلاف این موضوع را بیان می‌کنند از جمله: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...» - بگو، عمل کنید. خداوند و رسول او و مومنان می‌بینند (اعمال را) و بزودی بازگردانیده می‌شوید به سوی دانای نهان و به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد (توبه / ۱۰۵)». درحالی که این آیه به دیدن عمل انسانها اشاره دارد و نه به آگاهی از ذات قلب‌ها، و مطلب دیگر آشکار شدن و اطلاع از آن توسط خداوند در قیامت و در یوم الدین است و نه در اینجا. بنابراین این آیه نقض ستار العیوب بود خداوند نبوده و ذات قلب‌ها کماکان باید محفوظ بماند. همچنین در آیه دیگر: «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَاتَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...» هنگامی که به سوی آنان باز گردید، عذر می‌آورند. بگو غرور نیاورید که هرگز باورتان نخواهیم داشت. همانا خدا ما را از اخبار شما آگاه کرده و به زودی خدا و رسولش عملتان را ببینند، سپس به سوی دانای نهان بازگردانیده می‌شوید و از آنچه می‌کردید آگاهتان می‌سازد (توبه / ۹۴) «مورد خطاب رسول اکرم (ص) است که خداوند از عذر دروغین عده‌ای که از جهاد تخلف کردند، آگاه می‌شود و باز هم مانند آیه قبل صحبت از بازبینی اعمال در قیامت و

یوم‌الدین است و دیگر اینکه این وحی به پیامبر (ص) که معصوم، انسان کامل و محرم بارگاه الهی است، صورت گرفته که به واسطه معصومیت او، امکان سوء استفاده و نقض ستار العیوب بودن از ایشان نمی‌رفته است. ولی سایر افراد که جایز الخطا هستند، خداوند هیچ گاه چنین اطلاعاتی را در اختیار آنها نمی‌گذارد. کما اینکه در آیه قبلی که فقط دیدن اعمال بود، شامل مومنان هم می‌شد ولی این آیه فقط خطاب به نبی اکرم (ص) بوده است.

• از این رو با توجه به مطلب فوق، لازم به یاد آوری است که عرفان کیهانی (حلقه)، تعهد و پایبندی زیادی نسبت به اجتناب از نقض حدود الهی دارد و در کتاب‌های عرفان کیهانی حلقه و انسان از منظری دیگر به اصول و مطالب متعددی در این زمینه، اشاره و تاکید جدی شده است از جمله اجتناب از: آنچه که ستار العیوب بودن را نقض کند؛ مانند قدرت شخصیت خوانی، بر ملا کردن عیب و اسرار دیگران (بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا...) و (اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور...) / آنچه که نفوذ در حریم مقدس دیگران باشد، مانند فکر خوانی و... - آنچه که اختیار انسان را نقض کند، آنچه که حوادثی را به انسان تحمیل کند، مانند طلسم و جادو و...، آنچه که عدالت الهی را نقض کند مانند آینده بینی و...، آنچه از طریق کار با «من دون الله» (غیر از خدا) بدست می‌آید؛ مانند کمک گرفتن و همکاری با روح، جن و... به جای خداوند (نقض پیمان «ایاک نستعین»). اما در مقابل نهی از امور فوق‌الذکر، عرفان حلقه به صورت نظری و عملی، افراد معرفت‌پژوه را به ادراکاتی روحانی می‌رساند که رؤس کلی برخی از آنها طبق اصل / ۶۳ عرفان حلقه عبارتند از:

• درک «نفخت فیه من روحی، انا الحق» و اینکه در مرکز وجود ما از روح خود دمیده و ذات وجود انسان همان ذات اوست (درک بیت الله)، درک یکتائی وحدت و تن واحده بودن جهان هستی (تجلی اسماء و صفات، علم، جمال، کمال، جلال الهی یا تجلیات الهی)، درک هوشمندی و نقشه‌عظیم و هدفمند بودن جهان هستی و اینکه یکپارچه و هدفمند و در وحدت (ضمن تكثر اجزاء و ماهیات متعدد) به دنبال تحقق طرح و نقشه عظیم الهی در حرکت است، درک بی‌عیب و نقص بودن جمال یار (عاشق در جمال یار نمی‌تواند عیب و نقص مشاهده کند و رسیدن به مقام صالح که صلح با خدا، خود و دیگران می‌باشد و... / درک حضور یار و رسیدن به مقام بی‌قیلگی (أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ). گذشته از این مباحث کلیدی، عرفان حلقه بسیاری از مطالب و موضوعات حوزه معرفت‌پژوهی را که از گستردگی قابل توجه و کم‌نظیری برخوردار است را به‌طور نظری و عملی و پیاده کرده که باعث جذب عده بسیار زیادی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر به سمت عرفان اسلامی و معرفی آن به‌عنوان عرفان توانمند، سهل‌الوصول و عملی از مکتب غنی اسلام و مذهب مترقی شیعه شده است. همه کسانی که در کلاس‌های موسسه و دانشگاه‌ها با اینجانب به عنوان معلم عرفان اسلامی حلقه مواجه شده‌اند جز توحید ناب، تقوا و پرهیزگاری، درستکاری، راستگویی و... چیز دیگری ندیده‌اند که با مجاهدت تمام و با گفتار، پندار و کردار اسلامی و بدون تناقض و شفاف در جهت اعتلای عرفان این مرز و بوم که عرفان اسلامی و عرفای اسلامی ایران را شامل می‌شود، همه سعی تلاش خود را به‌عمل آورده است. اما با وجودی که بداندیشان، انحصارطلبان، حسودان، تنگ‌نظران، مافیای دارو و مخدر و... چهره‌های زشت و کریه و منحرف از آن از طریق کلیه رسانه‌ها و چاپ ده‌ها کتاب و صدها مقاله و... ترسیم کنند و با توسل به دروغ و نیرنگ، تبلیغات مسموم و کذب مبنی بر جن‌گیری، جادوگری و طلسم و جادو، تشکیل فرقه، توهین به قرآن، توهین به ائمه علیهم السلام و قبول نداشتن آنها، قبول نداشتن مهدویت و... سعی در خدشه دار کردن عرفان حلقه و لجن مال کردن اینجانب نموده که به

حول و قوه الهی نه تنها کوچکترین خللی وارد نشده بلکه مخاطبان و شاگردان موسسه که از نزدیک با اینجانب و عرفان حلقه آشنا شده اند، با مواجه شدن با این همه دروغها، تحریف ها، افتراها و... پی به وجود توطئه و دسیسه‌ای عمیق برده و مصمم به دفاع از من و شهادت دادن بر بی‌گناهی ام شده‌اند و به استشهادات قانونی آنها مبنی بر کذب بودن اتهامات وارده نیز ترتیب اثر داده نشده است و این یکی از دلایل تجمعات آرام و مسالمت آمیز عده‌ای از آنها بوده است که این دفاع را وظیفه وجدانی خود می‌دانند که البته امری طبیعی است که به منظور ایجاد اختلال و ناامنی نبوده است.

• در زمینه افترای کذب «جن‌گیری و احضار روح» که طبق توضیحات پاراگراف‌های قبلی در عرفان حلقه ممنوع و بر اساس اصول اجتناب از ارتباط با روح و جن، هرگز مباحثی تحت عنوان «جن‌گیری» و یا «ارتباط با ارواح» در عرفان حلقه وجود نداشته و از زبان من شنیده و یا نوشته نشده است. و کذب می‌باشد. آنچه که باعث شده تا مغرضین با وارونه جلوه دادن قابلیت‌های عرفان حلقه، اقدام به انجام تبلیغات کذب در این زمینه کنند، یکی از نظریه‌های اینجانب تحت عنوان «موجودات غیرارگانیک» یا «ویروس‌های غیرارگانیک» و یا «ویروس‌های ذهنی» می‌باشد که برای اولین بار در تاریخ، تاثیر تداخل این موجودات (جن) در سلامتی ذهنی انسان مورد تحقیق نظری و عملی قرار گرفته و اثبات رسیده است. خطر این تداخل در همه ادیان و آیین‌ها در سرتاسر جهان و همچنین در دین مبین اسلام تذکر داده شده و انسان را از آن برخوردار داشته‌اند (الَّذِي يُؤَسُّوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ - مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ). این مبحث و نتایج حاصل از آن، به صورت نظری و عملی در سطح وسیع و گسترده با حضور روانشناسان، روانپزشکان، پزشکان و... مورد تحقیق و آزمایش قرار گرفته و به اثبات رسیده و مورد استفاده قرار گرفته است و همانطور که کخ و پاستور وجود موجودات میکروارگانیزم (ذره بینی) را به اثبات رسانیدند، من نیز برای اولین بار تاثیر موجودات غیرارگانیک را (ضمن اثبات وجود آنها) در بیماری‌های ذهنی مانند اسکیزوفرنی یا شیزوفرنی، دو قطبی، وسواس و... را که تا کنون هیچ‌گونه درمان قطعی نداشته‌اند، به اثبات رسانیده و با دفع موجودات غیرارگانیک به شیوه باطنی (عرفانی) به نام «تشنعشع دفاعی» زمینه بهبود افراد مبتلا به این نوع بیماری‌های ذهنی لا علاج را فراهم نماید. گزارش مربوط به این طیف از درمان‌ها و فیلم‌های مستند در اختیار محافل علمی دنیا گذارده شده و از بابت انجام این تحقیق نیز جوایزی بین‌المللی به اینجانب تعلق گرفته و به ثبت جهانی نیز رسیده است. این رشته یکی از شاخه‌های خیلی فرعی و حاشیه‌ای در عرفان حلقه می‌باشد ولیکن مغرضین در تبلیغات سوء و سم پاشی‌های به عمل آمده علیه اینجانب آن را به عنوان کل جریان عرفان حلقه و به نام جن‌گیری و احضار روح و... معرفی نموده و فیلم‌های مستند آن را به صورت ناقص و بریده شده از کلیه رسانه‌ها تحت همین عناوین پخش نموده‌اند.

• در ادامه مطلب فوق، عرفان حلقه با هر گونه طلسم و جادو، به عنوان آنچه که حوادثی را به دیگران تحمیل نماید، مخالف بوده و در این زمینه طی اصول عرفان حلقه، مطالب مطروحه در کتاب «انسان از منظری دیگر»، فیلم کلاس‌های موسسه و... این‌گونه اعمال را تقبیح و در جهت باطل کردن آن، طبق آنچه که در تعالیم همه انبیاء اولیاء و اوصیا در طول تاریخ و ادعیه‌ها توصیه شده، رهنمودهایی داشته و تعالیمی را در چارچوب عرفان ارائه نموده است که این خود دلیل و مدرک مخالفت عرفان حلقه با طلسم و جادو بوده است و حتی در جهت روشنگری هر چه بیشتر در این زمینه، طبق فیلم‌های کلاس‌ها، از شاگردانم درخواست نموده‌ام که اگر قبلاً طلسم و جادویی (تحت هر عنوانی) دریافت کرده‌اند، آنها را جهت افتتاح یک نمایشگاه در زمینه طلسم و جادو به موسسه تحویل دهند تا در نمایشگاهی

به معرض دید علاقمندان برسد و بدین ترتیب مقداری نوشته‌جات و لوح‌های فلزی جمع آوری گردید که با تعطیلی موسسه که به علت ازدحام بیش از حد و شاکی بودن همسایه‌ها به خاطر مشکل پارکینگ، دو سال قبل از دستگیری، این نمایشگاه برگزار نشد، اما نوشته‌جات و لوح‌های فلزی که اکثراً خیلی قدیمی و با دست خط‌های مختلف و کتاب‌های علوم غریبه جمع آوری شده و... به انبار موسسه جهت استفاده در آینده منتقل شد که متأسفانه در گزارش بازرسی از محل به عنوان اسباب و وسایل طلسم و جادو قید شده و مرا به عنوان جادوگر در تبلیغات سوء خود معرفی نموده اند، در حالی که فیلم‌های موسسه و قدیمی بودن نوشته‌ها و لوح‌های جمع شده و دست خط‌های متفاوت قدیمی و اطلاع عموم شاگردان از این مطلب و حاضر بودن برای دادن شهادت، همگی بیانگر حقیقت قضیه هستند.

• همه استنادات عرفان حلقه به کلام وحیانی قرآن است. همانطوری که در بیش از هفتاد مقاله چاپ شده از اینجانب در روزنامه‌ها و سه کتاب چاپ شده و ویژه‌نامه‌ها و مجلات، همچنین طبق فیلم‌های کلاسهای موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه، این موضوع بخوبی قابل اثبات است. حال چگونه ممکن است جریانی که به استناد به قرآن متکی است، از طرف بنیانگذار آن مورد اهانت و تمسخر قرار بگیرد، تمسخر قرآن به معنی رد کردن این نقطه اتکاست آن هم توسط خود بنیانگذار که به‌طور قطع چنین چیزی محال بوده و باور کردنی نیست و کاملاً واضح و روشن است که افترا و دروغ می‌باشد. همچنین برخی از موضوعات مقالات، سخنرانی‌ها، موضوعات کلاسهای موسسه و ... در مورد الصلوه، روزه، حج، قدر و غدیر، ائمه (علیهم السلام)، به‌عنوان گل‌های سر سبد هستی، انسان کامل، حجاب، به منزله اجتناب از خود نمایی به‌عنوان زکات آنچه که از هستی، خداوند در اختیار ما قرار داده است و نشان دادن بلوغ معرفتی و...، امام عصر (عج) به منزله استاد دوره دکترای بشریت که بشر را از جهل و نادانی نجات خواهد داد و درهای آسمان‌های خرد و دانایی و حکمت را به روی انسان می‌گشاید و ... حال چگونه امکان دارد با وجود این همه دلایل و مدارک که به وضوح اعتقاد اینجانب را به عنوان بنیانگذار جریان معرفت جوی عرفان حلقه را نسبت به مقبولیت، تقدس و احترام موضوعات عبادی، ائمه علیهم السلام، مهدویت، حجاب و... را به اثبات می‌رساند شک و شبه‌ای وجود داشته باشد و دچار دوگانگی فکری باشم. لذا اتهام‌های توهین به ائمه علیهم السلام و قبول نداشتن آنها و نقش معصومین، قبول نداشتن مهدویت، حجاب و ... نیز جز دروغ، افترا و پاپوش امنیتی، چیز دیگری نمی‌تواند باشد و قویاً آنها را تکذیب می‌کنم.

• سیر کمال انبیا و حضرت سلیمان (ع): انبیاء الهی مسیر تکامل معنوی مخصوص به خود را طی کرده‌اند تا به انسان کامل، حضرت ختمی مرتبت (ص) پایان یافته است و او کامل‌ترین و خاتم انبیا گردید. خداوند در مورد برتری دادن بعضی از انبیا نسبت به بعضی دیگر در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا وَهَمَّجِين تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلِمَ اللّٰهِ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ...». این فضیلت و برتری بی‌گمان در دعاها و خواسته‌های هر یک از آنان منعکس و مستتر است. برای مثال، لقمان (ع) دعا می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا ... پروردگارا مرا حکمت عطا کن...» و ابراهیم (ع) دعا می‌کند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ ... پروردگارا مرا مقیم در وصلت قرار بده...» و سلیمان (ع) از خداوند درخواست می‌کند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ... گفت، پروردگارا مرا ببخش و حکومتی را به من ارزانی دار که پس از من سزاوار هیچ‌کس نباشد...». حال با نگاهی سطحی نیز می‌توان فهمید که بین آن نبی که حکمت الهی یا الصلاه او را می‌خواهد با آنکه حکومت و ملک می‌خواهد آنهم به شرطی که پس از او نیز به کسی داده نشود، تفاوت در مرتبه تعالی و رشد معنوی وجود دارد. اما درخواست سلیمان و تحقق آن، این درس

را برای انسان به جا گذاشت که اگر صاحب ملک سلیمان باشی، لشکریان جن و انس در خدمت تو باشند، پرندگان آسمان همه جا را برای تو زیر نظر داشته باشند باد به فرمان تو باشد و ایستاده بمیری، هیچ سودی ندارد و عاقبت از آن چیزی باقی نخواهد ماند و حیف باشد از او غیر از او تمنایی. اما متأسفانه با طرح این مطلب که به دو منظور بوده، اول عبرت ناشی از این ماجرا (از جمله فرموده حضرت علی (ع) در خطبه ۱۸۱ نهج البلاغه)، دوم، پاسخ به این سوال که اگر از جن نباید کمک گرفته شود؛ پس چرا خداوند لشکریانی از جن را در اختیار سلیمان قرار داد؟ که این گونه پاسخ داده‌ام که اجابت خواسته سلیمان، چنین ایجاب می‌کرد که بخش عمده آن را جن‌ها بسازند و از توان انسان خارج بوده و به همین منظور هم، خداوند جن‌ها را در اختیار سلیمان (ع) قرار داده و وی فقط اجابت خواسته خود را می‌خواسته نه لشکریان جن را (و ما کَفَرُ سُلَیْمَانَ و...) و خطایی مرتکب نشده است و همچنین اجابت دعای او مستلزم این بوده که باد به فرمان او باشد و پرندگان برای او آسمان را زیر نظر داشته باشند و ... مغرضین گفته‌اند که چون یهودی‌ها با حضرت سلیمان (ع) خوب نیستند و توضیحات تو نیز نشان می‌دهد که تو هم سلیمان (ع) را قبول نداری، بنابراین، عرفان حلقه برگرفته از عرفان کابالای یهود است!!!

• قبول نداشتن شفاعت، توسل، زیارت اماکن متبرکه از دیگر افتراهای مطروحه در کیفرخواست بوده که مانند سایر موارد کیفرخواست، همگی کذب و پاپوش امنیتی می‌باشد. از آنجا که اینجانب شیعه اثنی عشری هستم، آنچه را که در این مذهب مترقی مرسوم است و نسبت به آنها اعتقاد عمیق وجود دارد مانند شفاعت، توسل، زیارت اماکن متبرکه و اهل قبور و مراسم و مناسک مختلف مذهبی همگی را قبول داشته و دارم. برای نمونه، مدتی قبل از دستگیری ام به همراه خانواده، مادرم و مادر همسرم به زیارت مشهد مقدس رفته ایم و من به کنار ضریح رفته و به آن بوسه زده‌ام و... همچنین در مقالاتم تحت عنوان‌های مختلف به نقش علائم الطریق بودن و واسطه‌های نجات و ... الگوهای کامل و بی‌عیب و نقص بشریت، معلم‌های مکارم اخلاق و عدالت خواهی و ظلم ستیزی و... از جمله در مقاله «آیین عاشورا» (که در بسیاری از روزنامه‌ها منتشر شد) به درس ظلم ستیزی امام حسین (ع) اشاره نموده و مهر نماز را خاطر نشان کرده‌ام که بیعت مرا با آن امام بزرگوار یادآوری می‌کند (مهر نماز از تربت کربلا) که برای همیشه نشانه پیمان من با اوست تا به عنوان شاگرد کوچک مکتب امام حسین (ع) همواره ظلم ستیز و حق طلب باشم و ... حال چگونه ممکن است با وجود این همه اسناد و مدارک و وجود هزاران هزار شاهد، چنین افتراهای پوچی و چنین تهمت‌های ناروایی بر من وارد باشد.

• در مورد ادعای کذب آقای دکتر مصطفی قانعی معاونت وقت پژوهش وزارت بهداشت که در بهار ۸۹ از کمیته پزشکی فرادرمانی (که به صورت خودجوش تشکیل شده بود) دعوت به عمل آورده تا کارایی «فرادرمانی» زیر نظر وزارت بهداشت مورد آزمایش و راستی آزمایی قرار بگیرد ولی پزشکان این کمیته پس از اینکه متوجه شده‌اند که ایشان (دکتر قانعی) خیلی در کار سخت گیر هستند، پا به فرار گذاشته‌اند. در حالی که این ادعا خلاف واقع بوده و ایشان شرط انجام طرح‌های تحقیقاتی را این‌گونه اعلام می‌کنند که آمار فقط باید در اختیار ایشان باشد و نتیجه را پس از پایان طرح اعلام می‌کنند و کمیته باید نتیجه اعلام شده از طرف ایشان را بپذیرد، که طبیعتاً سرکار خانم دکتر پیرزاده رییس کمیته پزشکی فرادرمانی نیز چنین شرط غیر عادی را نمی‌پذیرد و پیشنهاد می‌دهد که طبق روال و استاندارد معمول، آمار بایستی در اختیار هر دو طرف باشد تا هیچ طرفی نتواند در آن تقلب کند. اما دکتر قانعی این موضوع را نپذیرفته و جلسه بدون نتیجه خاتمه می‌یابد. پس از آزادی من از زندان در تیرماه ۹۰، دکتر قانعی مرا دعوت و

پیشنهاد انجام طرح اثر فرادرمانی بر روی آسم را مطرح (که آمار نزد طرفین باشد) و من نیز پذیرفتم. متعاقبا جلسات مشترک بین پزشکان کمیته و پزشکان وزارت بهداشت برگزار و مقدمات اجرای طرح (که هزینه آن نیز بر عهده کمیته فرادرمانی بود) طی شده بود که مقاله‌ای از آقای دکتر قانعی تحت عنوان «فرادرمانی یا سراب درمانی» در مجله پنجره به چاپ رسید که در آن ادعای کذب فوق‌الذکر از طرف ایشان مطرح شده بود که در نتیجه من پیشنهاد دادم که برای تداوم طرح فی ما بین لازم است ادعای کذب مطرح شده تکذیب شود زیرا در شرایطی که صداقت، شرافت و اخلاق پزشکی وجود نداشته باشد، کمیته فرادرمانی نمی‌تواند اعتماد نموده و با صرف نیروی انسانی تعداد زیادی پزشک و چند صد میلیون تومان هزینه، آبروی خود را نیز به دست افراد سیاست‌باز دروغگو واگذارد (پس از آن مجدداً به زندان منتقل شدم و طرح متوقف شد). لازم به ذکر است که فرادرمانی و سایمنولوژی دو رشته طب مکمل ایرانی و از زیر مجموعه‌های عرفان حلقه هستند که طب باطنی و عرفانی محسوب می‌شوند که در مدت کوتاهی به علت کارایی بسیار بالا و مطلوب در ایران و خیلی از کشورهای دنیا، مورد استفاده عملی قرار گرفتند و نتایج درمانی حاصله، توجه کادر پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان را به خود جلب کرد و منجر به ثبت هزاران نمونه مستند درمانی گردید و در نتیجه باعث اثبات طب‌های مکمل ایرانی «فرادرمانی» و «سایمنولوژی» شد. «فرادرمانی» منجر به درمان بیماری‌های جسمی و روانی و سایمنولوژی بیماری‌های ذهنی (مانند اسکیزوفرنی، دوقطبی، وسواس و...) را مورد مداوا قرار می‌دهد و از این نظر اولین طب مکمل دنیاست که توانسته این دسته از بیماری‌ها را مورد مداوا قرار دهد. (موسسه اقدام به انتشار مدارک مستند پزشکی از طریق مجلات طب مکمل و دانش پزشکی نمود و تعداد بیست شماره ویژه‌نامه طب‌های مکمل ایرانی فوق منتشر گردید که با دستگیری اینجانب متوقف گردید). لازم به ذکر است که قبل از دعوت معاونت پژوهشی وزارت بهداشت از کمیته پزشکی فرادرمانی طرح‌های علمی تحقیقاتی در مراکز مختلف آغاز شده بود از جمله: طرح اثر فرادرمانی بر روی بیماران برونشکتازی کاندید پیوند ریه در بیمارستان مسیح دانشوری که با نتیجه بسیار مطلوبی خاتمه و نتیجه آن طی یک شماره ویژه‌نامه منتشر گردید. اثر فرادرمانی بر کاهش درد از طریق آزمایش کورتیزول خون در بیمارستان امام خمینی (قبل از جمع بندی نهایی با خرابکاری مواجه و شیشه‌های آزمایش خون در هم ریخته و آزمایش قطع گردید ولیکن به‌علت مشخص بودن نتیجه مثبت آن برای مسئولین بخش، موفق به اخذ تاییدیه گردید)، تاثیر فرادرمانی بر روی بیماری آسم (در قالب تز دکتر که با موفقیت به پایان رسید)، اثر فرادرمانی بر روی افسردگی در اصفهان و ده‌ها تحقیق و مطالعه دیگر که در محافل علمی بین‌المللی ارائه و تایید شده است. یکی از مهمترین طرح‌ها که به دنبال عقد قرارداد همکاری بین موسسه عرفان حلقه و موسسه خیریه بهشت یاس پنهان به مدیریت سردار جورکش (از مدیران پلیس امنیت) در هفت کمپ ترک اعتیاد در اصفهان انجام شد و نتیجه بسیار درخشانی به همراه داشت، اثر فرادرمانی بر روی ترک اعتیاد بود که بر طبق قرارداد فی ما بین تامین مالی و نیروی انسانی لازم در همه طرح‌های عام المنفعه و اجتماعی به عهده موسسه عرفان حلقه و ارائه مجوزهای قانونی به عهده موسسه خیریه بوده است و این طرح یکی از موارد مورد توجه طرفین بود که به‌علت حصول نتیجه مثبت از آن منجر به ارائه طرح ترک اعتیاد طاهر به ستاد مبارزه با مواد مخدر از طرف سردار جورکش شد که با دستگیری اینجانب، این طرح ناتمام و مدیریت خیریه نیز آن‌طور که در زندان متوجه شدم مورد سوال قرار گرفته‌اند، همچنین ده‌ها طرح تحقیقاتی دیگر به‌علت دستگیری و حبس اینجانب ناتمام باقی ماندند.

یکی از موارد مورد ادعا، شیطانی بودن درمان‌های طب‌های مکمل ایرانی فوق‌الذکر است! در حالی که درمان مختص خداوند است (هو‌الشافی) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ و شرح وظیفه شیطان آن‌طور که از قرآن استفاده می‌شود صرفاً اغوا و وسوسه، زینت دادن دنیا و عمل انسان می‌باشد به طوری که باعث اغوا و وسوسه انسان شود و همچنین در معرض آزمایش قرار دادن همه انسان‌ها بدون استثنا از این طریق: (رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لِأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ لِيُجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ... - قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ - فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ وَكَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ / و...). پس در هیچ کجا غیر از شرح وظایف فوق برای شیطان، اشاره‌ای به قابلیت انجام شفا و درمان توسط او نشده و چنین امکانی نیز وجود ندارد. بنابراین هر نوع درمانی باید توسط خود خداوند اجازه داده شود.

• مورد ادعایی حجت الاسلام والمسلمین محمودرضا قاسمی مبنی بر اینکه در درمان الهی (مانند آنچه که در حرم حضرت رضاع) اتفاق می‌افتد) همه بیماری‌های فرد به یک‌باره شفا پیدا می‌کند ولی در طب‌های مکمل ایرانی فرادمانی و سایمنتولوژی بعضی از بیماری‌های بیمارها به مرور زمان و به نوبتی خوب می‌شوند که این نشانه غیر الهی بودن این درمان می‌باشد. در پاسخ اولاً: طبق استدلال ارائه شده پاراگراف قبلی، اصولاً درمان غیر الهی نداریم (هو‌الشافی). ثانیاً: در بارگاه الهی مراتب مختلف برای تحقق شفا و درمان وجود دارد، از شفای یک‌باره همه جانبه تا دارودرمانی و جراحی و... که همه درمانها با اجازه خداوند توسط واسطه‌های مختلف انجام می‌شود و یک‌باره و همه جانبه نبودن آن دلیل بر شیطانی بودن آن درمان نیست و در این صورت پزشکی رایج نیز شیطانی محسوب می‌شود. همچنین عدم درمان و مرگ نیز با اجازه خداوند است (ما كان لِنَفْسِ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا). ثالثاً: برای اثبات ادعای درمان همه جانبه فوری بیمارمان در حرم حضرت رضا (ع) به صورت علمی (و نه اعتباری که من هم آن را قبول دارم)، آمار و مدارک مستند در اختیار ندارید (بنابراین ادعای شما از نظر علمی پذیرفته نیست).

• همچنین ایشان در دادگاه ادعا نمودند که صد و پنجاه نفر را در ایران شناسایی کرده‌اند که از طب‌های مکمل ایرانی فرادمانی و سایمنتولوژی صدمه دیده‌اند که در پاسخ: برای اثبات این ادعا هیچ‌گونه آمار و مدرک پزشکی که ثابت کند کسی از این طب‌های مکمل صدمه دیده، ارائه نگردید و ایشان حتی در مورد ادعاهای خود حاضر به سوگند خوردن نیز نشدند. بنابراین بدون ارائه اسناد و مدارک پزشکی، هیچ ادعایی قابل قبول نیست. کما اینکه طب‌های مکمل فرادمانی و سایمنتولوژی برای اثبات درمان هرگونه بیماری، مدارک پزشکی ارائه و شرح حال بیمار مستند شده است. لازم به ذکر است که طب‌های مکمل فوق‌بديل اینکه متکی به تخصص، دارو، انجام هرگونه کار فیزیکی مانند معاینه، ماساژ، فیزیوتراپی و... نمی‌باشند و فقط درمانی وابسته به شعور و هوشمندی الهی هستند و طبق اصول مندرج در کتاب انسان از منظری دیگر، هیچ‌گونه مداخله‌ای در امر دارو و درمان و روند پزشکی رایج نداشته و نتیجه آن هم زیر نظر پزشک کنترل می‌شود و همچنین کسانی مورد درمان این طب‌های مکمل ایرانی قرار می‌گیرند که تا کنون از روش‌های رایج، نتیجه‌ای نگرفته‌اند و... بنابراین این طب‌های مکمل هیچ‌گونه عارضه جانبی ندارند. در نتیجه ادعای فوق‌الذکر کاملاً بی‌پایه و اساس می‌باشد. اما از طرف دیگر ادعاهای ایشان بخوبی ثابت می‌کند که نامبرده به انجام درمان توسط طب‌های مکمل مورد بحث معترف هستند که در مورد شیطانی بودن یا نبودن و یا آسیب دیدن افراد و... مدعی هستند، زیرا اگر درمانی صورت نگرفته باشد که طرح چنین ادعایی لزومی نخواهد داشت. در مورد ادعای ایشان در مورد دکتر قانعی

نیز که در پاراگراف‌های قبلی پاسخ داده شد.

• در مورد ادعای دیگر ایشان مبنی بر اینکه چرا بعضی از بیماران که مدعی درمان شدن هستند، هنوز دارو مصرف می‌کنند، پاسخ، اولاً اثبات انجام درمان به ادعای بیمار نیست و باید به استناد به مدارک معتبر پزشکی اثبات شود. ثانیاً قطع هر نوع داروی مصرفی بیماران از برنامه‌های بسیار تخصصی است زیرا قطع ناگهانی بسیاری از داروها، می‌تواند عوارض جانبی خطرناکی داشته باشد و باید زیر نظر پزشک معالج بیمار با توجه به مدارک پزشکی او انجام شود و برخی داروها، برای قطع کامل به چندین سال زمان نیاز دارند (برای مثال فنوباربیتال در بیماران مبتلا به صرع)

• مورد دیگری که ایشان در دادگاه مطرح کردند، ادعای شباهت طب‌های مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی با رشته‌هایی مانند ریکی و ساینتولوژی بوده که ضمن رد این ادعا، طب‌های مکمل ایرانی فوق کاملاً مستقل، اصیل و بر مبنای تفکر اسلامی و کاملاً منحصر بفرد بوده که هیچ رشته‌ای با آن قابلیت رقابت ندارد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: ندانستن هیچ شرط و پیش شرطی جهت استفاده چه به‌عنوان درمانگر و چه درمانگیر طبق اصل ۳۴ عرفان حلقه عوامل انسانی، خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توانهای فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت‌های ماورایی ندارند (از جمله در درمانگری و درمانگیری) و همچنین سن، استعداد، سواد، معلومات، نوع تفکرات و اعتقادات و...، ریاضت، ورزش، نوع تغذیه و...، سعی، کوشش، اراده، تقلا و... -تخیل و تصور و تجسم، ذکر و منتر، نماد و سمبل، تلقین و تکرار، تمرکز و...، علم اعداد، موقعیت ستارگان، ماه تولد و... این اصل برای عرفان حلقه جنبه سلبی داشته و امکان آوردن هر بهانه‌ای در قبال عدم موفقیت در بکارگیری شاخه‌های مختلف زیر مجموعه خود، از جمله طب‌های مکمل فوق را از خود سلب نموده است. به عبارت دیگر عرفان حلقه محدودیتی ندارد. بنابراین طب‌های مکمل ایرانی عام و سهل الوصول می‌باشد، محدودیتی در نوع بیماری ندارد، اعم از بیماری‌های جسمی (که سایر رشته‌ها در آن محدودیت دارند)، روانی و ذهنی (که برای اولین در تاریخ طب‌های مکمل اتفاق افتاده است). از موارد عدم محدودیت می‌توان به درمان جنین، اطفال، نازایی (ویژه نامه مربوطه منتشر شده است)، درمان بیماری اعتیاد، درمان بیماری لاعلاج همجنس‌گرایی (برای اولین بار)، بیش‌فعالی، بیماران قطع نخاع و... -گیاه‌درمانی - حیوان‌درمانی - تاثیر بر روی سلول در آزمایشگاه (گزارش علمی آن منتشر شده است) - همه جانبه بودن درمان در یک فرد و در یک زمان و کارایی خیلی بالای طب‌های مکمل ایرانی به عنوان زیر مجموعه‌ای از عرفان اسلامی می‌توانستند در دنیا افتخار بزرگی برای ایران کسب کنند که متأسفانه با غرض‌ورزی و... مضمول مرور زمان گردید. بی‌شک این ضربه مهلک، نقطه سیاهی در تاریخ ایران خواهد بود و گذشت زمان ظلم و ستمی را که بر آن وارد شد، به طور قطع بازگو خواهد کرد (مانند تاریخچه هیپنوتیزم، طب هومیوپاتی و...) و...

• همانطوری که قبلاً توضیح داده شد موسسه اقدام به انتشار گزارش تحقیقات علمی و مدارک پزشکی مربوط به درمان‌هایی که از نظر پزشکی رایج غیر ممکن بوده‌اند از طریق ویژه نامه‌های طب مکمل و دانش پزشکی نمود و حدود بیست شماره ویژه نامه منتشر شده بود که با دستگیری من متوقف گردید، اما در آخرین جلسه دادگاه بدوی سال ۹۰ به هنگام خداحافظی با قاضی محترم، طی بحثی کوتاه متوجه شدم که کارشناسان این مجلات (و سایر کتب و مقالات و...) را در اختیار ایشان نگذاشته‌اند و فقط یک شماره ویژه نامه تحت عنوان اینکه آن را به‌طور قاچاق، بدون مجوز و بدون اجازه مسئولین مجلات فوق به چاپ رسانده ایم، به قاضی محترم تحویل داده اند!!! که موضوع را برای ایشان روشن

نموده و از وکیل خواهش کردم کتب، مجلات، مقالات و... را تهیه و به ایشان تحویل دهند و این کار متعاقبا انجام شد. اما در دادگاه اخیر متوجه شدم کماکان همان شگرد به کار رفته و مجلات کماکان در اختیار نبوده و شبهه چاپ قاچاقی یک شماره از آنها وجود دارد، در ضمن مجلات فقط همین یک شماره می‌باشد و ممکن است از مدیرمسئول این یک شماره مجله نیز نوشته‌ای مبنی بر چنین امری با تهدید، ارباب و طبق شیوه‌های رایج دریافت کرده باشند که لازم است اینجانب جهت پاسخگویی و شفاف سازی در جریان قرار بگیرم.

• با عنایت به توضیحات ارائه شده ضمن تکذیب کلیه اتهامات وارده (افساد فی الارض، توهین به مقدسات و...)، کلیه موارد مطروحه در کیفرخواست را مردود و ساختگی و آنها را صرفا پاپوش می‌دانم و بدین وسیله به برخی موارد در رابطه با دفاع از خود به اطلاع جناب قاضی محترم می‌رساند:

- هر موردی در پرونده اعم از مدارک مختلف، استشهاد، استعلام، عکس و ... که اینجانب از آن بی‌خبر باشم و یا از بابت آن از اینجانب توضیح خواسته‌نشده و یا امکان دفاع داده نشده باشد، معتبر و مورد قبول نخواهد بود.

- اینجانب به جز یک مورد مصاحبه دیکته شده که توضیح داده شده و در دادگاه نیز مطرح گردید و قرار شد از مدارک پرونده خارج و ابطال و صورتجلسه شود (فرمودید در لایحه دفاعی خود بنویسم)، هیچ‌گونه اقرار و اعترافی علیه خود ندارم، هرگونه مدرکی در این مورد (در صورتیکه موجود باشد) قطعاً جعلی است.

- فقط دو الی سه فایل صوتی یک دقیقه‌ای برای من پخش شده که صدا در فایل‌ها شبیه صدای من ولی محتوای آنها بی‌سر و ته، بریده و ناقص و بعضا چند صدای هم مونتاژ شده بوده‌اند که نوشته‌ام غیرمنطقی است و به دلیل بی‌سر و ته بودن آنها را نپذیرفته‌ام و این چند فایل صوتی کوتاه، دلیل برای توهین به مقدسات محسوب شده است، البته در دادگاه بدوی سال ۹۰ هیچ مدرکی ارائه نشده است.

• در دادگاه بدوی سال ۹۰ به اتهام توهین به مقدسات (تمسخر قرآن، توهین به ائمه علیهم السلام و...) ضمن اینکه کذب بوده و مدرکی نیز در دادگاه ارائه نشده است به اشد مجازات پنج سال حبس محکوم نموده‌اند (آن هم در شرایط قرنطینه) و در دقایق پایانی دادگاه بدوی ۹۴، معاون محترم دادستان مجدداً همین موارد را پشت سر هم بدون دادن فرصت برای پاسخگویی قرائت می‌کردند که ضمن رد مجدد هرگونه توهین به مقدسات یادآور می‌شوم که موارد فوق از کیفرخواست یک‌بار به ناحق تعیین محکومیت شده و مجدداً قابل طرح در این دادگاه نمی‌باشد و اتهام تفهیم شده «فساد فی الارض» است نه توهین به مقدسات.

- تهمت اینکه من ادعا کرده‌ام در آیه‌الکرسی، سینه غلط و سنه درست است، کذب محض بوده و ماجرا از این قرار است که در اواخر اردیبهشت ۸۹ یکی از کارشناسان مرا به اتاق بازجویی برده و در کنج اتاق نشاند و چشم بند را از چشمم برداشت و در سمت راست صورتم، دوربین کوچکی قرار داده و به ناگاه ضربه محکمی به پشت سرم وارد کردند و بلافاصله با تندخویی که چرا به نبی اکرم (ص) توهین کرده‌ام، بحثی را در مورد سینه و سنه در آیه‌الکرسی پیش کشیدند که به علت گیج بودن بر اثر ضربه وارده، دقیقاً به خاطر ندارم، چگونه آغاز شد. اما مدتی بعد که مرا به دادسرای دادگاه انقلاب بردند، در آنجا بازپرس کتبا سوال نمود که آیا ادعا کرده‌ام که در آیه‌الکرسی سینه غلط و سنه درست است؟! حال از آنجا که ممکن است در پرونده این موارد کماکان وجود داشته باشد که من از آنها بی‌اطلاع باشم بدین وسیله هرگونه

اتهامی را در این موارد کذب محض بوده و صرفاً توطئه و دسیسه می‌باشند.

- به شکایات اینجانب علیه باز پرس شعبه پنجم دادسرای شهید مقدس (آقای اسدی) و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه با وجود گذشت بیش از سه سال و نیم تا کنون رسیدگی نشده است و کماکان بقوت خود باقی است.

- در طی چندین سال گذشته، کتب و مقالات متعددی به‌عنوان تحقیقات کارشناسی و سند و مدرک نقد و بررسی عرفان حلقه منتشر شده و به دادگاه ارائه گردیده که فقط اجازه پاسخگویی به یک کتاب (افسون حلقه) به اینجانب داده شده که لازم است جزء دفاعیات اینجانب باشد (در دویست صفحه A4 زیرنویس و پنجاه صفحه A4 استنادات قرآنی، نهج البلاغه و ...) و از آنجا که خلع دفاع و جلوگیری از پاسخگویی به تهمت‌ها، افتراها و ... از عدالت به دور و عملی ناجوانمردانه می‌باشد، بنابراین، لازم است ترتیبی اتخاذ تا به همه موارد پاسخ داده و از خود دفاع کنیم (نه اینکه متهم را در قرنطینه نگاه دارند و هر چه خواستند افترا ببندند، هر چند که خداوند فرموده: ... لَوْ شَاءَ رَبِّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ .

فایل نوشتاری که در ادعای مطروحه کذب در کیفرخواست، استفتاء از مراجع محترم تقلید و ... به نام شورای عرفان، کمیته عرفان و یا هر نام دیگری مورد استناد همه جانبه قرار گرفته، به دلیل اینکه اولاً: متعلق به من نبوده و ادعا می‌شود که در بازرسی از منزل یکی از شاگردانم به نام خانم نیرومنش بدست آمده و ایشان نیز در امریکا هستند. این فایل تا کنون به نام‌های جلسه عرفان، کمیته عرفان و شورای عرفان از سوی کارشناسان نامگذاری شده است. ثانیاً، اینجانب ابتدا در جلسه یا محفلی به نام‌های فوق شرکت نداشته‌ام و با ایشان نیز در این زمینه، جلسه‌ای نداشته‌ام، خصوصاً اینکه رشته ایشان عرفان نبوده و نامبرده تحقیقات علمی فیزیک در رابطه با (انرژی، ضد انرژی)، یکی از نظریه‌های علمیه من را که برای اولین بار در فیزیک مطرح شده را مورد بررسی قرار می‌دادند و نه عرفان را که هیچ اطلاعاتی از آن نداشتند. ثالثاً، تا زمانی که این خانم در ایران حضور داشتند و اسیر بودند هیچ صحبتی از این فایل نبود و بعد از مهاجرت ایشان به امریکا، هر مطلبی را که خواستند به این فایل نسبت دادند، از درجه اعتبار خارج و ساختگی می‌باشد. در خاتمه امید است جناب قاضی محترم با عنایت به توضیحات ارائه شده به بی‌گناهی اینجانب واقف شده باشند و اینکه هیچ عملی از روی قصد و غرض خاصی صورت نگرفته و سوء نیتی نیز در کار نبوده است تصمیم خداپسندانه و به دور از جو سازی، دشمنی‌ها، تلافی جویی‌ها و ... اتخاذ تا ان شاء الله به نتیجه‌ای خیر بیانجامد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا (مائده - ۸) ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید همواره برای او قیام کنید و شاهدان به عدل و داد باشید و هرگز دشمنی با گروهی شما را وادار نکنند که عدالت نکنید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا بترسید که خدا به آنچه که انجام می‌دهید آگاه است.

در ضمن جناب قاضی محترم توجه داشته باشند که مدت مدیدی را هم در حبس گذرانیده‌ام که اگر اشتباهی را نیز سهوا مرتکب شده باشم، خیلی بیشتر از میزان آن من و خانواده‌ام دچار سختی و مشقت شده ایم و اینک نیز اینجانب آمادگی خود را جهت هر نوع کمک و همکاری با صلاح‌دید حضرت تعالی در جهت تعطیلی فعالیت عرفان حلقه را اعلام می‌کنم.

و من الله توفیق / با تقدیم احترام

محمدعلی طاهری

لایحه وکیل قبل از صدور حکم سال ۱۳۹۴

ریاست محترم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی ایران

سلام عیلتکم

پرونده موکل آقای محمدعلی طاهری به اتهام افساد فی الارض در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مطرح و ریاست وقت شعبه ۲۶ (آقای پیرعباسی) با نقص گرفتن کیفرخواست و اعاده آن به دادسرا اعلام می‌دارد: "شعاع کار و فعالیت متهم چقدر بوده، از لحاظ جمعیت و جغرافیا و حیطة فعالیت و تاثیرات شریعتی، امکان حمایت سرویس‌های بیگانه..."

دادسرا پس از طی یکسال بررسی اعلام می‌دارد، "رفع بعضی از نقائص اعلامی اگر محال نباشد، در حد خارق عادت است، مثلاً برای حالات روانی ۱۰ نفر از شاگردان محمدعلی طاهری قبل و بعد از تعلیمات وی، امکان وقوع ندارد و... در مورد میزان شعاع فعالیت تا پایان سال ۸۹ در سطح کشور، ۵۰،۰۰۰ نفر دوره‌های فرقه را گذرانیده و به‌عنوان مستر مشغول فعالیت هستند."

ریاست محترم دادگاه مستحضر هستند ماده مورد استناد کیفرخواست ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که مقرر می‌دارد:

"هر کس به‌طور گسترده..... مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد."

و تبصره ماده فوق مقرر می‌دارد:

"هرگاه دادگاه از مجموع..... مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود."

ملاحظه می‌گردد عنصر قانونی جرم مزبور عملیات مادی خاصی است که در قسمت اول ماده آمده است و مرتکب در صورتی مفسد فی الارض تلقی می‌گردد که اقدامات مشخص شده در قسمت اول ماده را انجام داده و این اقدامات موجب اخلاص شدید در نظم عمومی، ناامنی با ورود خسارت عمده به..... یا سبب فساد و فحشا در حد وسیع گردد.

در ارتباط با اقدامات مادی موکل یا عنصر مادی جرم با عنایت به اسناد و مدارک پیوست ملاحظه می‌فرمایند:

۱- موکل فردی تیزهوش بوده که در هر حوزه‌ای ورود پیدا کرده، سرآمد گردیده و موفقیت‌های چشمگیری داشته است، ایشان در سالهای ۵۵ و ۵۶ به‌عنوان نفر اول، اولین و دومین مسابقات علمی سراسری ایران انتخاب و جایزه خود را که شامل حواله بورس تحصیلی خارج از کشور بوده است از نخست وزیران وقت هویدا و آموزگار در کاخ نخست

وزیری دریافت می‌کند ولیکن به‌علت اینکه بعداً متوجه می‌شود که نیروهای امنیتی انتظار دارند هر شش ماه یک‌بار از ایرانیان محل تحصیل خود در خارج از کشور گزارشی ارائه نمایند، از بورس‌های تحصیلی جایزه خود استفاده نمی‌کند و چون به‌طور همزمان از طرف دانشگاه جدیدالتأسیس علوم و فنون نیز به او بورس تحصیلی پیشنهاد می‌شود، آن‌را پذیرفته و وارد این دانشگاه می‌شود. ایشان می‌بایست برای انجام چنین حرکتی در سن جوانی، بعد از انقلاب مورد تفقد قرار می‌گرفت ولی چون موکل این عمل را وظیفه وجدانی خود می‌دانسته، هیچ چشم‌داشتی از این بابت نداشته است. ایشان در جهت تحقق انقلاب، نهایت تلاش و مجاهدت خود را بعمل آورده و از کسانی بوده است که از میدان ژاله سابق در روز ۱۷ شهریور، به‌طرز معجزه‌آسائی جان سالم بدر برده است. بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرح‌هایی را به وزرات دفاع ارائه می‌دهد و مدت یکی دو سال نیز به بهانه‌های مختلف مانند گزینش و اینکه طرح تا عمل فاصله زیادی دارد او را پشت در نگه می‌دارند تا اینکه به‌خاطر علاقه به خودکفایی مملکت، شخصاً طرح‌ها را اجرا و با در دست داشتن نمونه اجرا شده مراجعه و مجدداً با عدم همکاری مواجه می‌شود. سرانجام با یک قبضه تیربار دستی اجرا شده به ملاقات آقای هاشمی رفسنجانی در جماران رفته و ایشان پس از بررسی موضوع با فرمانده وقت جنگ هماهنگی نمودند تا در صنایع جنگ‌افزاسازی، نمونه‌ها آماده و به تایید نیروهای مسلح برسند که این کار انجام می‌شود و پس از چند سال فعالیت موکل در این زمینه از آنجا که تحصیلات او با انقلاب متوقف می‌گردد استعفا داده، جهت ادامه تحصیل به دانشگاه آمریکایی خاورمیانه ترکیه عزیمت و در آنجا طی یک درگیری سیاسی با استاد خود، کمیته انضباطی او را از فارغ‌التحصیلی محروم و ایشان نیز به ایران بازگشته و مشغول به کار آزاد در زمینه ساختمان سازی، ماشین آلات صنعتی، کارخانه آرد، قارچ، خوراک دام و... شد و در ضمن بدنبال فرصتی بوده که به دنبال حل و فصل مشکل تحصیلی و دریافت مدرک خود برود اما به‌علت اشتغال زیاد و دوم نیاز خیلی جدی به آن مقدور نمی‌شود. تا اینکه اوایل سال ۹۰ دانشگاه موافقت خود را در این زمینه اعلام می‌کند که مصادف با حبس دوم ایشان می‌شود.

۲- موکل به علت کنجکاوی و علاقه بیش از حد نسبت به خدا، آفرینش، هدف از خلقت و... در دوران کودکی و طفولیت درگیر جذب شدید باطنی زایدالوصفی گشته که برای ارضای میل درونی خود از نوجوانی و جوانی اقدام به سیر و سلوک انفرادی پنهانی که در دنیای عرفان بسیار معمول و متداول است می‌نماید که در آن به رسیدن به کوی وصل و وصول و بی بردن به ذره‌ای از اسرار خلقت و هستی از خداوند طلب می‌کند، همانگونه که با خواندن ادعیه خیلی از افراد از خداوند درخواست می‌کنند که:

«سَهِّلْ لِي مَنَاهِجَ الْوَصْلَةِ وَالْوُصُولِ..... _ دعای سیفی صغیر»، «اللَّهُمَّ اَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ..... _ مناجات خمسه عشره- مطعین لله» و ... و در اینمورد کلام نورانی قرآن می‌فرماید «وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ _ (هرچه می‌خواهید) از فضل خدا بخواهید (نسا - ۳۲)» و از طریقی دیگر می‌فرماید «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ... و کسانی که دنبال اتصال هستند به آن چیزی که خداوند به وصل آن امر نموده (رعد- ۲۱)، بقره ۲۷ و رعد ۲۵)» و ... که در نتیجه به لطف خداوند که فرموده‌اند «ادعونی استجب لکم»، ایشان را اجابت نموده و ذره‌ای هر چند ناچیز از فضل خود را به ایشان عطا می‌کند «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» و موفق به کشف و شهود که در همه عرفان‌ها از جمله در عرفان اسلامی و در همه طول تاریخ امری کاملاً معمول و پذیرفته شده می‌باشد، می‌گردد. دامنه این کشف و شهود (که ایشان در دفاعیه خود توضیح خواهند داد) بسیار گسترده و شامل انسان، روح، جن، درمان و... بوده و موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روانشناسی و روانپزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. بنابراین با تکیه بر قانون اساسی و

توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر حمایت از آزادی اندیشه و کرسی‌های آزاد اندیشی و نظریه پردازی و در چارچوب قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران اقدام به چاپ کتب با مجوز وزارت ارشاد از طریق چهار ناشر و چاپ مقالات در روزنامه‌ها و ثبت موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه با مجوز وزارت ارشاد و شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری و ثبت دو تشکل مردم نهاد در وزارت کشور و دریافت ایزوهای آموزشی بین‌المللی از آلمان، سوییس و انگلستان نموده و اقدام به معرفی درمان‌های عرفانی (از زیرمجموعه‌های عرفان حلقه) به نام‌های «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی» به جامعه پزشکی و روانپزشکی و انجام آزمایشات علمی تحت کنترل در برخی بیمارستانها از جمله تأثیر بر روی بیماران برونشکتازی کاندید پیوند ریه در بیمارستان مسیح دانشوری، تأثیر بر روی کاهش درد از طریق آزمایش کورتیزول خون در بیمارستان امام خمینی، آزمایش بر روی آسم در دانشگاه شاهد در قالب پایان نامه دکترای و شرکت در سمینار بین‌المللی در مورد بیماری اسکیزوفرنی، تأثیر بر ترک اعتیاد با همکاری موسسه خیریه بهشت یاس پنهان (با مدیریت سردار جورکش، سردار علیپور، سرهنگ جعفری) و ... نتایج حاصله از کلیه آزمایشات علمی فوق، بسیار خارق العاده بوده است و از آنجا که طب‌های عرفانی و مکمل (که صد در صد ایرانی هستند) از هیچ‌گونه دارو و معاینه‌ای استفاده نکرده و تداخل در امر دارو و درمان رایج نمی‌کنند و به‌طور عمده در مورد کسانی استفاده می‌شود که درمان‌های رایج در مورد آنها مؤثر نبوده است و از طرفی دیگر (بر طبق تعریف) وابسته به شعور و رحمت عام الهی می‌باشد و چون فقط خداوند شافی است (نه شیطان) بنابراین در سطحی گسترده، افرادی که از پزشکی رایج نتیجه‌ای نگرفته‌اند با استفاده از طب‌های مکمل ایرانی فوق به نتایج شگفت‌انگیزی رسیدند که موجب استقبال بسیار زیادی از جانب افراد مختلف اعم از پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان و کادرهای درمانی و اقشار مختلف گردید تا با این رشته‌ها آشنا شوند. (گزارش برخی از نتایج حاصله در بیست شماره مجله‌های طب مکمل و دانش پزشکی منتشر گردیده است)، در همین رابطه با آموزش‌های آزاد دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان نیز تفاهم‌نامه‌های همکاری بین مراکز دانشگاهی فوق‌الذکر و موسسه منعقد و دوره‌های آموزشی برگزار شده و گواهی نامه‌های مربوطه نیز صادر می‌گردد و در سمینارهای مختلف شرکت و نتایج حاصله از تحقیقات و آزمایشات ارائه می‌شود و همچنین با وزارت بهداشت وارد مذاکراتی جهت انجام آزمایشات علمی بر روی آسم شده تا تحت کنترل آنها نتایج مورد بررسی قرار بگیرد که با دستگیری موکل ابتر باقی می‌ماند.

۳- موکل همچنین در عرصه جهانی ضمن ارائه عرفان حلقه در کشورهای مختلف و گسترش آن از طریق مربی‌های این رشته در عرصه مسابقات علمی بین‌المللی نیز فعالیت چشمگیری داشته و با کسب رتبه‌های نخست مسابقات موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده (دو دکترای افتخاری را نیز با ارائه تز دریافت نموده (بنابراین ایشان جمعاً ۹ دکترای افتخاری دریافت نموده‌اند) همچنین با کسب ۴ مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی آفیسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپ‌ها، لوح‌های ویژه و ...

۴- موکل، در تمام مدت فعالیت خود تلاش نموده تا در چارچوب قانون حرکت کرده و تمام فعالیت‌های او علنی باشد و ثبت نام افراد نیز در موسسه فرهنگی هنری عرفان حلقه، قانونی و با پرداخت شهریه، دادن عکس و فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و پر کردن فرم ثبت نام بوده که طبیعتاً بر چنین روندی از فعالیت، نام «فرقه» نمی‌توان گذارد. تمام کلاس‌های موسسه، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران و دانشگاه طب سنتی ارمنستان فیلمبرداری و موضوعات آن مشخص و معین بوده و هیچ‌گونه روند خلاف شئون اسلامی و مصالح نظام در فعالیت‌های او مشاهده نمی‌شود و ...

با عنایت به مطالب فوق ملاحظه می‌فرمایید اقدام موکل در ارتباط با طرح موضوع عرفان کیهانی حلقه مبتنی بر قانون بوده و در چارچوب فعالیت‌های علنی، مسالمت آمیز و غیر سیاسی صورت گرفته است و با این نحوه عمل، مرتکب جنایتی علیه تمامیت جسمانی افراد یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور یا نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور و ... نگردیده و اعمال وی موجب اختلال در نظم عمومی نشده و ناامنی ایجاد نکرده و خسارتی نیز به کسی وارد نکرده و فساد را نیز موجب نگردیده است و با اقداماتی که در چارچوب قانون به صورت علنی انجام داده، قطعاً قصد اختلال در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی و ایراد خسارات یا اشاعه فحشا و فساد نداشته و با عنایت به تمایل ایشان مبنی بر قانونی بودن کلیه اقدامات وی، احراز چنین قصدی ممتنع است و عمل موکل، عنوان مجرمانه دیگری هم ندارد. لذا با استناد به متن و تبصره ماده ۲۸۶ عمل مادی موکل به هیچ وجه منطبق بر متن قانون نبوده و از طرفی دلیلی بر قصد موکل مبنی بر اختلال، وجود ندارد.

۵- مرکز پژوهش‌های مجلس و وزارت اطلاعات و ... اقدام به انجام مطالعه علمی-اجتماعی تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئول انجام این پروژه به‌عهده یکی از افسران متدین عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته و در جلسه‌ای با حضور آقایان دکتر پورازقندی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، دکتر حداد عادل رییس کمیسیون فرهنگی مجلس، دکتر صفار هرنندی مشاور عالی سپاه و وزیر سابق وزارت ارشاد، حاج آقا دین‌پرور مشاور مقام معظم رهبری، پروفسور مولانا مشاور وزیر جمهور سابق، سردار سرتیپ نجات رییس شورا در امنیت کشور، دکتر بروجرودی رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس، دکتر سرهنگ بیات جلالی معاون امنیت پلیس تهران و امنیت ناجا و سروان طباطبائی برگزار گردید. هدف جلسه، بررسی کارشناسی و منطقی، فلسفی، سیاسی و امنیتی عرفان حلقه با حضور اساتید برجسته دانشگاهی، مذهبی، سیاسی و امنیتی کشور به جهت ارائه یک راهکار مناسب جهت حل بدون تنش فعالیت‌های عرفان حلقه و چگونگی برخورد با عرفان‌های کاذب و ارائه راه حل مناسب به جهت انجام وظیفه پلیس اطلاعات و دستگاه امنیتی با حداقل هزینه‌ها، جلوگیری از هرز رفتن نیروی پلیس در برخورد با عرفان‌ها و نحوه جلوگیری از تحریکات آتی عرفان‌ها پس از تعطیلی کلاسها و چگونگی آماده ساختن جوانها پس از تأیید و یا رد این عرفان و سایر عرفان‌های دیگر توسط رسانه ملی و پلیس، بازخوردهای داخلی، امنیتی، سیاسی و بین‌المللی پس از برخورد با طرفداران عرفان حلقه و سایر عرفان‌ها و تنش‌های حاصله.

در این بررسی آمده است: آقای محمدعلی طاهری به نظام و انقلاب و ولایت فقیه معتقد و نسبت به آنها متعهد است. مشارالیه دیدگاه‌های خود را با آیت الله العظمی مفتی شیعه و آیت الله دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و اساتید بسیار دیگری مطرح کرده و مشارالیه‌ها هیچ‌گونه انحرافی را گوشزد و هیچ‌گونه انحرافی را مشاهده نکرده‌اند و مناظره علمی هم در دانشگاه شهید بهشتی با حجت الاسلام دکتر عابدینی داشته است وی ائمه علیه السلام را علائم الطریق و آنها را بهترین دعوت کننده به پیام آسمانی "لا اله الا الله" میدانند. وی فلسفه حجاب را پرهیز از خودنمایی دانسته و انسان بدون شریعت را انسانی سرگشته، بی‌هدف و در کثرت میدانند و روح عبادت را مهمتر از ظاهر آن می‌داند. طلسم را نوعی تشعشع شعوری منفی تلقی نموده که راه خلاصی از آن استمداد از رحمت الهی است و جن را موجودات غیرارگانیک و نامرئی می‌داند که می‌توانند در ذهن انسان نفوذ کنند که باید از شر آن با توسل به خداوند خلاص شد و مداخله این موجود در مدیریت ذهن انسان می‌تواند عامل بیماری‌های ذهنی باشد (الذی یوسوس فی صُدُورِ النَّاسِ ۵ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ ۶ ناس).

و امام زمان (عج) را منجی عهد آخر می‌داند که ظهور می‌فرمایند تا آخرین ناگفته‌ها و اسرار الهی را برای بشر مطرح

و بشریت را از جهل و گمراهی و جنگ و ستیز و ... نجات دهد.

همچنین بر اساس این تحقیق، اصول عرفان کیهانی (حلقه) عبارت است از:

الف- اصل لا اله الا الله

ب- اصل لا حول ولا قوه الا بالله

ج- اصل اياك نعبد و اياك نستعين، فاستقيموا اليه و اجتناب از من دون الله

د- تسليم در برابر خدا

ه- امامان عليهم السلام علائم طريق هستند که از پیام الهی رمزگشایی می کنند

و در نهایت این تحقیق اشاره دارد به اینکه مافیای دارو، مافیای مواد مخدر، جریان‌های فکری وارداتی، جریان‌های مخالف نظام (که مایلند جمعیتی غیر سیاسی به جریانی سیاسی مخالف تبدیل شوند) از دشمنان، تهدید و تحریک کننده‌های عرفان حلقه هستند و عرفان حلقه در این تحقیق جریانی غیرسیاسی و بی‌خطر ارزیابی شده است.

در خاتمه، با توجه به اینکه تمام اقدامات موکل، تمایل ایشان را برای حرکت در چارچوب دین مبین اسلام و قانون و بدون هرگونه موضع‌گیری سیاسی، امنیتی مخالف نظام و به‌صورتی کاملاً مسالمت‌آمیز، را به اثبات می‌رساند، لذا اتهام "فرقه" بودن کاملاً منتفی بوده و در مورد اتهام انتشار افکار موهوم نیز با عنایت به اینکه ایشان در جلسه دادرسی و برگه‌های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه علیهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده (طبق فتوای آیت الله سیستانی مورخ ۹۲/۱۱/۲۶ هر کس شهادتین بگوید صرف نظر از هرگونه انحراف احتمالی مسلمان است و ...)، اما در مورد ادعای اهانت و تمسخر مقدسات (ضمن اینکه جزء اتهامات این دادگاه نبوده، یک‌بار دیگر در دادگاه بدوی سال ۹۰ بدون ارائه دلیل و مدرک معتبر و بدون اینکه موکل آن‌را پذیرفته باشد و اتهام، مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد) قبلاً برای ایشان حکم صادر و به موجب آن به اشد مجازات پنج سال تحمل حبس (و در اشد سختی وضعیت و ...) محکوم شده است و اکنون نیز مجدداً در مورد "اتهام افساد فی الارض" همان موارد مدنظر قرار گرفته شده بدون بحث و بررسی و ارائه مدرک در دادگاه در حالی که یک‌بار از بابت آن تحمل حبس نموده، لذا این گونه موارد دیگر بلا اثر می‌باشد. اما به‌طور کلی در همه موارد تا آنجا که دادگاه به ایشان فرصت داده، پاسخ محکم، صریح و روشن ارائه داده که شائبه هرگونه انحراف و ... را قویاً رد می‌کنند. معذالک اگر هرگونه شبهه‌ای برای قاضی محترم در هر موردی وجود دارد موکل در وهله اول، آماده شفاف‌سازی برای دادگاه و در وهله بعد در پیشگاه خداوند در قبال هرگونه اشتباه و قصوری توبه نموده و سوگند یاد می‌کند هیچ‌گونه قصد و غرضی نداشته و تا حد امکان در چارچوب قانون و با اخذ مجوز و به‌صورت علنی فعالیت نموده و به همین دلیل فاقد مسئولیت کیفری بوده و ادعای وی باید به استناد موارد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده و الا با استناد ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی توبه ایشان قبل از صدور رای پذیرفته و وی از مجازات معاف گردد.

تأکیدات مکتوب استاد محمدعلی طاهری خطاب به وکیل خود در رابطه با سیر دادرسی

* منابع معتبر و قابل استناد در دادگاه که اینجانب آنها را قبول دارم: کتب قانونی منتشر شده (انسان از منظری

دیگر - عرفان کیهانی حلقه - بینش انسان)، حدود هفتاد مقاله چاپ شده در روزنامه ها، بیست شماره مجلات طب مکمل و دانش پزشکی - چندین شماره ویژه نامه عرفان حلقه - جوابیه کتاب "افسون حلقه" که در نقد و بررسی عرفان حلقه نوشته شده و جزو کتابهایی است که بر علیه من به دادگاه ارائه شده است (این جوابیه در دویست صفحه A4 ریزنویس می باشد و برای ارائه به وکیل جهت ارائه به دادگاه به آقای رحیمی دادم ولیکن ایشان جوابیه را ضبط و به وکیل تحویل ندادند به اضافه پنجاه صفحه A4 استنادات قرآن، نهج البلاغه و ...)

فیلم های کلاسهای موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان، سمینارها، سخنرانی ها و ... بشرطی که بریده و ناقص و مونتاژ شده نباشند. بنابراین سایر منابع بریده بریده و مونتاژ شده صوتی و فایل نوشتاری که همه استنادات کیفرخواست بر اساس آن است و ادعا می شود که در بازرسی از دفتر کار و محل زندگی خانم شهناز نیرومنش بدست آمده و نام این فایل را «کمیته عرفان»، «شورای عرفان»، «جلسه عرفان» و ... نامیده اند (که در ادامه راجع به آن توضیحات بیشتری تقدیم می گردد)، استشهادات احتمالی از افراد، همچنین شکایات احتمالی که در دادگاه مطرح نشده و من با افراد روبرو نشده ام، از درجه اعتبار ساقط هستند. در ضمن هر مدرکی اعم از استشهاد، استعلام و ... که در مورد آن از اینجانب توضیح و جوابی نخواستہ باشند و هر سوال بی پاسخی که به علت کمبود وقت و یا عدم طرح در دادگاه مورد قبول اینجانب نیست به اضافه فیلم مصاحبه تیرماه ۹۰ که در شرایط خاص که در دادگاه توضیح دادم از وجاهت قانونی برخوردار نبوده و باطل است.

* توضیح در مورد فایل نوشتاری که کارشناسان ادعا می کنند از کامپیوتر یکی از شاگردانم به نام خانم شهناز نیرومنش بدست آورده اند: در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ همزمان با دستگیری من، به دفتر کار و محل زندگی ایشان رفته و در غیاب نامبرده، قفل ها را شکسته و وارد شده و کلیه اسناد و مدارک تحصیلی، ملکی و ... اموال متفرقه را ضبط نموده اند و مدعی میشوند که این فایل نوشتاری را از روی کامپیوتر ایشان برداشته اند. اما موضوع اینجاست تا زمانیکه این خانم تا چندین ماه بعد در ایران حضور داشته و در اختیار آنها بوده است هیچ صحبتی در خصوص مشکل دار بودن این فایل، نه از ایشان و نه از بنده نشده، اما به محض اینکه این خانم به آمریکا مهاجرت و در آنجا اقدام به تبلیغ علیه کارشناسان نمود و کارشناسان نیز مطمئن شدند که دیگر به ایران باز نخواهد گشت، اقدام به نامگذاری فایل به نام شورای عرفان و ... نموده و محتویات آن را تغییر می دهند که البته حدس میزنم چون این فایل به من نشان داده نشده و آنرا نیز نخوانده ام فقط می دانم طبق ادعای معاون محترم دادستان مدرک کیفرخواست، استفتاء از مراجع محترم تقلید به این جزوه بوده است (آخرین جلسه دادگاه ۹۴). لازم به ذکر است که در مورد این فایل در خلال چند سال گذشته هیچ سوالی از من نشده است. لازم به ذکر است که پس از آزاد شدن در تیر ماه ۸۹ متوجه شدم که خانم نیرومنش بدنال پس گرفتن اسناد و مدارک ملکی، تحصیلی و ... خود هستند و هرچقدر تلاش کرده اند، موفق به استرداد آنها نشده است. حتی یکبار هم من وساطت کردم و به اتفاق به یکی از ساختمان های کارشناسان رفتیم، اما وساطت من نیز فایده ای نداشت و ایشان تا مدت های مدید پیگیر این موضوع بودند تا سرانجام چند ماه بعد، قید همه زندگی خود را زده و به ترکیه نزد پسر دانشجوی خود رفته و از آنجا به آمریکا مهاجرت می کنند و گویا در آنجا اقدام به تلافی جویی اذیت و آزارهایی که متحمل شده اند، کرده و شروع به تبلیغ علیه کارشناسان نموده و ... و در اینجا نیز کارشناسان اقدام به تغییر نام و محتویات این فایل و سوء استفاده از آن در کیفرخواست و ... می نمایند.

حکم دادگاه سال ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به تاریخ ۹۴/۳/۲۵ در وقت فوق العاده شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به تصدی امضا کننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه ۱۸۵۹۳/۹۰/ط د اتهامی محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا تحت نظر است باتوجه به تحقیقات بعمل آمده و استماع مدافعات متهم و وکلای مدافع و اخذ آخرین دفاع و لایحه متهم و وکلای مدافع ضمن اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء حکم می نماید.

رای دادگاه

حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب تهران ناحیه ۳۳ شهید مقدس آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا به شماره شناسنامه ۳۱۱۹۱ متولد صادره از کرمانشاه، متاهل و فاقد سابقه کیفری، بازداشت تحت قرار بازداشت موقت باوکالت خانم زینب طاهری و آقای علیزاده طباطبائی متهم است به: افساد فی الارض

مقدمه:

ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذرو الذین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعلمون (برای خداوند نام‌های نیک است خدا را به آن نام بخوانید و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند و بر غیر او می نهند و شریک برایش قائل می شود رها سازید آن‌ها به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند می بینند) سوره اعراف آیه ۱۸۰

واژه عرفان در لغت به معنای شناخت شیء است و چون انسان از روی فکر و اندیشه و تدبر در آثار خداوند می تواند به شناخت نسبی از او برسد واژه عرف درباره او به کار برده می شود این کلمه و مشتقات آن در قرآن کریم همواره به معنای شناخت شیء به کار رفته است در قرآن کریم سوره نحل آیه ۸۳ آمده است «یعرفون نعمت اله ثم ینکرونها» یعنی «نعمت خدا را می شناسند اما باز هم منکر آن می شوند» عرفان در اصطلاح نوعی شناخت و معرفت مستقیم

فراحسی و فرا عقلی را در برمی‌گیرد و با رفع موانع و کشف حجب قلب با نوعی سلوک یا جذب میسر می‌شود. در متون ادبیات عرفان عبارت است از طریقه معرفت در نزد آن دسته از صاحب نظران که بر خلاف اصل برهان در کشف حقیقت بر ذوق و اشراق بیشتر اعتماد دارند تا بر عقل و استدلال. لذا عرفان مجموعه‌ای از تعالیم و آموزه‌های معنوی است که در همه ادیان وجود دارد عارف هم به کسی می‌گویند که خدا را با قلب و روح درک کرده باشد و مرتبه فرد فرد نیز به شدت و ضعف شناخت شهودی و ادراک قلبی او نسبت به باز می‌گردد. اصیل ترین عرفان، عرفان اسلامی است که جز در فرهنگ اسلامی یافت نمی‌شود.

عرفان شیعه از سه مقوله معرفت، عشق به حق، عمل و حرکت تشکیل شده و بصورت ترکیبی قابل تصور می‌باشد به عبارت دیگر اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی، تخلق به اخلاق حسنه و عمل براساس فقه اهل بیت که جز این سه مرحله ضاله و گمراهی است هر چند به ظاهر هم رنگ دینی داشته باشد. راه‌های رسیدن به عرفان اصیل رعایت طهارت نفس و معرفت و قدم در راه پیامبر و جانشینان او خواهد بود الگو برداری از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بهترین و نزدیک ترین راه رسیدن به عرفان الهی خواهد بود. در طول تاریخ همواره در مقابل عمل مثبت و خوب، اعمال قبیح و خلاف آن نیز وجود داشته و دارد. هر از چندگاهی در جوامع مختلف مخصوصاً در حکومت دینی و اسلامی، افکاری به وجود می‌آید که خلاف آموزه‌های مکتسبه می‌باشد و نوعی بدعت و تحریف مذاهب و تاریخ و اغفال مردم است و در صورت عدم برخورد و بسط گسترش آن، زوال آن در پی خواهد داشت لذا در جوامع جهانی پدیده‌های انحرافی در حال رواج و گسترش می‌باشد جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد فرقه‌های مختلفی ظهور کردند که تاثیر آن در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، دینی قابل ملاحظه می‌باشد این گونه انحرافات می‌تواند از عامل درونی و بیرونی متاثر باشد. متأسفانه بیشتر انحراف، محصول و سوغات مخرب فرهنگ غرب بوده و برای آن نقشه ترسیم کردند. متهم پرونده حاضر با تاسیس فرقه تحت عنوان عرفان کیهانی توانسته مقدمات سوء استفاده از مدعوین را فراهم نماید. البته فرقه تالیسی متهم با سایر گروه‌های معمولی تفاوت دارد. تفاوت اصلی آنها در کثرت و تعدد اعضاء و مرز جغرافیایی و انگیزه و اهداف خاص از قبیل قدرت و شهرت طلبی می‌باشد. فرقه، هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کند و ممکن است در طول زمان تغییر یابد. تشخیص فرقه با گروه‌های معمولی کار ساده‌ای نیست. مجموع عملکرد آن‌ها فصل الخطاب خواهد بود. هدف کلیه فرقه‌های نوظهور ایجاد گمراهی و تشکیک در اعتقادات و اختلاف و تفرقه است.

القاء رسانه‌های غربی بر بسته بودن فضای دینی در ایران و ارائه محدودیت‌های تصنعی برای شیعه و تصاویر تبلیغی از فضای داخل علی‌الخصوص ماهواره و اینترنت و فضای مجازی موجب گرایش کثیری به فرقه شده است. لذا صاحبان فرقه با شناخت از بستر مناسب به دنبال جذب کسانی بودند که خودشان را در صف گروه ضاله می‌دیدند افراد ساده لوح و زود باور به راحتی جذب شدند و دیگران را نیز ترغیب و تشویق کردند روز به روز بر تعداد آن‌ها اضافه شد تا در گستره جغرافیایی تاثیر گذار شوند. طرح مسائل درمانی از قبیل ناراحتی جسم و روح که عامه مردم دارای چنین مشکلاتی هستند در کنار بحث روانی و درحاشیه آن افکار انحرافی و مضله توسط متهم ترویج پیدا کرد.

برگزاری جلسات با حضور انبوه افراد توسط این فرقه نمی‌تواند مصداق روشنی از عرفان را ارائه نماید. در گستره جغرافیایی این فرقه از هر قشر و شغلی، اعم از پزشک و مهندس و خانه دار حضور داشتند. در فرقه حاضر که موسس آن طاهری می‌باشد تاکید شده که استفاده از شبکه شعور کیهانی، تنها راه رسیدن به عرفان است. بدو ورود افراد به کلاس

عرفان کیهانی با فرادرمانی مطرح شده و این از ویژگی‌های آشکار جذب افراد به فرقه طاهری تلقی می‌شود.

بیوگرافی رهبر فرقه

محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا در سال ۱۳۳۵ در کرمانشاه از پدر و و مادر مسلمان متولد شده و دارای همسر و دو فرزند و فعلاً ساکن تهران می‌باشد. در اواخر دهه چهل پس از گذراندن دوره ابتدایی به همراه خانواده به تهران عزیمت می‌نماید. پدرش به کار خدماتی در بدو امر اشتغال داشته است. طاهری در درس موفق نبوده و کارهای که انجام می‌داده با شکست مواجه می‌شده و این باعث انتقاد خانواده به عملکرد متهم می‌شد. لذا طاهری تلاش می‌نماید توانایی خود را به اثبات برساند. ظاهراً به کارهای فنی علاقه مند بود و در دوران جوانی و نوجوانی به ساخت ماکت هواپیما در بین دوستان معروف بود. لذا بیشتر وقت خود را صرف درست کردن کاردستی و مدل سازی هواپیماها می‌کرد. موفقیت‌هایی نیز در این مسیر کسب کرد. پیش از انقلاب اسلامی به لحاظ شرکت در نمایشگاه ابداعات و اختراعات جوانان مورد توجه ساواک قرار می‌گیرد و از نخست وزیر اسبق (هویدا) جایزه دریافت می‌نماید. لیکن با این همه در زمینه تحصیل موفق نبوده و در حال حاضر دیپلم ریاضی دارد پس از آغاز جنگ تحمیلی به صنایع دفاع معرفی می‌شود. تا طرح خود را در زمینه ساخت سلاح سبک ارائه نماید. حضور وی در صنایع دفاع بصورت موقت و روزمرد بوده و چون موفقیتی کسب نمی‌کند مورد تسویه قرار می‌گیرد. با توجه به شکست در زمینه تحصیل و شغل، به کشورهای خارجی سفر می‌کند. به کشور ژاپن عزیمت، ولی به دلایلی از جمله بالا بودن مخارج و فراگیر بودن زبان ژاپنی مجدداً به کشور بعد یکسال برمی‌گردد و به کشور ترکیه جهت تحصیل در دانشگاه می‌رود. وی مدعی است در کشور ترکیه در دانشگاه ارتادو تحصیل کرده. ولی دانشگاهی با این نام وجود نداشته. بلکه دانشگاهی با نام ارتادوگو وجود دارد. با این وصف نام متهم در آن دانشگاه ثبت نشده و متهم مدرکی دال بر این تحصیل در آن دانشگاه ارائه نکرده است. به گفته متهم پس از سه سال یعنی قبل از پایان یک دوره کارشناسی، به دلیل درگیری با اساتید و مسئولین دانشگاه، به کشور برگشته است. با وجود نداشتن سطح عالی تحصیلات، مدارک دکترای افتخاری جزو کارنامه وی محسوب می‌شود. هر چند اعطاء دکترای افتخاری بر پایه رابطه اعطاء می‌شود، لیکن ارزش علمی ندارد. وی دارای مدرک افتخاری دکترای از دانشگاه طب سنتی ارمنستان در سال ۲۰۱۰ میلادی و دریافت دکترای افتخاری از آکادمی بین‌المللی کشور آذربایجان در دو رشته طب مکمل و عرفان می‌باشد. اعطاء مدال طلا و جایزه ویژه و کاپ از اداره ثبت اختراعات و نوآوری‌های پژوهشی فدراسیون روسیه به طاهری، به لحاظ بنیان‌گذاری طب‌های مکمل (فرادرمانی و سایمنتولوژی) از دیگر ادعاهای متهم است.

نحوه شکل‌گیری فرقه و جذب مخاطب

محمدعلی طاهری در سال ۱۳۸۵ موسسه فرهنگی هنری خود را با نام عرفان کیهانی از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک به ثبت رسانده و از عنوان سازمان مردم‌نهاد کسب اعتبار نموده و مجوز برای فردی به نام سمیه رفیعی بصیری ثبت و صادر می‌شود. ولی چون موسسه بدون مجوز اقدام به راه اندازی شعبه نموده بود و طاهری خارج از رده سنی جوانان محسوب شده، در سال ۸۶ مجوز ابطال می‌گردد. فرقه برای اعضاء خویش این اهداف را تعریف کرده: رهایی از

گرفتاری در خویشتن، شناخت گنج درون و رسیدن به دانش کمال، شناسایی و آشنایی عملی با هوشمندی و شعور الهی، خدمت به خلق و آشنایی با عبادت عملی. متهم از دهه هفتاد اقدام به برگزاری کلاس‌های محدود در بین اعضاء خانواده و دوستان و آشنایان می‌کند. این کلاس‌ها را با عنوان (تله انرژی پاتی) تشکیل داده و اتصالاتی که بعداً به فرادرمانی و اتصال به روح القدس و شعور کیهانی مرتبط می‌شد، در این کلاسها با عنوان تمرکز و انرژی معرفی می‌نماید. در دهه هشتاد، طاهری با آشنایی با یکی از پزشکان که در دانشگاه تهران سمت مدیریتی داشت با کمک وی به دانشگاه تهران ورود می‌نماید. مساعدت رئیس دانشگاه بیشتر در اجاره سالن دانشگاه برای مدعوین بوده است. دانشجویان پزشکی که به دنبال راهی برای رضایت خاطر بیشتر بیماران و مراجعین بودند از کلاس‌های طاهری استقبال کردند و با برگزاری چند دوره فرادرمانی در دانشگاه، متهم عنوان دکتر یا مهندس را به یدک کشید. پس از برگزاری چند دوره با پرداخت مبلغ ناچیز مدرک جعلی با آرم دانشگاه، برای مدعوین صادر می‌گردید. مجوزی جهت صدور این گونه کارت از سوی مرجع ذیربط ملاحظه نگردید. درس‌های فرادرمانی و عرفان حلقه بدون تشریفات خاص بوده و چون برای حضور افراد در کلاس جز پرداخت پنجاه هزار تومان پول و تصویر شناسنامه و عکس، محدودیتی نبود تعداد شرکت کنندگان در هر دوره بیشتر از دوره قبل می‌گردد. به مرور زمان و مطرح شدن طاهری در بین شخصیت‌های علمی و بزرگ نمایی او و فرادرمانی که ادعایش بود از طریق این شخصیت‌ها به مراتب بالاتر معرفی شد و با فریب افراد شاخص و جلب حمایت آنان، شروع به ایجاد تشکیلات و سازمانی کرد تا بتواند این درس‌ها را در سطح گسترده‌ای ارائه دهد. در این برهه، افراد سودجو که دنبال کسب درآمد بودند، در کنار طاهری قرار گرفتند و با قرار دادن امکانات در اختیار طاهری، وی را یاری کردند. چون این دروس موهوم بود و به روش علمی قابل اثبات نبوده و یک مکتب التقاطی از انواع و اقسام عرفان‌ها و تفکرات انحرافی ارائه می‌کرد از هیچ مرجع سازمانی موفق به کسب مجوز قانونی نشده است. بیشترین گسترش حلقه و جذب افراد بین سال‌های ۸۶ تا ۸۸ می‌باشد. افرادی که در اطراف طاهری بودند و حلقه اولیه فرقه را تشکیل می‌دادند، چند دسته بودند. برخی شهرت طلب بودند و با وجود مراتب علمی بالا و بدون تحقیق و صرفاً با تعریف و تمجید طاهری در دام این فرقه افتادند. ورود این افراد به حلقه، عده بسیاری را به دنبال خود وارد کرد. هر چند با دستگیری طاهری اعلام براءت کردند. برخی نیز کسانی بودند که به ثروت اهمیت می‌دادند. افرادی که بدون در نظر گرفتن منبع درآمد و پیامدهای ناصحیح مسیر، در خدمت فرقه درآمدند. این افراد سرمایه و امکانات اولیه در اختیار طاهری قرار دادند و درآمدهای تصاعدی برای جیب خود و طاهری کسب کردند. متأسفانه برگزاری کلاس‌ها در مکان‌هایی مانند دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی ایران و همایش در فرهنگ‌سراهای تهران موجب جذب بیشتر افراد به حلقه شده است. از دلایل عمده گرایش افراد به کلاس‌های حلقه، وعده درمانی است. تبلیغات برای جذب افراد به طور گسترده‌ای با امیدوار نمودن افراد برای درمان صورت گرفته است. در سایر فرقه‌های شرقی مثل یوگا و غیره بحث درمان مطرح شده است. اما در این حلقه به گونه‌ای خاص و براساس عرفان و مذهب مطرح می‌شد. از افراد بیمار و درمانده از علوم روز پزشکی گرفته تا افرادی که علاقه به درمانگری دارند، در این کلاس‌ها شرکت داشتند. مواردی هم مردم به دنبال راه‌های معنوی برای رهایی از تضاد درونی و درصدد پاسخ به نظرات خداجویی یا معنویت جوی خود هستند. آن‌ها در این مسیر به جای آن‌که به آب برسند، سرابی می‌یابند که پاسخگوی آنان نیست. ورود افرادی سرشناس و صاحب نام در حلقه و ارائه طرح‌های به اصطلاح علمی و جعل واژه‌های تخصصی از سوی آن‌ها، فرقه را به تکامل می‌برد. حضور افراد موجه در حلقه و تایید عملکرد طاهری، با تالیف مقدمه و تنظیم جایگاه عرفان کیهانی در عرفان اسلامی و تطبیق آن با آیات

قرآن باعث می‌شود افراد بیشتری جذب فرقه شوند و بهانه حضور خود را، تأیید افراد موجه مطرح نمایند. طاهری که با حلقه‌های پیرامون را گرفته بود به تشکیل کمیته‌هایی با عنوان کمیته عرفان، کمیته قرآن پژوهی، دین پژوهی، پزشکی و رسانه پرداخت. تشویق و تحسین افراد ذی نفوذ و صاحب منصب باعث شد طاهری با غروری موهوم، افاضات و کمالات خود را به معرض نمایش عموم بگذارد و با تبلیغات وسیعی که برایش می‌کردند افراد بیشتری جذب حلقه می‌شدند. عده‌ای از هنرمندان و بازیگران، با حضور در حلقه و ساخت فیلم‌ها و کلیپ‌هایی به نفع حلقه تبلیغ نمودند و به مرور زمان باعث رشد مضاعف حلقه می‌شوند. در این فرقه هر فرد تنها با گذراندن یک دوره ۶ جلسه‌ای در دوره فرادرمانی می‌تواند درمانگر تلقی شود. اولین دوره کلاس ده ترم شامل هشت ترم درسنامه و یک ترم تشعشع دفاعی و یک ترم سایمنتولوژی می‌باشد. پس از گذراندن ترم پنجم و دوره تشعشع دفاعی می‌تواند عنوان مستر را دریافت و خود به تعلیم آموزه‌های فرقه بپردازد. فرقه‌ای که با گذراندن ۵ دوره به شرکت‌کنندگان مدرک مربیگری می‌داد رشد قارچ‌گونه و غیرقانونی را به دنبال داشت مریبان و به اصطلاح حلقه مستر بدون دریافت مجوز و بدون ممانعت از سوی مسئولین، به تشکیل کلاس در منازل و یا دفتر خود یا در مکان عمومی می‌پرداختند و هریک از مسترها برای هر دوره ۶ جلسه‌ای، مبلغ ۵۰ هزار تومان از افراد دریافت می‌کردند و درصدی از آن را به عنوان کمیسیون به دفتر طاهری می‌دادند. سرکرده حلقه و فرقه عرفان کیهانی در جهت گسترش افکار و عقاید خود، فعالیت‌های گسترده‌ای طراحی نموده است. متهم جهت معرفی خود به جامعه و در جهت پذیرش از سوی اقشار جامعه، به چاپ و نشر کتاب‌های متعددی پرداخته است. این کتاب‌ها به عنوان اساسنامه، افکار فرقه را تبیین می‌کنند. اولین کتاب فرقه در سال ۸۵ در کشور به چاپ می‌رسد. مسترهای فعال حلقه، بدون مجوز و خلاف قانون و مقررات کشور به نشر و توزیع کتب اقدام نمودند و در واقع به جای تالیف کتاب به روش علمی، به نوعی کتاب‌سازی مبادرت کردند و اهداف آن‌ها نیز کسب درآمد و منافع مالی بوده است. کتاب‌هایی از جمله عرفان کیهانی، اساسنامه فرقه، انسان از منظری دیگر، موجودات غیرارگانیک، بر مبنای الهامات آقای طاهری تالیف شده و کتاب‌های مثل (انسان و معرفت، چندمقاله، سایمنتولوژی، فرادرمانی، بینش انسان، مدیریت کل‌گر و غیره) بر مبنای کتاب‌های قبلی، توسط مریبان حلقه اول فرقه با محتوای تکراری و تقلیدی و با اضافه کردن توضیح مختصر و کشیدن نمودار و تصاویر و بدون اشاره به منابع و ماخذ و بدون مجوز از وزارت ارشاد، تهیه و توزیع شده است. البته مقالات و جزوات در فضای منتشر شده و در سایت‌ها و صفحات فیس بوک با عنوان مختلف به تبلیغ این فرقه پرداخته شده است.

اصطلاحات مهم و مفاهیم فرقه

طاهری در حلقه و عرفان جدید از واژه‌هایی اقتباس نموده که با هویت و معنای جدید و خاص حلقه را به گیرندگان مورد نظر انتقال می‌نماید. این واژه‌های کلیدی در کتاب‌های طاهری به صورت تکرار آمده است و از مفاهیم ابداعی خود نیز توانسته افراد بی‌شماری را جذب نماید. کلماتی چون شبکه شعور کیهانی، اتصال، فرادرمانی و تشعشع دفاعی، از جمله عناوین و واژگان مهم این شبکه به شمار می‌رود که به طور اختصار به معنای آنها می‌پردازیم.

الف: شعور کیهانی

مهم ترین عاملی که در حلقه کیهانی مطرح شده و تقریباً همه مباحث به نوعی با آن مرتبط می‌شود شبکه شعور کیهانی است برای درک مفهوم شعور کیهانی و ارتباط و انتساب آن با خداوند لازم است کتب فرقه و نکات موجود در آن‌ها بررسی شود. شعور کیهانی در حلقه وقتی بروز می‌نماید که بر اساس آن مکتب، تمامی سلوک معنوی در انحصار اتصال به این شبکه قرار می‌گیرد. متهم معتقد است جهت بهره برداری از عرفان عملی حلقه، نیاز به ایجاد اتصال به حلقه‌های متعدد شبکه شعور کیهانی است. در این فرقه ادعا شده، جهان هستی مادی از آگاهی و شعور یا هوشمندی آفریده شده و شبکه کیهانی مجموع هوش، خرد و یا شعور حاکم بر جهان هستی است که به آن آگاهی نیز می‌گویند. در حلقه قبل از هر چیز، اتصال به شبکه شعور کیهانی جزء اصلی این شاخه عرفانی معرفی می‌شود. از طرف دیگر کار درمان را تفویض می‌کند و اعتقاد دارند که تفویض از مرکزیت حلقه دریافت می‌شود. اصلی ترین منبع حلقه که به بررسی و تبیین شعور کیهانی پرداخته، کتاب انسان از منظری دیگر، که به تبیین فیزیکی شعور کیهانی اختصاص دارد این موضوع یک نگاه ماتریالیستی است. که همه چیز را ابزاری می‌داند و منشاء اصلی آن ماده است. نامبرده مدعی است از طریق عضویت در فرقه مذکور، فرد قدرت درمانگری پیدا می‌کند و می‌تواند پس از گذراندن دوره ۶ و دریافت حلقه‌ها فرادمانی را بر روی دیگران انجام دهد. در صفحات ۱۷ و ۷۵ کتاب انسان از منظری دیگر طاهری مدعی است فرادمانی یکی از شاخه‌های عرفان کیهانی حلقه می‌باشد و درمان توسط درمانگر انجام نشده، بلکه از طریق اتصال به شبکه شعور کیهانی صورت می‌گیرد.

ب: اتصال

منظور از اتصال در فرادمانی نوعی ارتباط است که تعریف خاصی ندارد. اتصال اصلی جدایی ناپذیر شاخه عرفان طاهری است. جهت تحقق بخشیدن به هر بحث در عرفان عملی کیهانی، نیاز به حلقه شخصی و حفاظ‌های خاص آن حلقه است. اتصال به کاربران و مربیان ارائه می‌شود. که تفویضی بوده و درقبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوط به آن تفویض می‌شود. تفویض توسط مرکزیت، که کنترل و هدایت کننده جریان عرفان حلقه است انجام می‌گیرد. اتصال به شبکه شعور کیهانی از دو راه فردی و جمعی ممکن است. در راه فردی شخص به واسطه اشتیاق بیش از حد خود و بدون کمک به معلم و راهنما به شبکه شعور کیهانی اتصال پیدا می‌کند. لذا عنصر اصلی این راه و برای برقراری اتصال، اشتیاق زائدالوصف نیاز است. در راه جمعی، فرد با کمک یک شخص متصل کننده و فرد متصل شونده و با تشکیل حلقه، بلافاصله فیض الهی در آن به جریان افتاده و انجام کارهای مورد نظر از طریق حلقه در چارچوب عرفان تحقق می‌پذیرد. برای تحقق حلقه‌ها وجود سه عنصر ذکر شده کافی است در این صورت عنصر چهارم «خداوند یا الله» خواهد بود. در دنیای عرفان با تعبیر مختلفی به کرات از حلقه وحدت نامبرده است مثلاً برای حلقه سعدی می‌گوید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست.

درباره تفویض که طاهری از آن سخن بی‌شمار گفته، لازم به ذکر است این امر کاملاً خرافی و منافی اعتقادات شیعه است. زیرا طاهری ارتباط با پیامبر و اهل بیت را نفی و رد می‌کند. آنجا که اعتقاد دارد انسان به صورت مستقیم با خداوند ارتباط برقرار می‌کند و نیازی به غیر خداوند نیست حال آنکه طبق آیات قرآن، ارتباط با خداوند از طریق واسطه

و توسل به اولیای الهی تأکید شده است. در سوره مائده آیه ۳۵ آمده: «وابتغوا الیه الوسیله یعنی به سوی او وسیله جویید همچنین در سوره اسراء آیه ۵۷ آمده: «بیتغون الی ربهم الوسیله یعنی آنان خود به درگاه خدا وسیله تقرب می‌جویند».

ج: فرادرمانی

دوره فرادرمانی پایه فرقه کیهانی محسوب می‌شود فرادرمانی از منظر طاهری یعنی نوعی درمان مکمل است. که ماهیتی کاملاً عرفانی دارد و شاخه‌ای از عرفان کیهانی به شمار می‌رود. در این شاخه، بیمار توسط افراد درمانگر به شبکه شعور کیهانی متصل شده و در مورد کاوش و اسکن قرار می‌گیرد و ضمن ارائه اطلاعاتی از نحوه اتصال خود از طریق رسیدن به رنگ‌ها و نوارها احساس حرکت و فعالیت نوعی انرژی در بدن و همچنین از طریق گرم کردن، درد گرفتن، تیر کشیدن، ضربان قلب، تشنج و غیره، اعضاء معیوب و تنش دار بدن او مشخص شده و با حذف آن علائم روند درمان آغاز می‌شود. در کتاب انسان از منظری دیگر، آقای طاهری اظهار داشته اتصال فرادرمانگری طی یک جلسه به شخص تفویض می‌شود. این تفویض فقط با مکتوب نمودن سوگندنامه مربوط، مبنی بر استفاده صحیح و انسانی از این اتصال صورت می‌گیرد. پس از مکتوب نمودن سوگندنامه، قابلیت درمانگری و لایه محافظ به آن فرد تفویض می‌شود. که بلافاصله پس از دریافت لایه محافظ، می‌تواند از راه دور و نزدیک فرادرمانگری را با تمام جزئیات تجربه کند.

ح: تشعشع دفاعی

متهم در تکمیل دوره فرادرمانی که برای درمان بیماری‌های جسمی آموزش می‌داده دوره دفاعی را در جهت درمان بیماری‌های روح و روان و ذهن ارائه نموده است. دوره دفاعی زمانی است که فرد پس از گذراندن دوره‌های فرادرمانی مجاز خواهد بود که به مراحل بالا ورود پیدا کند. طاهری همه افراد را آلوده می‌داند و افعال شخص را آلوده را به ویروس موجود در ذهن او نسبت می‌دهد. وی معتقد است ویروس‌هایی هوشمند، رفتار و گفتار و اندیشه فرد را به میل خود تغییر می‌دهند و در بسیاری موارد به انحراف می‌کشانند. لذا در مسیر عرفان، پاک شدن از این نوع آلودگی از آن جهت اهمیت دارد، که لازم است فردی که در مسیر عرفان حرکت می‌کند، مطمئن باشد بدون دخالت این عوامل مداخله‌گر، تصمیم‌گیرنده زندگی خویش است و در انتخاب خود تحت تاثیر القائات ویروس‌های غیرارگانیک قرار ندارد. نکته مهم این‌که طاهری با تأکید و تکرار بسیار و پس از اعتماد سازی و جلب نظر مخاطبان خود، تحت فشار جمع را مجبور به آزمایش گفته‌ها و به عبارتی الهامات خود می‌کند و در این میان اگر طبق آنچه مورد تلقین قرار گرفته باشد و فرد بسیار تلقین پذیر باشد نتیجه دلخواه طاهری بدست می‌آید. در تصاویری که از کلاس‌های طاهری منتشر شده و به صورت فیلم نیز موجود است، فردی که دچار برون‌ریزی می‌شود، حرکات عجیب و تکان‌های شدید و وحشتناکی که از خود نشان می‌دهد و یا صدایی از حنجره خود بیرون می‌آورد. که باتوجه به متقین بودن آموزه‌های دین مبین اسلام، در این‌که انسان پاک و طاهر به دنیا می‌آید و امکان ورود و وجود و همراهی اجنه و کالبد ذهنی در بدن فرد، بدون دلیلی ناممکن منافات دارد.

در بحث طاهری راجع به بیرون‌ریزی منظور آن است راهی برای رسیدن به کمال وجود دارد. لذا باعث می‌شود افرادی که از بیرون‌ریزی رنج می‌برند و سالیان سال این پدیده گریبان آنها شده، دردها را به جان می‌خرند و با خیال باطل و طبق آموزه‌های که داشته‌اند امیدوار باشند تا با بیرون‌ریزی، غیرارگانیک‌ها و به اصطلاح پاکسازی خود، به کمال

برسند حال آن که خود شخص طاهری مدعی است که بیرون ریزی نداشته و وجودش پاک و خالی از غیر از غیرارگانیک بوده و مطلقاً مورد تسخیر قرار نگرفته است. بلکه دیگران در این موضوع به شکل برخورد و جهت حل مشکل به وی مراجعه نموده‌اند. وی مدعی است از طریق عضویت در این مرکز و گذراندن دوره‌های آن، اجنه و ارواح سرگردان از کالبد انسان خارج می‌شود. که این موضوع یکی از ادعاهای انحرافی کلیسای صهیونیست مسیحی است که این عمل را اکسورسز می‌نامند.

انحراف متهم در موضوعات اعتقادی و القاء عقائد انحرافی به مریدان شامل خداشناسی، پیامبر شناسی، امام شناسی، شیطان شناسی بوده و در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اظهارات متهم در بحث انحراف خداشناسی

۱- متهم از قول خداوند می‌گوید: به زودی یقین حاصل می‌کنید که شما خدا هستید. این بار همه قدرت خود را در اختیار شما می‌گذارم. وقتی همه قدرت خود را به شما ببخشم، مفهوم بخشنده مهربان را خواهید دید.

۲- هر جا که رو کنیم وجه الله است. هر وجهی نامی دارد، پس هر نام، نام اوست و چیزی جز نام او نیست. او نام ندارد. در اینجا متهم معتقد است هرگونه اسم یا صفت برای خداوند، محدودیت ایجاد می‌کند. لذا در مباحث خود و در نوشتاری و گفتاری از کلمه «به نام بی‌نام» استفاده می‌کند. حال آنکه در قرآن کریم ۲۰۰ نام برای خداوند ذکر شده و نام الله به تنهایی ۲۸۱۶ بار تکرار شده و با این همه خداوند را بدون نام یاد می‌نماید. همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید برای خداوند ۴۱۹۹ نام است که هر کس خدا را بدانها بخواند، دعایش مستجاب می‌شود و هر کس آنها را یاد کند به بهشت خواهد رفت.

۳- انسان قادر به عاشق شدن برای خدا نیست. زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست.

۴- انسان در دنیا «اله» و در آخرت «رب» می‌شود.

اظهارات متهم در انحراف پیامبر شناسی

متهم در خصوص نبی اکرم اسلام با جسارت تمام اظهار داشته: شخصی که آن ماجرا را نوشته، نمی‌داند که چه چیزی نوشته و شما خودت درک میکنی و می‌توانی بنویسی و من هم می‌نویسم. کلیتی آمده. حالا اگر میخواهید پیاده کنی، پیامبر نگفته که خدا گفت واژه‌ها بر اساس مکتب آمده و براساس کلیت بیان شده است. منظور متهم قرآن معجزه پیامبر اسلام است که آن را ناشی از دریافت‌های عرفانی وی می‌داند و دست نوشته اوست. حال آن که قرآن کتابی است از ناحیه پروردگار جهان و توسط روح الامین نازل شده است (سوره شعراء)

اظهارات متهم در انحراف امام شناسی

متهم می‌گوید معصوم بودن امامان صحیح نیست و این صفت را شیعیان به آنان نسبت داده‌اند و هرگز از سوی امامان ادعای معصوم بودن مطرح نشده است. متهم زیارت قبور ائمه را شرک می‌داند. وی می‌گوید «الهمکم التکافر حتی زرتم المقابر» یعنی کثرت طلبی بر شماست حتی می‌روید زیارت مقابر. لذا استمداد از قبور ائمه مصادق شرک است.

متهّم امام حسین (ع) را با یزید مقایسه می‌کند و می‌گوید اگر یزید نبود امام حسین (ع) ارزش نداشت و یا اگر یزید نبود، عظمت امام حسین (ع) مشخص نبود. وقتی لعن و نفرین باشد، تشعشع منفی است و افراد را درگیر می‌کند. متهم ضمن رد مهادویت، ظهور منجی عالم بشریت را به تمسخر گرفته و با بیان ادبیاتی موجب خنده حضار شده است.

اظهارات متهم در انحراف معاد شناسی

در مقاله منتسب به متهم (در آزمایش آخر) درباره وجود جهنم اظهار داشته: خدا گفت، شما همراه من وارد جهنم می‌شوید تنها چیزی که در جهنم وجود دارد آتشی است از جنس آگاهی که برای من شیرین است. ما آمده‌ایم تضادها را دو قطبی بگذاریم و بعد از تسلط خدا، حلقه خواهیم شد.

متهم در بحث انحراف قرآن شناسی می‌گوید تناقض در قرآن وجود دارد و قرآن باخودش مشکل دارد و در مورد مثال کشتی حضرت نوح گفته چنین اتفاقی را نمی‌تواند در یک کشتی جمع کرد.

در بحث انحراف در شیطان شناسی می‌گوید: شیطان فی نفسه برای خودش شر نیست. فی نفسه ملک است ملک یعنی رکن هستی، ملک یعنی جاری کننده قوانین، قانون تضاد را شیطان جاری کرده است. شیطان تنها موحد درگاه الهی است، که جز بر خدا به کسی سجده نکرد. وقتی به درک اضداد می‌رسیم که همه چیز اوست، به نقش سازنده او پی می‌بریم. شیطان را عامل اصلی جهان دو قطبی می‌داند و ابلیس را جزء احسن الخالقین می‌داند.

فتاوی مراجع عظام تقلید

در خصوص نوع و عملکرد متهم در دادسرا از مراجع معظم و بزرگوار و عظام تقلید سوال گردید که نوع سوال واضح و شفاف بوده و مراجع نیز با بررسی کامل مبادرت به صدور فتوا نمودند. حالیه به فتوا اشاره می‌شود.

فتاوی حضرت آیت اله العظمی مکارم شیرازی

کسی که به مطالب فوق (در اشاره به عین سوال) که در این نامه و در جزوه پیوست تحت عنوان (بخشی از اظهارات رهبر فرقه کیهانی) آمده است معتقد باشد منکر مسلمات و ضروریات اسلامی می‌باشد و مرتد است و اگر این عقاید را در سطح وسیع نشر دهد مصداق مفسد فی الارض خواهد بود. و کتبی که این مطالب را در بردارد، کتب نیز ظاله و شرکت در جلسات او حرام و قابل تعزیر است. چنین شخصی با چنین عقایدی در حد مفسد و مرتد می‌باشد (۸۹/۱۲/۱۱).

فتاوی حضرت آیت اله العظمی علوی گرگانی

کسانیکه دارای افکار فوق باشند از مسیر درست و صحیح اسلامی فاصله گرفتند و دچار وسواس شیطانی شده‌اند و کتبی هم که در این زمینه و با تفکرات نوشته می‌شود گمراه کننده و جزء کتب ضاله است و مطالعه و نشر و انتشار آنها جایز نیست و خرید و فروش آنها حرام است و این افکار در صورتی که برانکار خدا و دین و اهل بیت (ع) منجر شود و از روی اعتقاد باشد باعث ارتداد است، حکم آن مشخص است و بر مسلمین لازم است که از اینگونه افراد و تفکرات دوری شود.

حضرت آیت اله العظمی صافی گلپایگانی

آنچه در این اوراق نقل شده خلاف شریعت مقدس اسلام و انحراف و انکار ضرورت دین و کفر و ارتداد است و نشر آن حرام است چه به صورت سخنرانی یا کتاب یا غیر آن و کتاب آن ضاله و مضله است که از بین بردن آن واجب است و شرکت در جلسات مذکوره حرام است و مسئولین نظام باید او را دستگیر و با رسیدگی قضایی شرعی مجازات نمایند. بنابراین مشارالیه از مصادیق بارز آیات شریفه ذیل است:

۱- و من الناس من يعجبك قوله في الحيوة الدنيا و يشهد الله على ما في قلبه و هو الدخنام (سوره بقره آیه ۲۰۴)

۲- و اذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد (سوره بقره آیه ۲۰۵)

۳- فويل للذين يكتبون الكتب بايديهم ثم يقولون هذا من عندنا ليشترؤا به ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون (سوره بقره آیه ۷۹)

براساس ادعای طاهری در صفحه ۸۴ کتاب عرفان کیهانی آمده است: فیض حلقه وحدت از برکت نزدیکی دو نفر ایجاد می شود و هر کجا حداقل دو نفر در حلقه ای جمع شوند، عضو سوم روح القدس یا شبکه شعور کیهانی می باشد. وی نموداری در کتاب مذکور ترسیم نموده است که طی این نمودار خداوند از حلقه مورد اشاره بیرون افتاده است و طبق نمودار چه خدا باشد و چه نباشد اتصال اتفاق خواهد افتاد و در واقع جهت عضویت در شبکه شعور کیهانی نیازی به خداوند احساس نمی شود و در صورت نبود خداوند نیز این شبکه و اتصال به روح القدس کارایی خود را دارد.

رکن قانونی جرم انتسابی

ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق: هر کس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می باشد.

ماده قانون ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۹۲: هر کس بطور گسترده، مرتکب جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشاء یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

در تعریف فساد آمده است فساد ضد صلاح و به معنای تباه و نابودی و متلاشی شدن می باشد. همچنین خروج چیزی از حالت اعتدال را در بر می گیرد. در قرآن کریم آیات متعددی ناظر به افساد به کار رفته که به برخی از آنها اشاره گردید و برخی از کلمات نیز مشتق از افساد به کار می رود. فساد به طور کلی قرآن به معنای تغییر و برهم ریختن نظم و اعتدال است. گستردگی حجم فعالیت های غیر قانونی متهم و نشر آن در سراسر کشور، منطبق با مواد مرتبط

با فساد فی الارض بوده و مراجع عظام تقلید نیز بر مبنای عملکرد وی، تحقق افساد را محرز دانستند. فعالیت متهم در چند سال اخیر و برگزاری کلاس‌های متعدد و استفاده گسترده از فضای مجازی و سایت‌های مختلف و اهداف تخریبی در افکار عام و لحاظ متون منتشره و الفاظ به کار رفته در سخنرانی و همایش و تشکل و همایش کمیته‌های متعدد در حلقه و دستگیری عناصر اصلی زیر مجموعه حلقه و صدور احکام برای آن‌ها و پاسخ مراجع رسمی کشور در مورد غیر قانونی بودن اقدامات متهم و سست نمودن افکار و آسیب‌های اجتماعی و روانی در بین خانواده‌ها و وصول برخی از شکایات مردم و تضعیف نگرش دینی مردم و اختلاف سره با ناسره و از همه مهمتر تشکیلاتی بودن حلقه و مدیریت واحد آن توسط متهم در سراسر کشور، خروج فعالیت‌های انحرافی متهم به کشورهای خارجی، به طور کلی مجموع فعالیت‌های متهم از نظر جهت جغرافیایی و فردی و تاثیر نامطلوب بر روی زیرمجموعه و مخرب بودن آموزه‌های متهم و انحراف متهم در زمینه مختلف، همگی حکایت از تحقق فساد گسترده می‌باشد. حتی پس از دستگیری متهم، برخی از هواداران وی در کشور در حال ترویج انحرافی افکار متهم می‌باشد. همچنین عناصر وابسته به وی چند بار در مقابل دادگاه انقلاب اسلامی تهران تجمع و موجب اغتشاش و نظم عمومی را بر هم زدند. مجموع عملکرد متهم در بحث افساد فی الارض در کیفرخواست از سوی دادسرا تنظیم شده و در آرشیو قرارگاه ثارالله تهران نگهداری می‌شود و به لحاظ گستردگی، مستندات مزبور قابل انتقال به دادگاه نبوده و به طور حضوری ملاحظه و مشاهده گردید. قضات محترم و فرهیخته چنانچه در مورد مستندات متهم نظر خاصی داشته باشند، با هماهنگی با مرجع مربوطه قابل رویت خواهد بود. لازم به ذکر است در خصوص میزان فعالیت‌ها و گستره آن در سطح کشور نقشه و نمودار از سوی سربازان گمنام ولایت تهیه شد که پیوست رای می‌باشد و در برگیرنده فعالیت‌های گسترده طاهری و داشتن حدود پنجاه هزار نفر در سطح کشور می‌باشد.

میزان مال تحصیل شده توسط متهم نیز از بانک‌های مختلف کشور کشف و توقیف شده که مجموع مبلغ تحصیل مال نامشروع ۲۴/۷۵۳/۸۰۲/۹۳ ریال می‌باشد این میزان مال نامشروع نشان دهنده حجم فعالیت‌های متهم می‌باشد. (نمودار پیوست رای می‌باشد).

التهایه با توجه به گزارش جامع و کامل و گردش کار قرار گاه ثارالله تهران و فتاوی معتبر مراجع عظام، تقلید و ضاله بودن افکار متهم و کتب مربوطه و پاسخ استعلام از مراجع ذیربط، مبنی بر غیر قانونی بودن فعالیت‌های متهم و نظریه پزشکی قانونی در خصوص عدم اثبات تاثیر فرادرمانی در درمان بیماران و وصول برخی از شکایات خصوصی، اندیشه‌های التقاطی متهم و انحراف در خانواده‌های متعدد و رد دفاعیات متهم و لویح وی وهمچنین رد دفاعیات و کلاهی مدافع و با احراز بزهکاری مستنداً به ماده ۲۸۶ از قانون مجازات اسلامی اصلاحی سال ۹۲ نامبرده را مفسد فی الارض تشخیص و به اعدام محکوم می‌نماید. رای حضوری و پس از ابلاغ ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در دیوان عالی کشور است. الف/

ماشاءاله احمد زاده

دادرش شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

لایحه دفاعیه وکیل خطاب به دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۴

به نام خدا

ریاست محترم دیوان عالی کشور

موضوع: فرجام خواهی نسبت به دادنامه شماره— اصداری از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران در پرونده کلاسه ۱۸۵۹۳/۹۰/ط

با سلام و احترام

اینجانبان سید محمود عزیزاده طباطبایی و زینب طاهری، به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا به موجب وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی به شرح پیوست با استعانت از خداوند متعال نسبت به دادنامه صدر الذکر دائر بر افساد فی الارض - که در مورخ ۹۴/۵/۷ در محل شعبه دادگاه به صورت حضوری و استنساخ به احد از وکلا (خانم زینب طاهری)، ابلاغ شده است- وفق مواد ۴۲۸، ۴۳۳ و ۴۶۴ آ.د. ک و سایر موازین مربوطه در مهلت مقرر قانونی اعلام اعتراض و فرجام خواهی می نماییم.

رسیدگی در دیوان عالی کشور و نقض رای معترض عنه مستدعی است.

در تشریح اعتراض موضوع اتهام موکل و جهات قانونی فرجام خواهی موارد زیر به استحضار می رسد:

۱- شرح مواقع

آقای محمدعلی طاهری بنیانگذار مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) است که با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل سازمان های مردم نهاد و مشارکت های مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات تجاری (پیوست ۱)، اقدام به تأسیس مؤسسه مذکور و برگزاری کلاس های علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً در زمره پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان و پژوهشگران حوزه دین و عرفان بوده اند، نموده است. متقاضیان این کلاس ها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضانامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاس ها حضور داشته اند.

عمده این کلاس‌ها با همکاری دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان و انستیتوی اکو-انرژی جمهوری آذربایجان در داخل و خارج کشور برگزار شد. (پیوست ۲)

از سال ۸۸ اکثریت مربیان مجموعه تحت نظارت مؤسسه خیریه یاس پنهان (که مدیر عامل آن سردار جورکش از فرماندهان ارشد وقت نیروی انتظامی) و دیگر عضو هیأت مدیره آن سردار علیپور (رئیس پلیس امنیت وقت نیروی انتظامی) بود) قرار داشتند.

بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه خیریه مذکور، مجوز برگزاری کلاس از طرف مؤسسه خیریه یاس پنهان به مربیان اعطا شده است و تاکنون نیز لغو نشده است. (پیوست ۳)

ایشان همچنین کتاب‌هایی با مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقالات متعددی (در جراید کثیرالانتشار) در حوزه عرفان کیهانی (به شرح پیوست ۴) تألیف و منتشر کرده است. در این خصوص، جلسات نقد و بررسی و مناظره در دانشگاه شهید بهشتی با حضور حجت الاسلام عابدینی از حوزه علمیه قم با نظارت دفتر نمایندگی ولی فقیه در این دانشگاه نیز برگزار شده است. (پیوست ۵)

متأسفانه در اثر سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های رخ داده، شرایط امنیتی نامناسب و جو کشور بعد از اتفاقات سال ۸۸، نوعی هراس امنیتی از هر نوع تشکل و امکان سوءاستفاده بیگانگان از این مراکز به وجود آمد. با پیش فرض ذهنی انحرافی بودن تمامی فعالیت‌های عرفانی، وابسته بودن به اجانب، گمراه بودن افراد فعال در این حوزه‌ها، موکل در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ دستگیر شد، پس از چند ماه، در تابستان ۸۹ آزاد و مجدداً در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۰ دستگیر و روانه زندان شد. پس از دستگیری مجدد، او جز مدت بسیار کمی که در مرخصی بوده، در تمامی این سال‌ها در زندان و به بهانه تکمیل تحقیقات، غالباً بند انفرادی تحت نظارت نیروهای امنیتی قرار داشته است.

در خلال این مدت کیفرخواستی به اتهام مداخله در پزشکی، تحصیل مال نامشروع، توهین به مقدسات، استفاده غیر مجاز از عناوین علمی، توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز و افساد فی الارض، علیه او صادر و به دادگاه ارسال شد. دادگاه بدوی در مورد سایر اتهامات غیر از افساد فی الارض مبادرت به صدور حکم به پنج سال حبس و جزای نقدی نمود و در خصوص اتهام افساد فی الارض با اعلام نقص در تحقیقات، پرونده به دادسرا ارسال شد.

دادسرا بدون رفع کردن نقائص مورد توجه دادگاه با بهانه محال و خارق عادت بودن تقاضای مذکور بدون تمکین از دستور دادگاه، پرونده را مجدداً به شعبه ۲۶ ارسال نمود. با تغییر قاضی شعبه بدوی و اعمال فشار قرارگاه ثارالله، متأسفانه این رأی که بر خلاف موازین حقوقی، عرف و رویه معمول دادرسی در نگارش آراء و کاملاً غیر قانونی و ناعادلانه است، صادر و ابلاغ شد که در ادامه به تحلیل و بررسی ایرادات شکلی و ماهوی آن پرداخته می‌شود.

۲- ایرادات شکلی

۲-۱- ایرادات وارد بر شیوه و فرآیند دادرسی در مرحله صدور رأی

مهمترین ایراد شکلی وارد بر فرآیند دادرسی، تکمیل نبودن کیفرخواست و تحقیقات انجام شده و خودداری از

تکمیل آن است.

۲-۱-۱- پیگیری نکردن دادگاه برای تکمیل تحقیقات و کیفرخواست

ریاست وقت شعبه ۲۶ (آقای پیرعباسی) با نقض گرفتن کیفرخواست و اعاده آن به دادسرا اعلام می‌دارد: "شعاع کار و فعالیت متهم چقدر بوده، از لحاظ جمعیت و جغرافیا و حیطه فعالیت و تاثیرات شریعتی، امکان حمایت سرویس‌های بیگانه..."

دادسرا پس از طی یکسال بررسی اعلام می‌دارد، "رفع بعضی از نقائص اعلامی اگر محال نباشد، در حد خارق عادت است، مثلاً برای حالات روانی ۱۰۰ نفر از شاگردان محمدعلی طاهری قبل و بعد از تعلیمات وی، امکان وقوع ندارد و ... در مورد میزان شعاع فعالیت تا پایان سال ۸۹ در سطح کشور، ۵۰،۰۰۰ نفر دوره‌های فرقه را گذرانیده و بعنوان مستر مشغول فعالیت هستند.

در حالی که مطابق ماده ۲۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادسرا مکلف به تکمیل تحقیقات بوده است و می‌بایست در صورت ابهام یا سؤال، استعلام می‌کرد.

۲-۱-۲- خودداری دادگاه از تکمیل تحقیقات رأساً

به استناد ماده ۳۴۱ همین قانون ((هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد.)) همچنین مستنبط از مفاد ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ((دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد.))

ضمناً در خصوص متهم، پرونده شخصیت تشکیل نشده است و از این لحاظ نیز کیفرخواست صادره ناقص بوده است و دادگاه محترم با وصف اینکه در زمان رسیدگی ملزم به اجرای مقررات جدید آیین دادرسی کیفری می‌بایست باشد، از تکالیف مقرر در این خصوص نیز استنکاف می‌کند. (بند چ ماده ۲۷۹ قانون آ.د.ک)

بنابراین همان‌گونه که اشارت شد، نه دادگاه و نه دادسرا هیچ یک به وظایف قانونی خود در این خصوص عمل نکرده‌اند و در نتیجه تحقیقات و رسیدگی انجام شده مخدوش و فاقد اعتبار است.

۲-۲- ایرادات وارد بر شیوه و فرآیند دادرسی در مرحله تحقیقات و بازجویی

۲-۲-۱- عدم تمکین دادسرا به دستور دادگاه برای تکمیل تحقیقات

همان گونه که عرض شد دادسرا از تکمیل تحقیقات و اجرای دستور دادگاه خودداری کرده است که از توضیح مجدد خودداری می‌شود.

۲-۲-۲- اخذ اعترافات تحت شکنجه جسمی و روانی و عدم رعایت اصول و شیوه‌های علمی و قانونی تحقیقات و بازجویی:

موکل تحت بازداشت و پس از آخرین جلسه رسیدگی، لایحه مفصلی را تهیه و تقدیم دادگاه نمود. (پیوست ۶) او در این لایحه به موارد متعدد اعمال فشارها و شکنجه‌های روانی و جسمانی در مراحل بازجویی تصریح می‌کند:

۲-۲-۲-۱- ضرب و جرح:

وی در سطر سیزدهم صفحه هفتم لایحه دست‌نویس در خصوص اخذ اقرارنامه با زور و تهدید و اعمال شکنجه نسبت به خودش و برخی از شاگردان موسسه اظهار کرده است: ((اینجانب چندین نفر را شخصاً شاهد بوده‌ام و در یک مورد که کارشناس بر خامنی فریاد می‌زد تا آنچه را می‌گویم، ننویسی از اینجا بیرون نمی‌روی، همزمان لگد محکمی را به سمت راست ران من که به روی صندلی رو به دیوار نشسته بودم زد به طوری که با صندلی به سمت دیوار سمت چپ خود پرتاب شدم و ناخن شست پای چپم به دیوار اصابت و بلند شد که بعداً در بیمارستان بقیه الله مجبور به کشیدن آن شدیم...))

۲-۲-۲-۲- فشار روحی و وعده دروغین دأثر بر تخفیف مجازات برای تهیه فیلم اعتراف:

در سطر چهارم تا هشتم از صفحه هشت لایحه دست‌نویس اشاره شده ((من که مایل به حل و فصل مسالمت آمیز این جریان بودم، (علی رغم برخوردهای غیر قانونی بازپرس و کارشناسان) پذیرفتم و مصاحبه نموده و در آن اقرار بر فرمایشی و دیکته شده را که بازپرس نوشته و مقابل من می‌گرفت خوانده، اقرار نموده و می‌پذیرفتم... در کیفرخواست به این مصاحبه و اقرار بر آن نیز به عنوان اعتراف علیه خود مورد استناد قرار گرفت...))

۲-۲-۲-۳- عدم توجه به درخواست‌های موکل برای رهایی از شکنجه:

در سطر نهم از صفحه هشت لایحه... ((بازپرس (آقای اسدی) در جریان روند بازپرسی مرتکب تخلفات و جرایم به شرح زیر شدند که از حدود سه سال و نیم قبل از ایشان و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه شکایت نموده ام. که تا کنون علی رغم بارها اعتصاب غذا، مکاتبه و مطرح کردن در دادگاه بدوی سال ۹۰ و ۹۴ مورد رسیدگی قرار نگرفت. (پیوست ۷))

۲-۲-۲-۴- اعمال شکنجه روحی از طریق ارائه مدارک و آرای جعلی مبنی بر صدور فتوی اجازه اعدام:

موکل در سطر دهم از صفحه هشت لایحه دست‌نویس تقدیمی به دادگاه اعلام کرده است:

اعمال شکنجه روحی از طریق ارائه مدارک جعلی مبنی بر صدور پانزده حکم اعدام از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید... بازجوها نیز مدام می گفتند که برای اعدام آماده باشم.

۲-۲-۴- اعمال شکنجه و فشار روحی برای متقاعد کردن موکل به پذیرش اتهام ارتباط با آمریکا

با طرح استفتای متقابلانه مبادرت به بازداشت موقت من نموده و سپس با اختفای آن‌ها و ارائه احکام جعلی اعدام با همدستی کارشناسان و صحنه سازی‌ها و مانورهای متقابلانه، مرا به مدت چندین ماه تحت شکنجه روحی قرار داده تا بتوانند در مرحله اول مجبور به قبول و اعتراف به اتهامات فوق الذکر نمایند... در مرحله دوم ارائه پیشنهاد قبول و اعتراف کذب به داشتن ارتباط با آمریکا... (سطر ۲۱ و ۲۲ صفحه ۸ لایحه دست‌نویس موکل)

۲-۲-۵- تهدید به آسیب رساندن به همسر:

در مرحله بعد پس از پیاده شدن این موارد توسط کارشناسان، تهدید مبنی بر صدمه رسانیدن به همسر و بی‌سرپرست شدن فرزندانم، (در سطر ۲۲ از صفحه هشت لایحه دست‌نویس موکل).

۲-۲-۶- فشار روانی و آسیب به همسر موکل برای ضبط فیلم مصاحبه و اخذ اعتراف:

آقای طاهری در سطر نخست از صفحه یازدهم لایحه دست‌نویس اظهار کرده‌اند ((...مجددا اعلام می‌کنم مصاحبه دیکته شده تیرماه نود اینجانب و اعترافات کذب اخذ شده از همسر مبنی بر دریافت پول از شاگردانم (که اساسا جرم نیست) که با اعمال فشار و ضربه به سر ایشان به نام ماموران وزارت اطلاعات اخذ شده... از درجه اعتبار ساقط و وجهات قانونی ندارد...))

در صفحه نهم و سطر اول لایحه دست‌نویس موکل.. ((...اعلام می‌کنم فیلم مصاحبه فوق‌الذکر که در کیفرخواست به عنوان اعتراف علیه خود به آن استناد شده، به دلیل اعمال فشار و شکنجه روحی، اغوا و فریب و... بوده و هیچ گونه ارزش و اعتبار قانونی ندارد...))

متأسفانه در تمامی این موارد بندهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ رعایت نشده است.

با توجه به موارد فوق‌الاشاره، مستندا به ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است معتبر نیست.»

و نظر به این که طبق ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. بنابراین این اظهارات و تحقیقات کلافاقد اعتبار و بی‌ارزش است.

۲-۲-۳- جلوگیری از استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات:

از ابتدای دستگیری موکل تا انتهای رسیدگی، اجازه ملاقات با وی داده نشده و تنها یک بار، آن هم در جلسه دادگاه

وکلایش را ملاقات نموده است. درحالی که طبق مواد ۵ و ۴۸ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ داشتن و ملاقات وکیل حق متهم است و طبق تبصره ۱ ماده ۱۹۰، سلب این حق موجب بی اعتباری تحقیقات می شود.

علاوه بر این بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ بر این موضوع صراحت دارد و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بر مجازات متخلفان تأکید دارد.

۲-۴- ضبط مدارک و مستندات موکل و جلوگیری از دسترسی به آن‌ها:

حسب اظهارات موکل، تمامی مدارک و مستندات موکل در دفتر و منزلش ضبط و اجازه دسترسی به آن‌ها از وی گرفته شده است. طبق سطر ۲۹ تا آخر صفحه ۹ و از سطر ۱ تا ۱۲ صفحه ۱۰ لایحه دستنویس موکل، «کلیه اسناد و مدارک مربوط به سوابق تحصیلی و کاری، نظام وظیفه و... حواله‌های بورس تحصیلی، مدارک مربوط به ثبت مؤسسه و جوایز و قراردادهای و غیره را بدون دادن هرگونه رسید، ضبط کردند و حاضر به استرداد یا دادن رسید نشدند... و من، خانواده و وکلایم هیچ‌گونه مدرکی برای اثبات قانونی بودن فعالیت مؤسسه، چاپ کتاب و غیره در جهت اثبات فرقه نبودن و سایر سوابق کاری و تحصیلی و... در اختیار نداریم»

درحالی که این مدارک یا مرتبط با جرم بوده‌اند یا نبوده‌اند و در هر دو صورت طبق مواد ۱۴۶، ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌بایست در صورت جلسه قید می‌شدند، اگر مدرک جرم بودند باید در لفاف نگهداری می‌شدند و اگر نبود مسترد می‌شد. اما به هر حال می‌بایست رسید آن‌ها داده می‌شد و تعیین تکلیف می‌شدند.

۲-۵- ضمیمه نکردن مستندات پرونده:

بازجویان و دادسرا بر خلاف شیوه معمول دادرسی و قانون، از ضمیمه نمودن برگه‌های بازجویی و مدارک و مستندات پرونده خودداری نموده‌اند و به صراحت در بخش پایانی رأی آمده است که «مجموع عملکرد متهم، در بحث افساد فی الارض در کیفرخواست از سوی دادسرا تنظیم شده و در آرشیو قرارگاه ثارالله تهران نگهداری می‌شود و به لحاظ گستردگی مستندات مزبور قابل انتقال به دادگاه نبوده و به طور حضوری ملاحظه و مشاهده گردید و قضات محترم و فرهیخته چنانچه در مورد مستندات متهم نظر خاصی داشته باشند با هماهنگی با مرجع مربوطه قابل رؤیت خواهد بود !!!». در حالی که بر اساس مواد ۵۳ و ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری باید طول مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و سایر موارد ذکر شود و به امضای متهم برسد و طبق ماده ۵۹ همین قانون، «ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره گذاری نمایند، در صورت مجلسی که برای مقام قضائی ارسال می‌کنند تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند» و این مواد به خوبی آشکار می‌سازد که مدارک پرونده باید در آن بدون هرگونه دخل و تصرف ثبت و ضبط شوند. چگونه می‌توان بر اساس صورت جلسات و مدارکی که در پرونده نیست رأی صادر کرد؟ حق متهم برای دفاع از خودش در کجا قرار دارد؟ از کجا معلوم است که در اظهارات اخذ شده و مدارک موجود دخل و تصرف نشده باشد؟! چطور ممکن است که فقط به قضات حق دیدن آن مدارک را داد و متهم و وکیلش حق رؤیت و دسترسی نداشته باشند!!!

۲-۶- در اختیار دادگاه قرار ندادن نوشته موکل در پاسخ به کتاب افسون حلقه :

موکل در سطر ۲۳ صفحه ۹ از لایحه دست‌نویس اعلام می‌کند که جوابیه کتاب افسون حلقه را در ۲۰۰ صفحه ریزنویس A4، تحت عنوان حلقه افسون و افسانه نیست، به همراه ۵۰ صفحه مستندات قرآنی و روایی، در زندان تحریر و در سال ۹۱ به بازجوی پرونده جهت تحویل دادن به وکیل و قرار گرفتن در مدارک و مستندات پرونده داده‌است. اما کارشناس جوابیه را پس از مطالعه، توقیف و از تحویل آن به ما، یا قراردادادن در پرونده خودداری کرده است.

۲-۷- نسبت دادن اظهارات خلاف واقع و تقطیع گزینشی مطالب منتسب به موکل و اخذ فتوا بر این اساس:

موکل بارها اظهار و اعلام کرده که صرفاً مطالبی که در کتاب‌های رسمی منتشر شده از ایشان و نیز مقالات چاپ شده او در نشریات، مورد تایید وی بوده و سایر مطالب و نوشته‌ها که به صورت غیر رسمی از سوی اشخاص دیگر منتشر شده و یا از دیگران یافت شده، مورد تایید وی نیست. ظاهراً در اخذ فتاوی از مراجع تقلید نیز در این خصوص به شیوه‌ای عمل شده که اولاً مستندات استفتاء، مطالبی بوده که از قلم و ذهن و اندیشه موکل صادر نشده و ثانیاً با پیش فرض ذهنی پرسشگر، مواردی تقطیع و استفتاء شده که حکم آن از پیش معلوم می‌نماید و در حال حاضر نیز برخی از همان مراجع محترم که فتوای ایشان مستند رای قرار گرفته نسبت به اخذ استفتاء با این شیوه اعلام نکول از نظر قبلی کرده و فتوای اصلاحی صادر کرده‌اند که در جای خود به این موضوع اشاره خواهد شد.

موکل (آقای طاهری) در صفحه نهم و سطر ششم از لایحه در خصوص فایل نوشتاری مربوط به خانم نیرو منش (به نام جلسه عرفان، کمیته عرفان و...) اظهار کرده‌اند:

((...من هرگز جلسه، کمیته یا شورای عرفان در هیچ کجا نداشته‌ام و این نام‌ها جعلی است... ثانیاً در سال ۸۹ مدتی را که در زندان بودم (۶۷ روز) اصلاً راجع به وجود چنین فایلی و موضوعات آن سوال مطرح نشده و تا دو سه ماه به زندان آمدن من هم همین‌طور...))

در سطر نوزدهم صفحه نهم لایحه دست‌نویس موکل می‌افزاید: «منابع معتبر و قابل استناد که اینجانب آن‌ها را قبول دارم عبارتند از: کتب منتشر شده قانونی اینجانب (انسان از منظر دیگر، عرفان کیهانی (حلقه)، بینش انسان) - حدود هفتاد مقاله چاپ شده در روزنامه‌ها - چندین ویژه‌نامه عرفان حلقه - فیلم‌های کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه و... به شرطی که ناقص و بریده نباشد... بنابراین سایر منابع اعم از جزوه (خانم نیرو منش) به ادعای کارشناسان و یا هر نوع جزوه دیگری، فایل‌های صوتی و... معتبر نبوده و قابل استناد نمی‌باشد...»

در ادامه ایشان به عدم توجه به پاسخ به کتاب افسون به حلقه که در دویست صفحه دست‌نویس نوشته بودند، اشاره کرده‌اند.

۲-۸- تحریک شاگردان موکل برای آشوب و درگیری با آن‌ها و ارائه تصاویر مربوط به عنوان مستند:

موکل به موجب اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و مکتوبات خود بارها از تحرکات و اعتراض‌هایی که عده‌ای از اشخاص به

عنوان هواداری از ایشان انجام داده و می‌دهند تبری جسته است. اما متأسفانه فرایند رسیدگی و نوع عملکرد بازجویان پرونده به گونه‌ای بوده که موجب تحریک احساسات و عواطف شاگردان ایشان شده که از این موضوع سوء استفاده نیز شده و در رای اصداری به عنوان یکی از جهات موضوعی حکم یاد شده است. هنگامی که هنوز حکمی صادر نشده اما در خروجی خبرگزاری‌های وابسته به برخی جریان‌های خاص و نیز صدا و سیمای جمهوری اسلامی آن‌هم در ماه مبارک رمضان، اخبار مربوط به صدور حکم اعدام موکل گذاشته می‌شود و چندین و چند بار تکذیبیه و تاییدیه در این خصوص از سوی مقامات قضایی صادر می‌گردد و با عواطف و احساسات شاگردان وی بازی می‌شود، بدیهی است واکنش‌هایی نیز سر زده می‌شود که البته همین واکنش‌ها که برخاسته از احساسات زلال و بی‌آلایش انسانی است، مورد تایید موکل نبوده و در هر حال خانواده موکل و شخص ایشان، اشخاص را دعوت به آرامش کرده‌اند. (پیوست ۸) اما متأسفانه همین تحصن‌هایی که هیچ ارتباطی به موکل ندارد و او در زندان انفرادی نقشی در آن نداشته، توسط بازجویان فیلمبرداری شده و دادگاه به آن به عنوان مستند اشاره کرده است.

۳- ایرادات ماهوی :

آنچه به عنوان رأی ابلاغ شده است هیچ شباهتی به یک رأی معمول قضایی ندارد. همان‌گونه که مستحضر هستید در یک رأی قضایی، اتهام و کیفرخواست صادره مطرح و بعد دفاعیات متهم بررسی می‌شود. سپس دفاعیات متهم یا ادعاهای مطروحه در کیفرخواست با استدلال رد یا قبول می‌شود و به صورت مستند رأی صادر می‌شود. اما آنچه که در این رأی مشاهده می‌شود، مقدمه و بیوگرافی و تعریف عرفان و عرفان اسلامی، سپس تعریف اصطلاحات عرفان حلقه و اموری است که ارتباطی با اتهام، ادله اثباتی، رابطه علیت و تطبیق با عنصر قانونی ندارد.

سپس با ذکر سه فتوا، رفتار موکل را منطبق با افساد فی الارض دانسته است. در حالی که ده‌ها صفحه ادعاهای متعدد را عیناً از بازجوها نقل کرده‌اند، هیچ توجهی و هیچ پاسخی به دفاعیات و کلا و متهم داده نشده و در پنج کلمه فقط نوشته شده است که: با رد دفاعیات متهم و وکیلش!!!!

علی‌ای حال به نظر می‌آید هدف از مقدمات مذکور و ارائه بیوگرافی جهت دار این بوده است که گفته شود موکل فردی بی‌سواد است و با تشکیل یک فرقه مبادرت به نشر این افکار انحرافی و فاسد کرده است و موارد فساد عقیده اش را هم گفته است.

بنابراین در دفاع از موکل ابتدائاً با توجه به نبودن پرونده شخصیت و این بیوگرافی با سوء نیت تنظیم شده، به معرفی شخصیت موکل پرداخته و سپس به ایرادات موضوعی و حکمی رأی می‌پردازیم :

۳-۱- شخصیت شناسی موکل

۳-۱-۱- سوابق علمی و پژوهشی موکل در دوران جوانی:

بر خلاف مطالب مندرج در رأی، موکل فردی تیزهوش بوده که در هر حوزه‌ای ورود پیدا کرده، سرآمد گردیده و موفقیت‌های چشمگیری داشته است، ایشان در سال‌های ۵۵ و ۵۶ به‌عنوان نفر اول، اولین و دومین مسابقات علمی سراسری ایران انتخاب و جایزه خود را که شامل حواله بورس تحصیلی خارج از کشور بوده است از نخست وزیران وقت

هویدا و آموزگار در کاخ نخست وزیری دریافت می‌کند ولیکن بعلت اینکه بعداً متوجه میشود که نیروهای امنیتی انتظار دارند هر شش ماه یکبار از ایرانیان محل تحصیل خود در خارج از کشور گزارشی ارائه نماید، از بورس‌های تحصیلی جایزه خود استفاده نمی‌کند و چون به‌طور هم‌زمان از طرف دانشگاه جدیدالتأسیس علوم و فنون نیز به او بورس تحصیلی پیشنهاد می‌شود، آن را پذیرفته و وارد این دانشگاه می‌شود. ایشان می‌بایست برای انجام چنین حرکتی در سن جوانی، بعد از انقلاب مورد تفقد قرار می‌گرفت ولی چون موکل این عمل را وظیفه وجدانی خود می‌دانسته، هیچ چشم‌داشتی از این بابت نداشته است. ایشان در جهت تحقق انقلاب، نهایت تلاش و مجاهدت خود را بعمل آورده است. (پیوست ۹)

۳-۱-۲- مبارزات موکل در دوران ستم شاهی و دوران جنگ تحمیلی:

موکل از کسانی بوده است که از میدان ژاله سابق در روز ۱۷ شهریور، به‌طرز معجزه‌آسائی جان سالم به در برده است. بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرح‌هایی را به وزارت دفاع ارائه می‌دهد و مدت یکی دو سال نیز به بهانه‌های مختلف مانند گزینش و اینکه طرح تا عمل فاصله زیادی دارد او را پشت در نگه می‌دارند تا اینکه بخاطر علاقه به خودکفایی مملکت، شخصاً طرح‌ها را اجرا و با در دست داشتن نمونه اجرا شده مراجعه و مجدداً با عدم همکاری مواجه می‌شود. سرانجام با یک قبضه تیربار دستی اجرا شده به ملاقات آقای هاشمی رفسنجانی در جماران رفته و ایشان پس از بررسی موضوع با فرمانده وقت جنگ هماهنگی نمودند تا در صنایع جنگ افزارسازی، نمونه‌ها آماده و به تأیید نیروهای مسلح برسند که این کار انجام می‌شود (پیوست ۱۰) و پس از چند سال فعالیت موکل در این زمینه از آنجا که تحصیلات او با انقلاب متوقف می‌گردد استعفا داده، جهت ادامه تحصیل به دانشگاه آمریکایی خاورمیانه ترکیه عزیمت و در آنجا طی یک درگیری سیاسی با استاد خود، کمیته انضباطی او را از فارغ‌التحصیلی محروم و ایشان نیز به ایران بازگشته و مشغول به کار آزاد در زمینه ساختمان‌سازی، ماشین آلات صنعتی، کارخانه آرد، قارچ، خوراک دام و ... شد و در ضمن به‌دنبال فرصتی بوده که به دنبال حل و فصل مشکل تحصیلی و دریافت مدرک خود برود. اما به‌علت اشتغال زیاد و دوم عدم احساس نیاز خیلی جدی به آن، مقدور نمی‌شود.

۳-۱-۳- شروع تحقیقات و فعالیت موکل در زمینه عرفان کیهانی و یافته‌های وی در این خصوص:

موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روانشناسی و روانپزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. بنابراین با تکیه بر قانون اساسی و توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر حمایت از آزادی اندیشه و کرسی‌های آزاد اندیشی و نظریه‌پردازی و در چارچوب قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت‌های مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری (پیوست ۱)، اقدام به تأسیس مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) و برگزاری کلاس‌های علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً در زمره پزشکان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و پژوهشگران حوزه دین و عرفان بوده‌اند، نموده است. متقاضیان این کلاس‌ها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضانامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاس‌ها حضور داشته‌اند. ایشان کتاب‌ها و مقالات متعددی در حوزه عرفان کیهانی به شرح پیوست ۴ تألیف و منتشر کرده است و در این

خصوص جلسات نقد و بررسی و مناظره نیز برگزار شده است.

۳-۱-۴- جوایز علمی و تقدیر نامه‌های بین‌المللی موکل:

موکل مفتخر به دریافت ایزوهای آموزشی بین‌المللی از آلمان، سوییس و انگلستان شده است (پیوست ۱۱) و سپس درمان‌های عرفانی (از زیرمجموعه‌های عرفان حلقه) به نام‌های «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی» را به جامعه پزشکی و روان پزشکی معرفی کرده است.

همچنین ایشان آزمایش‌های علمی تحت کنترل در برخی بیمارستان‌ها از جمله تأثیر بر روی بیماران برونشکتازی کاندید پیوند ریه در بیمارستان مسیح دانشوری (پیوست ۱۲) تأثیر بر روی کاهش درد از طریق آزمایش کورتیزول خون در بیمارستان امام خمینی (پیوست ۱۳)، آزمایش بر روی آسم در دانشگاه شاهد در قالب پایان نامه دکتر (پیوست ۱۴) انجام داده است. شرکت در سمینار بین‌المللی در مورد بیماری اسکیزوفرنی (پیوست ۱۵) تأثیر بر ترک اعتیاد با همکاری موسسه خیریه بهشت یاس پنهان (با مدیریت سردار جورکش، سردار علیپور و سرهنگ جعفری) و ... از دیگر اقدامات موکل بوده است.

نتایج حاصله از کلیه آزمایشات علمی فوق، بسیار خارق العاده بوده است و از آن جا که طب‌های عرفانی و مکمل (که صد در صد ایرانی هستند) از هیچ‌گونه دارو و معاینه‌ای استفاده نکرده و تداخل در امر دارو و درمان رایج نمی‌کنند و به‌طور عمده در مورد کسانی استفاده می‌شود که درمان‌های رایج در مورد آن‌ها مؤثر نبوده است و از طرفی دیگر (بر طبق تعریف) وابسته به شعور و رحمت عام الهی می‌باشد و چون فقط خداوند شافی است (نه شیطان) بنابراین در سطحی گسترده، افرادی که از پزشکی رایج نتیجه‌ای نگرفته‌اند با استفاده از طب‌های مکمل ایرانی فوق به نتایج شگفت‌انگیزی رسیدند که موجب استقبال بسیار زیادی از جانب افراد مختلف اعم از پزشکان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و کادرهای درمانی و اقشار مختلف گردید تا با این رشته‌ها آشنا شوند. (گزارش برخی از نتایج حاصله در بیست شماره مجله‌های طب مکمل و دانش پزشکی منتشر گردیده است)، در همین رابطه با آموزش‌های آزاد دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان نیز تفاهم‌نامه‌های همکاری بین مراکز دانشگاهی فوق‌الذکر و موسسه منعقد و دوره‌های آموزشی برقرار شده و گواهی نامه‌های مربوطه نیز صادر می‌گردد و در سمینارهای مختلف شرکت و نتایج حاصله از تحقیقات و آزمایشات ارائه میشود و همچنین با وزارت بهداشت وارد مذاکراتی جهت انجام آزمایشات علمی بر روی آسم شده تا تحت کنترل آن‌ها نتایج مورد بررسی قرار بگیرد که با دستگیری موکل ابر باقی می‌ماند.

موکل همچنین در عرصه جهانی ضمن ارائه عرفان حلقه در کشورهای مختلف و گسترش آن از طریق مربی‌های این رشته در عرصه مسابقات علمی بین‌المللی نیز فعالیت چشم‌گیری داشته و با کسب رتبه‌های نخست مسابقات موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده (دو دکترای افتخاری را نیز با ارائه تز دریافت کرده است)، (بنابراین ایشان جمعاً ۹ دکترای افتخاری دریافت نموده‌اند) همچنین ۴ مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی اُفیسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپ‌ها، لوح‌های ویژه و ... کسب کرده‌اند. (پیوست ۱۶)

۳-۱-۵- مبانی اعتقادی موکل بر اساس پروژه نیروی انتظامی :

نیروی انتظامی اقدام به انجام مطالعه علمی اجتماعی درباره عرفان حلقه، تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئولیت انجام این پروژه به عهده یکی از افسران متدین عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته است (پیوست ۱۷). مطابق این تحقیق، آقای محمدعلی طاهری به نظام و انقلاب و ولایت فقیه معتقد و نسبت به آن‌ها متعهد است. مشارالیه دیدگاه‌های خود را با آیت الله العظمی مفتی شیعیه و آیت الله دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و اساتید بسیار دیگری مطرح کرده و مشارالیه‌ها هیچ‌گونه انحرافی را گوشزد و هیچ‌گونه انحرافی را مشاهده نکردند و مناظره علمی هم در دانشگاه شهید بهشتی با حجت الاسلام دکتر عابدینی داشته است.

وی ائمه علیه السلام را علائم الطریق و آن‌ها را بهترین دعوت کننده به پیام آسمانی "لا اله الا الله" می‌داند. وی فلسفه حجاب را پرهیز از خودنمایی دانسته و انسان بدون شریعت را انسانی سرگشته، بی‌هدف و در کثرت می‌داند و روح عبادت را مهمتر از ظاهر آن میدانند. طلسم را نوعی تشعشع شعوری منفی تلقی نموده که راه خلاصی از آن استمداد از رحمت الهی است و جن را موجودات غیرارگانیک و نامرئی می‌داند که می‌توانند در ذهن انسان نفوذ کنند که باید از شر آن با توسل به خداوند خلاص شد و مداخله این موجود در مدیریت ذهن انسان می‌تواند عامل بیماری‌های ذهنی باشد (الذی یوسوس فی صدور الناس (۵) من الجنه و الناس (۶) / ناس).

و امام زمان (عج) را منجی عهد آخر می‌داند که ظهور می‌فرمایند تا آخرین ناگفته‌ها و اسرار الهی را برای بشر مطرح و بشریت را از جهل و گمراهی و جنگ و ستیز و ... نجات دهد.

اصول عرفان کیهانی (حلقه) عبارت است از:

الف- اصل لا اله الا الله

ب- اصل لا حول ولا قوه الا بالله

ج- اصل ایاک نعبد و ایاک نستعین، فاستقیموا الیه و اجتناب از من دون الله

د- تسلیم در برابر خدا

ه- امامان علیهم السلام علائم طریق هستند که از پیام الهی رمزگشایی می‌کنند.

۳-۲- ایرادات به جهات حکمی رای صادره و عدم توجه به اظهارات موکل دایر بر توبه و همکاری جهت تعطیلی کامل فعالیت عرفان کیهانی:

ریاست محترم دادگاه مستحضر هستند ماده مورد استناد کیفرخواست ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که مقرر می‌دارد:

”هر کس بطور گسترده مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.“

و تبصره ماده فوق مقرر می‌دارد:

”هرگاه دادگاه از مجموع... مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.“

ملاحظه می‌گردد عنصر قانونی جرم مزبور عملیات مادی خاصی است که در قسمت اول ماده آمده است و مرتکب در صورتی مفسد فی الارض تلقی می‌گردد که اقدامات مشخص شده در قسمت اول ماده را انجام داده و این اقدامات موجب اخلال شدید در نظم عمومی، ناامنی با ورود خسارت عمده به ... یا سبب فساد و فحشا در حد وسیع گردد.

این در حالی است که اولاً آنچه که به عنوان گسترش فساد به موکل نسبت داده شده است، مستظهر به دلیل شرعی و قانونی نیست (که در بندهای بعد مفصلاً به آن پرداخته می‌شود) و کیفرخواست صرفاً بر اساس پیش فرض ذهنی بازجویان قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران با این عنوان اتهامی صادر شده است.

ثانیاً اقدام موکل در ارتباط با طرح موضوع عرفان کیهانی حلقه مبتنی بر قانون بوده و در چارچوب فعالیت علنی، مسالمت آمیز و غیرسیاسی صورت گرفته است و با این نحوه عمل، مرتکب جنایتی علیه تمامیت جسمانی افراد یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور یا نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور و ... نگردیده و اعمال وی موجب اخلال در نظم عمومی نشده و ناامنی ایجاد نکرده و خسارتی نیز به کسی وارد نکرده و فساد را نیز موجب نگردیده است و با اقداماتی که در چارچوب قانون به صورت علنی انجام داده، قطعاً قصد اخلال در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی و ایراد خسارات یا اشاعه فحشا و فساد نداشته و با عنایت به تمایل ایشان مبنی بر قانونی بودن کلیه اقدامات وی، احراز چنین قصدی ممتنع است و عمل موکل، عنوان مجرمانه دیگری هم ندارد. لذا با استناد به متن و تبصره ماده ۲۸۶ عمل مادی موکل به هیچ وجه منطبق بر متن قانون نبوده و از طرفی دلیلی بر قصد موکل مبنی بر اخلال، وجود ندارد.

ثالثاً موکل با حسن نیت در طول جریان رسیدگی و در اظهارات شفاهی و کتبی متعدد مضبوط در پرونده و نیز اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌هایی که پس از دستگیری صادر کرده است، به صراحت اعلام کرده‌اند که دیگر قصد فعالیت در زمینه عرفان حلقه را ندارند که متأسفانه به این موارد دادگاه رسیدگی کننده توجهی نداشته‌اند که این موارد به شرح زیر است:

۳-۲-۱- عدم توجه به اظهارات آقای محمدعلی طاهری در خصوص بازپس‌گیری نظریات:

آقای طاهری در در سطر بیست و ششم صفحه نخست لایحه دفاعیه اعلام کرده‌است:

((...اینجانب حاضر به پس گرفتن همه گفته‌ها، نظریه‌ها و تعالیم خود هستم و...))

۳-۲-۲- عدم توجه به اظهارات ایشان در خصوص عدم تمایل به فعالیت در زمینه عرفان حلقه و تعطیلی و توقف کلاس‌ها :

آقای طاهری در سطر نوزدهم صفحه نخست لایحه مقرر داشته است: ((...از آنجا که اینجانب دیگر هرگز تمایلی به ادامه فعالیت در زمینه عرفان حلقه را نداشته و حاضر به فدا کردن مصالح خانوادگی خود در قبال اندیشه‌ام نیستم... آمادگی خود را در جهت کمک به تعطیلی و توقف فعالیت در زمینه عرفان حلقه را به هر نحو ممکن اعلام می‌کنم...)) در سطر بیست و چهارم صفحه هفت لایحه دست‌نویس اعلام کرده‌اند: ((...در اردیبهشت ماه ۹۰ در برگه‌های

بازپرسی مکتوب کرده‌ام که هرگونه فعالیت دیگران در مورد عرفان حلقه به هر نحو، از این به بعد هیچ گونه ارتباطی به اینجانب ندارد، زیرا در این زمینه فعالیتی نخواهم داشت (همچنین در مصاحبه تیرماه ۹۰ و اعلام کتبی به دفعات برای کارشناسان، لازم به ذکر است کلاس‌های موسسه از دو سال قبل از دستگیری‌ام (۸۹/۱/۲۹) به علت شلوغی، ازدحام و نبود محل پارک و شکایت همسایگان از این بابت جهت رفع مزاحمت برای همسایگان توسط خودم تعطیل شد و بعداً نیز موسسه فرهنگی عرفان کیهانی حلقه با صدور حکم دادگاه به صورت قانونی منحل گردید. بنابراین از تاریخ حبس، طبیعتاً هیچ‌گونه فعالیتی به من ارتباطی نداشته و از این بابت مسوولیتی متوجه من نخواهد بود و همانطور که توضیح دادم، هیچ‌گونه تمایلی نیز برای ادامه فعالیت در این زمینه را هرگز ندارم.)

در آخرین سطر از صفحه بیست و ششم لایحه ((...اینک اینجانب آمادگی خود را جهت هرگونه کمک و همکاری با صلاحدید حضرت تعالی در جهت تعطیلی فعالیت عرفان حلقه را اعلام می‌کنم...))

۳-۲-۳- عدم توجه به اظهارات آقای محمدعلی طاهری در خصوص توبه :

ایشان در سطر هفدهم صفحه نخست لایحه دفاعیه شان اظهار می‌دارند ((...و در مرحله بعد اگر در حقیقت اعتقاد اینجانب نسبت به اسلام و شیعه کماکان شکی وجود داشته باشد، در پیشگاه خداوند متعال نسبت به هرگونه خطا و قصوری توبه نموده و از درگاه او طلب استغفار می‌کنم...))

باستناد ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته ((در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید)) می‌بایست هم دادسرا و هم دادگاه محترم به اظهارات ایشان توجه می‌کرده و توبه ایشان را می‌پذیرفتند که متأسفانه در این خصوص موازین مربوطه رعایت نشده است.

۳-۲-۴- عدم توجه به مفاد پروژه نیروی انتظامی :

به استناد ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ((... بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است...)) با وجود آن‌که از سویی در آخرین جلسه رسیدگی و در مقام بیان آخرین دفاع به مفاد پروژه نیروی انتظامی در خصوص وضعیت موکل و آموزه‌های وی و مبانی اعتقادی ایشان اشاره شده است اما متأسفانه دادگاه محترم به این موضوع هیچ ترتیب اثری نداده است.

همان‌گونه که گفته شد نیروی انتظامی اقدام به انجام مطالعه علمی-اجتماعی درباره عرفان حلقه، تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئولیت انجام این پروژه به‌عهده یکی از افسران متدین عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته است (پیوست ۱۷) هدف پروژه، عبارت بوده است از:

بررسی کارشناسی و منطقی، فلسفی، سیاسی و امنیتی عرفان حلقه با حضور اساتید برجسته دانشگاهی، مذهبی،

سیاسی و امنیتی کشور به جهت ارائه یک راهکار مناسب جهت حل بدون تنش فعالیت‌های عرفان حلقه و چگونگی برخورد با عرفان‌های کاذب و ارائه راه حل مناسب به جهت انجام وظیفه پلیس اطلاعات و دستگاه امنیتی با حداقل هزینه‌ها، جلوگیری از هرز رفتن نیروی پلیس در برخورد با عرفان‌ها و نحوه جلوگیری از تحركات آتی عرفان‌ها پس از تعطیلی کلاس‌ها و چگونگی آماده ساختن جوان‌ها پس از تائید و یار د این عرفان و سایر عرفان‌های دیگر توسط رسانه ملی و پلیس، بازخوردهای داخلی، امنیتی، سیاسی و بین‌المللی پس از برخورد با طرفداران عرفان حلقه و سایر عرفانها و تنش‌های حاصله. به موجب این تحقیق که بخش‌هایی از آن نیز در سطور بالاتر لایحه حاضر با عنوان شخصیت‌شناسی موکل و مبانی اعتقادی وی آمده است بر اعتقاد وی به نظام اسلامی و ولایت فقیه و عدم انحراف ایشان از آموزه‌ها و احکام اسلامی و نیز اعتقاد و التزام وی به اصول و فروع دین و امام عصر و ... اشاره شده است.

و در نهایت این تحقیق اشاره دارد به اینکه مافیای دارو، مافیای مواد مخدر، جریان‌های فکری وارداتی، جریان‌های مخالف نظام (که مایلند جمعیتی غیر سیاسی به جریانی سیاسی مخالف تبدیل شوند) از دشمنان، تهدید و تحریک کننده‌های عرفان حلقه هستند و عرفان حلقه در این تحقیق جریانی غیر سیاسی و بی‌خطر ارزیابی شده است.

۳-۳- ایرادات به جهات موضوعی رأی:

۳-۳-۱- رد ادعای دادگاه محترم در خصوص فرقه بودن و فعالیت تشکیلاتی:

دادگاه محترم بدون هیچ استدلال و مستند قانونی از ابتدای حکم در مقدمه، کلاس‌های عرفان کیهانی را فرقه دانسته است. در قانون تعریفی از فرقه وجود ندارد. لذا ابتدا به معنی آن باید توجه کرد. از این رو می‌بایست پرسید: «فرقه فرقه و مذهب در چیست؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق لازم است نگاهی گذرا به معنای «فرقه» و «مذهب» در لغت و اصطلاح داشته باشیم.

۳-۳-۱-۱- معنای لغوی «فرقه»:

کلمه فرقه در لغت از ریشه «فَرَّقَ» به معنای جدا کردن، گرفته شده است و اسم است. برای گروهی از مردم. ابن منظور می‌گوید: الفرقه: طائفه من الناس. فرقه به عده و گروهی از مردم گفته می‌شود.

۳-۳-۱-۲- معنی لغوی مذهب:

اگر کلمه مذهب از ریشه «ذَهَبَ» به معنی رفتن گرفته شده باشد، در آن صورت مذهب، اسم مکان است به معنای محل رفتن. و اگر از ذهب به معنی «در مسأله‌ای گرایش به نظریه‌ای پیدا کردن» گرفته شده باشد. در آن صورت مذهب مصدر میمی می‌شود به معنای «عقیده، اعتقاد، آیین».

به نظر می‌رسد معنای دوم هم از همان معنی اول گرفته شده است؛ راه خاص در رفتن و مسلک و طریقه در اعمال فیزیکی و هم چنین روش خاص در مسائل فکری و نظری هر دو مصداق مذهب است که از لحاظ ادبیات عرب، اسم مکان می‌باشد.

حال با توجه به معنای لغوی دو کلمه «فرقه» و «مذهب»، معلوم می‌شود که کلمه فرقه در لغت به عده‌ای خاص

از مردم اطلاق می‌شود و مذهب به اعتقاد و عقیده و روش خاص گفته می‌شود. بنابراین هر دو کلمه در اطلاقشان به امری خاص مشترک هستند با این تفاوت که فرقه به اشیاء و افراد و به تعبیر دیگر بر اعیان اطلاق می‌شود، ولی مذهب بر مسائل نظری و معنوی (به معنای مقابل عین) گفته می‌شود.

۳-۱-۴- معنی اصطلاحی فرقه:

کلمه فرقه در اصطلاح، معنایی نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کنند، فرقه گفته می‌شود. مثلاً اگر عده‌ای از پیروان یک دین، اعتقاد خاصی غیر از اعتقاد عموم پیروان آن دین داشته باشند به آن عده «فرقه» گفته می‌شود.

در این جا حدیثی از امام صادق (علیه السلام) ذکر می‌شود تا کاربرد اصطلاحی فرقه بیشتر معلوم شود:

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «الحمدالله صارت فرقه مرجئه و صارت فرقه حروریه و صارت فرقه قدریه و سمیتهم الترابیه و شیعه علی..» یعنی حمد خداوند را با این که فرقه‌ای (گروهی) مرجئه شدند و فرقه‌ای حروریه شدند و فرقه‌ای قدریه شدند، و شما ترابیه و شیعه علی نامیده شدید.

این حدیث امام صادق (علیه السلام) نشان می‌دهد که عده‌ای از مسلمانان که بیعت با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در روز عید غدیر خم را فراموش کردند از گروه مسلمانان جدا شده و به علت اعتقاد به این که عمل در ایمان تأثیر ندارد. «مرجئه» گشتند و عده‌ای برخلاف مسلمانان اعتقاد پیدا کردند که انجام گناه کبیره باعث کفر می‌شود و «حروری» (خارجی) شدند و عده‌ای نیز به دلیل اعتقاد به قدر و این که خداوند هیچ قدرتی در اعمال بندگان ندارد، «قدریه» شدند. ولی آنان که بر پیمان خود با علی (علیه السلام) در روز غدیر خم پایبند مانده و از اسلام جدا نشدند «ترابیه» (چون کُنیه حضرت علی (علیه السلام) ابوتراب بود به طرفداران وی ترابیه اطلاق می‌شد) و شیعه علی، نامیده شدند.

۳-۱-۵- معنی اصطلاحی مذهب:

در اصطلاح، مذهب به یکی از تیره‌ها و شعب یک دین گفته می‌شود؛ می‌خواهد تیره‌های اعتقادی مانند اسماعیلیه و معتزله در اسلام باشد یا طریق سیر و سلوک مانند مذهب نقشبندیه در صوفیه باشد یا روش عمل نسبت به احکام مانند مذهب شافعیه و حنفیه در فقه. این توضیح لازم است که در مغرب زمین واژه «Religion» به معنای مکتب‌های درونی یک دین و به معنای خود دین به کار می‌رود و حدود نیم قرن است که متجددان کشور ما تحت تأثیر این موضوع، کلمه «مذهب» را در هر دو معنا، یعنی، «دین» و «فرقه‌های درونی یک دین» استعمال می‌کنند.

با توجه به معنای اصطلاحی فرقه و مذهب می‌توان گفت که «فرقه» به افرادی که از یک دین جدا شده و عقیده خاصی دارند، اطلاق می‌شود و به اعتقاد و روش خاص آن «مذهب» گفته می‌شود؛ بنابراین این دو کلمه به یک تعبیر، معنای مترادفی دارند با این تفاوت که کلمه فرقه به افراد خاص بودن آن‌ها نظر دارد و کلمه مذهب روش خاص آنان را مورد توجه قرار می‌دهد. پس این دو کلمه می‌توانند به جای همدیگر به کار گرفته شوند. ولی باید توجه داشت که فرقه اسم سخت افزاری و مذهب اسم نرم افزاری یک گروه با عقیده خاص می‌باشد. تفاوت دیگری که از استعمال دو کلمه

فرقه و مذهب می‌توان به دست آورد این است که فرقه بیشتر به تقسیم‌های یک دین از لحاظ کلامی و اعتقادی اطلاق می‌شود؛ اما مذهب در تقسیم‌های یک دین از لحاظ فقهی، اعتقادی، اخلاقی و... کاربرد دارد و حتی یک فرقه دینی احتمالاً چندین مذهب می‌تواند داشته باشد.

به عنوان مثال اهل سنت چهار مذهب فقهی دارند که عبارت است از مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی و ده‌ها فرقه ریز و درشت کلامی دارند مانند معتزله، اشعری، اهل حدیث، مشبیه و... به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که به اصطلاح علمای منطق، رابطه فرقه و مذهب اعم و اخص مطلق است هر فرقه‌ای مذهب است، ولی هر مذهبی فرقه نیست. البته این فرق برگرفته از استعمال است و با تغییر استعمال این فرق هم تغییر می‌کند.

در پایان باید این نکته را یادآور شویم که در زبان فارسی اصطلاح فرقه و مذهب با هم فرق چندانی نداشته و به جای همدیگر استعمال می‌شوند و شاید تنها تفاوتشان در استعمال، این باشد که برای انشعاب‌های اعتقادی و کلامی از اصطلاح فرقه استفاده می‌کنند و برای روشن کردن انشعاب‌های فقهی، اصطلاح «مذهب» را به کار می‌برند.»

(www.andishehghom.com)

۳-۱-۶- نتیجه گیری:

بنابراین از نظر تعریفی، فرقه بار بزهکارانه ندارد اما مفهومی که احتمالاً مد نظر بازجویان بوده است معنی عامیانه و عرفی فرقه است که به یک تشکیلات مخفی که پنهانی جوانان را به خود جذب می‌کند و مغز آن‌ها را مورد شستشو قرار می‌دهد تا در جهت مطامع مؤسس آن به کار گرفته شوند اطلاق می‌شود.

اما این تعریف هم شامل موکل نیست، موکل هیچ‌گونه کار پنهانی انجام نداده، در پی فریب جوان‌ها و اغفال آن‌ها نبوده و غالب کسانی که در کلاس‌های او شرکت کرده‌اند افراد تحصیل کرده و دانا بوده‌اند، که با میل خود و آزادی اراده و اختیار و رضای کامل و ارائه مدارک شناسایی و در محیطی آزاد و با مجوز قانونی ثبت‌نام کرده‌اند. همچنین کتاب‌ها و مقالات موکل علنی چاپ شده و مورد بحث واقع شده است.

بنابراین با توجه به اینکه تمام اقدامات موکل، تمایل ایشان را برای حرکت در چارچوب دین مبین اسلام و قانون و بدون هرگونه موضع‌گیری سیاسی، امنیتی مخالف نظام و به‌صورتی کاملاً مسالمت‌آمیز، را به اثبات می‌رساند، لذا اتهام «فرقه» بودن کاملاً منتفی است.

۳-۲-۳- سالبه به انتفاء موضوع شدن فتاوی مراجع تقلید مستند رای با توجه به فتاوی جدید ایشان در این خصوص و بازپس‌گیری فتاوی قبلی:

دادگاه محترم یکی از مهمترین جهات موضوعی حکم صادره را فتاوی مراجع معظم تقلید حضرات آیات عظام علوی گرگانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و... قرار داده است.

اولاً حضرات آیات عظام مکارم شیرازی و علوی گرگانی به موجب فتاوی جدید خود که پس از اخذ استفتایی که مستظهر به پرسش‌های تلقینی و ناقص و مستند به اظهارات غیر منتسب به موکل صادر شده بود صادر شده است، از

صدور حکم (فتوای) اعدام نکول کرده‌اند که تصویر متن استفتاء جدید به پیوست ۱۸ تقدیم می‌گردد.

ضمناً حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نیز اخذ استفتاء به این شیوه از ایشان را پس از روشنگری که در خصوص نظریات آقای طاهری و ارائه کتاب‌های رسمی و مقالات معتبر چاپ شده وی به عمل آمد، بر نتابیده‌اند که در این خصوص استعلام و استفسار از دفتر مرجع مذکور مستدعی است.

۳-۳-۳- پاسخ به ادعای فاسد بودن آموزه‌های عرفان کیهانی و مردود بودن انتساب اتهام‌های انحراف از اصول و فروع دین :

به عنوان مقدمه اعلام می‌شود:

در مورد اتهام انتشار افکار موهوم با عنایت به اینکه ایشان در جلسه دادرسی و برگه‌های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه (علیهم السلام) و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است که متأسفانه دادگاه محترم بر خلاف موازین شرعی و قانونی و نیز فتوای آیت الله سیستانی مورخ ۹۲/۱۱/۲۶ که فرموده‌اند: هر کس شهادتین بگوید صرف نظر از هرگونه انحراف احتمالی مسلمان است و... به اظهارات موکل هیچ ترتیب اثری داده نشده است. رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه حجت الاسلام خسروپناه در گفتگو با خبرگزاری مهر (شناسه خبر: ۲۵۰۴۴۵۱ - یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۳) در همین ارتباط می‌گوید: ((من نمی‌خواهم بگویم که در اسلام چیزی به نام تکفیر اصلاً وجود ندارد، چرا! در اسلام تکفیر هم مطرح است و در واقع یکی از بحث‌های خیلی جدی در اسلام بحث تکفیر است. اما تکفیر، ضابطه و ملاک دارد. به هر حال در اسلام داریم و شیعه و سنی بر آن اعتراف می‌کنند که هر کس شهادتین را جاری کرد، دیگر او مسلمان است و اگر او تفسیر خاصی از مبدا و معاد و... دارد ما حق نداریم او را تکفیر کنیم اما حق نقد آن را داریم. به فرض مثال می‌توانیم بگوییم این تفسیر شما از معاد جسمانی تفسیر غلطی است. این تفسیری که از تشبیه و تنزیه الهی دارید غلط است. اما نمی‌توانیم بگوییم این شخص کافر است. یا حتی ممکن است کسی بگوید لازمه این حرف اگر خود شخص به آن توجه کند کفر است. اما نمی‌توانید آن شخص وقتی شاهدتین جاری می‌کند را به کفر متهم کنید، وقتی اعتقاد به مبدا و معاد دارد و در عمل به فروع دین مقید است. اسلام به این گونه رفتارها اجازه نمی‌دهد. این نگاهی افراطگر است که متأسفانه داریم و در اثر همین نگاه می‌شود که علاوه بر مشکلات نظری، جامعه مشکلات عملی هم پیدا می‌کند و مشکلات اجتماعی پیش می‌آید و آن مدارایی که لازمه هر حیات اجتماعی است از جامعه گرفته می‌شود.))

در مورد ادعای اهانت و تمسخر مقدسات نیز لازم به توضیح هست که این موارد جزء اتهامات دادگاه بدوی نبوده و یک‌بار در سال ۹۰ آن هم بدون ارائه دلیل و مدرک معتبر و بدون اینکه موکل آن را پذیرفته باشد منتج به صدور رای شد که به موجب آن موکل به اشد مجازات پنج سال تحمل حبس (و در اشد سختی وضعیت و...) محکوم شده است و متأسفانه همین موارد بار دیگر در مورد "اتهام افساد فی الارض" بدون بحث و بررسی و ارائه مدرک در دادگاه مدنظر قرار گرفته شد. درحالی‌که یک بار از بابت آن موکل تحمل حبس نموده است و طرح مجدد آن به عنوان جهت موضوعی حکم صادره منطبق با موازین شرعی و قانونی و دادرسی عادلانه نیست.

۳-۳-۱- پاسخ در خصوص انحراف از خدا شناسی:

مقدمتاً به عرض می‌رساند که موکل به علت کنجکاوی و علاقه بیش از حد نسبت به خدا، آفرینش، هدف از خلقت و ... در دوران کودکی و طفولیت درگیر جذبۀ شدید باطنی زایدالوصفی گشته که برای ارضای میل درونی خود از نوجوانی و جوانی اقدام به سیر و سلوک انفرادی پنهانی که در دنیای عرفان بسیار معمول و متداول است می‌نماید. که در آن به رسیدن به کوی وصل و وصول و پی بردن به ذره‌ای از اسرار خلقت و هستی از خداوند طلب می‌کند، همان‌گونه که با خواندن ادعیه خیلی از افراد از خداوند درخواست می‌کنند که:

«سَهِّلْ لِي مَنَاهِجَ الْوَصْلَةِ وَالْوُصُولِ ... _ دعای سیفی صغیر»، «اللَّهُمَّ اَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ ... _ مناجات خمسۀ عشره - مطیعین لله ... و در این مورد کلام نورانی قرآن می‌فرماید «وَسئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ _ (هرچه می‌خواهید) از فضل خدا بخواهید (نسا - ۳۲)» و از طریقی دیگر می‌فرماید «وَالَّذِينَ يَصْلُونَ مَا أَمَرَّ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ ... و کسانی که دنبال اتصال هستند به آن چیزی که خداوند به وصل آن امر نموده (رعد-۲۱)، و... که در نتیجۀ به لطف خداوند که فرموده‌اند «دعونی استجب لکم»، (غافر ۶۰) ایشان را اجابت نموده و ذره‌ای هر چند ناچیز از فضل خود را به ایشان عطا می‌کند «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (مائده ۵۴) و موفق به کشف و شهود که در همه عرفان‌ها از جمله در عرفان اسلامی و در همه طول تاریخ امری کاملاً معمول و پذیرفته شده می‌باشد، می‌گردد. دامنه این کشف و شهود بسیار گسترده و شامل انسان، روح، جن، درمان و ... بوده و موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روانشناسی و روانپزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند.

از جمله این ادراکات و شعور، درک مرتبه بی‌نامی و حس وحدت وجود است.

گذشته از مطالب فوق در پاسخ به شبهه‌های مندرج در رأی در خصوص انحراف از خداشناسی (که حاوی ۴ بند می‌باشد)، به عرض می‌رساند که این نظرات، ابداع و اختراع موکل نمی‌باشد در فلسفه و عرفان اسلامی مطرح بوده و هست:

بند یکم: پاسخ به عبارت مذکور در (متن رأی) «به زودی یقین حاصل می‌کنید که شما خدا هستید و...»

عبارتی نزدیک به این در دلنوشته‌ای ادبی، عاشقانه و پر از شوق و جذبۀ الهی به نام آزمایش آخر (که عیناً ضمن پیوست ۱۹ تقدیم می‌شود) درج شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌فرمایید اصل عبارت چنین است: «و به زودی یقین حاصل می‌کنید که دارای قدرتی خدایی هستید آن زمان که شما این‌گونه خدا شدید، می‌خواهید بدانید که با من چه خواهید کرد...»

متأسفانه تنظیم‌کنندگان متن ادعایی مندرج در رأی با تقطیع این بخش و اتصال آن به قسمتی دیگر که چنین است: «شما مرا بخشنده می‌دانید ولی اصلاً حد آن را نمی‌دانید و از آن صرفاً تصویری مبهم دارید. میزان بخشندگی من را پس از وصال خواهید فهمید، وقتی که همه قدرت خود را به شما ببخشم. فقط در آنجاست که مفهوم بخشندۀ مهربان را خواهید فهمید.» این‌گونه القاء می‌نماید که موکل مرتکب کفرگویی شده است. این متن یک دلنوشته ادبی است و

توقع دقت‌ها و سختگیری‌های فلسفی از آن نمی‌رود، برای نمونه سهراب سپهری گفته است و خدایی که در این نزدیکی است، لای آن شب بوه‌ها، آیا ایشان کفر گفته‌اند!!

از حضرت آیت الله شبیری زنجانی «دام ظلّه» پرسیده بودند: نظر شما نسبت به وحدت وجود چیست؟ آیا همانطوری است که برخی از آقایان می‌گویند مستلزم شرک و کفر و حلول و اتحاد است؟ ایشان کاملاً صاف فرموده بود: بعید می‌دانم آقایانی که قائل به وحدت وجود هستند این جور دیدی داشته باشند و بگویند که خداوند در اشیاء حلول کرده، یا با اشیاء یکی شده است، این طوری نیست؛ چون در بین آن‌ها افرادی هستند که من آن‌ها را به عظمت می‌شناسم و این اتهام‌ها به آن‌ها نمی‌چسبید؛ لذا ما که در این زمینه تخصص لازم را نداریم نباید «نفیا یا اثباتاً» وارد بشویم.

این بسیار زیبا است که از یک مرجع تقلید و فقیه برجسته این انصاف را می‌بینیم و می‌شنویم و توقع ما از دیگران نیز همین است که اگر خودشان در جریان نیستند، حداقل این احتمال را بدهند که شاید مراد آقایان چیز دیگری باشد که بر آن‌ها مخفی مانده است، نه اینکه با همان برداشت‌های سطحی و مبتذل از وحدت وجود، با اهل معرفت مخالفت کنند و به کفر و شرک قائلین به وحدت وجود فتوا بدهند.

در طول تاریخ فیلسوفان، شاعران و ادیبان بسیاری بوده‌اند که تعبیری مشابه داشته‌اند که در حال حاضر ایشان را مفسد فی الارض و مرتد و... نمی‌شناسند هرچند که در زمانه خود، آماج حملات منتقدین خود بوده و محکوم به ارتداد و خروج از دین و بدعت‌گذاری و... شده‌اند و یا اینکه از جامعه طرد شده‌اند. موضوعی که موکل در پی تشریح آن در متن مذکور بوده است، بیانی ادیبانه از مفهوم وحدت وجود و فنا فی الله است که از صدها سال پیش توسط عرفا و فلاسفه بزرگ اسلامی مطرح شده است و هر روزه در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود که در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف- تعابیر مشابه عرفا و شاعران در این خصوص:

۱- ملاصدرا:

ملاصدرا با عبارات مختلف در کتب مختلفش از وحدت وجود حرف زده است و نه تنها این نظریه عرفانی را در فلسفه بیان کرده است، بلکه ادعا می‌کند که با آن فلسفه را تکمیل کرده است و این در واقع رکن رکن حکمت متعالیه صدرایی محسوب می‌شود. ملاصدرا این را از لطف خدا می‌داند: «هدانی ربی بالبرهان النیر العرشى الی صراط مستقیم من کون الموجود والوجود منحصراً فی حقیقه واحده شخصیه لا شریک له فی الموجودیه الحقیقیه و لا ثانى له فی العین و لیس فی دار الوجود غیره دیار» الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، صدر المتألهین ملاصدرا [(پروردگرم مرا با برهان روشنی بخش آسمانی به راه راست هدایت کرد که موجود و وجود در یک حقیقت واحد مشخص منحصر هستند که برای او شریکی در این حقیقت وجودی نیست و ماندنی برای او به صورت عینی وجود ندارد و در سرای هستی غیر او جنبه‌ای نیست)

که همه هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو

۲- ابن عربی:

ابن عربی در مقدمه فصوص الحکم نوشته است: «فسبحان من اظهر الاشياء و هو عينها بنابرین کثرت و تعدد در وجود به واسطه اعتبارات و اضافات است چون به هستی از حیث ذات نظر انداخته شود، همان وجود اقدس حق می‌باشد. اما وقتی از جهت صفات و اسماء در نظر گرفته شود، یعنی از جهت ظهوری که در اعیان ممکنات دارد، همان خلق است»

۳- مولانا و سنایی غزنوی:

مولانا نیز در بسیاری از اشعارش رابطه مرید و مرادی اش با شمس را بسیار گزافه‌آمیز توصیف می‌کند. وی در شعری گفته است شمس من و خدای من، و یا اینکه سنایی غزنوی در خصوص فردوسی می‌فرماید:

آفرین بر روان فردوسی / آن همایون نهاد فرخنده

او نه استاد بود و ما شاگرد / او خدا بود و ما بنده

۴- شیخ محمود شبستری:

شیخ محمود شبستری نیز در گلشن راز می‌گوید: «چون نیکو بنگری در اصل این کار، همو بیننده، هم دیده است و دیدار»

ب- پیشینه تاریخی تکفیر عرفای بزرگ:

در طول تاریخ برخی از عرفای بزرگ مانند ابن سینا، محی الدین عربی (ابن عربی)، ملاصدرا، علامه فیض کاشانی، شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق، صدرالدین قونوی مشهور به عارف کبیر، امام خمینی و آیت الله بهجت تکفیر شده‌اند. در زیر نمونه‌هایی از اینگونه تکفیرها اشاره می‌شود.

۱- تکفیر ابن عربی از سوی ابن تیمیه بنیانگذار وهابیت و سلفی‌گری:

ابن تیمیه با حمله با محی الدین ابن عربی، اولین تکفیر مسلمانان را رقم زد. وی در سن ۴۲ سالگی فصوص الحکم محی الدین ابن عربی را مطالعه کرد و بعد از آن به لعن و سب محی الدین و پیروان او پرداخت و کتابی به نام «النصوص علی الفصوص» در رد آن نوشت. سپس در نام‌های به شیخ کریم الدین، شیخ خانقاه سعیدالسعداء در قاهره از پیروان ابن عربی به عقاید محی الدین، صدرالدین قونوی و عقیف تلمسانی و ابن سبعین سخت تاخته و آنان را کافر خواند. در یکی از فتوای خود، احوال محی الدین و سران تصوف و عرفان را شیطانی می‌داند و از این‌رو آنان را ضد پیامبران می‌شمارد. به گفته وی، اینان گرفتار تخیلات شیطانی‌اند. ابن تیمیه با نگارش کتاب «الفرقان بین اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان»، رسماً همه عارفان را اولیای شیطان خواند. همین عقائد و اعمال و رفتار ابن تیمیه، الگویی برای سلفیان وهابی شده است که پس از به قدرت رسیدن محمد عبدالوهاب و پیروانش در سرزمین حجاز چه جنایت‌های بسیاری را بر پیروان مذاهب مرتکب شدند و چه بسیار آثار اسلامی را تخریب نمودند که زبان از بیان آن جنایات درمانده می‌شود.

۲- تکفیر شیخ شهاب الدین سهره وردی و ابن سینا از سوی ابو حامد محمد غزالی:

در حدود ۶۰ سال پس از ابن سینا، غزالی در کتابی که در نقد فلسفه نوشته بود، وی را تکفیر کرد. این امر در ظاهر، تنها به این دلیل بود که به نظر وی، ابن سینا در سه مسأله فلسفی به خطا رفته بود و مطالبی نگاشته بود که با ظاهر دین سازگاری نداشت. البته نه غزالی تنها کسی بود که دست به تکفیر فلاسفه زده و نه ابن سینا تنها فیلسوفی است که متهم به کفر و بی‌دینی شده است. پس از وی، شیخ شهاب الدین سهروردی، ملاصدرا و بسیاری دیگر از فلاسفه نیز مورد آماج حملات ظاهریون قرار گرفتند. ظاهریون - که غزالی نیز به مشرب فکری آن‌ها تعلق دارد، تنها به ظاهر عبارات دینی استناد می‌کنند و هرگونه تأویل و تفسیر عمیق را جایز نمی‌شمارند، بنابراین از نظر فکری در مقابل باطن‌گرایان قرار دارند. جریان‌های فکری اخباری‌گری، تفکیکی، اهل حدیث، اشعری و... هر یک تا حدی به این نحوه از تفکر تعلق دارند. ابن سینا درسرودهای در خصوص مبانی اعتقادی و حکم تکفیر صادره علیه خود می‌فرماید:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود / محکمتر از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آن هم کافر / پس در همه دهر یک مسلمان نبود

شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق نیز از عرفای بزرگی بود که با حکم ارتداد و تکفیر ابو حامد محمد غزالی به دست ظاهر شاه به قتل رسید.

۳- ملاصدرا:

تا روزی که ملاصدرا برای تقلید قائل به شرط بود و می‌گفت به شرط شناخت می‌توان تقلید کرد، علمای اصفهان با او مدارا می‌کردند ولی وقتی به طور مطلق تقلید را انکار کرد علما از او متنفر شدند و مبادرت به خصومت علنی کردند.

تا آن روز بحث فی ما بین دانشمندان اصفهان و ملاصدرا بحث علمی و فقهی بود ولی از آن به بعد زمزمه تکفیر برخواست و علمای اصفهان احتمال تکفیر ملاصدرا را مطرح نمودند. واضح است که گفته‌های اخیر ملاصدرا نه تنها دشمنانش را وادار کرد که کمر خصومت را تنگ‌تر بندند بلکه آن دسته از علما که تا آن روز بی‌طرف بودند و نمی‌خواستند که با ملاصدرا به خصومت پردازند نیز دشمن وی شدند و راه خصومت را پیش گرفتند. چون ملاصدرا از خطر تکفیر نمی‌هراسید علمای اصفهان به شاه عباس شکایت کردند و گفتند که ملاصدرا نباید تدریس کند چون چیزهایی که می‌گوید برخلاف شرع می‌باشد. شاه عباس پیغامی برای ملاصدرا فرستاد که بهتر است شما چندی استراحت کنید و به مدرسه نروید تا صدای اعتراض علمای اصفهان خاموش شود. ملاصدرا از رفتن به مدرسه خودداری کرد و درس او قطع شد.

۴- تکفیر علامه ملا محسن فیض کاشانی (داماد ملاصدرا):

محمد بن مرتضی بن محمود معروف به ملامحسن و ملقب به فیض در چهاردهم صفر سال ۱۰۰۷ هجری قمری در کاشان بدنیا آمد و از پیشوایان حکمت و الهیات و عرفان و حدیث در سده یازدهم هجری است.

آراء و اقوال زیادی از او نقل می‌کنند، که به زعم متشرعان بیشتر فاسد و باطل است و به اصطلاح مترجمان از آن‌ها

بوی کفر می‌آید.

از جمله کسانی که بر او حمله کرده و او را به کفر نسبت داده‌اند، یکی نواده شهید ثانی، عاملی معروف است؛ و دیگر شیخ احمد احسائی که او را به جای محسن، مسیء نام داده و بسیار می‌گوید «قال المسیء القاسانی تبعاً لامامه ممیت الدین ابن العربی، گفت بدکردار کاشانی به پیروی از پیشوای دین کش خود ابن العربی.» به هر حال هر کسی که محیی‌الدین را خوب بداند و به عقاید او معتقد شود البته فقیهان در باره‌ی او نظر خوبی نخواهند داشت.

۱- قول به وحدت وجود، که در این باره رساله‌ای نوشت و صریحاً قول به وحدت را ابراز داشت، چون «شیخ یوسف بحرانی» فقیه نامی زمان، آن رساله را دید، بر آشفت و «فیض» را تشنیع کرد و به کفر نسبت داد، شیخ احمد احسائی (در گذشته ۱۲۴۳ ه.ق) که خود در دین متهم بود خطاب به او نوشت: «قل انالله و لاتخف فانک بالتصريح تستريح و تريح!»

۲- قول به عدم خلود کافران در عذاب دوزخ، این مخالف اعتقاد بسیاری از معتزله و شیعه است که کافران را مخلد در نار دانند و عذاب را جاودانه.

۳- قول به عدم نجات اهل اجتهاد، اگر چه از بزرگ‌ترین فاضلان و دانشمندان باشند. چه فیض از اخباریان بود، که به هر تقدیر اجتهاد را جایز نمی‌دانند و با آن مخالف‌اند.

۴- قول به این که شیء نجس شده، چیز دیگر را نجس نتواند کرد.

۵- قول به اینکه آب اگر به نجاست برسد منفعل و دگرگون نمی‌شود.

۶- قول به حلال بودن غنا و شنیدن موسیقی و آراء دیگری که در فقه غیر از او کسی بدان‌ها نرفته و فتوی نداده است. شک نیست که: فیض در بیان این فتوی به ویژه از عقیده امام غزالی در «فصل سماع» از احیاءالعلوم متأثر بوده و از آن استفاده کرده است.

البته علمای بزرگ تشیع در عصر حاضر مانند حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و آیت الله العظمی جعفر سبحانی زبان به تمجید از وی گشوده‌اند و آیت الله عبدالله جوادی آملی در این خصوص فرموده‌اند: ((فیض کاشانی توانست با غلبه بر هوای نفس خود در جهاد اکبر پیروز شود. علامه فیض کاشانی زنده است و در نزد خداوند مرزوق است.))

۵- تکفیر مرجع عالیقدر شیعه آیت الله العظمی امام خمینی :

بعد از ورود آقای شیرازی به کویت، دوستان و حامیان ایشان حملاتی را علیه امام ترتیب دادند و شروع به بدگویی و اتهام‌نسبت به امام کردند. حتی برخی از آن‌ها با تفسیق حتی تکفیر امام، کار را به اوج رساندند و این ناسزها از آن زمان و حتی بعد از ورود آقای شیرازی به ایران ادامه داشت. زمانی برخی شاگردان امام مثل آقای محتشمی‌پور و آقای فردوسی‌پور که به کویت سفر کردند گفتند که بیت ایشان پاتوق مأموران ساواک بوده است و حتی آقای شیرازی به آن توصیه می‌کند که از مبارزه دست بردارند. سید عباس مَه‌ری که از طرفداران و نماینده‌ی امام در کویت بود به جهت

آشنایی با کارها و فعالیت‌های سیاسی، وی را تکفیر کرد و حتی ایشان را بدتر از شاه دانست.

شدت علاقه امام به فلسفه و عرفان بر حوزویان مخالف فلسفه ستیز پوشیده نبود. این در حالی بود که درس فلسفه امام خمینی چندان علنی نبود و به طور خصوصی و کاملاً محدود برگزار می‌شد. تنها طلبه‌هایی مجاز به شرکت در این درس بودند که امام خمینی به آن‌ها اذن حضور داده باشد. اما مباحث جنجالی فلسفه و عرفان اسلامی به ایجاد چالش‌های جدی در میان حوزویان انجامید. یکی از علمای قم حکم تکفیر امام خمینی را صادر کرد و طلبه‌های ضد فلسفه نیز معاشرت با امام و خانواده اش را تحریم کردند. آیت الله عزالدین زنجانی در یکی از برنامه‌های صدا و سیما (دیدار با فرزندانگان) اینگونه به یاد می‌آورد: «کسی که امام را تکفیر کرد و کارش در حوزه قم صدا کرد، یکی از علمای زنجان بود. وی در محله سیدان قم ساکن بود و من از او که علت را پرسیدم دستم را گرفت و گفت: این شخص می‌گوید دست تو خداست! این به خاطر تصور غلطی بود که از بحث فلسفی وحدت وجود برای او حاصل شده بود.»

شاید خیلی‌ها قضیه مشهور پیشنهاد یک روحانی مقدس را مبنی بر آب کشیدن کوزه‌ای که مرحوم سید مصطفی خمینی از آن آب نوشیده بود شنیده‌اند. این روحانی با این تفکر که فرزند امام نیز به دلیل اعتقادات فلسفی پدرش نجس است، دستور آب کشیدن کوزه را داده بود. هر چند بعدها وی از کارش پشیمان شد و از دوستداران امام گشت. با تعطیلی درس فلسفه امام، دعوای بر سر اندیشه‌های فلسفی عرفانی ایشان فروکش کرد و به درس فلسفه علامه طباطبایی منتقل شد. بعدها آیت الله العظمی بروجردی هم با تدریس علنی و گسترده فلسفه مخالفت کرد.

۶- تکفیر آیت الله العظمی بهجت:

در همین راستا برخی از به ظاهر علمای شیعه مانند سید مجتبی شیرازی برادر سید صادق شیرازی و نیز شبکه‌های تلویزیونی لندن نشین به ظاهر شیعه مانند شبکه فدک به سرگردگی یاسر الحبيب نیز آیت الله بهجت را به جهت برخی اندیشه‌های عرفانی‌شان تکفیر کرده‌اند.

بند دوم- عبارت «هر جا که رو کنیم وجه الله، هر وجهی نامی دارد، پس هر نام، نام اوست و چیزی جز نام او نیست، او نام ندارد.....» (متن رأی)

بر خلاف ادعای مندرج در رأی مبنی بر بدعت بودن بی‌نام دانستن خدا و ترویج آن توسط موکل، لازم به توضیح است که این موضوع که ذات اقدس الهی جل جلاله، فراتر از اسم و صفت است در بین عرفا شناخته شده است. این نظر مؤید به احادیث صادره از ناحیه معصومین علیهم السلام و مندرج در کتب معتبره شیعه و سنی و نوشته‌های فلاسفه و عرفای اسلامی است و به هیچ وجه انحرافی نیست. موارد زیر به عنوان شاهد به عرض می‌رسد:

الف- مفهوم الله اکبر:

الله اکبر به چه معنی است؟ یعنی خداوند بزرگتر است. از چه بزرگتر است؟ الله اکبر عما یصفون یعنی جمال کبریایی از هر وصف و هر توصیف و هر خیال و وهمی فراتر است. پس از هر نوع اسم نیز فراتر است. اما کلمه الله و صفات باری تعالی به چه معنا هستند و چرا وضع شده‌اند؟ در ادامه از روایات منقول، علت این تسمیه آشکار می‌شود که خداوند برای نیایش خلق، اسامی برای خودش تعریف کرده که ذاتش نیستند.

ب- عقاید و اندیشه عرفا و فلاسفه در این خصوص :

۱- ملاصدرا:

ایشان می‌فرمایند: «لا اسم له و لارسم له و لاحد و لاخبر عن ذات الواجب لفرط کماله» «مفاتیح الغیب ملاصدرا ج ۱ ص ۲۳۴»

یعنی: هیچ اسمی و رسمی و حدی و خبری برای ذات واجب از شدت کمالش وجود ندارد.

همچنین ملاصدرا می‌فرماید: «والحق الحقیقی بالتصدیق ان وضع الاسم المخصوص للذات الاحدیة و الهویه الوجودیه مع قطع النظر عن النسب و الاضافات غیر متصور اصلاً لان تلك الذات غیر معقول للبشر و لا یشار الیه بعقل او حس و الغرض من وضع الالفاظ و النقوش الكتابیه لیس الا الدلاله علی ما فی الاذهان من المعانی و لما یتصور لحقیقه الباری صورہ ذهنیه مطابقه لذاته فلا یمکن الدلاله علیه و حینئذ فلا اسم و لارسم و لانعت و من هنا تبین ان وضع الالفاظ انما هو للمفهومات و الصور الذهنیه لا للاعیان الخارجیه اذا فهتم هذا فاعلم ان الحق، الاول تعالی ذاته نفس الوجود الصرف بلا ماهیته اخرى فجميع الاسماء و الصفات خارجه عنه. فالکل بحسب المفهوم غیره. [ملا صدرا، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۷۸]

یعنی حق حقیقی و قابل تصدیق این است که وضع اسم مخصوص برای ذات احدیت و هویت وجودی او، بدون در نظر گرفتن نسبت‌ها و اضافات اصلاً غیر قابل تصور است زیرا ذات او برای بشر غیر معقول است و به ذات الهی با عقل یا حس نمی‌توان اشاره کرد. غرض از وضع الفاظ و خطوط نوشتن چیزی غیر از دلالت بر معانی که در ذهن انسان است نیست، و از حقیقت ذات باری صورت ذهنی مطابق ذات او تصور نمی‌توان کرد، و نمی‌توان به او دلالت کرد و در این هنگام هیچ اسم و هیچ رسم و هیچ صفتی برای او وجود ندارد و از اینجا معلوم می‌شود که وضع الفاظ برای مفهومات و صور ذهنی است نه برای عین‌هایی که در خارج وجود دارند، اگر این را فهمیدی پس بدان، حق این است که اول تعالی (منظورش ذات اقدس اله است که قبل همه چیز بوده است) ذاتش نفس وجود خالص است بدون هر نوع ماهیت دیگری، پس جمیع صفات و اسما خارج از او هستند و همه آن‌ها از نظر مفهومی خارج او هستند.

۲- علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی (قدس سره):

«منظور عرفا از عنقا و سیمرغ، این مرحله از شهود یعنی تجلی ذاتی را عرفا تعبیر به عنقا و سیمرغ می‌نمایند. چه او موجودی است که هرگز صید احدی نخواهد شد، سیمرغ، آن ذات بحت (منظور پاک و خالص از هر چیز است) و وجود صرف است که از آن به عالم (عمی) و کنز مخفی و غیب الغیوب و ذات ما لا اسم له و لارسم له تعبیر کند.» [لب اللباب، علامه حسینی تهرانی، ص ۱۵۴]

ج - ادله نقلی:

۱- عن ابی عبدالله (ع) قال :

اسم الله غیر الله، و کل شیء وقع علیه اسم شیء فهو مخلوق ما فلا الله، فاما ما عبرته الالسن او ما عملته الایدی فهو

مخلوق، و الله غایه من غایه، و المغیی غیر الغایه، و الغایه موصوفه، و کل موصوف مصنوع، و صانع الاشیاء غیر موصوف بحد مسمی، لم یتکون فتعرف کینونته ب صنع غیره، ولم یتناه الی الغایه الا کانت غیره لا یزل من فهم هذا الحکم ابدًا، و هو توحید الخالص، فارعوه و صدقوه و تفهموه باذن الله، من زعم انه يعرف الله بحجاب او بصوره او بمثال فهو مشرک، لان الحجاب و المثل و الصوره غیره، و انما هو واحد موحد فکیف یوحد من زعم انه عرفه ب غیره، و انما عرف الله من عرفه بالله، و من لم يعرفه به فلیس يعرفه، انما يعرف غیره، لیس بین الخالق و المخلوق شیء، فالله خالق الاشیاء لا من شیء کان، والله یسمی باسمائه و هو غیر اسمائه و الاسماء غیره [شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۹۳]

یعنی: اسم الله غیر از (ذات) الله است، و هر چیزی که اسم بر آن گذاشته شود مخلوق است غیر از (ذات) الله، اما آنچه که زبانها بیان می کنند یا دستها انجام می دهند، مخلوق هستند ... سازنده اشیا قابل توصیف با محدودیت مسمی نیست، (ذات) الله با اسامیش نام گذاری می شود و او غیر اسامیش است و اسامی غیر او هستند.

۲- حضرت علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه می فرماید:

«اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده، و کمال توحیده الاخلاص له و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه»، کمال توحید خداوند خالص شدن برای اوست و کمال اخلاص، نفی صفات از اوست.

در حدیث دیگری از امام رضا به روایت از محمد بن سنان آمده است: «قال: سألته عن الاسم ما هو؟ قال صفة لموصوف» یعنی: پرسیدم که منظور از اسم (الله) چیست؟ گفت: صفتی برای موصوف است.

بنابراین کمال اخلاص الهی، نفی صفات از ذات باری تعالی است که اسماء الهی هم جزو صفات او هستند.

۳- عن ابن سنان، قال سألت ابي الحسن الرضا (ع) هل كان الله عارفاً بنفسه قبل ان يخلق الخلق؟ قال نعم، قلت يراها و يسمعها؟ قال ما كان الله محتاجاً الى ذلك، لانه لم يكن يسألها و لا يطلب منها، هو نفسه و نفسه هو، قدرته نافذه، و ليس يحتاج ان يسمي نفسه، ولكن اختار لنفسه اسماءً لغيره يدعوه بها، لانه اذا لم يدع باسمه لم يعرف فاول ما اختار لنفسه العلي العظيم، لانه اعلى الاشياء كلها، فمعناه الله، و اسمه العلي العظيم، هو اول اسمائه لانه علي، علا كل شيء [التوحید، شیخ صدوق، ص ۱۹۱]

از ابن سنان نقل شده که گفت از ابوالحسن الرضا (ع) پرسیدم آیا خداوند قبل از این که مخلوقات را خلق کند به ذات خود شناخت داشته است؟ گفت: بله. گفتم: ذات خودش را می دید و خودش را می شنید؟ گفت: الله به آن محتاج نبود، برای این که کسی از او نمی خواست و از او طلبی نمی شد، او ذاتش بود و ذاتش او بود، قدرتش بر همه چیز نفوذ داشت، و احتیاجی به این که خودش را نام گذاری کند نبود، اما برای خودش اسامی را انتخاب کرد تا دیگران او را به آن بخوانند، برای این که اگر او را به نامش نخوانند شناخته نمی شود.

بند سوم - عبارت «انسان قادر به عاشق شدن برای خدا نیست زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست» (متن رأی)

منظور موکل از این عبارات، نفی عشق جزئی و درک شمه ای از ذات حق نیست، چون اگر چنین بود که اصلاً

عرفان معنا نمی‌یافت. بلکه منظور وی محال بودن درک کنه ذات الهی است. هم در قرآن و هم در روایات از عدم امکان شناخت ذات الهی (چه به روش حصولی و چه حضوری) و ناتوانی انسان و به تبع همین عدم توانایی، از بازداشتن انسان در شناخت ذات الهی و پرداختن به مخلوقات به عنوان آیات الهی سخن به میان آمده است.

الف - قرآن

«وَلَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا؛ ولی آن‌ها به او احاطه ندارند. (طه: ۱۱۰)»

ب - روایات

۱- امام باقر (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «يَا كَافِرُ وَالتَّفَكُّرُ فِي اللَّهِ وَ لَكِنْ إِذَا أُرِدْتُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَى عِظَمَتِهِ فَانظُرُوا إِلَى عَظِيمِ خَلْقِهِ مِنْ تَفَكُّرِ دَرَبَارِهِ خَدَاوَنْد بِر حِذْرِ بَاشِيد وَ هِرْ گَاهِ ارَادَه كَرْدِيدِ عِظَمَتِ او رَا دَرِيَابِيد، به عظمت آفرینش بنگرید. (کافی، کلینی؛ ج ۱، ص ۹۳)»

۲- در برخی روایات از تفکر در ذات الهی به عنوان عامل زمینه ساز الحاد و بی‌دینی یاد شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَفْكَرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَزَنَّدَقَ» «هر شخصی که در ذات خدا اندیشه کند زندگی می‌شود» (کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۲)

۳- امام علی (علیه السلام) چنین می‌فرماید: «لَمْ يَطَّلِعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ: خَدَاوَنْد) خَرْدَهَا رَا بِر چگونگی و تحدید صفات خود آگاه نکرد؛ لیکن هرگز آن‌ها را از مقدار لازم معرفت خود محجوب نساخت. (نهج البلاغه، خطبه ۴۹)»

ج - نظر عرفا و فلاسفه اسلامی

۱- آیت الله جوادی آملی:

از آنجایی که ادراک کنه هر چیز مستلزم نوعی احاطه بر آن چیز است و انسان و سایر مخلوقات محدود و متناهی را توانایی آن نیست که نسبت به خداوند نامحدود و نامتناهی احاطه یابند بنابراین ادراک کنه ذات خدا نه ممکن است و نه تکلیف کسی. (تفسیر تسنیم، جوادی آملی، ج ۱۶، ص ۶۶۳-۶۶۵)

نه تنها شناخت کنه ذات خداوند، بلکه شناخت کنه هر چیزی ممتنع است و این معرفت، مختص ذات اقدس الهی است، چون کنه اشیا فیض خاص خداست که بسیط محض و بدون امتزاج است و این «وجه باقی خدا» (نه ذات خدا) در هر چیزی بدون ممانجه، حضور قیومی دارد، بنابراین تنها مقداری از شناخت که در محدوده امکان باشد، مقدور انسان است. (تفسیر انسان به انسان، جوادی آملی، ص ۶۲)

۲- ابن عربی

«أَمَّا الذَّاتُ الْإِلَهِيَّةُ فَحَارٌ فِيهَا جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (عليهم السلام)». (شرح فصوص الحکم، قیصری، ص ۳۴۶) مقام ذات الهی جایی است که حتی انبیاء و اولیاء در آن حیرانند.

۳- آیت الله مصباح یزدی

ناکارآمدی عقل برای شناخت حقیقت ذات و اوصاف الهی باشد، مطلبی درست و دقیق است و همین معنا در روایات فراوانی آمده است؛ از جمله امام حسین (علیه السلام) در قسمتی از بیان نورانی خود می‌فرماید: احتجب عن العقول كما احتجب عن الابصار؛ «خدا همان گونه که با چشم‌ها قابل دیدن نیست، با عقل هم قابل شناختن نیست»

این که خداوند با عقل هم قابل شناختن نیست، یعنی حقیقت ذات و صفات الهی شناختنی نیست، نه مفاهیم آن‌ها. اصولاً کار عقل، درک مفهوم است. عقل یعنی قوه‌ای که مفاهیم کلی را درک می‌کند. هیچ‌گاه عقل نمی‌تواند مصداق را درک کند؛ مصداق را باید با تجربه حسی یا تجربه درونی (علم حضوری و شهودی) یافت. کار عقل فقط درک مفاهیم کلی است. عقل هیچ‌گاه یک شیء مشخص و عینی را نمی‌شناسد، مگر با اوصاف کلی. از این رو، نباید از عقل توقع داشت که ذات خدا را از آن جهت که یک موجود عینی خارجی و مصداق صفات و اسماست، بشناسد. عقل در هیچ جای دیگر نیز چنین هنری ندارد. هر جا عقل چیزی درک می‌کند، از راه مفاهیم کلی است.

اگر منظور از شناخت ذات، شناختی همراه با احاطه بر ذات باشد، چنین چیزی برای غیر خدا محال است؛ چون ذات خدا نامتناهی است و احاطه محدود بر نامحدود محال است. چنین معرفتی برای شریف‌ترین مخلوقات خدا، (یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و فرشتگان مقرب الهی نیز محال است؛ زیرا آن‌ها نیز وجودشان محدود است و نمی‌توانند بر ذات نامحدود الهی احاطه پیدا کنند. تنها خود خدا، به علم حضوری، ذاتش را به‌طور کامل مشاهده می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: «... ولا يبلغ احد كنه معرفته، فقليل لانت يا رسول الله؟ قال: لا انا، الله اعلى واجل أن يطلع احد على كنه معرفته؛» «هیچ‌کس به کنه معرفت خدا نمی‌رسد. از او پرسیدند: حتی شما ای رسول خدا؟ فرمود: حتی من؛ خدا بالاتر و برتر از این است که کسی به کنه معرفتش برسد.» اما اگر منظور از معرفت ذات، این باشد که برخی از انسان‌ها می‌توانند به مقامی برسند که رابطه وجودی خودشان را با خدا بیابند و از همین دریچه، جلوه‌ای از ذات الهی را به اندازه ظرفیت وجود خود مشاهده کنند، چنین چیزی ممکن است.

<http://www.mesbahyazdi.ir/node/5507>

بند چهارم: عبارت «انسان در دنیا الله و در آخرت رب می‌شود» (متن رأی)

موکل در هیچ کتاب یا مقاله‌ای چنین عبارتی را نگفته است و معلوم نیست این عبارت چگونه به او منتسب شده است. همچنین جناب آقای طاهری در صفحه نخست و سطر پنجم لایحه دفاعیه دست‌نویس تقدیمی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به صراحت اظهار داشته است: ((اینجانب شیعه اثنی عشری هستم با اعتقاد کامل به دین مبین اسلام (اصول و فروع دین)، کلام و حیانی قرآن، نبوت پیامبر اکرم ص به عنوان خاتم الانبیاء، ولایت ائمه معصوم علیهم السلام و منجی عالم بشریت و... بدین وسیله شهادتین خود را بر زبان جاری و در دل گواهی می‌دهم...))

۳-۳-۲- پاسخ در خصوص اتهام انحراف از شیطان شناسی:

آنچه به عنوان فساد عقیده موکل درباره شیطان مطرح شده است چند مطلب است:

۱. شیطان فی نفسه برای خودش شر نیست.
۲. شیطان تنها موحد درگاه الهی است که جز بر خدا بر کسی سجده نکرده است.
۳. شیطان نقش سازنده دارد و قانون تضاد را جاری کرده است.
۴. شیطان جزء احسن الخلقین است.

جناب طاهری در سطر شانزدهم از صفحه دوازده لایحه دست‌نویس می‌گوید:

((یکی از اصول مهم در عرفان حلقه، اجتناب از شبکه منفی (شیطان) و تمایل به شبکه مثبت می‌باشد و شبکه منفی را نیروی مقاوم در سر راه حرکت به سوی کمال معرفی می‌کند. اینجانب تمایل به شیطان و شیطان پرستی را قویا تکذیب و عرفان حلقه را نمونه بارزی از میل به توحید ناب و خالص می‌دانم که هیچ خدشه‌ای از این بابت به آن قابل وارد کردن نیست.))

در ادامه پاسخ به این شبهه‌ها موارد زیر لازم به توضیح است:

الف - گزینش تقطیع شده عبارت:

عبارت اول مذکور در متن رای گزینشی، تقطیع شده است. نظر موکل درباره شیطان چیزی است که در کتاب بینش انسان نوشته است: «اگر سؤال شود که شیطان خوب است یا بد چه جوابی خواهیم داد؟ جوابی که با در نظر نگرفتن نسبت ارائه می‌شود، این است که به طور مسلم و مطلق شیطان بد است. وقتی می‌گوییم به طور مطلق منظور این است که وجود شیطان هیچ گونه امتیازی نمی‌تواند داشته باشد و... بدون وجود عوامل ضد کمال، کمال ارزشمند نیست و در صورت وجود شیطان و غلبه بر آن است که انسان می‌تواند متعالی شود... شیطان سنگ محکی برای تعیین میزان خلوص او به شمار می‌رود... بنابراین وجود شیطان در کمال ما نقش دارد و اگر شیطان نبود، به دنبال خداگشتن هم نبود...»

از سوی دیگر، اگر شیطان را بد مطلق بدانیم، منشأ و خالق بدی، خود او خواهد بود در این صورت، باید خوب مطلق نیز وجود داشته باشد. که خالق خوبی به شمار رود. این خالق خوبی از نگاه کسی که به وجود خدا معتقد است، نمی‌تواند کسی جز او باشد و با این بینش، شیطان به عنوان خالق بدی، در مقابل خداوند به عنوان خالق خوبی، قرار می‌گیرد و این مطلق بینی در مورد شیطان، اعتقاد به دوئیت و شرکی آشکار خواهد بود» [کتاب بینش انسان، صفحه ۷۶ و ۷۷]

ب- متن کامل عبارت آقای طاهری:

در مورد عبارت دوم مذکور در رای، متن نظر ایشان در مقاله نقش ابلیس، چنین است: «پس تبعیت نکردن از فرمان سجده به ظاهر نافرمانی است و اگر نافرمانی نبود تضادی هم نبود. اما در عین حال، فرمانبرداری است چون خداوند آن

را از پیش تعیین کرده است. خداوند با امر به این که ابلیس جز بر او سجده نکند، نقش موحدی را به او می‌دهد که برای انجام مأموریت خود از جهان تک قطبی (بارگاہ الهی) رانده می‌شود و در عین حال این درس را به جا می‌گذارد که تکبر و نافرمانی از خداوند، نتیجه‌ای جز دوری از درگاه او ندارد.»

بنابراین عبارت تنها موحد بودن، به لحاظ این که بخشی از کلام ایشان قطع شده باعث برداشت اشتباه شده است. منظور موکل این نبوده که فقط شیطان در عالم هستی موحد است. چون این اساساً با هیچ استدلالی قابل پذیرش نیست و با باورها و نوشته‌های ایشان هم سازگاری ندارد. ایشان در آن صحبتی که می‌کرده‌اند، در توصیف ابتدای خلقت آدم و حضور ملائکه و ابلیس، گفته‌اند که ابلیس، فقط یک موحد بوده است که بر آدم سجده نکرده است و منظور ایشان انحصار در ابلیس نبوده است.

ج- نظریات علماء در این خصوص:

درباره موحد بودن ابلیس، آیات قرآن و روایات بر این معنا است که وی هیچ‌گاه شریکی برای خدا قائل نبوده است، ۶ هزار سال عبادت پروردگار را می‌کرده است، به چنان مرتبه‌ای از اعتلای عبادی رسیده است که با وجود این که از جن بوده است همراه با ملائک مورد خطاب قرار می‌گیرد و در گروه فرشتگان بوده است. در انتهای کار نیز در قیامت می‌گوید: «کمل الشیطان اذ قال للانسان اکفر فلما کفر قال انی بریء منک انی اخاف الله رب العالمین» (سوره حشر آیه ۱۶)

که این عبارت شیطان که می‌گوید از الله پروردگار جهانیان می‌هراسم، نشانه باور او به حق تعالی است.

این نظرات مبتنی بر آیات و روایات است و عرفا و فلاسفه درباره آن نظراتی مشابه دارند که به عرض می‌رسد:

نظریه آیت الله جوادی آملی:

آیت الله جوادی آملی در کتاب عرفان و حماسه می‌گوید:

«هرگز عارف نمی‌گوید شیطان نباید باشد بلکه می‌گوید: در مجموعه نظام هستی شیطان هم چیز خوبی است و باید باشد؛ زیرا هر کس به هر مقامی رسید از برکت جنگ با شیطان رسید. اگر شیطان خلق نمی‌شد و سوسه‌ای نمی‌بود و جنگ درونی وجود نمی‌داشت؛ در نتیجه سالکی به مقام مجاهد در مصاف اکبر نمی‌رسید. پس در کل نظام آفرینش وجود شیطان نیز رحمت است. گرچه همه ما موظف هستیم که شیطان را لعن و رجم کنیم او و پیروانش را اهل جهنم دانسته و از شرشان به خدا پناه ببریم، اما آیا جز این است که شیطان مظهر اضلال حق است؟ جز این است که اگر کسی را خداوند متعال خواست بگیرد به وسیله این سگ تعلیم شده می‌گیرد؟ شیطان سگ تربیت شده نظام آفرینش است. بنابراین اولاً: کار ابتدایی او در حد پارس کردن و کار پایانی او احیاناً گزیدن است، نه بیشتر از آن. لذا شیطان با همه قدرتی که به نظر بعضی‌ها در سوسه کردن دارد و غوی قوی و غبی است، در عین حال نمی‌تواند کسی را مجبور به پذیرش راه ضلالت و گمراهی کند.

ثانیاً: برای هر کسی پارس نمی‌کند و هر کسی را به دندان نمی‌گیرد: (اِنَّه لیس له سلطان علی الذین امنوا وعلی ربهم

یتوکلون إنما سلطانه علی الذین یتولونه والذین هم به مشرکون). او سگ در خانه خداست که نسبت به آشنایان یعنی مخلصین پارس نمی‌کند. بلکه فقط نسبت به غیرآشناها و تازه‌واردها پارس می‌کند. لذا باید کاری کرد که آشنای در خانه خدا و مخلص شد تا از پارس و اغوا کردن او خلاصی یافت.

شیطان چون سگ‌های نجس العین تربیت‌شده‌ای است که در بعضی خانه‌ها پیدا می‌شود. کسی که سگ تربیت شده دارد در عین حال که آن را نجس‌العین و حرام گوشت می‌داند، به خدمات او نیز توجه دارد لذا وجودش را لازم و احیاناً منشأ برکات می‌شمارد. (<http://tadabbor.org/?page=article&AID=1106>)

همچنین درباره جزو احسن الخلق بودن و مفید بودن شیطان، عنایت بفرمایید به سخنان آیت الله جوادی آملی:
خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم:

وی با بیان اینکه آیاتی که می‌گوید شیطان هیچ سلطه‌ای بر انسان‌ها ندارد، با آیه‌ای که می‌فرماید شیطان بر بعضی مسلط است؛ کاملاً قابل جمع است؛ بر خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم تأکید کرد و گفت: یک بحث در صنع خداست که خدای سبحان چرا شیطان شرور را آفرید، یک بحث در این است که شیطان مقصر است یا نه؟ خدای سبحان کار خوبی کرد، چون موجودی که مبدأ و سوسه است در جهان لازم است؛ فرمود هر چه که شیء است خدا آفرید: (اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ)؛ بعد فرمود هر چه را که آفرید نیکو و زیبا آفرید: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ) شیطان وجودش در کل عالم خیر و رحمت است و آیتی است از آیات الهی، مخلوق خداست و خدا بد خلق نمی‌کند. این یک مسئله، مسئله دیگر آن است که در عالم، شیطان لازم است؛ اما چرا این شخص شیطان باشد؟ مثل اینکه بحث‌های علمی می‌گوید در جهان بیماری لازم است. اگر بیماری نباشد که پزشکی و پیشرفت‌های علم نصیب انسان نمی‌شود، همه ما معتقدیم که مرض برکت و رحمت است. اگر مرض نباشد که اسرار گیاهان شناخته نمی‌شود، اسرار دستگاه انسانی شناخته نمی‌شود، هزارها جلد کتابی که در گیاه‌شناسی، داروشناسی، دردشناسی، درمان‌شناسی نوشته شده به برکت مرض است، اگر مرض نباشد هرگز این گونه از علوم پیشرفت نمی‌کند.

د- روایت منقول از امام صادق و..:

عبد الله بن سنان از امام جعفر صادق نقل کرده است: «قال سمعته يقول امر الله و لم يشأ و لم يأمر. امر ابليس ان يسجد لادم و شاء ان لا يسجد و لو شاء لسجد و نهى آدم عن اكل الشجرة و شاء ان يأكل من ها و لو لم يشأ لم يأكل.»
«گفت شنیدم که می‌گوید خداوند امر می‌کند و نمی‌خواهد، می‌خواهد و امر نمی‌کند. به ابلیس امر فرمود که آدم را سجد کند. ولی اراده مبارکش بر آن نبود. که اگر اراده الهی بر آن استوار بود، بی‌شک او آدم را سجد می‌کرد و آدم را از خوردن شجره نهی فرمود. ولی اراده‌اش بر تناول آن بود و بی‌شک اگر اراده الهی غیر از این بود، آدم هرگز نمی‌خورد.»
از اینجا واضح می‌شود که شیطان اطاعت امر الهی را می‌کند و از تعبیر عرفا به سگ تربیت شده نیز برمی‌آید که شیطان فرمانبردار ذات اقدس باری است.

ه- نظر ابن جوزی و غزالی در خصوص موحد بودن شیطان:

همچنین ابن جوزی در کتاب القصاص و المذکرین ج ۱ ص ۸۶ می‌گوید «کسی که ابلیس را موحد نداند کافر است.» احمد غزالی در کتاب سوانح ص ۴۹ عین همین نظر را به تفصیل بیان کرده است.

۳-۳-۳-۳- پاسخ در خصوص انحراف از معاد شناسی:

در خصوص این انحراف، در رأی چند عبارت آمده است:

۱. شما همراه من وارد جهنم می‌شوید.
۲. تنها چیزی که در جهنم وجود دارد، آتشی است از جنس آگاهی. که برای من شیرین است.
۳. ما آمدیم تضادها را دو قطبی بگذاریم و بعد از تسلط خدا، حلقه خواهیم شد.

اما در پاسخ، لازم به توضیح است که:

الف- غیر منتسب بودن عبارت سوم به موکل:

عبارت سوم اساساً در متن مقاله وجود ندارد (متن مقاله در پیوست ۴ موجود است)

ب- الهی بودن عبارت دوم:

در مورد این که خداوند می‌فرماید که شما همراه من وارد جهنم می‌شوید، این کلام الهی است. زیرا در سوره مریم، آیه ۷۱ می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» یعنی هیچ یک از شما نیست مگر این که وارد جهنم شود و این یک قضای حتمی برای پروردگار توست.

از سوی دیگر جایی وجود ندارد که خداوند جل جلاله همراه انسان نباشد. زیرا قول اوست که می‌فرماید: هو معکم اینما کنتم (سوره حدید آیه ۴) بنابراین در جهنم نیز خداوند همراه انسان است.

ج- رهایی بخشی و آگاهی دهی جهنم مستند به دعای کمیل:

در خصوص این که آتش جهنم، از جنس آگاهی است و برای خداوند شیرین است، به عرض می‌رسد که همان‌گونه که در بالا گفته شد، خداوند همه را وارد آتش نار می‌کند، علت این که برخی از آتش نجات می‌یابند، آگاهی یافتن و هدایت است و هدایت شدن و رهایی آن‌ها از دوزخ برای خداوند که مظهر لطف و رحمت است، شیرین و مطلوب است. و این لطف خداوند در دعای کمیل مندرج است که: «فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ مَا كَانَ (كَأَنْتَ) لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَ لَا مُقَامًا وَ لَا مُقَامًا» «به یقین می‌دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و حکمت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمی‌شد، هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت می‌کردی و برای احدی در آنجا قرار و جایگاهی نبود»

حضرت علی (ع) می‌فرمایند که اگر حکم خدا نبود، رحمتش باعث می‌شد که جهنم سرد باشد. پس خارج شدن

برخی انسان‌ها از آتش برای رب رحیم، شیرین است.

د- اظهارات موکل در لایحه دست‌نویس دایر بر تایید معاد جسمانی:

در مورد ادعای برخی مبنی بر منکر معاد جسمانی بودن موکل نیز در سطر بیست و سوم، صفحه چهاردهم لایحه دست‌نویس اشاره کرده است: ((اینجانب نه تنها معاد جسمانی را قبول داشته و دارم، بلکه در اثبات آن، نظریه‌هایی را نیز ارائه داده‌ام. از جمله این که در زندگی بعدی (برزخ) که روح فاقد جسمیت و مکان است، از این‌رو برزخ در لامکانی جریان دارد و پس از آن با دمیده شدن در صور اسرافیل، با مرگ همه، زمان نیز به یک باره حذف می‌شود. در نتیجه همه انسان‌ها که در ادوار مختلف زیسته و مرگ را چشیده‌اند و زمان آن‌ها را دچار تقدم و تاخر کرده بود، با کنار رفتن زمان، پرده بین آن‌ها (که عامل زمان آن را ایجاد کرده بود) برداشته می‌شود و همه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تقدم و تاخر از بین می‌رود.

۳-۳-۴- پاسخ در خصوص انحراف پیامبر شناسی:

موکل در مورد عبارات این بخش، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و منکر گفتن چنین عباراتی است. از آنجا که هیچ گونه مستندی در این خصوص، ارائه نشده است و موکل معتقد به نبی مکرم اسلام و قرآن کریم است و اصل بر براءت و توجه اتهام محتاج دلیل است، لذا امکان دفاع تا زمان ارائه مستند این اتهام برای ما و موکل وجود ندارد.

۳-۳-۵- پاسخ در خصوص انحراف از مهدویت:

موکل با اعتقاد به منجی و موعود، سه مقاله با عناوین فلسفه غیبت و مفهوم انتظار، منجی موعود و دام دجال تحریر نموده که بارها در رسانه‌های کثیرالانتشار اعم از کاغذی و الکترونیکی منتشر شده است. که متن کامل آن‌ها در پیوست ۴ موجود است. صرف‌نظر از آن، وی در سطر پانزدهم از صفحه بیست و یکم لایحه دست‌نویسش اعلام می‌دارد: ((...امام عصر، به منزله استاد دوره دکترا بشریت که بشر را از جهل و نادانی نجات خواهد داد و درهای آسمان‌های خرد و دانایی و حکمت را به روی انسان می‌گشاید و... حال چگونه امکان دارد با وجود این همه دلایل و مدارک که به وضوح اعتقاد اینجانب را به عنوان بنیانگذار جریان معرفت‌جوی عرفان حلقه را نسبت به مقبولیت، تقدس و احترام موضوعات عبادی، ائمه علیهم السلام، مهدویت، حجاب و... را به اثبات می‌رساند، شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد و دچار دوگانگی فکری باشم؟ لذا اتهام‌های توهین به ائمه علیهم السلام و قبول نداشتن آن‌ها و نقش معصومین، قبول نداشتن مهدویت، حجاب و... نیز جز دروغ، افتراء و پاپوش امنیتی، چیز دیگری نمی‌تواند باشد و قویاً آن را تکذیب می‌کنم.))

۳-۳-۶- پاسخ در خصوص انحراف از امام شناسی و مقایسه یزید و امام حسین:

در خصوص اتهام انکار عصمت امامان، حسب اظهارات موکل، وی چنین عباراتی را بیان نکرده است و در کتاب‌ها و مقالات و کلاس‌هایش چنین چیزی وجود ندارد و او معتقد و معترف به این موضوع بوده و هست. در مورد مقایسه امام حسین و یزید نیز، آنچه موکل در این خصوص گفته است حرف جدیدی نیست، بلکه بر مبنای تعرف الاشياء باضدادها است. وی در این عبارات هرگز امام حسین و یزید را در یک مکان ندیده است و نظر او در مقاله اش مندرج است. همان طور که خودش در سطر یازدهم صفحه بیست و دوم لایحه دست‌نویسش اشاره کرده ((در مقاله آیین عاشورا (که

متن کامل آن در پیوست ۴ موجود است) که در بسیاری از روزنامه‌ها منتشر شد، به درس ظلم ستیزی امام حسین (ع) اشاره نموده و مهر نماز را خاطر نشان کرده‌ام که بیعت مرا با آن امام بزرگوار یادآوری می‌کند...»

۳-۳-۷- پاسخ در خصوص انحراف در قرآن شناسی و تناقض در قرآن:

موکل چنین عباراتی را در جایی چاپ یا نشر نداده است و به قرآن معتقد است. ایشان در سطر نهم از صفحه بیست و یکم لایحه دست‌نویسش آورده است: «همه استنادات عرفان حلقه به کلام وحیانی قرآن است. همان طوری که در بیش از هفتاد مقاله چاپ شده اینجانب، در روزنامه‌ها و سه کتاب چاپ شده و ویژه نامه‌ها و مجلات، همچنین طبق فیلم‌های کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری کیهانی عرفان حلقه، این موضوع به خوبی قابل اثبات است. حال چگونه ممکن است جریانی که به استناد قرآن متکی است، از طرف بنیانگذار آن مورد اهانت و تمسخر قرار بگیرد؟؟...»

۳-۳-۸- پاسخ در خصوص نفی وسیله برای ارتباط با خدا و توسل و شفاعت و شرک دانستن زیارت:

الف- پاسخ به عبارت مندرج در متن رای:

حسب آن چه در رأی آمده است: ارتباط مستقیم با خدا خلاف نظر شیعه است و این امر باور موکل دانسته شده است:

«این امر کاملاً خرافاتی و منافی اعتقادات شیعه است. زیراطاهری ارتباط با پیامبر و اهل بیت را نفی و رد می‌کند. آن جا که اعتقاد دارد انسان به صورت مستقیم با خداوند ارتباط برقرار می‌کند و نیازی به غیر خداوند نیست. حال آن که طبق آیات قرآن ارتباط با خداوند از طریق واسطه و توسل به انبیای الهی تأکید شده است. در سوره مائده آیه ۳۵ آمده است «وابتغوا الیه الوسیله» یعنی «به سوی او وسیله جویید» همچنین در سوره اسراء آیه ۵۷ آمده است «یبتغون الی ربهم‌ا الوسیله» یعنی «آنان خود به درگاه خدا وسیله تقرب جویند» (متن رأی)

در اینجا دو موضوع مطرح است: اولاً اعتقاد به عدم نیاز به وسیله برای ارتباط با خدا خلاف عقاید شیعه است؟ ثانیاً آقای طاهری توسل را نفی کرده است؟

اولا در پاسخ پرسش اول، باید توجه نمود که این باور که اعتقاد موکل نیز می‌باشد عین توحید و مطابق آیات قرآن کریم و باور شیعه و اعتقاد به نیاز به وسیله، آن گونه که در رأی آمده است، نه تنها عقیده شیعه نیست، بلکه شرک آشکار است.!!!!!! توسل هم نفی ارتباط مستقیم با خدا نیست.

آیات متعدد قرآن گواه این موضوع است:

ایاک نعبد وایاک نستعین، که نیازی به وسیله و واسطه ندارد و تصریح بر درخواست مستقیم است.

«الا الله الدین الخالص و الذین اتخذوا من دونه اولیاء مانعدهم الا لیقربونا الی الله زلفی ان الله یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون ان الله لایهدی من هو کاذب کفار» (زمر آیه ۳) «آگاه باش که دین خالص تنها برای خداست و کسانی هم که به جای خدا اولیائی می‌گیرند، منطقتشان این است که ما آنها را بدین منظور می‌پرستیم که قدمی به سوی خدا نزدیکمان کنند. به درستی که خدا در بین آنان در خصوص آنچه مورد اختلافشان است حکم می‌کند. به درستی خدا کسی را که دروغگو و کفران پیشه است را هدایت نمی‌کند.»

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (۶)» «بگو من تنها بشری هستم مثل شما. با این فرق که به من وحی می‌شود. که معبود شما معبودی است یکتا. پس همه یک صدا به سویش رو کنید و از شرکی که به وی ورزیده‌اید استغفار کنید و وای به حال آنان که شرک می‌ورزند.»

اصولاً این مسأله که انسان برای ارتباط با خدا نیازمند وسیله نیست؛ و شرک چیزی جز این نیست که مافائل به این شویم که برای ارتباط با خدا محتاج وسیله هستیم واضح است و این بحثی غیر از توسل است و هیچ متکلم یا فقیهی در مذهب شیعه نگفته است که برای ارتباط با خدا ملزم به توسل هستیم. بلکه توسل، امری مستحبی است.

متأسفانه نویسندگان رای نه تنها تفاوت بین توسل و شرک و عقیده شیعه را نمی‌دانند، بلکه معنای وسیله در آیه مورد استناد خود را هم نمی‌دانند. آن‌ها به آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، به عنوان مستندی برای لزوم داشتن وسیله و واسطه در ارتباط با خدا استناد می‌کنند در حالی که معنای مد نظر خداوند این نیست.

تفسیر المیزان: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، و حقیقت وسیله به درگاه خدا مراعات راه خدا است، به این که اولاً به احکام او علم پیداکنی و در ثانی به بندگی او پرداززی، و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی و این وسیله معنایی نظیر معنای کلمه قربت رادارد، و چون وسیله نوعی توصل است و توصل هم در مورد خدای تعالی - که منزله از مکان و جسمانیت است - توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار کند، و نیز از آنجاکه بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه‌ای به جز ذلت عبودیت نیست، قهراً وسیله عبارت است از این که انسان حقیقت عبودیت را در خود تحقق دهد و به درگاه خدای تعالی و وجهه فقر و مسکنت به خود بگیرد. پس وسیله در آیه شریفه همین رابطه است.

ب) باور آقای طاهری در مورد توسل:

آقای طاهری در سطر هفتم صفحه بیست و دوم لایحه دست‌نویس اشاره کرده: «...از آن جا که اینجانب شیعه اثنی عشری هستم، آن چه را که در این مذهب مترقی مرسوم است و نسبت به آن اعتقاد عمیقی وجود دارد؛ مانند شفاعت، توسل، زیارت اماکن متبرکه، و اهل قبور و مراسم و مناسک مختلف مذهبی را قبول داشته و دارم. برای نمونه مدتی قبل از دستگیری ام به همراه خانواده، مادرم و مادر همسرم به زیارت مشهد مقدس رفته ایم و من به کنار ضریح رفته و بوسه زده ام...»

۳-۳-۹- پاسخ به اتهام جن گیری و احضار روح:

در متن رأی در تشریح این اتهام چند موضوع مطرح شده است :

۱. «با توجه به متیقن بودن آموزه‌های دین مبین اسلام، در این که انسان پاک و طاهر به دنیا می‌آید و امکان ورود و وجود و همراهی اجنه و کالبد ذهنی در بدن فرد بدون دلیلی، ناممکن و منافات دارد.»

۲. «وی مدعی است از طریق عضویت در این مرکز و گذراندن دوره‌های آن، اجنه و ارواح سرگردان از کالبد انسان خارج می‌شود. که این موضوع یکی از ادعاهای انحرافی کلیسای صهیونیست مسیحی است که این عمل را اکسورسز می‌نامند.»

در پاسخ به این ادعاها باید عنایت داشت که :

اولاً بر خلاف نظر نگارنده رأی، در اسلام ورود جن و شیطان به کالبد انسانی ممکن دانسته شده است و در این خصوص آیات و روایات مختلفی وجود دارد از جمله:

اول - سوره بقره آیه ۲۷۵ که می‌فرماید: «الذین یأکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس...» «کسانی که ربا می‌خورند روز قیامت بر نمی‌خیزند؛ مگر مانند کسی که در اثر تصرفات شیطان دیوانه گشته است.»

دوم - سوره زخرف آیه ۳۶ که می‌فرماید: «ومن یعیش عن ذکر الرحمان نقیض له شیطاناً فهو له قرین» «و کسی که از یاد رحمان روی برگرداند شیطانی بر او می‌گماریم که همواره قرینش باشد.»

سوم - الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنه و الناس: «کسی که در قلب مردم وسوسه می‌کند اعم از جن و انس»

چهارم - سوره اسراء آیه ۶۴ که می‌فرماید «و استغزز من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شار کهم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا» «با آواز خود هر چه توانستی از ایشان بفریبی، بفریب و تا آنجا که می‌توانی لشکر سواره و پیاده ات را بر سر ایشان بتازان و احاطه شان کن و در اموال و اولادشان شرکت کن و وعده‌شان بده و شیطان چیزی جز وعده فریب به آن‌ها نمی‌دهد.»

پنجم - شیخ کلینی در کتاب اصول کافی (ج ۴ ص ۲۴۱) «عن ابی عبدالله او عن ابی جعفر (ع) قال ان آدم (ع) قال یا رب سلطت علی الشیطان و اجرته منی مجری الدم» و ایضاً کافی ج ۱۵ ص ۲۷۷ «وهو یجری من ابن آدم مجری الدم فی العروق». این روایت در کتب بسیاری آمده است.

ششم - از پیامبر اسلام نقل شده است: «ما منکم من احد الا و معه قرینه من الجن و قرینه من الملائکته قالوا و ایاک؟ قال و ایای، ولكن الله اعاننی علیه فاسلم فلا یأمرنی الا بخیر قال سفیان بن عیینة معناه فاسلم من شره و ان الشیطان لایسلم و قال غیره هو علی صیغه الفعل الماضی و یدل علیه ما قاله علیه السلام فضلت علی آدم بخصلتین کان شیطانی کافراً فاعاننی الله علیه و کن ازواجی عوناً لی و کان الشیطان آدم کافراً و زوجته عوناً علی خطیئته (روح البیان، اسماعیل حقی، ج ۸ ص ۲۶۴) یعنی «پیامبر اسلام فرمود هیچ کدام از شما نیست، مگر این که همزادی از جن و همزادی از ملائکه دارد. گفتند: حتی برای شما؟ گفت: حتی من. ولی الله مرا یاری داد که او را مسلمان کنم و او مرا بر چیزی غیر خیر امر نمی‌کند.»

در این مورد سفیان بن عیینة گفته است: معنایش این است که از شر او سالم مانده است و گرنه شیطان مسلمان نمی‌شود. دیگران گفته‌اند که این صیغه فعل ماضی است و بر این سخن آن چه علیه السلام گفته است دلالت دارد. که فرمود: من بر آدم به دو خصلت برتری دارم. اول این که شیطان من کافر بود و خدا مرا یاری داد علیه او و همسران من کمک و پشتیبان من بودند و شیطان آدم کافر بود و همسرش هم پشتیبان خطا و اشتباهش بود.

هفتم - وجود مبارک سید الشهداء در فرازی از دعای عرفه می فرماید: «کَلَّاتِنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَ سَلِّمْتِنِي مِنْ الزِّيَادَةِ وَ النَّقْصَانِ» «از آسیب جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم داشتی.»

از مجموع آنچه در سطور بالا به عرض رسید واضح می شود که ارتباط و نفوذ جن بر انسان در اسلام موضوعی پذیرفته شده است.

ثانیاً - در مورد این که خارج کردن ارواح و اجنه از بدن بیماران ادعای کلیسای صهیونیستی است به مطالب زیر عنایت بفرماید:

در فقه انور شیعه، یکی از مباحث مطرح شده در کتب مکاسب و متاجر، بحث حرمت سحر و حلیت برخی از اقسام آن عند الضروره است. در آنجا از خارج کردن جن از بدن بیمار، نام برده شده است و از آن به عنوان استنزال الجن یا استنزال الشیطان نام برده شده است و نوشته های مربوط به آن را به عنوان عزائم معرفی می نمایند به عنوان مثال عبارت: «عزائم و نحوها یحدث بسببها ضرر علی الغیر و منه عقد الرجل عن زوجته بحيث لا یقدر علی وطیها و القاء البغضاء بینهما و منه استخدام الملائکه و الجن و استنزال الشیاطین فی کشف الغائبات و علاج المصاب و استحضارهم و تلبسهم ببدن الصبی او امرأه و کشف الغائب علی لسانه فتعلم الذلک و اشباهه و عمله و تعلیمه کله حرام و التکسب به سحت و یقتل مستحله، و لو تعلمه لیتوقی به او لیدفع به المبتنی بالسحر فالظاهر جواز، و ربما وجب علی الکفایته کما اخطاره الشهید فی دروسه» (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول)

عزائم و مانند آن: با استفاده از اسباب آن به دیگران ضرر وارد می کنند و از موارد آن بستن شوهر بر همسرش است. به گونه ای که قادر بر نزدیکی با او نباشد و ایجاد کینه و دشمنی بین زوجین و از موارد آن به کارگیری فرشتگان و جن و استنزال شیاطین برای پیدا کردن اشیاء گمشده و درمان بیماران و احضار کردن آن ها و وارد کردنشان به بدن کودک یا زن و یافتن گمشده از زبان آن ها، پس آموختن آن و مواردی مثل آن، و عمل به آن و تعلیمش کلا حرام است و کسب مال از آن نامشروع و کسی که آن را حلال بشمارد، باید به قتل برسد و اگر یاد بگیرد که از خودش مراقبت کند یا چیزی که بر سحر بنا شده است را دفع کند، ظاهر جواز آن است و شاید هم وجوب کفایی آن به گونه ای که شهید در دروس بیان می کند صحیح باشد.

بنابر آنچه گفته شد معلوم شد که ارتباط با جن و تأثیر آن بر بدن انسان و امکان سلطه او بر انسان و همچنین امکان خارج کردن او از بدن انسان، در فقه و تاریخ ما سابقه دارد و ارمغان غرب و کلیسای به اصطلاح صهیونیستی نیست.

علاوه بر این ها، موکل در سطر چهاردهم صفحه بیستم لایحه دست نویس اعلام کرده ((...هرگز مباحثی تحت عنوان جن گیری و یا ارتباط با ارواح در عرفان حلقه وجود نداشته و از زبان من شنیده و یا نوشته نشده است و کذب می باشد. آنچه که باعث شده تا مغرضین با وارونه جلوه دادن قابلیت های عرفان حلقه، اقدام به انجام تبلیغات کذب در این زمینه کنند، یکی از نظریه های اینجانب تحت عنوان موجودات غیرارگانیک یا ویروس های غیرارگانیک و یا ویروس های ذهنی می باشد. که برای اولین بار در تاریخ، تأثیر تداخل این موجودات (جن) در سلامتی ذهنی انسان مورد تحقیق نظری و عملی قرار گرفته و به اثبات رسیده است...))

۳-۳-۱۰- پاسخ به اتهام داشتن افکار ماتریالیستی:

موکل در سطر پنجم از صفحه هجدهم لایحه دست‌نویس خود نوشته است «داشتن افکار ماتریالیستی یکی از تهمت‌هایی بود که در آخرین لحظات دادگاه به آن اشاره شده که تصور می‌کنم این اتهام کذب به خاطر اشاره به تضاد در دروس عرفان حلقه می‌باشد (ماده، ضد ماده، انرژی، ضد انرژی، شعور، ضد شعور) در حالی که بحث در موضوع ضد، مختص ماتریالیست‌ها نبوده و به قدمت تاریخ سابقه دارد... این طور نیست که هر کس از تضاد صحبت کند، ماتریالیست است...»

۳-۳-۱۱- پاسخ به ادعای مطروحه دایر بر منع مردم از انجام عبادات ظاهری:

آقای طاهری در سطر پایانی از صفحه پنجم لایحه دست‌نویس خود اعلام کرده است: «اولاً از هفتاد مقاله چاپ شده من در روزنامه‌های مختلف، تعدادی از آن‌ها راجع به نماز، روزه، حج و... بوده و صدای اذانم را عده کثیری شنیده‌اند. در ماه مبارک رمضان مراسم افطاری داشته‌ام. ثانیاً همان‌طور که قبلاً توضیح داده‌شده، بدون ظاهر، باطن هم خدشه دار می‌شود...»

آقای طاهری در ادامه در سطر ششم تا یازدهم صفحه ششم لایحه دست‌نویس ادامه می‌دهد... برای یک عرفان نوظهور که مدعی آوردن کشف و شهود و ارائه کیفیات باطنی جدید در حوزه عرفان اسلامی است، این یافته‌ها نمی‌تواند سلبی باشد. برای مثال بگویند نماز نخوانید، در این صورت مورد تمسخر همگان قرار خواهد گرفت. زیرا به این شکل حرف نویی را مطرح نکرده و برای کسی ثمری به بار نیاورده و کشف و شهودی محسوب نمی‌شود. اما اگر توانست به نوعی در مردم نسبت به عبادات کشف و جاذبه‌ای ایجاد نماید، این درخور توجه است و مورد استقبال قرار خواهد گرفت و این همان کاری است که من به وسیله عرفان حلقه انجام داده‌ام و شاگردان موسسه ضمن انجام عبادات ظاهری از نظر ارتقای انگیزه عبادات و هم از نظر ادراک مقیم شدن در نماز به تجربه‌ای کاملاً نو و منحصر به فرد دست یافته‌اند.»

۳-۳-۱۲- پاسخ آقای طاهری در خصوص انتساب اتهام گمراه کردن مردم:

در سطر نوزدهم صفحه هفتم لایحه دست‌نویس اظهار کرده‌اند «در مورد این که ادعا می‌شود باعث گمراهی دیگران شده‌ام (که همان اتهام تاریخی سقراط می‌باشد)، ادعایی پوچ، موهوم و پاپوش است. زیرا همه شرکت‌کنندگان در کلاس‌های موسسه و... همگی عاقل و بالغ بوده و با میل و رغبت خود در کلاس حضور یافته و خود ایشان چنین ادعایی را ندارند و رضایت‌نامه پایان دوره را نیز به موسسه تحویل داده‌اند...»

۳-۳-۴- پاسخ به ادعای تحصیل مال نامشروع به میزان ۲۴۷۵۳۸۰۲۹۳۰ ریال:

در رأی نوشته شده است که این مبلغ، مال به عنوان مال نامشروع تحصیل و توقیف شده است و از این فرض برای اثبات وسیع بودن دامنه نفوذ و گستره عرفان حلقه استفاده شده است. در حالی که اولاً هیچ معیاری برای این عدد وجود ندارد و در هیچ یک از حساب‌های موکل این مبلغ پول هیچ زمان وجود نداشته است.

ثانیاً- در خصوص مبلغ تحصیل مال نامشروع سابقاً دادگاه رأی صادر کرده بود و مجموع مبلغ مأخوذه و جریمه آن

حدود ۹۰۰ میلیون تومان محاسبه شده بود و چگونه ممکن است بعد چند سال و بدون این که موکل در این چند سال فعالیتی انجام دهد مبلغ تحصیل مال نامشروع وی افزایش یافته باشد؟

ثالثاً - آن گونه که موکل اظهار می دارد کل وجوه موجود نزد موکل در زمان دستگیری ۲۷ میلیون تومان بوده است. که ۱۰ میلیون تومان آن نیز قرض بوده است و این موضوعی قابل تحقیق و بررسی از حساب های موکل است.

۴- دفاع پایانی :

در پایان، با توجه به مراتب پیش گفته به شرح فوق و نظر به ایرادات شکلی و ماهوی در فرایند دادرسی و از آنجایی که نوع اقدامات و اظهارات موکل و همکاری وی جهت تعطیلی موسسه عرفان کیهانی و توصیه وی به شاگردانش جهت تعطیلی کلاس ها از همان زمان دستگیری در سال ۸۹ و ابراز توبه وی، تمایل ایشان را برای حرکت در چارچوب دین مبین اسلام و قانون و بدون هرگونه موضع گیری سیاسی، امنیتی مخالف نظام و به صورتی کاملاً مسالمت آمیز، به اثبات می رساند استعدا دارد با توجه به مواد ۴۳۳ و ۴۶۴ و ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز مفاد ماده ۱۱ و ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است: ((در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.)) و نیز منطوق ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که می فرماید: ((در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود.))

و همچنین قاعده تدرأ الحدود بالشبهات و سایر مستندات قانونی مذکور در متن رای و توجهها به فتاوی جدید مراجع عظام تقلید به شرح پیوست که با آن چه که به عنوان فتاوی ایشان در متن رای بدان استناد شده متفاوت بوده و موخر از آن به نوعی عدول از فتاوی پیشین است و توجهها به مجوزهای قانونی شروع فعالیت موسسه متعلق به موکل و نیز عنایتا به اظهارات و بیانیه ها و کتابها و نشریات و مقالات و لوایح دفاعیه و سایر مکتوبات موکل که نشان از اعتقاد و التزام عملی وی به فروع و اصول دین و ارادت به امامان شیعه و امام عصر و نیز ولایت مطلقه فقیه دارد، تقاضا داریم، رای شایسته دایر بر نقض رای صادره از دادگاه بدوی صادر فرمایند.

مختصری درباره محمدعلی طاهری

محمد علی طاهری، بیش از سه دهه است که در راستای نشر دو رشته طب مکمل ایرانی «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی» که مبتنی بر آموزه‌های عرفان کیهانی (حلقه) می‌باشند، مشغول به فعالیت است. آموزه‌های فوق‌الذکر با نگاهی فرا کل‌نگر، انسان را در جایگاه اشرف مخلوقات دانسته، در راستای رسالت عظیمی او را مورد شناسایی قرار می‌دهد و هدف او را، عبودیت و اجرای طرح عظیم الهی در جهان هستی می‌داند.

از این رو آموزه‌ها را که برجسته آن در دین مبین اسلام و معارف عظیم انبیاء عظام و ائمه اطهار علیهم السلام و عرفای بنام این مرز و بوم قابل رؤیت و پیگیری می‌باشند، عرضه نموده است.

استقبال خیل عظیم محققین و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف، دستاوردهای قابل توجهی به همراه داشته است. که شرح گوشه‌هایی از آن جهت تنویر اذهان مبارک بیان می‌شود.

۱- در بخش خدمات فرهنگی

در حوزه ارائه خدمات فرهنگی

- انتشار کتاب‌های متعدد برای معرفی و روشن سازی مطالب و نگاهی دیگر به انسان و جایگاه آن.

۲- در بخش خدمات دانشگاهی

الف. در حوزه پزشکی

انجام تحقیقات گسترده در محافل علمی و دانشگاهی که منجر به تولید علمی جدید مبنی بر فرادرمانی گردیده است.

در قدم اول در دفتر آموزش‌های آزاد دانشگاه تهران و با حضور صدها پزشک، پیراپزشک، روان‌پزشک و روان‌شناس، مباحث آموزشی مطرح و پایان‌نامه دوره‌ها صادر و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد و نهایتاً مورد استقبال گسترده قرار گرفت.

ب. در بخش روان‌پزشکی و روان‌شناسی

در این زمینه منجر به ارائه نظریات علم جدید سایمنتولوژی در دانشگاه علوم پزشکی ایران گردید و همچنان مورد استقبال چندین هزار پزشک، پیراپزشک، روان‌پزشک و روان‌شناس قرار گرفت و از همین رو گواهی نامه‌های مقتضی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد.

ج. در حوزه گسترش طب‌های مکمل ایران در خارج از کشور

- اعطای دکترای افتخاری پس از سه سال تحقیقات مستمر شورای علمی دانشگاه پزشکی سنتی ارمنستان؛ به دلیل بنیان‌گذاری دو رشته طب مکمل ایرانی «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی»

و با عقد توافقنامه علمی با مؤسسه تحت مدیریت او (مؤسسه عرفان کیهانی) مبادرت به تشکیل دپارتمان فرادرمانی - سایمنتولوژی نموده و در راستای تبادلات علمی و آکادمیک ضمن برگزاری دوره‌های آکادمیک فرادرمانی - سایمنتولوژی به شرکت‌کنندگان در دوره‌ها مدرک علمی و مورد تأیید وزارت بهداشت ارمنستان را اعطای می‌نماید؛ که به رغم گذشت زمان کوتاه، تا کنون بالغ بر چند صد نفر مدارک علمی و CERTIFICATE خود را دریافت نموده‌اند.

- نشان لیاقت علمی و پژوهشی و درجه آفیسر OFFICER از کاخ سلطنتی پایتخت اروپا (در بروکسل و بلژیک) و شهردار بروکسل به خاطر بنیان‌گذاری طب‌های مکمل ایرانی فرادرمانی و سایمنتولوژی (خاطر نشان می‌شود درجه OFFICER از درجه شوالیه در کاخ سلطنتی پایتخت اروپا بالاتر است).

- مدال طلا، جایزه ویژه و کاپ وزارت آموزش و تحقیقات رومانی به خاطر بنیان‌گذاری طب‌های مکمل ایرانی فرادرمانی و سایمنتولوژی

- مدال طلا و جایزه ویژه و کاپ «داره ثبت اختراعات و نوآوری‌های پژوهشی فداراسیون روسیه» به خاطر بنیان‌گذاری طب‌های مکمل ایرانی فرادرمانی و سایمنتولوژی

- اعطاء مدال طلا و جایزه ویژه و کاپ نمایشگاه بین‌المللی Innova بروکسل بلژیک به خاطر بنیان‌گذاری طب‌های مکمل ایرانی فرادرمانی و سایمنتولوژی

- سه مدرک تأییدیه رسمی "International medical forum" مسکو در خصوص روش درمان سایمنتولوژی، تکنیک‌های جدید درمان و همچنین روش‌های جدید آموزشی در زمینه پزشکی

- دو جایزه ویژه از جشنواره بین‌المللی نوابغ و ابداع‌گران کشور کره (CIGIF) و انجمن نوآوری‌های آسیا (AIA) و دو مدال طلا برای بنیان‌گذاری دو روش طب مکمل «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی»

د. در حوزه ایجاد آکادمی بین المللی

آکادمی بین المللی اکوانرژی که مورد تأیید علمی از ۶۰ کشور معتبر دنیا می باشد.

اعطای دکترای افتخاری توسط کشور آذربایجان، پس از انجام تحقیقات مستمر و دامنه دار در زمینه عرفان کیهانی و حیطه عمل آن و بررسی دو طب مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی و در زمینه عرفان نیز نشان دکترای دیگری اعطا نمودند و همکاری های لازم را برای ایجاد دپارتمان فرادرمانی - سایمنتولوژی با او به عمل آوردند که منجر به عقد تفاهم نامه همکاری گردید.

ه. در حوزه ارائه پایان نامه های علمی

در خصوص فرادرمانی و تأثیر آن بر بیماری ها در بخش پزشکی، پایان نامه ای در مقطع دکترای عمومی در زمینه بیماری آسم ارائه شده که ثبت دانشگاهی شد.

و. در حوزه ارائه پروپوزال علمی

نتایج تحقیقات انجام شده در بخش پزشکی در قسمت دیگر، منجر به ارائه پروپوزال علمی در بیمارستان مسیح دانشوری در خصوص بیماری برونشکتازی با ۹۱ درصد نتیجه مثبت گردید.

ز. در حوزه تحقیقات دانشگاهی

نتایج اثربخش بیان شده در سمینار کارشناسی ارشد روانشناسی تحت عنوان مقاله سلامت روان از دیدگاه فرادرمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

ح. در حوزه سلولی ملکولی

بررسی اثر فرادرمانی بر تکثیر سلول ها در کشت اولیه بافت پوست در شرایط آزمایشگاهی در مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران (معاونت پژوهش و فناوری)

۳. شرکت در همایش های علمی

الف. سمینار فرادرمانی در دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران

ب. همایش طب مکمل و جایگزین دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

در این همایش چهار سخنرانی و هجده پوستر از تحقیقات فرادرمانی و سایمنتولوژی پذیرفته شد و نتایج آن در مطبوعات منعکس گردید.

ج. همایش مشترک حوزه های علمیه و ستاد همکاری های وزارت آموزش و پرورش.

- د. کنگره بین المللی مراقبت‌های حمایتی و تسکینی در سرطان در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی ضمن پذیرش پوستر از تحقیقات انجام شده دفاع شد.
- ه. همایش‌های بین المللی روانشناسی در آنتالیا - ترکیه
- و. برگزاری سمینار معرفی عرفان کیهانی و فرادرمانی در پژوهشکده امام خمینی تهران در سال ۱۳۸۶.
- شرکت در پنجمین کنگره قلب و عروق خاورمیانه با ارائه پوستر و برگزاری کارگاه و غرفه در نمایشگاه کنگره
- شرکت در هفدهمین کنگره سراسری و دومین کنگره بین المللی انجمن علمی - تخصصی باروری و ناباروری ایران
- همایش «کیفیت زندگی و ارتقای سلامت» دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۴. عرفان کیهانی

الف. برقراری صدها دوره و شرکت هزاران نفر در دوره‌ها و دریافت نتایج بسیار مؤثر و مثبت در قالب نامه‌های دریافتی از شرکت کنندگان. لازم به ذکر است برگزاری کلاس‌های محمدعلی طاهری با اخذ مجوزات قانونی و رعایت کامل موازین شرعی برگزار گردیده و به‌رغم دروغ پراکنی‌های منافقان و غوغاسالاران که متأسفانه وقت زیادی از مجموعه علمی، تحقیقی عرفان کیهانی را صرف خود نمود و با شانتاژ و جو سازی مشکلات بزرگی را به مجموعه وارد آورد و البته این روند غیر قانونی و غیر شرعی و غیر اخلاقی، با رویکرد نادرست به‌ظاهر امنیتی همچنان ادامه دارد.

ب. اخذ ایزو ۱۰۰۱۵ از سوئیس در خصوص مدیریت

ج. برگزاری دوره‌ها در اکثر کشورهای دنیا، توسط بالغ بر ۲۰ هزار مربی در حال اجرا می باشد. دانشجویان شامل ایرانیان و غیر ایرانیان بوده و استقبال چشم‌گیری از دوره‌ها نموده‌اند و گزارشات بسیار جالبی در این راستا قابل ارائه می‌باشد.

۵ - تعامل با اندیشمندان

الف. اندیشمندان بزرگی از مراکز حوزه‌های علمیه و قرآن پژوهان و دانش‌آموختگان الهیات، عرفان اسلامی و فلسفه از نزدیک با این آموزه‌ها آشنا شده و بنا بر پیشنهاد بنیان‌گذار در جهت نقد مطالب ارائه شده مبادرت به تشکیل کمیته‌های متعدد دین‌پژوهی، قرآن‌پژوهی، عرفانی و فلسفی نموده و مطالب را رصد نموده و ارائه فرمودند.

شرح مختصری از مناظره‌های صورت گرفته:

آموزه‌های عرفان کیهانی طی دهه گذشته توسط کارشناسان متعددی مورد بررسی قرار گرفته است و روحانیون و علمای شناخته شده‌ای با این مجموعه در ارتباط بوده‌اند. از اهم ایشان می‌توان به «آیت الله العظمی مفتی الشیعه» که

بر اساس تمایل معظم له دیداری فی مابین محمدعلی طاهری و ایشان صورت گرفت. که ظاهراً مقرر بوده جلسات بحث و بررسی در مرکز تحقیقات ایشان به صورت منظم برگزار گردد. البته به رغم اشتیاق، ایشان به رحمت ایزدی پیوستند و مطلب به سرانجام نرسید.

یکی دیگر از روحانیون، آیت الله دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب و ریاست سازمان «سمت» که ملاقات‌ها و مرادات مکرری فی ما بین معظم له و بنیان‌گذار صورت گرفته است.

از دیگر روحانیون حجه الاسلام والمسلمین حجت نجفی تولیت مدرسه علمیه حجتیه قم می‌باشد که طی چند سال با این آموزه‌ها آشنا و علاوه بر تأیید نظرات مطروحه، مسئولیت کمیته دین‌پژوهی مجموعه عرفان کیهانی را عهده‌دار بودند. در حدود ۲۰ نفر از روحانیون دیگر نیز در این رابطه با ایشان همکاری داشته‌اند.

در سال ۸۸ مناظره‌ای علمی نیز در سطح دانشگاهی و در محل دانشگاه شهید بهشتی به دعوت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری فی ما بین محمدعلی طاهری، بعنوان بنیان‌گذار عرفان کیهانی و جناب حجه الاسلام والمسلمین عابدینی برگزار گردید که مشروح این جلسه در سایت نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی ارائه گردیده است.

در سال ۸۹ نیز در محضر حضرت آیت الله ربانی ریاست محترم حوزه علمیه بیرجند مباحث عرفان کیهانی و فرادرمانی به تفصیل به همراه مستندات و نشریات ارائه گردید که معظم له کتبا تأیید خود را اعلام فرمودند.

ب. اندیشمندان حوزه های پزشکی، روانپزشکی، گیاه‌پزشکی، پیراپزشکی، دندان‌پزشکی و ... نیز بنا بر پیشنهاد بنیان‌گذار در جهت نقد مطالب ارائه شده و نظریات مطروحه مبادرت به تشکیل کمیته‌های پزشکی، گیاه‌پزشکی، سایمننتولوژی، سلولی ملکولی، دامپزشکی و علوم پایه نموده و تحقیقات دامنه‌دار و متعددی در سطح کشوری و خارج کشوری در مراکز دانشگاهی و کلینیکی در حال برگزاری و اجرا می‌باشد.

۶- انعکاس تحقیقات در نشریات تخصصی

انعکاس بخشی از اندیشه‌ها در قالب ویژه‌نامه‌های متعدد که مورد استقبال عمومی قرار گرفتند و به درخواست عمومی چندین نوبت تجدید چاپ شدند.

۷- طرح‌های تحقیقاتی

اعضای گروه‌های تحقیقاتی این مجموعه، با بهره‌مندی از آموزه‌های بنیانگذار «فرادرمانی» و «سایمننتولوژی»، با آمادگی علمی و اجرایی لازم، اقدام به تحقیقات گسترده کرده‌اند و به مدد آن در سال‌های اخیر مقالات با محوریت این دو روش طب مکمل و جایگزین در همایش‌ها و سمینارهای پزشکی و پیراپزشکی از جمله دومین همایش کشوری طب مکمل و جایگزین، حضوری چشمگیر داشته است. محققین این رشته‌ها از همکاری در هر طرح تحقیقاتی علمی

و رسمی که این روش های درمانی و دامنه کاربرد آن را مورد سنجش قرار دهد، استقبال می کنند.

نمونه ای از تحقیقات انجام شده درباره فرادرمانی:

- تحقیقات مربوط به پایان نامه دوره دکتری عمومی پزشکی با عنوان «بررسی تأثیر فرادرمانی بر سیر درمان بیماری آسم» در «دانشگاه شاهد» که دفاع آن در تابستان ۱۳۸۸ انجام گرفت. (شماره ثبت ۳۸۹/۷۷-پ)

- طرح «اثر فرادرمانی بر کاهش درد پس از جراحی» در بخش جراحی بیمارستان «امام خمینی» تهران در سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ انجام شد. نتایج به دست آمده، نشان دهنده رضایتمندی عمومی ۱۱۰ بیمار این بخش و کاهش نیاز به مرفین در ۷۰ درصد آنان است.

- طرح «بررسی اثر فرادرمانی بر بیماران «برونشکتازی» کاندید پیوند ریه» در بیمارستان «مسیح دانشوری» تهران که در سال ۸۹-۱۳۸۸ نتایج قابل توجهی به دست داد. توضیحات ریاست محترم واحد پیوند این بیمارستان در این باره و شماری از گزارشات مربوط به بهبود بیمارانی که در این طرح شرکت داشتند، در ویژه نامه تخصصی شماره چهار فرادرمانی در نشریات «طب کل نگر» و «دانش پزشکی» منتشر شده است.

- در سال ۱۳۸۹ طرح «اثر فرادرمانی بر تکثیر سلول ها در کشت اولیه بافت پوست» در شرایط آزمایشگاهی «مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران» به اجرا در آمد. نتیجه این تحقیق، حاکی از تأثیر مثبت فرادرمانی بر تکثیر سلول های بافت مورد آزمایش است که کاربرد این شیوه درمانی برای ترمیم پوست در انسان و حیوان را مورد توجه قرار می دهد.

نمونه ای از طرح های تحقیقاتی گروه های تخصصی «پزشکی» و «روانپزشکی - روانشناسی» آماده و در حال اجرا:

- طرح های تحقیقات پزشکی پیرامون «بررسی اثر فرادرمانی» بر:

بیماران دیالیزی، عوارض ریوی جانبازان شیمیایی، دیابت تیپ ۱ و ۲، کبد چرب، هایپوتیروئیدی و هایپر تیروئیدی، آسم، MS، فشار خون اولیه (Essential)، فیبروز ریوی، PPH، COPD، ایدز و ده ها مورد دیگر.

- طرح های تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی پیرامون «بررسی اثر سایمنتوتراپی» بر:

نشانگان مثبت بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی بیمارستان های منتخب شهر تهران در سال ۱۳۸۹، نشانه های افسردگی اساسی، نشانگان فوبیای اجتماعی، علائم اختلال بیش فعالی - کمبود توجه، در کلینیک های شهر کرج در سال ۱۳۸۹، نشانگان اختلال بیش فعالی - کمبود توجه در دانش آموزان پسر، شهر کرج در سال ۱۳۸۹ و ده ها مورد دیگر.

«مرام‌نامه مجموعه فرادرمانی»

مجموعه فرادرمانی با هدف تقرب به خدا و در سایه عنایات او و توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فعالیت می‌کند.

دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض لجام گسیختگی فرهنگی و آشفتگی ذهنی و فکری و ایجاد سرخوردگی قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین علل این طغیان عبارتند از:

- عدم توجه کافی به همه وجوه دین (شریعت و عرفان) و کناره‌گیری از آن یا بسنده کردن به ظواهر احکام و دستورات شرعی

- به بن بست رسیدن دنیای علم در پاسخ‌گویی به نیازهای درونی انسان و تأمین سلامت روانی، ذهنی و جسمی او به دلیل اتخاذ مبنای غیر الهی

- دچار آمدن به زندگی صنعتی در دنیای مدرن که منجر به خستگی روانی، ذهنی و جسمی انسان شده است.

- عدم ارضای کنجکاوی بشر نسبت به حقیقت هستی که به لجام گسیختگی درونی و سرگستگی او انجامیده است.

بر این اساس و با توجه به این که بشر امروز با تمایل به جریان‌های نوپدید معرفتی قصد دارد از طریق آن‌ها خلأ معرفتی موجود را پر کند، درون ناآرام خود را التیام بخشد و تضادهای درونی‌اش را به صلح برساند، هر جریانی که بتواند نیازهای فوق را پاسخ دهد و تضادهای موجود را برطرف کند، مورد استقبال همه جانبه قرار می‌گیرد و افرادی که از آن نتیجه گرفته‌اند، حامی آن جریان فکری و مدافع آن خواهند شد و این، امری اجتناب‌ناپذیر است. خطر جدی آن است که این حمایت‌ها که در وهله اول جنبه سیاسی ندارد، در صورت مواجهه با تهدید، فشار و محدودیت، می‌تواند با انگیزه دفاع از حق منجر به بروز جریان‌های معترض اجتماعی و سیاسی شود.

مکتب فرادرمانی که در هدف و روش خدامحور است (هدف قرب خداوند و روش ارتباط با خداوند)، ضمن پاسخ به نیاز بشر امروز، با مقاصد ذیل، از آسیب‌های فردی، اجتماعی و سیاسی ناشی از تمایل به عرفان‌هایی که با فرهنگ ایرانی-اسلامی ما هم‌مانگی لازم را ندارد، جلوگیری می‌کند.

۱- اثبات نظری و عملی وجود خداوند از طریق آشنایی با شعور و هوشمندی حاکم بر کیهان و در واقع پی بردن به صاحب اثر با بررسی اثر

۲- اعتلای عرفان ایران با معرفی یک چارچوب عرفان الهی با مبانی نظری و عملی معتبر و ارزشمند (در ترویج و تکمیل عرفان توحیدی این مرز و بوم) به منزله پرکردن خلأ معرفتی در داخل کشور و جلوگیری از ورود جریان‌های فکری مختلف به ایران که موجب القای فرهنگ و عرفان بیگانه می‌شود.

۳- معرفی و صدور این عرفان به سایر ممالک دنیا

اعضای این مجموعه، دستیابی به اهداف ذکر شده را بر پایه اصول ذیل دنبال می‌کنند:

اصول اعتقادی:

- اعتقاد به کتب آسمانی، پیامبران الهی و اوصیای برحق ایشان (علیهم السلام)؛ به ویژه اعتقاد به قرآن و سنت
- حفظ مبانی اعتقادی مذهب شیعه که اعضای غیرشیعه این مجموعه را نیز به احترام نسبت به آن ملزم می‌کند.
- التزام به اصل «لا اله الا الله»
- التزام به اصل «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم»
- التزام به اصل «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و اجتناب از «من دون الله»
- پایبندی به «عرفان کمال» و اجتناب از «عرفان قدرت»
- عرفان کیهانی معرف و عهده‌دار بخش عام عرفان‌های توحیدی (ارتباط با خدا) است و از ورود به بخش مذهب و عرفان خاص (بخش اختصاصی عرفان‌های دینی) خودداری می‌نماید و معرفی آن را وظیفه علما و کارشناسان مربوطه به شمار می‌آورد.

اصول سیاسی:

- اعتقاد کامل به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و پایبندی به اصول و قوانین حاکم بر آن و اصل مترقی ولایت فقیه

- صیانت از اصول، ارزش‌ها و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- داشتن مشی علنی در اجرای اهداف خود
- پرهیز از هرگونه بهره‌برداری سیاسی از عرفان کیهانی (حلقه)

اصول فرهنگی:

- تلاش برای توسعه و تقویت اخلاق، فضیلت و معنویت و پرورش استعداد‌های انسان
- توجه به میراث عرفان ایران اسلامی به عنوان یک سرمایه ملی و منبع الهام برای پیشرفت فرهنگی و اتکا به هویت دینی و ملی

- ترویج فرهنگ صلح و آشتی انسان با خدا، هستی، خود و دیگران

- حفظ رویکرد محققانه در رویارویی با آموزه‌ها و تجارب عرفان کیهانی و پرهیز از تعصب نسبت به آن‌ها

اصول اجتماعی:

- تلاش در جهت ارتقای نظام سلامت از راه معرفی و گسترش طب‌های مکمل ایرانی «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی»
- تلاش در تحکیم نهاد مقدس خانواده به عنوان سنگ بنای استوار و رکن اصلی بنیاد جامعه انسانی و معرفی و

اصلاح آفات و آسیب‌های تهدیدکننده آن

- ارتقای بینش عمومی به خصوص در نسل جوان و تلاش برای احیاء هویت ایرانی - اسلامی آنها
اصول اخلاقی:

- حفظ کرامت انسان به عنوان خلیفه خدا

- احترام به آزادی و اختیار متقاضیان عرفان کیهانی در تجربه یا عدم پیگیری آن

- اجتناب از هرگونه سودجویی از مفاهیم و تحولات عرفانی به دست آمده در این عرفان در جهت کسب رتبه
اجتماعی و ایجاد رابطه مرید و مرادی

- امانتداری در ارائه آموزه‌های بنیانگذار عرفان کیهانی

موارد فوق به عنوان مرام‌نامه عرفان کیهانی ملاک عمل است و انتظار می‌رود همراهان مجموعه، کماکان به مفاد آن
التزام عملی داشته باشند.

ضمانم

به نام خدا

کارشناسان اطلاعات سپاه و بازپرس دستگاه قضایی با طرح پیش فرض ها و ادعاهای دروغین مبادرت به اخذ استفتائاتی از مراجع تقلید نمودند و هرگز گمان نمی کردند با ایجاد فضای شدید امنیتی و اطلاعاتی روزی برسند که مستندات و پرونده سازی هایشان در اختیار عموم قرار گیرد. یکی از حکمت های بزرگ الهی برملا شدن توطئه ها و خیانت کاری و دروغ پردازی هاست و اینکه محرمانه ترین تصمیم گیری های معاندین به دست توانای یدالهی حق پرستان آشکار می شود.

از جمله این برملا شدن حقیقت، انتشار یافتن استفتائاتی است که توسط اطلاعات سپاه و بدست بازپرس بدور از عدالت دادسرای شهید مقدس (اوین) حاج آقای اسدی تهیه و تنظیم شده است.

فرضیاتی دروغین و اتهاماتی واهی که در تصویر قابل ملاحظه می باشد. در حالی که مراجع تقلید هرگز شناختی نسبت به استاد طاهری نداشته و نظریات و عقاید ایشان را نمی شناختند و معاندین با تهیه جزوه ای تنظیم شده از مطالب گزینشی و بریده بریده شده استاد توطئه ای شوم و دروغین و بهتانی بزرگ را به ایشان منتسب نمودند. دروغی چنان بزرگ که برملا شدن آن باعث شده است که نتوانند از ادعای بزرگشان عقب نشینی کنند تا بدانجا که حاضرند ساحت مرجعیت، آبروی رهبری و عزت کشوری را به باد فنا دهند.

❖ ادعای خروج ارواح از کالبد انسان و فرستادن آنها به عوالم دیگر با قدرت انحصاری روح القدس.

❖ ادعای دارا بودن محاصره در مقابل حملات اجنه و ارواح سرگردان و تعویض این لایه محافظ به دیگران.

سزالات؟

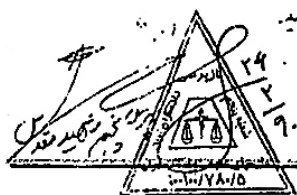
۱. ایشان می گویند من واسطه فیض به این شبکه و جهان هستم آیا این نظر مخالف شریعت و دین می باشد؟
۲. آیا تقسیم کردن جهان به این مطلقه صحیح است و در صورت منفی یون پاسخ دهید مردم در قبال این تفکر و این شخص باید چگونه باشد؟
۳. این فرد عقاید خود را در قالب ۳ کتاب و سخنرانیها ترویج می کند آیا در کتابها جمله کتب غاله می باشد یا خیر؟ و خرید و فروش این گونه کتب چه حکمی دارد؟
۴. حضوری در جلسات این فرقه چه حکمی دارد؟
۵. تکلیف مسلمانان در برخورد با این شخص باید چگونه باشد؟
۶. ایشان مدعی است انسان می رسد به جایی که مقیم الیه می شود، این آیه شریعت سازگار است یا خیر؟

محمد مهدی سمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

بنی آدمی که مطالب فوق کرد این فار در جزده پرست تحت عنوان رنجش از انهدارات جبر فرقه زمان کجمن ان (عقاید) است

معتقد به شدت کفر منکرات و فرود بیات اسلام می باشد در دست دار این عقاید را در سطح وسیعی نشر داده صدقات مؤذنی الارض خواهد بود کتبی این مطالب را در بر دارد و نیز کتب فاسد است و در کتب در دست از تمام رقابل نیز راست چنین شخصی با چنین عقایدی مثل حد مؤذنه مرتزی



آدرس

❖ ادعای دارا بودن محافظ در مقابل حملات اجنه و ارواح سرگردان و تقویض این لایحه مبنایند به دیگران.

سزالات؟

۱. ایشان می گویند من واسطه فیض به این شبکه و جهان هستم آیا این نظر مخالف شریعت و دین می باشد؟
۲. آیا تقسیم کردن جهان به این حلقه صحیح است و در صورت منفی بودن پاسخ وظیفه مردم در قبال این تفکر و این شخص باید چگونه باشد؟
۳. این فرد غناید خود را در قالب ۲ کتاب و سخنرانیها ترویج می کند آیا این کتب از جمله کتب مخالفه می باشد یا خیر؟ و خرید و فروش این گونه کتب چه عواقبی دارد؟
۴. حضور در جلسات این فرقه چه حکمی دارد؟
۵. تکلیف مسلمانان در برخورد با این شخص باید چگونه باشد؟
۶. ایشان مدعی است آسمان می رسد به جنایی که تقسیم السلاطه می شود در این آیات:

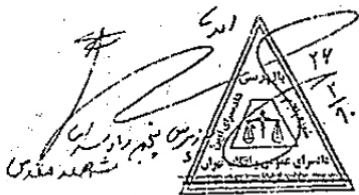
شریعت سازگار است با حقیقت

بسمه تعالی

کاشانه طاری اخبار فوقی باشند از مسیر درستی
 و هیچ اسلامی فاصله گرفته اند و چهار و سازش
 شیطان می شده اند و کسی هم که در این زمین با این تفلک است
 نوشته می شود همراه کننده و جز کتب فنانده است
 در طالع و نوشته و آثار آنها اجازت نیست و خرید و فروش آن هم حرام است
 نیز برخی از این اخبار در صورتیکه به انگار خدا درین و اهل بیت (ع) منفرستود
 طالع می لغتباد باشد باعث ارتداد است و در صورت ارتداد از داد حکم
 آن شخص است و علی ای حال بر زمین لایتم است که از اینگونه افراد
 و اینگونه نظرات دوری شود



آدرس:



«اللَّهُمَّ كُنْ لِيُوكِكَ الْحَجَّ بْنَ الْحَسَنِ

فارسی Urdu Azeri العربية English



تعیین مصداق در استفتائات

(پاسخ دفتر استفتائات آیت الله العظمی صافی به سؤالی درباره تعیین مص

پاسخ دفتر استفتائات آیت الله العظمی صافی به سؤالی درباره تعیین مصداق در استفتائات

بسمه تعالی

دفتر مرجع عالیقدر شیعه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی دام ظلّه

سلام علیکم

احتراما با توجه به استفتائی که از معظم له درباره عرفان کیهانی (حلقه) شده است بفرمایید آیا پاسخ ایشان نظر به ارتداد، شخص خاصی دارد یا خیر؟

بسم الله الرحمن الرحيم


علیکم السلام ورحمه الله

جواب استفتائاتی که معظم له مرقوم می دارند در فرض کلی است و در ارتباط با موضوع یا شخص خاصی نیست و تعیین
باشید

موضوع: استفتائات ۴ جدیدترین

چهارشنبه ۱۱ شهریور / ۱۳۹۶

با ۱۴۰۱ - سانی دفتر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی قم - خیابان انقلاب (چهارمردان) - کوچه شماره ۶ تا



علیه السلام

www.gorgani.ir

بخش پاسگویی مسائل شرعی

سازمان نظام رسالت مهر

مجلس علم حسد

توبه و عبادت و نماز و زکوة و صدقات و عساکر الشیعة

سازمان نظام رسالت مهر

www.gorgani.ir

بخش پاسگویی مسائل شرعی

سازمان نظام رسالت مهر

استفتای ارسال شده توسط شما بدین شرح است

حضورت ایت الله گرگانی ایجابهای حکمی درخصوص ارتداد آقای محمدعلی طاهری صادر کرده اید؛ در صورت صدور ایشان کل از محکومیت اظهار ندامت و توبه نموده است. آیا بقرینه حکم ارتداد ملاحظ می‌نمود؟

پاسخ به استفتای شما

بسمه تعالی

هرچگونه حکم ارتدای برای ایشان به صورت صد در صد صادر نشده است بلکه مطالبی به ایشان منتسب شده است که مخالف ضروری دین اسلام است که بر فرض صحت این مطالب حکم ارتداد ثابت است البته افرادی نیز بر آموزه های اشتباه ایشان تهمت داده اند ولی با این حال حکم منکوره به صورت مندرط و بر فرض ثبوت این مطالب بیان شده است و بر فرض ثبوت چنانچه کل از صدور حکم ارتداد توبه کرده باشند و ملتزم به آن نباشند حکم ساقط است



پشتهای بلیگه :

- منحه امنی
- ژنتی نمه
- ارسال سوال بهر
- چید ترین استفتائت
- چید ترین اخبار
- مجموعه تصاویر
- مصرفات قرهنگی

والتوبه نرم انظار :

- جمع نظری
- تفتنی با احتکاف و احکم آن
- توزلههی
- تحریر التوبیة
- احکام جواتان
- احکام بطوان
- (جهل حیت با موضوع قرآن کریم (نسخ
- (چای احکام (بزه تلقان همراه
- (انوار اخلاقی (بزه تلقان همراه

استفتای ارسال شده توسط شما بدین شرح است:

حضرت ایت الله گرگانی ایاجنابعالی حکمی در خصوص ارتداد آقای محمدعلی طاهری صادر کرده اید؟ در صورت صدور ایشان قبل از محکومیت اظهارندامت و توبه نموده است. آیا باتوبه حکم ارتداد ساقط میشود؟

پاسخ به استفتای شما:

بسمه تعالی

هیچگونه حکم ارتدادی برای ایشان به صورت صد در صد صادر نشده است بلکه مطالبی به ایشان منتسب شده است که مخالف ضروری دین اسلام است که بر فرض صحت این مطالب حکم ارتداد ثابت است البته افرادی نیز بر آموزه های اشتباه ایشان شهادت داده اند ولی با این حال حکم مذکور به صورت مشروط و بر فرض ثبوت این مطالب بیان شده است و بر فرض ثبوت چنانچه قبل از صدور حکم ارتداد توبه کرده باشند و ملتزم به آن نباشند حکم ساقط است



بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت ایت الله العظمی علوی گرگانی

بسلام واحترام

دفاعیات دستنوشته آقای محمدعلی طاهری تقدیم میشود. اعلام نظر فرمایید.

بیتشکر فروزین

با سلام دفاعیات ایشان مطالعه شد پاسخگویی ایشان به اتهامات عملاً حکم به ارتداد ایشان و یا عدم اعتقاد ایشان را به آنمه نفی میکند و ما نیز بارها گفته ایم که حکم به ارتداد برای ما قطعی نیست و نفیاً و اثباتاً نظری نمیدهم لکن انحراف مکتب عرفان حلقه منحصر در نفی امامت و امثال این امور نیست بلکه همان گونه که در ملاقات حضوری گفته شد ایشان در صدد بیان مکتب فکری و جریانی هستند که در این جریات آگاهی کامل ندارند و بعضاً دچار انحرافات در بیان و راهنمایی هستند و بعضاً حتی از عرفانهای باطل همانند صوفیها و اهل سنت و یا عرفانهای مسیحی بهره برده اند که به نظر ما تمسک به این جریان فکری صحیح نیست و تا زمانی که ایشان نسبت به قرآن و کلمات اهل بیت علیهم السلام آگاهی کامل پیدا نکنند نمیتوانند سردمدار یک مکتب عرفانی اسلامی باشند.



پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیة الله العظمی کاشمری

بسم الله الرحمن الرحيم

کد رهگیری: **9405180005**

:: با اهداء سلام و تحیت:
پاسخ:

چنین مطلبی (حکم به ارتداد) صحت ندارد، ولی ایشان انحرافات فراوانی دارند و شرکت در کلاس های ایشان جایز نیست.

کاربر گرامی لطفا جهت تایید دریافت این نامه کلیک کنید.

همیشه موفق باشید

دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی / بخش استفتانات

با توجه به اهمیت و حساسیت سوالات کاربران محترم، خواهشمند است فقط از طریق بخش ارسال سوالات سایت اقدام فرمایید و از پاسخ به این ایمیل خودداری فرمایید.
پاسخگویی آنلاین به سوالات شرعی، اعتقادی و ...

WWW.MAKAREM.IR/Persian

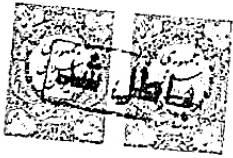
MAKAREM@MAKAREM.IR

حضرت آیت الله مکارم ایا جنابعالی حکم ارتداد محمدعلی طاهری را صادر فرموده اید؟ در صورت صدور حکم حضرتعالی ایشان قبل از محکومیت اظهار ندامت وتوبه نموده اند. آیا حکم ارتداد با توبه ساقط میشود. باتشکر

سید خلیلی - سید محمود علیرزاده طباطبائی
زینب طاهری
وکلای پایه یک دادگستری



تاریخ :
شماره :
پیوست :



ریاست محترم دیوان عالی کشور

موضوع: فرجنازایی ازدادنامه شماره ۱۶۶/۱۶۶۲۶۶۲۶۶ دادگاه استعاب تهران
سلام علیکم

احتراماً: به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا محکوم علیه دادنامه فوق که به اتهام افساد فی الارض به اعدام محکوم گردیده و رأی صادره در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۷ به وکلای وی ابلاغ گردیده است در فرجه قانونی به استناد هر سه بند ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به ماده ۴۲۸ آن قانون بنا به دلایل ذیل به حکم صادره معترض بوده و تقاضای رسیدگی فرجامی را داریم .

حکم صادره واجد ایرادات متعدد شکلی و ماهوی است
ایرادات شکلی و عدم رعایت اصول دادرسی:

- (۱) بیطرف نبودن قاضی محترم دادگاه
- (۲) عدم رسمیت دادگاه
- (۳) عدم رفع نقص اعلامی قاضی قبلی دادگاه
- (۴) ادبیات غیر حقوقی دادنامه
- (۵) عدم ابلاغ رأی به متهم

ایرادات ماهوی و عدم انطباق مستندات با مدارک موهوم در پرونده:

- (۱) دادنامه صادره بلحاظ مستند و مستدل نبودن مغایر با اصل ۱۶۶ قانون اساسی است .
- (۲) دادگاه به اقرار و اظهار متهم به ضروریات دین و ادای شهادتین و قبول کلیه اصول و فروع دین و قانون اساسی و نظام مقدس اسلامی در کلیه آثار نوشتاری و شنیداری وی توجهی نکرده است

سید خلیلی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

شماره پرونده: ۱۶۶۲۶۶۲۶۶
تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۷
محل: تهران

سعید خلیلی - سید محمود علیرزاده طباطبائی

زینب طاهری

وکلای باریک دادگستری



کانون وکلای دادگستری بزرگ

تاریخ:
شماره:
پیوست:

۳) مطالب منتسب به آقای طاهری در باب عقاید وی پیرامون خدا، اصل نبوت، قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام غیر مستند و مجعول بوده و اغلب مطالب مندرج در رأی در آثار گفتاری و نوشتاری ایشان وجود نداشته و یا قلب گردیده اند.

۴) با وجود قوانین روشن اسناد به فتاوی فقهاء فاقد وجهت حقوقی و شرعی بوده و تضعیف اصل ولایت فقیه و نظام مستقر محسوب می گردد.

۵) مطابق آراء فقهای سلف و متأخرین، افساد فی الارض و محاربه عناوین مستقلی نیستند و صدور حکم اعدام به عنوان مفسدفی الاض خلاف بین شرع انور است و وجود لغزش یا اشتباه شخص در برداشت از دین، شرعاً و قانوناً مجوز کشتن یک انسان مؤمن نمی شود.

مشروح ادله و منابع و مدارک و مستندات لایحه متعاقباً و تفصیلاً ارائه خواهد شد.

۳۷۴۷۰۳۸
۸۴
۹۰۰۱۱۲۳۵۶/۳۲
۹۴,۹۲۷
۱۰۰۳۵۰۰

سعید خلیلی
زینب طاهری
وکلای باریک دادگستری و مشاور حقوقی

بنام خدا
در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۷
۹۰۰۱۱۲۳۵۶/۳۲
۹۴,۹۲۷
۱۰۰۳۵۰۰

نشانی: تهران، خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از سه راه خواجه عبدالله انصاری، شماره ۹۶۵ طبقه ۴ واحد ۱۶

تلفن: ۲۲۸۶۴۹۳۵ فکس: ۲۲۸۶۴۹۳۶



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی



موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه)

به نام خدا

تفاهم نامه همکاری علمی، پژوهشی و آموزشی

با توجه به توان اجرایی طرح های علمی، پژوهشی و آموزشی و کاربردی فراگیر در "دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی" دانشگاه علوم پزشکی ایران، از طرفی و تجربیات علمی و عملی "موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی(حلقه)" از طرف دیگر، در خصوص ارایه راهکارهایی در جهت بهبود ایجاد فضای مذاکره و تبادل اندیشه، استفاده از توانایی ذهنی در چیدمان اطلاعات و نحوه بهره برداری از آن و بررسی آسیب های ذهنی، جنبه های مدیریتی، بررسی نحوه ایجاد آرامش و سلامت جسم، ذهن و روان و تعالی بینش کارکنان، ساماندهی امور و گسترش خلاقیت و تعریف مدیریت رفتار و تحقق آن، ایجاد انگیزه، احساس رضایت شغلی و ایجاد روحیه تعاون در بین کارکنان، تفاهم نامه زیر به منظور بهره گیری از امکانات و توانایی های تخصصی، علمی، عملی، آموزشی و آزمایشگاهی طرفین در جهت ارتقای هر چه بیشتر مطالعات و پژوهش های علمی و کاربردی مرتبط با اهداف طرفین یاد شده، تنظیم و مبادله می گردد.

ماده - ۱: طرفین تفاهم نامه

آقای شهرام توفیقی به نمایندگی از دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران تلفن: ۸۸۷۸۸۸۲۷ به نشانی خیابان ولیعصر (عج) - بین ظفر و نیایش - نیش خیابان شهید بهرامی - دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی آقای محمد علی طاهری، مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی(حلقه) به نشانی سعادت آباد- بلوار دریا- مطهری شمالی- ارغوان شرقی- پلاک ۶۴ - تلفن: ۸۸۶۹۶۴۵۴

ماده - ۲: موضوع تفاهم نامه

- همکاری علمی و پژوهشی در جهت طراحی، تدوین و اجرای برنامه ها و پروژه های مرتبط با اهداف مشترک.
- برگزاری و پشتیبانی سمینارها، کارگاه های آموزشی و دوره های علمی تخصصی با استفاده از ظرفیت های آموزشی و اسناد و مدارک علمی و پژوهشی و کتابخانه ای بین طرفین.
- ارایه مقالات مشترک در مجامع داخلی و خارجی.
- تشکیل کمیته های علمی و فنی مشترک جهت پشتیبانی تکنیکی در جهت انجام، بررسی، برنامه ریزی و تدوین طرح های مورد نیاز در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی.
- انتشار کتب، مجلات و مقالات علمی حاصل از نتایج طرح های تحقیقاتی مشترک، در زمینه های مورد توافق.
- تبادل تجارب و استفاده از توان اساتید و پژوهشگران، منابع و اطلاعات علمی، امکانات آزمایشگاهی و همچنین معرفی توانمندی های مرکز و پژوهشکده به بخش های یکدیگر.

ماده - ۳: مفاد تفاهم نامه

- الف- پیشنهاد طرح های مطالعاتی و پژوهشی
- ب- پشتیبانی و برگزاری دوره های علمی تخصصی و کارگاه های آموزشی طرف دیگر.



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی



موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه)

- ب. همکاری در انتشار کتب و مقالات علمی حاصل از نتایج طرح‌های تحقیقاتی.
- ت. خدمات علمی، آزمایشگاهی و پشتیبانی مورد نیاز هر یک از طرفین برای انجام طرح‌های پژوهشی.
- ث. خدمات مشاوره‌ای جهت برنامه‌ریزی‌های آموزشی، پژوهشی، علمی و فنی به یکدیگر.

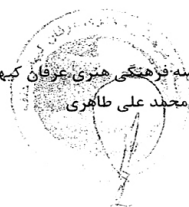
ماده - ۴: روش اجرایی

طرفین پس از امضای این تفاهم‌نامه، نمایندگان تام‌الاختیار خود را جهت بررسی جزئیات و نحوه اجرا، معرفی و در اسرع وقت جلسه‌ای با حضور نمایندگان فوق و گروه کارشناسی در یکی از سازمان‌های مربوطه برگزار خواهد شد. برگزاری گردهمایی کارشناسان طرفین، برای حداقل هر دو ماه یک بار، به منظور پیشبرد اهداف تعیین شده، تشکیل جلسه بین‌روسای هر دو سازمان، حداقل هر شش ماه یک بار، برای بررسی گزارش‌ها و روند انجام تفاهم‌نامه به وسیله نمایندگان و کارشناسان مربوطه. این تفاهم‌نامه هیچگونه تعهد الزام‌آوری برای طرفین ایجاد نمی‌کند و اجرایی شدن هر یک از مفاد آن مستلزم انعقاد قرارداد مختص و مجزا، بین طرفین خواهد بود.

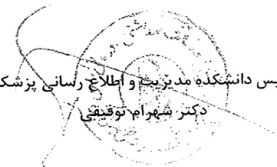
تبصره:

این تفاهم‌نامه برای مدت چهار سال تنظیم و در صورت توافق هر دو سازمان، قابل تمدید برای سال‌های بعد نیز خواهد بود.

مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه)
مجتهد علی طاهری



رئیس دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی
دکتر شهرام توفیقی



جنجالی‌ترین پرونده درطول تاریخ چهل ساله قوه قضائیه ایران، پرونده دکتر محمدعلی طاهری می‌باشد که نظر تمام محافل حقوق بشری و انسان‌های آزاده در اقصی نقاط جهان را نیز به خود جلب کرده است. شایان ذکر است که کلکسیون‌ی از انواع نقض قوانین و ترفندهای غیرانسانی و غیراخلاقی به کار رفته در مورد متهمان عقیدتی و سیاسی تا به امروز، در این پرونده به چشم می‌خورد! اتاق خالی از فکر پرونده‌سازان با اعمال نفوذ و برخورداری از تمام امکانات اعم از بودجه‌های میلیاردی، دسترسی به رسانه، دسترسی به افراد صاحب امضاء و ... ندانسته و ناخواسته، عامل رقم خوردن تجربه‌ای از جنس حق‌طلبی، ایستادگی، مردانگی، عشق، امانت‌داری، ایثار، شجاعت، غیرت و ... توسط دکتر محمدعلی طاهری، این مرد آهنین زندان‌های جور و ظلم، شدند. احکام دادگاه‌های تفتیش عقاید و دفاعیه‌های جانانه این بزرگمرد برای همیشه در تاریخ این مرز و بوم ثبت و ضبط خواهد شد و آیندگان در مورد تک به تک افراد دخیل در پرونده، قضاوت خواهند کرد.